



دولت جمهوری اسلامی افغانستان



وزارت تحصيلات عالی

ریاست پوهنتون هاومؤسات تحصيلات عالی خصوصی

پوهنتون خصوصی سلام

پوهنځی شریعات

پروگرام ماستری دیپارتمنت فقه وقانون

حکم تعدد زوجات، فلسفه وحکمت آن

در پرتو شریعت وقانون

(پایان نامه ماستری)

استاد رهنما: پوهاند دکتور محمد اسمعیل لیبیب "بلخی" (حفظه الله)

تحقیق کننده: غلام محی الدین "منصف"

سال: 1397 هـ ش مطابق 1439 هـ ق و 2018 م



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
ریاست پوهنتون هاومؤسسات تحصیلات عالی
خصوصی
پوهنتون خصوصی سلام
پوهنځی شرعیات
پروگرام ماستری دیپارتمنت فقه و قانون

حکم تعدد زوجات، فلسفه و حکمت آن
درپرتو شریعت و قانون
(پایان نامه ماستری)

استاد رهنما: پوهاند دکتور محمد اسماعیل لیبب "بلخی" (حفظه الله)

تحقیق کننده: غلام محی الدین "منصف"

سال: ۱۳۹۷ هـ ش مطابق ۱۴۳۹ هـ ق و ۲۰۱۸ م



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دپارتمنت فقه و قانون

بورد ماستری

تصدیق نامه

محترم غلام محی الدین ولد شمشیر خان ID نمبر Sh-msf-93-026 (از دور دوم فقه و قانون) از پایان نامه ماستری خویش زیر عنوان: حکم تعدد زوجات، فلسفه و حکمت آن در پرتو شریعت و قانون به روز پنجشنبه تاریخ ۸ / ۶ / ۱۳۹۷ هـ ش موفقانه دفاع نمود ، و از نظر هیات ژوری مستحق 76 (نمره به عدد) هفتاد و شش (نمره به حروف) گردید ، موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم .

امضاهای اعضای هیات ژوری :

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور رفیع الله عطاء	عضو هیات	
۲	دکتور نجیب الله صالح	عضو هیات	
۳	دکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی	رهنما و رئیس جلسه دفاعیه	

معاون علمی

آمر بورد ماستری



الله متعال درقرآن کریم می فرماید:

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا﴾ صدق الله العظيم سوره نساء آیه ۳

ترجمه:

واگر ترسیدید که عدل نتوانید کرد در حق دختران یتیمیه پس نکاح کنید آنچه خوش آید شمارا از سایر زنان دو و سه و چهار پس اگر میترسیدید که درین صورت نیز عدل نتوانید کرد پس نکاح کنید یک زن را یا کنیزگیرید آنرا که مالک شده دست های شما این نزدیک تراست به آن که جور نکنید. (راست گفت خداوند بزرگ)

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید:

عن انس رضی الله عنه قال. کان رسول الله صلی الله علیه وسلم ، یأمرنا بالبراءة، وینہانا عن التَّبَثُلِ نہیا شديداً ویقول. تزوجوا الودود الودود فانی مکاثر بکم الانبیاء یوم القیامة (صدق رسول الله صلی الله علیه وسلم) ترجمه :

از انس رضی الله عنه روایت است کہ رسول الله صلی الله علیه وسلم مارا بہ نکاح امر می فرمود وازکنارہ گیری از نکاح بہ شدت منع می نمود وپیامبر صلی الله علیه وسلم می فرمود زنی دوست داشتنی واولاد آورنده را بہ نکاح گیرید، ہرآینہ من در روز رستاخیز میان انبیاء علیہم السلام بہ کثرت شفافخر میکنم . ودر روایت دیگر آمده است(تناکحوا وتوالدو فانی أباهی بکم الامم) ترجمہ : نکاح کنید واولاد بیاورید ہرآینہ من دربین امت ہا بکثرت شما می بالم. راست گفت رسول الله صلی الله علیه وسلم

ابن عباس رضی الله عنہما می فرماید : فإن خیرہذہ الأمة أكثرہا نساء ۲ ترجمہ : ابن عباس رضی الله عنہما برای سعید بن جبیر صاحب گفت: ازدواج کن زیرا بہترین این امت کسی است کہ زن بیشتر داشته باشد.

اهدا

قبل از همه سپاس بیکران از آن الله رب العزت است که بنده را توفیق بخشید که این رساله را که اولین دست آورد و اثر علمی بنده به حساب می رود و نتیجه تلاش و زحمات فراوان می باشد به خدمت :

فامیل محترم اهدا می دارم که ریشه و اساس بخش مادی و معنوی زندگی ام را تشکیل داده و میدهند و از فیض دعاء و حمایت ایشان موفق به تکمیل بخشی از تحصیل خویش گردیده ام ، الله متعال برای ایشان پاداش نیک نصیب گرداند.

و به استادان محترم که از اثر تلاش صمیمانه و صادقانه شان که از همه زرق و برق دنیوی صرف نظر نموده و شب و روز مصروف تعلیم و تربیه فرزندان اسلام بوده اند و از هیچ نوع قربانی در عرصه دعوت و تبلیغ آموزش و پرورش فرزندان اسلام دریغ نورزیدند، الله متعال برای شان مرتبه بلند و سرفرازی دنیا و آخرت را نصیب گرداند.

و به تمام مسلمانان، برادران ، خواهران و به ویژه آن عده از پدران و مادرانیکه فرزندان خود را که به زیور تعلیم و تربیه دینی و اخلاق اسلامی آراسته نموده اند و از هر نوع کردارهای که منافی ارزشهای دینی و اخلاقی می باشد دور نگه داشته اند و قشر سالمی را به جامعه تقدیم و مصدر خدمت به ملت شده اند. الله متعال برای شان و برای همه مسلمانان جهان در پیشبرد تربیه سالم فرزندان توفیق عنایت فرماید.

آمین یارب العلمین

برحمتک یا رحم الراحمین

سپاس گذاری

سپاس بیکران از آن پرودگار دوجهان است ، درود و سلام به رهبر بشریت جناب پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم که فخر هر دو جهان است ، و براهل بیت و جمله یاران راستین او ، و کسانیکه درین راه با ایشان گام به گام روان بوده و میروند تا بدست آرند ایشان کامیابی هر دو جهان را. بعد از حمد و ستایش الله رب العزت و درود بر پیامبر بزرگ اسلام و آل و اصحاب و پیروان با عزت وی لازم میدانم از باب ادای سپاس و تقدیر از نعمت های بی پایان الهی که شامل حال بنده می باشد ، و از آنجمله تکمیل پروگرام دوره ماستری است و این همه از فضل و کرم الله جل جلاله و دعای نیک والدین و دوستان گرامی ام است .

به تاسی از ارشاد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم که می فرماید (من لم یشکر الناس لم یشکر الله)^۱ ترجمه: (کسیکه سپاس گذاری نکند نعمت های مردم را سپاس گذاری نمی کند نعمت های خداوند متعال را) و با استفاده ازین فرصت زرین از تمامی اساتید جلیل القدر پوهنتون سلام به ویژه از استاد محترم پوهاند دکتور محمد اسمعیل لیب (بلخی) حفظه الله که بنده را در نوشتن این رساله رهنمائی نمودند اظهار امتنان و قدردانی می نمایم و سپاس ویژه از استادان عالی قدر محترم دکتور رفیع الله "عطاء" و دکتور نجیب الله "صالح" که مسؤلیت مناقشه بحث این رساله را داشتند و در تکمیل این بحث قبول زحمت فرموده و با کمال اخلاص و حوصله مندی خویش بنده را یاری رساندند خداوند متعال برای شان و سایر استادان گرامی کامیابی دارین را نصیب فرمایند.

و در اخیر اظهار سپاس گذاری می نمایم از وزارت محترم تحصیلات عالی کشور به ویژه از هیئت محترم رهبری پوهنتون سلام و استادان گرامی آن که زمینه تحصیل را برای فرزندان کشور مهیا ساخته و با برخورد نیک در فضای اخلاق عالی اسلامی استقبال نموده اند فرصت و فضای مناسب را در اختیار محصلین قرار داده اند از تک تک ایشان جهان سپاس الله متعال موفقیت مزید و سعادت دارین را نصیب حال ایشان و همه مسلمانان گرداند. آمین یارب العلمین. برحمتک یا ارحم الراحمین.

^۱ سنن ترمذی باب الشکر لمن احسن الیک شماره حدیث ۱۹۵۵

خلاصه تحقیق

واضح و روشن است که سبب تنظیم و مقرر شدن احکام اسلامی گسترش عدالت و دوری از ظلم و ستم است. البته مراعات عدالت در موضوعاتی ضروری است که تحت قدرت و توان انسان باشد مانند برابری در خانه نشیمن، لباس و غیره اما در چیزهای که در قدرت و توان انسان نمی باشد مانند میل، آرزوی قلبی انسان مکلف نیست که عدالت را در آنها مراعات نماید زیرا به توان وی نمی باشد. بلی، اصل در سعادت و شایستگی زنده گی فامیل، آنست که هر مردیک زن و همسر داشته باشد و این نهایت مرتبه سعادت و نیک بختی است که نوع انسان به آن تربیه و آموزش داده شود و بر آن قناعت کند و عادت گیرند.

البته نظام اسلام نظامی فطری است که همیشه منظورش پاکی اجتماعی از نابسامانی های مادی و معنوی است درین صورت برای انسان اجازه نمیدهد که روی هدف مادی بچرخد و مکارم اخلاقی را نادیده و اجتماع را به هر نوع فساد مادی و روحی آلوده سازد اما روا شدن چند همسر به نهایت تحت شرایط و حالات بسیار سخت است و این رخصت برای کسانی که به آن سخت نیاز دارند داده شده است.

به شرطیکه در رعایت و حفظ عدالت و ناروا بودن جور و ستم اعتماد کامل داشته باشند. زیرا وقتی انسان حال کسانی را که دارای چند همسری باشند ملاحظه می نماید که چقدر به زندگی تلخ و ناآرام گرفتاراند به این باور می شود که خانه مردی که در آن دو زن یا بیشتر می باشد، غالباً حال درست و نظم صحیح ندارد و به غیر از جنگ، درگیری و خصومت دیگر چیزی مشاهده نمی شود.

بدون شک ثابت می شود که هر کدام از زنها بچه های خود را به دشمنی و عداوت با برادران مادر دیگرش ترغیب می نمایند. و شوهر را باعث می سازد که به اولاد زنهای دیگرش توجه نداشته باشد و غالباً شوهر از زنی که بیشتر دوست دارد اطاعت نموده فساد در تمام فامیلش حکم فرما می شود، بلکه بسا اوقات به دزدی، دروغ، زنا و خونریزی قومی منجر می گردد.

ولی بعضی مشکلات و ضرورت های برای برخی از مردان و فامیل ها پیدا می شود که به واسطه آنها به این امر رخصت اقدام نمایند. مثلاً:

۱- مردبازنی ازدواج کرده که اولاد نمی آرد، و علاقه دارد که صاحب فرزند شود و به مصلحت و خیرهد و آنسست که همسر دیگری بگیرد و همسر اولی اش نیز به خانه اش باقی باشد و او را بیچاره و سرگردان نسازد خصوصاً در صورتیکه صاحب جاه و ثروت باشد.

۲- همسرش به سن نازائیدن و یأس رسیده و مرد نیازمند فرزند است و میتواند تأمین نفقه زیاده از یک زن و اولادش را بنماید و در تربیه شان موفق باشد.

۳- مرد دارای طبیعت و مزاج خاص است که در پاکدامنی اش یک زن کافی نیست و او را محتاج زنهای دیگری می سازد ولی میل و طبیعت همسرش به خلاف اوست و یا همسرش به خونریزی ایام زیادی مبتلا است درین صورت مرد بر سر دو راهی قرارداد یا همسر دیگری میگیرد و یا به زنا و فحشاء اقدام نموده دین و مال و تندرستی، آبرو و عزت اش را به باد فنا میدهد واضح است که طریق دوم بر همسرش به مراتب از آوردن همسر دیگری با مراعات عدالت بدتر و مضرتراست و در اجتماعات بشری مشاهده میشود که آرزوی جنسی مرد تا سن هفتاد بلکه بالاتر از آن دوام دارد. و در زن از سن پنجاه این آرزو خاموش میشود و در این میان بیست سال آرزوی مرد متوقف میگردد در حالیکه عمر آن زمین و آبادی آن بر افزایش نسل انسان ارتباط مبرم و قطعی دارد. در بسیاری از جمعیت های زمان گذشته و حاضر حالت های واقعی است که بیانگر افزایش تعداد زنهای صالح ازدواج بر مردان صالح ازدواج میباشد. و بلندترین این بیشتری در بعضی مجتمعات و توده های بشر بنابه ملاحظه تاریخ از یک بر چهار تجاوز نکرده است و بطور همیشه به همین حدود می چرخد درین صورت این مشکل را چه طور معالجه نماییم؟ خصوصاً در جمعیت های که جهاد و مبارزه در آن مشروع شده و اجرای آن تاحدی ممکن توسط مردان صورت میگیرد. برای معالجه این مشکل سه راه در پیش داریم.

۱- هر مرد یک زن را که آماده ازدواج است به نکاح گیرد. بعضی زنهای بی همسر که باقی می مانند زنده گی خود را طوری بگذرانند که مرد را نشناسند.

۲- هر مرد یک زن را به نکاح شرعی میگیرد بعضی بازن های دیگر بطور نامشروع رابطه برقرار می سازد که هر مرد دوست خصوصی و نامشروع خود را می شناسد.

۳- همه مردان یا بعضی شان زیاده از یک زن بگیرند و این زن شریف و پاک دامن شوهر خود را به طور واضح و آشکار بدون رابطه نامشروع و دوستی پنهانی می شناسد.

۴- طریق اول امری است مخالف فطرت و طبیعت که مرد را در زنده گی خویش نشناسد و نظری سطحی بعضی که میگویند زن هرگاه به کسب و عمل مصروف شود خواهشات جنسی خود را فراموش میکند این حقیقت را دفع نه میکند، بلکه موضوع از این عمیق تراست اگر زن هر کار و کسب را بنماید او را از نیازمندی فطری اش بی نیاز نمی سازد چنانچه مرد هر کاری را انجام دهد برایش کافی نیست و می کوشد که همدم و مونس برای خود بیابد، زن در این موضوع فطری مانند مرد است زیرا هر دو یک نفس واحدی دارند. طریق دوم: مخالف روح پاک اسلام و ضد کرامت انسانی و بشری است.

طریق سوم: راهی است که اسلام او را اختیار نموده است اختیاری که عزیمت و قانون اصلی به شمار نمی آید بلکه اختیاری، ضروری و رخصت است مقید به قیود عادلانه اختیاری است که این مشکل اجتماعی را با در نظر داشت به کاربردن عدالت و بارعایت خصلت پاک و شایسته مجتمع نظیف بشری به نحو علاج نماید که او را از فحشاء و آلوده گی های نامشروع جنسی نگهدارد و به مقام عالی انسانیت برساند و این طریق حکیمانه عبارت از مباح ساختن تعدد زوجات است با شروط و حدود مقرر آن، اسلام مخترع و مبتکر تعدد زوجات نیست واضح و روشن است که اسلام پیدا کننده و مخترع تعدد و بیش از یک زن داشته نمی باشد، بلکه فقط آن را محدود به میزان نموده که ضرورت اجتماعی را دفع می نماید و به تعدد زنان امری جای صادر نکرده بلکه تعدد را با قیود و شرایط روا ساخته است که عدالت را حفظ و واقعیت های تاریخی را جواب ده باشد امام ترمذی رحمه الله در صحیح خویش با اسناد خود روایت می کند که غیلان بن سلمة ثقفی رضی الله عنه مسلمان شد و ده زن داشت رسول کریم صلی الله علیه و سلم برایش فرمود (اختر منهن اربعاً)^۱ یعنی از زنهای چهار تا را برای خود برگزین. امام ابن ماجه رحمه الله علیه از قیس بن الحارث رضی الله عنه روایت میکند

^۱ بروایت امام ترمذی شماره حدیث (۱۱۲۸)

وقتی به اسلام مشرف شدم هشت زن داشتم و این موضوع را به خدمت پیغمبر صلی الله علیه وسلم عرض نمودم فرمود (اختر منهن اربعاً)^۱ ازین ها چهارتا را اختیار کن.

وامام شافعی رحمه الله علیه در مسند خود از نوفل ابن معاویه دیملی رضی الله عنه روایت می کند که گفت: در لحظه کی به اسلام مشرف شدم پنج زن داشتم، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود (اختر منهن اربعاً ایتهن شئت وفارق الاخری) هر چهاری را که می خواهی برگزینی و دیگری را جدا ساز. آری، دین اسلام در حالی جهان را نور افشان ساخت که مردان ده زن یابیش و کم داشتند بدون حد و اندازه و بلا قید و شرط. اسلام آمد خطاب به آنها فرمود که درین جا حد و اندازه است که نباید مسلمان از آن زیاده روی کند و آن عبارت از نکاح گرفتن چهار زن است به شرط عدالت. موضوع ازدواج را آزاد و مطلق العنان نساخته که به ظلم و بی عدالتی منجر شود.

بلکه اندازه ضروری را برایش تعیین نموده و یا اختیاری را بی قید و شرط به مردها مربوط نساخته فقط معیار و میزان را تشخیص نموده که اجتماع را از بی بند و بی باری نجات و به اخلاق عفیفه انسانی و عدالت فامیلی جاری سازد و در غیر آن مباح نمی باشد. آری: از آنجای که اسلام نظام انسانی است و نظام واقعی مثبت است درین جامعیه و میزانی را بکار برده که با طبیعت و فطرت انسان موافق، با واقعیت و ضروریات دوران های زندگی رنگا رنگ در هر جای و در هر وقت و در هر حال سازگار است که همانا عدالت است چنانچه خداوند جل جلاله میفرماید. (وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكُمْ أَذْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا). سوره نساء آیه ۳

ترجمه: (و اگر ترسیدید که عدل نتوانید کرد در حق دختران یتیمه پس نکاح کنید آنچه خوش آید شمارا از سایر زنان دو و سه و چهار پس اگر می ترسیدید که درین صورت نیز عدل نتوانید کرد پس نکاح کنید یک زن را یا کنیز گیرید آنرا که مالک شده دست های شماین نزدیک تراست به آن که جور نکنید) ما اگر تاریخ بشری را از آغاز پیدایش آنرا ورق بزیم برای ما ثابت می شود که هیچ مردی در تاریخ گذشته به یک زن اکتفا نه نموده است. بلکه قبیله ها و گروه های که به تمدن آشنائی نداشتند

^۱ این ماجه شماره حدیث ۱۹۵۲

اساس توافق و رضایت مردان، زن حق مشترک و همه گانی آنها بوده و رئیس فامیل زن بوده است. زیرا غالباً مردمعین دریک فامیل وجود نداشته و بپیش رفت تمدن بشر ضرر اشتراک و همه گانی آنها درک کرد به تجرید و تقلیل شماره زن تمایل نشان داد.

اول اختصاصی که به وجود آمده این طور بود که زن های یک قوم و قبیله مخصوص برای مردان همان قبیله بوده است. قبیله و قوم دیگر در آنها شرکت و مداخله نداشته اند تا بالاخره به این درجه ترقی کردند که برای یک مرد چند زن اختصاص داشته باشد بدون شماره معین، بلکه حسب توان و قدرت مرد بوده، درین مرحله تاریخ فامیل ها و خانواده ها وارد دور جدید گردیدند و پدر رئیس فامیل شد و ریاست از زنان به مردان انتقال نمود، بالاخره انگلیس ها به این نتیجه رسیدند که هر مرد باید یک زن داشته باشد و باید به اساس این قانون تشکیلات خانوادگی قرار یابد و این امر مسلم و طبیعی است ولی هرگاه یک انسان به حوادث طبیعی و اجتماعی مبتلا شود و مجبور گردد که برای مصلحت و خیر زنان و ملت حسب استعداد طبیعی خود کفالت و سرپرستی چند زن را بنماید. درین صورت برای حل این مشکل چه چاره خواهد سنجیدند؟ آیا انگلیس ها دریک ملت از ملت ها به ازدواج فردی قایل اند؟ آیا در اروپا در هر صد مردی یکی پیدا خواهد شد زنا کرده باشد؟ نخیر، بلکه مرد به تقاضای طبیعت و خواهش جنسی خود نمی تواند به یک زن قناعت نماید، زیرا زن در هر وقت و زمان آماده رفع خواهشات جنسی مرد و حفظ و بقای نسل آن که هدف مهم آنست آماده نیست در حالیکه آرزوی و خواهش مرد مقید به وقت نه می باشد ولی پذیرفتن زن این خواهش را بطور همیشه میسر نیست، زیرا خواهش طبیعی زن بعد از پاک شدن از حیض است اما در حال حیض و گرانی و سنگینی حمل به این کار خواهش ندارد. آری، در دین اسلام زنا حرام قطعی است و منافی عقل و منطق و فطرت و اخلاق انسانی و صحت مندی انسان است. معیار فامیلی در اسلام واقعاً در تشکیل جامعه بیان گر مقام انسانیت و حافظ پاک و عفت آن است و به مقام والای انسانی و تمدن حقیقی وی سازگار است ازین رو دین اسلام آنها به شرایط مناسب جایز و روا گردانیده است، اما در ملت های که بیش از یک زن وجود ندارد طبق احصایه بچه های که از زنا پیدا شده اند به قدری زیاد است که تحت ضبط و حساب نمی آیند.

درفرانسه شماره آنها سی درصد و در مونیخ چهل درصد و در نمساء پنجاه درصد و در بروکسل به شصت درصد رسیده این مفاسد ویی بند و باری ها و فحشاء و منکراتی که آن کشور هارا نگران ساخته از منع نکاح بیش از یک زن به وجود آمده است. زنهای دانشمند و بانصاف اروپایی تعدد ازواج را یک امر حیاتی دانستند هرگاه اروپایی ها دانستند که اصلاح کارهای اجتماعی ضروری است و تمدن و پیشرفت واقعی به آن ارتباط دارد متوجه تربیه و آموزش زنها گردیده و این تصمیم اثربزرگی را در ترقی و پیشرفت شان بجا گذاشته است. ولی تربیه زن بدون در نظر داشت قوانین آموزش اسلامی به مرتبه کمال نمی رسد ما مشاهده می نمایم که با تربیه اروپایی ها ماده های فساد در بین آن کشور ها شایع است و به سبب آن به امراض ساری و تباه کن مبتلا گردیده اند و نویسندگان دانشمند آنها از عواقب این امراض مردم را بر حذر داشتند. از دانشمندان شان آنانیکه به دین اسلام آشنائی داشتند آرزو نمودند که ای کاش تعالیم و تربیتی اسلام در بین ما نافذ گردد و برخی از زنان دانشمند اروپا تعدد چند زوج را برای یک مرد پیشنهاد نموده اند. در جریده (لاغوص ویکلی دیکورد) در شماره ۲۰ اپریل سال ۱۹۰۱ به قلم زن نویسنده فاضله چنین نگارش شده: البته دخترهای یله گرد (ولگرد) بی صاحب در بین ما زیاد گردیده و کم کسی است علت آن را جستجو نماید و من زن هستم وقتی به حال آن ها می بینم دلم از غم شان پاره پاره می شود. در این غم و درد من اگر چه همه مردم بامن هم نواباشند بدون دست به کار شدن به کاریکه این حالت ناپاک را از بین ببرد دیگر فایده ای ندارد. فاضل دانشمند (تومس) مصدر خیر بسیار شده مرض را تشخیص و دوا ی که ضامن شفای آن باشد بیان نموده و چنین گفته است: دوا ی این مرض مهلک و ساری تعدد ازواج است. به تطبیق آن این بلا و مرض از بین میرود و دخترهای کوچه گرد صاحب خانه می شوند. و این بلا و مرض ساری از آنجا برخاسته که مردان اروپا مجبور اند به یک زن بسندگی کنند. زن فاضله و نویسنده دیگری بنام (مس انی رود) در سال ۱۹۰۱ این طور گفته است: دختران ما اگر خدمت گذار خانه یا خدمت گار باشند از اینکه در کارخانه جات کار کنند برای شان بهتر و فسادشان کمتر است زیرا در کارخانه چنان اورا ناپاک و ملوث ساخته و می سازند که تا ابد رونق زنده گی اش از بین میرود. ای کاش شهرهای ما مانند شهرهای مسلمانان دارای حشمت، پاکدامنی و طهارت می بود. پس ترین خدمت گارانها به زندگی

خوش و عشرت نیکو روزگارش سپری میشود و به آبروی شان کدم بدی و نقصان پیدانی شود. آری، برای مردهای انگلیس جای بسیار ننگ و عار است که دختران خود را باخلط شدن بامردان نمونه ردایل و خصلت های پست گردانیده اند چرا ما کوشش نمی کنیم تا کاری را برای زنها آماده سازیم که موافق فطرت و طبیعت شان باشد و کار مردان را به مردان بگذاریم خلاصه تعدد زنان مخالف دوستی و شفقت و آرامی شان نبوده، بلکه از بزرگترین نیکبختی شان به شمار می آید برای مسلمان مناسب نیست که بدون ضرورت و بدون اعتماد به وجیبه الهی (عدالت) به آن اقدام نماید ورنه مسبب ظلم و ستم بر نفس خود و بر زن، اولاد و ملت خود میگردد. دکتور (جنتاف لیون) میگوید نظام تعدد زنان و همسران، نظام مستقل است که پیش از اسلام بین شرقی ها موجود بوده، در بین یهودی ها و اهل فارس رواج داشته و در بین طوایف عرب سرایت کرده پیروان قرآن کریم این نظام را به وجود نیاورده و به توان و قدرت هیچ دینی نیست که مانند این نظام فاضل را ملغی گرداند، زیرا در علم تربیه بدن (سیولوجی) ثابت شده است که مطالب مادری زن و زایمان و دیگر امراضش او را مجبور می سازد که بیشتر وقت خود را دور از مرد سپری کند و این مجردی و تنهایی برای مرد شرقی و مزاج آنها و هوای شرق محال است که بدون همسر برود پس تعدد ازواج از مهمترین ضروریات به شمار می آید. ازینکه نظام تعدد زوجات موضوع مهم در دین مقدس اسلام بوده و از جمله ضروریات دینی به حساب می آید و بحث های که درین موضوع صورت گرفته بیشتر به زبان های غیر فارسی می باشند لازم دیدم تا بحث رساله خویش را تحت عنوان (حکم تعدد زوجات، فلسفه و حکمت آن در پرتو شریعت و قانون) بنویسم و مطالبی که مرتبط به این بحث اند در پنج فصل ذیل تقسیم بندی گردیده اند: فصل اول نگاهی تاریخی به تعدد زوجات که مشتمل به سه مطلب میباشد، مطلب اول: نصوص قرآن کریم راجع به تعدد زوجات، مطلب دوم: احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم راجع به تعدد زوجات مطلب سوم: سلف امت و تعدد زوجات، فصل دوم تعدد زوجات در اسلام که شامل سه مبحث می باشد مبحث اول موقف اسلام در برابر تعدد زوجات که شامل سه مطلب می باشد مطلب اول نصوص قرآن کریم راجع به تعدد زوجات، مطلب دوم احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم راجع به تعدد زوجات مطلب سوم سلف امت و تعدد زوجات. مبحث دوم حکمت و فلسفه تعدد زوجات که شامل سه

مطلب می باشد : مطلب اول ؛ تعددزواج در میان ملت ها، ریشه های تاریخی تعددزواج، اعترافات دانشمندان درباره چندهمسری، عوامل اجتماعی تعددزواج می باشد. مطلب دوم شامل مصالح فردی تعددزواج می باشد. مطلب سوم شامل مصالح اجتماعی تعددزواج می باشد. مبحث سوم شرایط تعددزواج در اسلام که دارای دو مطلب می باشد، مطلب اول شامل محدودیت ها، داشتن توانائی پرداخت نفقه، رعایت عدالت میان همسران، عدالت در تهیه و تدارک نفقه و مسکن، عدالت در رفتار و معاشرت، عدالت در شب گزاری و عدالت در حقوق زناشوهری و رابطه قلبی می باشد. مطلب دوم شامل شرایط غیرشرعی تعددزواج می باشد. فصل سوم شبههاتی وارده پیرامون تعددزواج و مشکلات آن، و راه بیرون رفت از آنها، که شامل یک مبحث بوده که این مبحث دارای مطالب پنج گانه می باشد. مطلب اول راجع به اشکال و پاسخ به آنها، مطلب دوم شبههاتی وارده پیرامون تعددزواج پیامبر صلی الله علیه وسلم و پاسخ به آنها، مطلب سوم فلسفه و حکمت تعددزواج پیامبر صلی الله علیه وسلم، مطلب چهارم مشکلات تعددزواج و اسباب آن، مطلب پنجم اضرار نه پذیرفتن تعددزواج .

فصل چهارم تعددزواج در قوانین وضعی بشر که شامل دو مبحث بوده ، مبحث اول دارای دو مطلب می باشد مطلب اول تعددزواج در قوانین وضعی کشورهای اسلامی ، مطلب دوم تعددزواج در قوانین وضعی افغانستان می باشد. مبحث دوم دارای دو مطلب می باشد؛ مطلب اول تعددزواج در اروپا مطلب دوم تعددزواج در قوانین افریقائی .

فصل پنجم آراء و نظریات فقهاء و دانشمندان اسلام در مورد تعددزواج؛ که دارای دو مبحث بوده که مبحث اول آن دارای دو مطلب می باشد مطلب اول شامل شروط و قیود تعددزواج، مطلب دوم شامل حکمت رخصت تعددزواج تا مرز چهار زن میباشد. مبحث دوم شامل چهار مطلب می باشد مطلب اول شامل تعددزواج تنها در حالت ضرورت ، خلاصه سخن شیخ محمد عبده می باشد، مطلب دوم شامل منع تعددزواج بطور مطلق و خلاصه دیدگاه و استدلال کرده دوم می باشد ، مطلب سوم در برگیرنده جواز تعددزواج بطور مقید می باشد، مطلب چهارم در برگیرنده دلایل گروه سوم ، بررسی و بازبینی آرای گروه اول ، نقد نظریه شیخ محمد عبده ، بازبینی دلایل گروه دوم ، ترج

رای برتر، خاتمه، فواید ازدواج، خلاصه مطالب و نتیجه و پیشنهادات می باشد. و در اخیر فهرست آیات شریفه و احادیث صحیحه پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فهرست اعلام و فهرست مصادر و مراجع و مطالب تحریر یافته است.

ومن الله التوفيق

الحمد لله الذي جعل تعدد الزوجات نعمة من نعمائه الكاملة

والصلاة والسلام سيدنا محمد وعلى آله واصحابه الذين هم صاحب الزوجات من الابكار والارامله

وعلى من تبعهم باحسان الى يوم البقاء والمحاسبة . اما بعد:

از آنجائیکه دین مبین اسلام دین الهی است که همه شریعت آن مطابق به خواسته های فطرت، و نیازمندی های جوامع بشری غرض تأمین منافع و مصالح بشریت از سوی خداوند متعال ذات حکیم نازل شده است همواره به رعایت اخلاق فاضله و به نظافت جوامع بشری از هرگونه مفساد تاکید دارد و هیچگاهی چنین کاری را اجازه نداده است که به فساد اخلاقی، خشونت علیه بشریت و انحلال جامعه بشری منجر گردد جامعه را خواهیم یافت که در آن مقررات خانواده سست و لرزان است چراکه

^۱ سید قطب، فی ظلال القرآن جلد اول ص ۸۳۸

معلومات راجع به سید قطب رحمه الله چنین می باشد: سید قطب شهید عقیده اسلامی و قربانی مقاصد انسانی پسر حاجی قطب پسر ابراهیم در سال ۱۹۰۶ میلادی در دهکه (قها) یکی از روستاهای استان اسیوط مصر، پایه عرصه وجود گذاشت. برادری که کوچکتر از او بود محمود خواهرانش حمیده و امینه نام داشتند. سید قطب تحصیلات دوره ابتدائی را در زادگاه خویش به پایان رسانید و در کنار آن از پدرش قرآن کریم و آداب دینی میاموخت و هنوز بیش از ده سال از عمر وی نگذشته بود که همه قرآن کریم را حفظ کرد و نگاه برای تحصیلات متوسطه به قاهره رفت و پس از پایان دوره دبیرستان وارد دانشکده (دارالعلوم) شد و در رشته زبان و ادبیات عربی به اخذ لیسانس نایل آمد. به هنگام تحصیل در قاهره پدرش وفات یافت و مسئولیت خانواده متوجه او گردید و به ناچار اعضای خانواده را به قاهره انتقال داد و در سال ۱۹۴۰ مرگ ناگهانی مادر او را دچار غم و اندوه سختی کرد تا آنجا که خود را در زندگی تنها و غریب می دید بعد از اخذ لیسانس در سمت بازرسی وزارت آموزش و پرورش به کار اشتغال ورزید، ولی چیزی نگذشت که از این سمت استعفا نمود. و همه توان خود را صرف پژوهش و نگارش کرد و پس از مدت کوتاهی در ردیف نویسندگان سرشناس مصر از جمله طه حسین و عباس محمود عقاد و مصطفی صادق رفعی جای گرفت. و مقالات و قصاید اجتماعی و دینی وی زینت بخش صفحات مجلات معتبر همچون (الرساله) (المقتطف) (اللواء الجديد) (الدعوة) (الصرخة) (مصر الفتاة) و (المسلمون) و الاشرکایة (ومشاهد القيامة فی القرآن) به چاپ رسید. به سال ۱۹۴۸ با نوشتن کتابی ارزشمند (العدالة الاجتماعية فی الاسلام) بار دیگر توجه همه گان را به ایدئولوژی پر بار و سازنده و زندگی اسلامی جلب نمود. در سال ۱۹۴۹ به همراه هیئت فرهنگی و پژوهشی برای مطالعه و بررسی روش های تعلیم و تربیت، به امریکا سفر کرد و دو سال و نیم در واشنگتن و کالیفورنیا به انجام این امر مهم پرداخت و با جامعه فاسد و مظاهر فریبنده و گمراه ساز تمدن غرب از نزدیک آشنا شد و سخت بر آن تاخت از سال ۱۹۵۱ به بعد به جمعیت اخوان المسلمین که حسن البناء رحمه الله آنرا بنیان گذاری کرده بود پیوست و فعالانه در پیش برد اهداف آن به تلاش پرداخت و به ریاست شورای نویسندگان و روزنامه نگاران رسمی آن جمعیت تعیین گردید. و درین مسیر به نوشتن کتابهای فراوان همت گماشت. از سال ۱۹۵۳ به بعد علاوه بر نگارش کتاب ها و مقالات مفید و محققانه، نوشته تفسیری را بنام (فی ظلال القرآن) آغاز کرد و در سال ۱۹۵۴ هنگامی که جمعیت اخوان المسلمین به توطئه ترور جمال عبدالناصر رئیس جمهور وقت مصر متهم گردید همراه گروه دستگیر و به ۱۵ سال زندان همراه با اعمال شاقه محکوم شد. بعد از سپری شدن ده سال آن عبدالسلام عارف رئیس جمهور وقت عراق به هنگام سفر به قاهره به سال ۱۹۶۴ شخصاً عفو وی را از جمال عبدالناصر درخواست نمود و سید قطب آزاد گردید. در سال ۱۹۶۵ کتابی را بنام (معالم الطریق) نوشت که به اثر آن همراه دسته از اخوان المسلمین به اتهام تلاش برای سرنگونی رژیم حاکم از راه مبارزه مسلحانه مجدداً به زندان افتاد و سرانجام روزیکشنبه ۱۹۶۶/۸/۲۲ حکم اعدام او از سوی دادگاه عالی نظامی صادر گردید. به دنبال آن سران و شخصیت ها و احزاب متعدد کشورهای اسلامی و جمعیت های آزادی خواه دنیا تظاهراتی براه انداختند و با ارسال تلگراف ها و پخش نوشته ها، صدای اعتراض و ابراز انزجار خویش را به گوش جهانیان رسانیدند و آزادی وی را درخواست نمودند. لیکن علی رغم همه اینها سرگام روز ۱۹۶۶/۸/۲۹ این حکم ظالمانه اجرا و سید قطب و چندی از یارانش به دار آویخته شدند. (انالله و انالیه راجعون). و چون استعمار از جسد مرده آزادگان نیز میترسید فرعونیان زمان او را پنهانی در یکی از مقابر قاهره خاک سپردند. بدین وسیله خورشید زندگی ظاهری ۶۰ سال سید قطب که چهل سال آن به خواندن و ۲۰ سال به نوشتن گذشت غروب کرد. ولی خورشید زنده گی باطنی و معنوی او همیشه فروزان و تابان است. و هر روز بیش از پیش آتش عشق به الله متعال در دل آزادی خواهان مسلمان برافروخته می سازد. و آنان را روانه پیکار بابتی دینان چپاولگر و استعمارگران ستم پیشه مینماید. و آثار جاویدانش چنان شور به سرجوانان اسلام می اندازد که رستاخیز پرچم مبارزه حق علیه باطل را از دست نخواهند افکند. سید قطب موفق به ازدواج - نشده و جز زادگان اندیشه، فرزندان از خود بجای نگذاشته. او پیوسته اسب قلم را در میدان شناخت اسلام و خدمت به جامعه اسلامی جهانبوده است و شمع وجود خویش را در راه رضایت الله متعال گذاخته است. و در زمینه های مختلف ادبی و تربیتی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فلسفی و دینی به نوشتن پرداخته است و گذشته از سخنرانی ها در مجامع عمومی و علمی و نگارش مقالات متعدد، و مقدمه نویسی فراوان بر کتاب های نویسندگان بزرگ و سرودن اشعار شورانگیز و سازنده در حدود ۲۴ کتاب ارج دار نوشته است. که از جمله تفسیری ظلال القرآن می باشد. این تفسیر در میان تفسیرهای قرآن کریم دارای رویکرد سیاسی اجتماعی حرکتی و تربیتی است که مؤلف آن به مفسر مجدد باسابق تفسیر نویسی شهرت دارد. و یکی از پیشوایان و اندیشوران اصیل حرکت اسلامی معاصر است. مرجع: صفحه ۱۳ مقدمه مترجم جلد اول تفسیری ظلال القرآن، چاپ: نشر احسان، سال ۱۳۸۷ تهران چاپ خانه اسوه

مرتبه زن در آن فرود آمده و سقوط کرده است ، غیرازینکه از یک سو، ظوابط فرزندى و سرپرستى شل و جنبان گشته و به قواعد خویشاوندی و وابستگی برخوردار دارد و ازدیگرسو به اثر رواج زنا و دوست بازی حرج و مرج در روابط جنسی و مسئله زناشویی غوغامی کند . ازینرو نظام تعدد زوجات یا چند زنی را نیز غرض تأمین مصالح مجاز دانسته شده است. تشریح نظام تعدد زوجات یک راه حل مترقیانه است که از یک دید اجتماعی وسیع نشأت کرده و برای حل یکی ازدشوارترین معضل جامعه که کثرت زنان می باشد و نجات بسیاری از زنان از نداشتن تکیه گاه زندگی و غرض تحقق مزایای دیگری از خانواده که در صفحات بعدی به آن اشاره صورت خواهد گرفت از افتخارات دین مبین اسلام به حساب می آید ولی با آن هم بسیاری از رسانه ها و نویسندگان غربی همواره اسلام و مسلمانان را بخاطر مشروعیت نظام تعدد زوجات به عنوان یک اصل اجتماعی اسلامی مورد انتقاد و هجوم قرار داده اند و پیوسته تلاش دارند تاجهانیان را بفهمانند که دین اسلام برای اولین بار ابتکار مشروعیت این نظام را روی دست گرفته است و تقریباً تنها در میان ملت های اسلامی رواج داشته است، که به عقیده آنان تعدد زوجات یک راه حل غیرمترقیانه است که بجز در ملت های عقب مانده و بی تمدن و بین ملت های دیگری وجود ندارد البته حقیقت چیزی دیگری است زیرا به همه گان روشن است که نظام تعدد زوجات قبل از اسلام نیز در بین بسیاری از ملت های متمدن و غیر متمدن، ترقی یافته و غیرترقی یافته مانند چینیایی ها، هندوها، فارسیان، مصریان ، عبریها، آلمانی ها و سایر کشورهای غربی وجود داشت و هنوز هم این نظام در بسیاری از کشورهای غیراسلامی چون هند، چین، جاپانان و آفریقا به کثرت وجود دارد.^۱

ازاینرو دین مبین اسلام نظام تعدد زوجات را به عنوان یک پدیده جدید بوجود نیاورده است، و نه تعدد رابالای مسلمانان واجب گردانیده است، چنانچه ادیان سماوی قبل از اسلام چون یهودیت، نصرانیت، و نظام های دینی چون بت پرست ها، مجوسی ها نیز این نظام را مباح دانسته بودند. ولی وقتی دین مبین اسلام ظهور یافت، تعدد را کماکان مباح دانست و برای تنظیم بهتر این پدیده یک سلسله شرایط وضع نمود تا به سبب آن مشکلات و آسیب های تعدد که در جوامع بشری قبل از اسلام وجود داشت مرفوع گردند.^۲

چنانچه شریعت اسلام نظام تعدد زوجات راهیچ گاهی بالای یک مسلمان فرض نگردانیده است، و نه شریعت اسلام زنان را مکلف گردانیده تا باید با مردان متأهل ازدواج کنند. بلکه شریعت به زن

^۱ مرجع تفسیر آیات الاحکام به قلم محمدعلی الصابونی ناشر مکتبه نشر القرآن والحديث صفحه ۳۰۵ جلد اول
^۲ کتاب محمد هادی فخر المحققین، دانشنامه شیخ الاسلامی، دفتر سوم، ص ۲۸۸ و دائرة المعارف قرن بیستم، ماده «رهب».

واولیای او حق داده است تا در قبول و یا رد ازدواج با مرد متأهل تصمیم اتخاذ کنند در بحثی که در این رساله تحقیق می‌نمایم بنده تلاش نمودم تا به استعانت الله متعال موضوعی را تحت عنوان حکم تعدد زوجات، فلسفه و حکمت آن در پرتو شریعت و قانون با ایراد مطالبی مرتبط به بحث اختیار نمودم و ان شاء الله در زمینه تلاش جدی خواهم نمود تا موضوع متذکره را در روشنی احکام شریعت اسلامی و قوانین وضعی گردآوری نموده زیر خطه بحث ترتیب و تنظیم و مفصلاً بیان نمایم؛

اول: مسئله تحقیق:

از آنجائیکه الله تعالی دنیا را آفرید و برای اعمار و آبادی آن انواع و اقسام مخلوقات را آفریده است و در جمله انسان را معزز و مکرم ترین مخلوق با بهترین صورت از نعمت عقل سرفراز نمود چنانچه خداوند جل جلاله می‌فرماید (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ) بخشی از آیه ۷۰ سوره اسراء ترجمه: (وبه تحقیق کرامت دادیم فرزندان آدم را) و همچنان می‌فرماید (لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ) آیه ۴ سوره التین) ترجمه: (به تحقیق آفریدیم انسان را در بهترین صورت) تا در پرتو آن مصالح و منافع خود را تعقیب نماید و از چیزهای زیان آور خود داری نماید. از اینکه عقل انسانی از درک و فهم مقصد اصلی پیدایش بشر عاجز است، به همین ملحوظ الله متعال پیامبرانی را فرستاده است تا دستور حیات بخش الهی را برای انسان‌ها بیان نمایند و از مسئولیت‌های دینی، اخلاقی، فردی و اجتماعی آنها را با خبر سازند تا در پرتو هدایات دین مقدس اسلام زندگی سعادت مند داشته ب و فلاح دارین را از آن خود نمایند، و علاوه بر این دین مقدس اسلام به غرض حفظ ارزش‌های عالی دینی و مقاصد پنج گانه که عبارت اند از: (حفظ دین، عقل، جان، مال، آبرو عزت) می‌باشد از چیزهای که در تضاد است باز داشته است و بدون شک نظام تعدد زوجات مصالح و منافع بشر را در نظر داشته که یکی از ضرورت‌های مبرمی جامعه بشریت می‌باشد و جزء لاینفک جامعه انسانی می‌باشد لذا پایان نامه دوره ماستری خویش را تحت عنوان حکم تعدد زوجات، فلسفه و حکمت آن در پرتو شریعت و قانون انتخاب نمودم.

دوم: اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت و ضرورت تحقیق قرارذیل می باشد:

- ۱- اهمیت تحقیق اینست که تعددزوجات ازجمله ضروریات وجزءلاینفک زندگی انسانها می باشد.
- ۲- تعددزوجات به نظام زندگی انسان ها بهبودمی بخشد.
- ۳- ضرورت تحقیق را می توان درین خلاصه نمود که مطالبی مرتبط به نظام تعددزوجات را بطورسهل بیان نمایم.

سوم: اهداف کلی تحقیق

- ۱- تحقیق این پایان نامه که همانا برآورده ساختن اتمام تحصیل بنده درعرصه ماستری می باشد.
- ۲- بیان نمودن موضوعات مرتبط به نظام تعدد زوجات به زبان ملی کشورمی باشدتا همه خواننده گان ازآن مستفید گردند.
- ۳- بیان مطالب مرتبط به بحث به شکل ساده وآسان مییباشد.
- ۴- استفاده ازمعلومات شرعی برای کسانی که به عربی دست رسی ندارند مییباشد.

چهارم: پیشینه تحقیق

ازینکه نظام تعددزوجات یک موضوع مهم بوده وعلماء کرام درین باره تحقیقاتی را انجام داده اند اما به زبان فارسی تحقیق انجام یافته بسیارکم واندک بوده و مطالبی که مرتبط به این موضوع بوده بطورجامع ودربرگیرنده باشند بدسترس همه گان نمی باشد بناءً درین رساله بحث این موضوع را به زبان فارسی بطورسهل وآسان تحقیق نمودیم تابدسترس همه علاقه مندان قرارگرفته وآزان استفاده نمایند.

پنجم: انتخاب موضوع

سبب انتخاب این موضوع برایم این بوده که تعدادی از کسانی که در شریعت اسلامی بطور عام و درین مورد بطور خاص معلومات کافی ندارند نظام تعدد زوجات را مورد انتقاد قرار میدادند. و من بخاطر اینکه دلایل کافی را برایشان ارایه نمایم این موضوع را انتخاب نمودم. و هم خواستم که ذکر و بیان حکمت و فلسفه تعدد زوجات در پرتو شریعت و قانون که به زبان فارسی چیزی را درین مورد ندیده ام خدمتی درین راستا انجام داده باشم.

ششم: سوالات تحقیق

سوالات تحقیق عبارت اند از:

- ۱- آموزهای دین مبین اسلام، و نقش برانزده آن در فهم تعدد زوجات چگونه بوده است؟
- ۲- حکم تعدد زوجات در پرتو شریعت و قانون از چه قرار بوده است؟
- ۳- حقیقت تعدد زوجات و پیامدهای مثبت آن در جامعه بشریت چیست؟
- ۴- مسؤلیت علماء دین و اولیای امور و انسان ها علی الخصوص مسلمان ها درین باره چه بوده است؟
- ۵- اسباب که باعث تعدد زوجات می باشد چیست؟ که یک انسان به سبب یکی از آن اسباب اقدام به تعدد زوجات می نماید تا استفاده خوبی از تعدد زوجات نماید.

هفتم: فرضیه های تحقیق

پیشبینی تحقیق عبارت از: آن توقعاتی است، که یک نویسنده در پی رسیدن به آنها بحث و تحقیقی را انجام می دهد و بر مبنای آنها بطور فشرده میتوان گفت:

اگر مسلمانان بصورت عموم آموزهای دینی اسلام را به گونه که لازم است در جامعه خود تعلیم دهند و افراد جامعه به ویژه قشر جوان را نسبت به ارزش های معنوی آنها که همانا ارزش های اعتقادی، اخلاقی، فردی و اجتماعی است بیدار نمایند.

ودولت مردان و اولیاء امور در عرصه تعلیم و تربیه شهروندان کشور و فرزندان شان به گونه واقعی و صادقانه مسؤلیت دینی، و اخلاقی خود را کما حقہ ادا نمایند بدون شک آن وقت دور نخواهد بود که ما شاهد یک جامعه اسلامی به سطح کشور، قراء، قصبات و خانواده های سالم از هرگونه بدبختی های که منافی ارزش های معنوی، اخلاقی، فردی و اجتماعی خواهیم بود. و این تعالیم ناب و والای دین مبین اسلام است که برای انسانیت ارزش داده و آنرا از هر قسم بدبختی که منافی ارزش های دینی، اخلاقی، فردی و اجتماعی است دور نگه داشته و به صفت یک خادم و پیشوای حقیقی دینی در جامعه تقدیم خواهند نمود که متصف با تمام خوبی های اعتقادی، اخلاقی، فردی و اجتماعی در راستای خدمت گذاری در جامعه می باشد با آنکه گرفتار مصیبت های گوناگون و جنگ های تحمیلی، فقدان امنیت و تهاجم فکری، فرهنگی، اجانب و بالاخره مفاسد اخلاقی که فرزندان این ملت را تباہ می سازد توانائی های مالی و معنوی ایشان را مواجه به خطر ساخته که خیلی خطرناک و نگران کننده است و یقیناً سهم داشتن در راه مبارزه جلوگیری از مفاسد اخلاقی و جیبہ ایمانی هر فرد مسلمان است بناءً بهتر خواهد بود که پیرامون حکم تعدد زوجات، فلسفه و حکمت آن که در آن واقعیت های جامعه انعکاس یافته است در روشنائی شریعت اسلام و قانون وضعی بشر و نظر دانشمندان اسلام که درین رساله ترتیب گردیده و در خدمت اهل علم و علاقه مندان قرار دارد تا با استفاده از محتویات این رساله مشکلات خویش را رفع نمایند.

هشتم: روش تحقیق

روش کارگرفته شده در اتمام این پایان نامه کتابخانه ای می باشد.

تحقیق بنده در این رساله به قرار ذیل می باشد.

۱- رجوع به منابع اصلی در حد توان .

۲- کوشش صورت گرفته تا در امانت علمی نسبت به گوینده گان آنها توجه صورت گیرد.

۳- در ترجمه آیات شریفه از تفاسیر معتمد و احادیث صحیحه نبوی صلی الله علیه وسلم کار گرفته شده است.

۴- از استعمال الفاظ نا مانوس و مغلق خود داری شده است.

مطالبی که درین رساله از مراجع مختلف و موثق جمع آوری شده ترتیب و تنظیم گردیده است که شامل پنج فصل می باشد.

فصل اول نگاه تاریخی به تعدد زوجات.

فصل دوم تعدد زوجات در اسلام.

فصل سوم شبهاتی وارده پیرامون تعدد زوجات.

فصل چهارم تعدد زوجات در قوانین وضعی بشر.

فصل پنجم آراء و نظریات فقهای اسلامی در رابطه به تعدد زوجات.

و در اخیر این رساله خلاصه مطالب، خاتمه، پیشنهادات و مصادرو مراجع که در محتویات این رساله از آن استفاده صورت گرفته تحریر گردیده است. و همچنان فهرست آیات قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم نیز تحریر گردیده است.

از خداوند متعال استدعا می نمایم تا خواننده گان عزیز را از این رساله کوچک مستفید نماید و تعدد زوجات را به عنوان یک اصل اجتماعی اسلامی که برای تأمین نیازمندیهای بشر مجاز قرار داده شده، قبول کنند. هرگاه خواننده گان عزیز و گرامی درین رساله اشتباهی را ملاحظه می نمایند، از ایشان

تقاضی به عمل می آید تا بنده را عفو نمود و اگر میسر باشد بنده را در جریان بگذارند و اگر معلومات مفید و مثمر را در این اثر علمی ملاحظه می نمایند، خواهشمندیم بنده را از دعای خیر خویش فراموش نکنند.

ومن الله التوفيق

فصل اول

نگاهی تاریخی به تعدد زوجات

برخی از رسانه ها و نویسندگان غربی به سبب مشروعیت نظام چند زنی یا تعدد زوجات در اسلام همواره اسلام و مسلمانان را مورد انتقاد و هجوم قرار داده، و مشروعیت آنرا دلیلی برای زیر پا کردن حقوق زنان و خشونت علیه آنها توسط مسلمانان، تلقی نموده است.^۱ این درحالیست که نه تنها دین مبین اسلام نظام تعدد زوجات را مشروع دانسته، بلکه تعدد زوجات در ادیان و امتهای دیگری چون چینیایی ها، هندوها، بابلیان، آشوریان و مصریان نیز در طول تاریخ، مشروع بود. چنانچه در بسیاری از امتهای برای تعدد زوجات هیچ حد و بندی تعیین نشده بود.^۲

تعدد زوجات نزد چینیایی ها:

در شریعت چین، شخص می توانست الی یک صد و سی زن را در عقد ازدواج خود درآورد چنانچه یکی از پادشاهان قدیم چین در حدود سه هزار زن داشته است.^۳

تعدد زوجات نزد فرعونیان مصر:

فرعونیان مصر نیز به نظام تعدد زوجات قائل بودند، در مصر ثروت مندان و به ویژه امیران و خانواده های سلطنتی در تعدد همسران اسراف می کردند تا جائیکه رمسیس دوم مشهور ترین فرعون ها هشت زن و شماری زیادی کنیز داشت که بیشتر از یکصد و پنجاه پسر و دختر به دنیا آوردند نامهای زنان و اولاد او امروز هم روی دیوار های معبد دیده می شود، فرعون موسی علیه السلام نیز چندین همسر داشت.^۴

^۱ توضیح المسائل فقه حنفی صفحه ۹۸ جلد ۲ نویسنده مولانا عبدالواحد فقیری هروی رحمه الله ناشر شیخ الاسلام احمد جام سال چاپ ۱۳۹۴ چاپ خانه دقت

^۲ کتاب محمد هادی فخر المحققین، دانشنامه شیخ الاسلامی، دفتر سوم، ص ۲۸۸ و دائرة المعارف قرن بیستم، ماده «رهب».

^۳ المرأة بین الفقه والقانون دوکتور مصطفی سباعی (ص ۶۰) دوکتور مصطفی السباعی مجاهد، عالم و اندیشمند سوری است که طی دهه های چهل تا شصت، جنبش اسلامی اخوان المسلمین را در سوریه رهبری می کرد. مصطفی السباعی در سال ۱۳۳۴ ق / ۱۹۱۵ م در شهر حمص سوریه به دنیا آمد. کتاب المرأة بین الفقه والقانون، یکی از پانزده تالیفات وی می باشد در این کتاب معتقد است که دین اسلام جایگاه زن را در سه حوزه ی انسانی، اجتماعی و حقوقی به نحو شایسته ای تعالی بخشیده است چاب این کتاب در سال ۱۴۲۰ هـ ق ۱۹۹۹ م بوده ناشر مکتبه الوراق میباشد.

مرجع: انترنت، گوگل

^۴ المرأة بین الفقه والقانون دوکتور مصطفی سباعی (ص ۶۰)

تعدد زوجات نزد بابلیان، آشوریان و هندوها:

در عراق قدیم نیز نظام تعدد زوجات وجود داشت ماده (۱۴۸) شریعت و قانون حمورابی چنین صراحت دارد هرگاه زن اولی بیمار باشد مرد می تواند زن دوم بگیرد، قوانین بابلیان و همسایه گان شان که با بنی اسرائیل درارتباط بودند همه گی تعدد زوجات را قبول داشتند چنانچه آشوری ها نیز به دلیل ماده ۴۶ از لوح اول که ازدواج با همسر پدر بعد از وفات او سخن می گوید تعدد زوجات را قبول داشتند.^۱ در میان هندوها نیز تعدد زوجات بدون حصر و مقید بودن به عدد خاص وجود داشت البته یکی از آنها بالای دیگران ریاست میکرد.

تعدد زوجات در دین یهود:

در دین یهود نیز نظام تعدد زوجات بدون تعیین حد وجود داشت و از بررسی تورات برمی آید که انبیاء بنی اسرائیل علیهم السلام هرکدام آنها بیشتر از یک زن داشتند چنانچه در تورات هیچ نصی برتحریم تعدد زوجات وجود ندارد و نه تورات قید و بندی را برای تعدد زوجات ذکر کرده است گرچه علمای یهود همواره تلاش ورزیده اند تا نظام تعدد زوجات را با شرایط ویژه مقید سازند چون عدم مشروعیت ازدواج با بیش از چهار زن وجود دلیل موجه شرعی برای ازدواج با زوجه دوم و سوم رعایت عدالت میان زنان و داشتن توان مالی عرض نفقه بالای زنان.^۲

تعدد زوجات در دین مسیحیت:

در دین مسیحیت هیچ نصی راجع به عدم مشروعیت نظام تعدد زوجات نیامده است چنانچه نظر به نصوص انجیل، حضرت عیسی علیه السلام برای تکمیل شریعت حضرت موسی علیه السلام و انبیای بنی اسرائیل علیهم السلام فرستاده شده بود که او خود به پیراوان خود می فرماید فکر نکنید من برای از بین بردن ناموس و آئین انبیاء علیهم السلام فرستاد شده ام بلکه برای تکمیل آنچه ناقص مانده

^۱ زکی علی السید ابو غضة المرأة فی اليهودية والمسیحية والاسلام چاپ ۱-۲۰۰۳ میلادی دارالوفا. زکی علی السید أبو غضة كاتب و باحث فی مجال مقارنة الأديان می باشد کتب زکی علی السید أبو غضة از جمله: الزواج والطلاق، والتعدد بین الأديان والقوانين ودعاة التحرير المرأة فی اليهودية والمسیحية والإسلام، المرأة بین الأديان والقوانين ودعاة التحرير، الحجاب والختان والعفة.

^۲ تعدد زوجات من النواحي الدينية والاجتماعية والقانونية دوکتور عبدالناصر توفیق العطار ص ۹۱. یکی از علمای مشهور جامعه آسیوط کشور مصر میباشد.

است آمده ام.^۱ به هر حال تنها نصی که در این خصوص در انجیل وجود دارد همان نصی است که می فرماید خداوند متعال برای هر مرد زوجه اش را خلق کرده است و ازین نص به هیچ وجه عدم مشروعیت تعدد زوجات استنباط شده نمی تواند و تنها انسانها را ترغیب می کند تا در شرایط عادی یک همسر داشته باشند. که اسلام نیز به مؤمنین چنین دستور میدهد ولی هیچ دلیلی برای اینکه ازدواج بازوجه دومی در صورت بقای زوجه اولی زنا پنداشته شود و یا عقد باطل محسوب گردد وجود ندارد.^۲ دوکتور مصطفی سباعی در این خصوص می افزاید در کتاب های انجیل هیچ نصی در این مورد وجود ندارد برعکس از بررسی برخی از رساله های بولس^۳ معلوم میگردد که تعدد نیز جواز دارد چنانچه بولس می گوید هر اسقف باید تنها یک همسر داشته باشد.^۴ این نص میرساند که دیگران بجز اسقف ها می توانند بیش از یک همسر داشته باشند.^۵ از بررسی تاریخ مسیحیان نیز ثابت میگردد که برخی از مسیحیان بیشتر از یک زن داشته اند چنانچه در سالهای پیشین دین مسیحیت و در حالات استثنائی تعدد زوجات مشروع پنداشته شده است عالم معتبر مسیحیان وستر مارک^۶ راجع به تاریخ تعدد زوجات چنین مینگارد نظام تعدد زوجات با اعتراف کلیسا به آن الی قرن هفدهم میلادی ادامه یافت و در بسیاری حالات که کلیسا نمیتواند آنرا دقیق شمارش نماید تکرار شده است.^۷ چنانچه وی می افزاید دیار ماسدت پادشاه ایرلند دوزن و دوکنیز داشت شارلمان نیز دوزن و تعدادی کنیز داشت مارتن لوتر مجدد مسیحیان نیز بارها در بسیاری محافل از تعدد زوجات یاد کرده است وی می گفت بلی خداوند متعال در عهد قدیم (تورات) در شرایط خاص به پیروان تورات اجازه تعدد زوجات داده

^۱ انجیل متی ج ۵ ص ۱۱ و بعد از آن.

^۲ المرأة بین الفقه القانون دوکتور مصطفی سباعی ص ۶۰.

^۳ بولس یا بولس از مهم ترین مبلغان مسیحیت و نخستین مؤلف و متکلم مسیحی، می باشد. بر خلاف حواریون، بولس بود که مسیحیت را همچون دینی جداگانه، از یهودیت جدا ساخت. در حدود سال ۳ یا ۱۰ میلادی، در خارج از سرزمین فلسطین، در شهر «طرسوس»، از ناحیه سیلیس، در کیلیکیه (جنوب شرقی ترکیه امروزی) در خانواده ای یهودی فریسی زاده شد.

^۴ المرأة بین الفقه والقانون دوکتور مصطفی سباعی ص ۶۱

^۵ المرأة بین الفقه والقانون دوکتور مصطفی سباعی ص ۶۱.

^۶ اثر وسترمارک (Westermarck effect): فرضیه ای روانشناختی است که براساس آن افرادی که در سالهای آغازین زندگی در کنار هم به سر می برند کشش جنسی شان نسبت به یکدیگر بی اثر و خنثی می شود. این پدیده را نخستین بار ادوارد وسترمارک مردم شناس فنلاندی، در کتاب مشهورش تاریخ ازدواج انسان مطرح کرد.

^۷ حقایق السلام العقاد ص ۱۷۷.

بود، و مسیحی که می‌خواهد به ایشان اقتداء نماید می‌تواند در صورت شباهت شرایط ایشان با شرایط آنها این کار را انجام دهد، بهر حال تعدد زوجات از طلاق بهتر است.^۱

در سال ۱۶۵۰ بعد از صلح وستفاليا^۲، بعد از آنکه در اثر جنگ‌های سی ساله نقصانی بزرگی در تعداد سکن رونما گردید شورای فرنگی‌ها در شهر نورمبورگ قرار صادر کرد که براساس آن شخص می‌توانست دوزن داشته باشد. حتی برخی از فرقه‌های نصرانی به وجوب تعدد زوجات اصرار داشتند، در سال ۱۵۳۱ میلادی لامعمدانپون در مونستر بصراحت اعلان داشتند که هر مسیحی باید چند همسر داشته باشد، و مورمون^۳ تعدد زوجات را نظام عالی مقدس خوانده است.^۴

مسیحیت معاصر در افریقای سیاه به نظام تعدد زوجات اعتراف کرده است چون وفد مبلغین نصرانی‌ها بدین نتیجه رسیده بودند که منع آن مانع داخل شدن افریقاییها به مسیحیت می‌شود، لذا بصراحت اعلام داشتند، که تعدد زوجات بصورت غیر محدود مباح است، سید نورجیه مؤلف کتاب «اسلام و نصرانیت در افریقا» در این خصوص چنین می‌نویسد: زمانیکه وفد مسیحیان غرض دعوت افریقایی‌ها به دین مسیحیت به افریقا رفتند ایشان گفتند بهتر نخواهد بود تا در امور اجتماعی افریقایی‌ها مداخله داشته باشیم، چنانچه معقول نخواهد بود تا ایشان را از ازدواج واستمتاع با بیش از یک زن باز داریم هرچند نصاری به دین مسیح علیه السلام اعتقاد دارد ولی تورات که باید نصاری از آن نیز پیروی کنند تعدد زوجات را مجاز دانسته است، افزون بر آنکه خود مسیح علیه السلام نیز می‌فرمود: فکر نکنند من بخاطر از بین بردن شریعت قبلی آمده‌ام بلکه برای تکمیل شریعت بنو اسرائیل فرستاده شده‌ام.^۵

بالاخره کلیسا رسماً اعلام نمود، که تعدد زوجات برای افریقایی‌های نصرانی بصورت غیر محدود مباح است.^۶

^۱ المرأة بین الفقه والقانون دوکتور مصطفی سباعی ص ۶۱.

^۲ عهدنامه وستفاليا، عهدنامه ای است که پس از پایان جنگ‌های سی ساله مذهبی (۱۶۴۸-۱۶۱۸) میان کشورهای اروپایی منعقد شد. در این عهدنامه تمام کشورهای اروپایی بجز انگلستان و لهستان شرکت داشتند. معاهده صلح در دو شهر از ایالت «وستفاليا» منعقد شد و به جنگ مذهبی خاتمه داد.

^۳ - مورمونی‌ها گروه مذهبی و فرهنگی مرتبط به شاخه اصلی جنبش قدسیان آخرالزمان مسیحیت احیاگرا هستند و مورمن نام پیامبر بومی امریکائی است که کتاب وی به اسم خودش در سال ۱۸۳۰ به چاپ رسیده است.

^۴ المرأة بین الفقه والقانون، دوکتور مصطفی سباعی ص ۶۰.

^۵ الاسلام والنصرانیه فی اواسط افریقیة دوکتور سید نورجیه ص ۹۸/۹۲.

^۶ المرأة بی الفقه والقانون، دوکتور مصطفی سباعی ص ۶۲.

بعد از دو جنگ جهانی کشورهای مسیحی خود را در برابر یک مشکل بزرگ اجتماعی دریافتند که تعداد زنان نسبت به مردان افزایش یافته است لذا غرض جستجوی راه حل به این معضله در سال ۱۹۴۸ کنفرانس بین المللی جوانان در شهر مونیخ آلمان برگزار شد مسلمانان نیز در این کنفرانس اشتراک داشتند، یکی از کمیته این کنفرانس به بررسی معضله افزایش تعداد زنان در آلمان پرداخت برخی از راه حل های پیشنهاد گردید که تعدد زوجات نیز به عنوان یک راه حل از سوی مسلمانان پیشنهاد گردید، هرچند در ابتدا این پیشنهاد عجیب به نظر ایشان رسید ولی اخیراً کمیته تعدد زوجات را به عنوان یگانه راه حل غرض این معضله به کنفرانس ارائه کرد.

تعدد زوجات در میان عرب های پیش از اسلام:

عرب های پیش از اسلام با نظام چند همسری و داشتن کنیزکان همانند اقوام و ملتهای همسایه خود بودند، و مقید به عدد محدودی نبودند، بلکه این امر بیشتر به میل و رغبت مرد و مال و جاه و مقامش بستگی داشت، که از جمله روایت شده است که غیلان ثقفی رضی الله عنه هنگامی که اسلام آورد ده تا همسر داشت، البته نظر به روایاتی دیگری بین عرب ها کسانی هم بودند که بیشتر یا کمتر از آن هم سر داشتند^۱.

تعدد زوجات در عهد پیامبران و رسل (علیهم السلام)

نظام تعدد زوجات در عهد بسیاری از انبیاء و رسل (علیهم السلام) معروف بود بگونه مثال ابوالانبیاء حضرت ابراهیم علیه السلام دوهمسر (ساره و هاجر) (رضی الله تعالی عنهما) را داشت، که به این موضوع در حدیث شریف در داستان ابرهیم علیه السلام و ساره و هاجر رضی الله عنهما تذکر گرفته است که توسط پادشاه ظالم بی بی هاجر من حیث خدمت گار برای بی بی ساره رضی الله عنهما تحفه داده شد که قسمتی لفظ حدیث شریف چنین است (فاخدمها هاجر) (به خدمت داد برای ساره

^۱ جامع البیان فی تفسیر القرآن تألیف ابی جعفر محمد ابن جریر طبری المتوفی سنة ۳۱۰ هـ ق جاب مطبوعه الکبری الامیریة ببولاق مصر المحمیه سنة ۳۲۴ هـ ش جلد سوم ص ۱۵۷

هاجر را) ^۱ ابوهریرة رضی الله تعالی عنه می فرماید پس این مادرشماست. بعداً حضرت ابراهیم علیه السلام با حضرت هاجر رضی الله عنها ازدواج کرده که بی بی هاجر حضرت اسماعیل علیه السلام و بی بی سارة اسحق علیه السلام رابه دنیا آورند ^۲. حضرت یعقوب علیه السلام نیز دو خواهر (لیا و راحیل) و دو کنیز را در عقد نکاح خود در آورده بود پسران حضرت یعقوب علیه السلام یهوذا و روبین و شمعون و لاوی و زبولون و یسجر پسران لیا بنت لیان بودند و دان و نفتالی و جاد و آشر ازدو کنیز بنام زلفه و بلهه بودند هرگاه لیا وفات کرد یعقوب علیه السلام به نکاح خویش خواهر وی راحیل را در آورد که ازوی بنیامین و یوسف علیهم السلام میباشند ^۳. چنانچه حضرت داود علیه السلام و پسر او حضرت سلیمان علیه السلام چندین همسر و کنیز داشتند ^۴.

موقف اسلام در برابر تعدد زوجات

از بررسی نظام تعدد زوجات نزد ادیان و اقوام مختلف جهان معلوم می گردد که دین مبین اسلام نظام تعدد زوجات را بعنوان یک پدیده جدید، به میان نیاورده است و نه شریعت اسلام مسلمانان رابه ازدواج بیش از یک زن مکلف گردانیده است البته نظام تعدد زوجات در ادیان سماوی قبل از اسلام چون یهودیت و نصرانیت وجود داشت و زمانیکه دین اسلام پا به عرصه وجود گذاشت نظام تعدد زوجات رامجاز دانست و برای تنظیم بهتر آن یک سلسله شرایط و اصول نیز وضع نمود تا بتواند جوامع بشری را از اضرار و عیوب آن نجات دهد.

^۱ بخاری شریف صفحه ۴۷۴ جلد اول قدیمی کتب خانه مقابل آرام باغ کراچی طبع اول دهلی ۱۳۵۷ طبع ثانی کراچی ۱۳۸۱
^۲ بخاری شریف جلد اول صفحه ۴۷۴ حاشیه (۱۳) چاپ دهلی.
^۳ تفسیر مدارک التنزیل ص ۲۱۲ جلد اول جز ۲ چاپ کمپنی تاج محل قصه خوانی پشاور و این تفسیر مربوط به شیخ ابوالبرکات عبدالله ابن احمد ابن محمود رحمه الله النسفی میباشد.
^۴ صفحه ۳۸ و ۴۸ تفسیر مدارک جلد دوم جز ۴.

فصل دوم

تعدد زوجات در اسلام

مبحث اول :

موقف اسلام در برابر تعدد زوجات

مشروعیت نظام چند زنی یا تعدد زوجات در هر سه مصدر اصلی دین مبین اسلام، کتاب الله (جل جلاله) سنت نبوی صلی الله علیه وسلم واجماع امت (رحمهم الله) تنظیم گردیده است، که بتأسی از آن مرد می تواند با بیش از یک زن ازدواج نماید بخاطر وضاحت بیشتر موقف اسلام در رابطه به مشروعیت نظام تعدد زوجات، دلایلی از هر سه مصدر اصلی اسلام در سطور ذیل ارائه می نمائیم:

مطلب اول:

نصوص قرآن کریم راجع به تعدد زوجات:

مشروعیت نظام تعدد زوجات در دو آیه شریفه از سوره نساء تنظیم گردیده است:

اول: خداوند (جل جلاله) در رابطه به تعدد زوجات می فرماید: (وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُفْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا.) (سوره نساء آیه ۳)

ترجمه: (و اگر ترسیدید که درباره یتیمان نتوانید عدالت کنید (و دچار گناه بزرگ شوید) (بازنان دیگری) که برای شما حلال اند و دوست دارید با دو یاسه یا چهار تا ازدواج کنید اگر هم می ترسیدید که نتوانید میان زنان عدالت را مراعات دارید، به یک زن اکتفاء کنید یا با کنیزان خود (که هزینه کمتری و تکلفات سبکتری دارند) ازدواج نمائید این نزدیک است بآنکه جور نکنید) .

بعد از تأمل و بررسی آیت فوق بر می آید که قرآن کریم موضوع تعدد زوجات را در آیت مستقل نیآورده است بلکه در ضمن احکام و مسایل یتیم تنظیم نموده است که در واقع اشاره ایست به اینکه تعدد زوجات چنانچه در ادیان سماوی دیگر چون یهودیت و مسیحیت و در قبایل عرب ها قبل از نزول قرآن کریم مجاز بوده در دین مبین اسلام نیز مجاز می باشد البته چون نظام تعدد زوجات که قبل

از اسلام رایج بود نیاز به تعدیل داشت لذا آیت شریفه فوق نظام تعدد زوجات را تنظیم نمود. بهتر است که قبل از تفسیر آیه فوق، ارتباط میان مسئله یتیم و تعدد زوجات را روشن نمائیم، مفسرین و علماء کرام رحمهم الله تبارک و تعالی نظریات متعددی در این خصوص ارائه نموده اند که مشهور ترین آنها مطابق به کلام الله متعال بوده است که می فرماید (وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُفْسِدُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا). (سوره نساء آیه ۳)

وهرگاه می‌ترسیدید که به هنگام ازدواج با دختران یتیمه عدالت را رعایت نکنید پس از این نیز بترسید که بهنگام ازدواج با زنان متعدد عدالت را رعایت نکنید، پس با تعداد زانی ازدواج کنید که ترس و بیم ظلم رانداشته باشید: دو یاسه یا چهار، و هرگاه می‌ترسید عدالت را در میان همسران متعدد رعایت کرده نمی‌توانید، تنها یک همسر بگیرید، و یا از زنانیکه مالک آنهاست استفاده کنید زیرا هرانسان از انجام کاری ترس و بیم داشته باشد که منجر به ظلم می‌گردد، پس باید از انجام هرکاری که منجر به ظلم می‌شود انسان هراس داشته باشد چون تعدد زوجات، تفسیر یاد شده از سعید بین جبیر، سدی و قتاده (رحمهم الله) روایت شده است و رئیس مفسرین ابن جریر رحمهم الله نیز این قول را راجح دانسته است.^۱

دوم: خداوند متعال می‌فرماید: (وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا رَحِيمًا). (سوره نساء آیه ۱۲۹)

ترجمه: (شما هرگز نمیتوانید میان زنان عدالت برقرار کنید، هرچند هم، همه کوشش و توان خود را به کاربرید، ولی به طور کلی دوری نکنید، بدان گونه که او را به صورت زن معلقه ای درآورید و اگر صفا و صمیمیت راه بیندازید و پرهیزگاری کنید چرا که خداوند جل جلاله بس آمرزنده مهربان است.)^۲

^۱ تعدد الزوجات فی الاسلام، و حکمة تعدد زوجات النبی صلی الله علیه وسلم عبدالله ناصح علوان ص/۲۱. موصوف در سال ۱۹۲۸ میلادی در شهر حلب سوریه در قریه قاضی عسکر دریک خاندان متدین که معروف به صلاح و تقوی بودند دیده به جهان گشوده است که دارای تألیفات بیشتری بود منجمله کتاب تعدد زوجات فی الاسلام.

^۲ تفسیر نور، داکتر مصطفی خرم دل چاپ هفتم ۱۳۸۸ ناشر: احسان ص ۱۸۰ داکتر مصطفی خرم دل از دانشوران و قرآن پژوهان مشهور کردستان ایران است. در سال ۱۳۱۵ در روستای «دهبکر» از توابع شهرستان مهاباد دیده به جهان گشود. دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مهاباد طی نمود و در این مدت به آموزش علوم دینی نیز مشغول بود. وی در سال ۱۳۴۶ ه.ش از دانشگاه تهران در رشته‌ی زبان و ادبیات عربی موفق به دریافت مدرک لیسانس گردید و از زمان دانشجویی و پس از فارغ التحصیلی سال‌ها به خدمت آموزش و پرورش مشغول بود.

از این دو آیه فوق رسول الله صلی الله علی وسلم، صحابه کرام رضی الله عنهم تابعین و جمهور علماء رحمهم الله مشروعیت نظام تعدد زوجات را درک نموده اند.

مطلب دوم:

احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم راجع به تعدد زوجات:

در احادیث پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم ثابت شده است زمانیکه عرب ها به اسلام مشرف شدند، برخی از آنها بیش از چهار زن داشتند، رسول الله صلی الله علیه وسلم به ایشان دستور دادند تا هر یک چهار زن را در عقد خود داشته باشد، و دیگران را از خود جدا سازد.

[۱] عن ابن عمر رضی الله تعالی عنهما: أن غیلان بن سلمة الثقفی رضی الله أسلم وله عشر نسوة فی الجاهلیة فأسلمن معه فأمره النبی صلی الله علیه وسلم أن یتخیر أربعاً منهن.^۱

ترجمه: از حضرت عبدالله پسر عمر رضی الله عنهما روایت است که میفرمود: غیلان بن سلمه ثقفی رضی الله عنه اسلام آورد و در جاهلیت با ده زن ازدواج نموده بود زنان او نیز اسلام آوردند، رسول الله صلی الله علیه وسلم به غیلان دستور دادند تا چهار زن را از ایشان برگزیند [و دیگران را از خود جدا سازد]

[۲] عن قیس بن الحارث رضی الله عنه قال: أسلمت وعندی ثمان نسوة. فأتیت النبی صلی الله علیه وسلم فقلت ذلك له . فقال (اختر منهن أربعاً)^۲

ترجمه: از قیس پسر حارث رضی الله عنه روایت است که می گفت: زمانیکه اسلام آوردم هشت زن داشتم نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدم و به ایشان این ماجرا را حکایت کردم ایشان فرمودند (چهار زن را از بین آنها انتخاب کن)

از احادیث فوق بصراحت مشروعیت نظام تعدد زوجات معلوم می گردد چنانچه مسلمانان از ۱۴۰۰ سال بدینسو معتقداند که نظام تعدد زوجات نظریه نصوص کتاب الله متعال و سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم مشروع می باشد .

^۱ ترمذی، شماره حدیث (۱۱۲۸)،

^۲ ابن ماجه شماره حدیث ۱۹۵۲ شیخ البانی این حدیث را حسن صحیح خوانده است.

گذشته از این، درسنت نبی کریم صلی الله علیه وسلم فضیلت ازدواج با بیش از یک زن نیز بیان شده است، چنانچه در صحیح البخاری چنین روایت شده است.

[۳] عن سعید بن جبیر قال: قال لی ابن عباس (رضی الله تعالی عنهما) هل تزوجت؟ قلت: لا، قال فتزوج، فإن خیر هذه الأمة أكثرها نساء.^۱

ترجمه: از سعید بن جبیر صاحب روایت شده است که می گفت: حضرت ابن عباس رضی الله عنهما برایم گفت آیا ازدواج کرده ای؟ گفتم نخیر: سپس ابن عباس رضی الله عنهما گفت: ازدواج کن، زیرا بهترین این امت کسی است که زن بیشتر داشته باشد.

علامه ابن قدامه رحمه الله در بحث نکاح می نویسد: اسلام همواره مسلمانان را به تعدد زوجات ترغیب نموده و تعدد نه تنها مباح بوده بلکه مستحب نیز می باشد، سپس می افزاید رسول الله صلی الله علیه وسلم با چندین همسر ازدواج کرد، چنانچه اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز با بیش از یک زن ازدواج کرده بودند، رسول الله صلی الله علیه وسلم واصحاب او هیچگاه به کاری نمی پرداختند که فضیلت نداشته باشد.^۲

^۱ صحیح البخاری باب کثرة النساء شماره حدیث ۵۰۶۹
^۲ ابن قدامه المغنی ج ۶ ص ۴۴۷

مطلب سوم

سلف امت و تعدد زوجات

برای همه گان روشن است که رسول الله صلی الله علیه وسلم چندین همسر داشت، و زمانیکه این دار فانی را وداع گفت نه همسر داشت، چنانچه صحابه کرام رضی الله عنهم و بخصوص خلفای راشدین رضی الله عنهم هر یک بایش از یک زن ازدواج کرده بودند، که در عصر تابعین و تبع تابعین رحمهم الله و عصرهای بعدی نیز میان مسلمانان بکثرت تعدد زوجات مشاهده می شد، و هیچگاهی از سلف امت نقل نه شده است که ایشان ازدواج زوجه دومی را اذیت برای زوجه اولی خوانده باشند. و به تائید موضوع نمونه از تعدد زوجات صحابه کرام را تذکر می دهیم:

۱- غیلان بن سلمة ثقفی رضی الله عنه اسلام آورد در حالیکه در جاهلیت برای او ده زن بود پیامبر صلی الله علیه وسلم او را دستور داد به گزیدن چهار از ایشان^۱.

۲- قیس بن حارث رضی الله عنه روایت میکند زمانیکه اسلام آوردم هشت زن داشتم نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدم این ماجرا را حکایت کردم ایشان فرمودند چهار زن را از بین آنها انتخاب کن^۲.

۳- و امام شافعی رحمه الله در مسند خود از نوفل بن معاویة دیلمی رضی الله عنه روایت میکند که در لحظه که به اسلام مشرف شدم پنج زن داشتم رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود (اختر منهن اربعاً یتهن شئت و فارق الاخری) هر چهاری را که میخواهی برگزینی و دیگری را جداساز. و مثال های زیادی از صحابه کرام رضی الله عنهم و تابعین رحمهم الله در ارتباط به تائید موضوع وجود دارد از جمله تابعین رحمهم الله امام ابوحنیفه رحمه الله علیه می باشد که در قضیه داوری همسر منصور خلیفه عباسی که از امام صاحب پرسید برای یک مرد چند زن حلال است امام صاحب در جواب وی فرمود چهار زن موضوع داوری امام صاحب برای همسر منصور ازین قرار است:

^۱ ترمذی شریف حدیث شماره ۱۱۲۸
^۲ ابن ماجه حدیث شماره ۱۹۵۲

همسر منصور، خلیفه ی عباسی باوی در عدم رعایت عدالت مناقشه کرد و خواستار عدالت گردید
 آنگاه راضی شد که امام ابوحنیفه رحمه الله در میان آن دو داوری کند پس منصور، امام ابوحنیفه
 رحمه الله را احضار کرد و امام صاحب در پس پرده نشست .

در حالیکه منصور بازن خویش در مجلس بود . منصور شروع به صحبت نمودن کرد و خطاب به امام
 صاحب گفت:

برای یک مرد چند زن حلال است امام صاحب فرمود (چهار زن) باز پرسید : از کنیزان ؟ امام صاحب
 فرمود (هر چه که بخواهد) آن گاه گفت : آیا جایز است کسی برخلاف این سخن بگوید امام صاحب
 فرمود (نخیر) آن گاه منصور پیروزمندانه خطاب به همسرش گفت اینک بشنو که امام ابوحنیفه
 رحمه الله چه میگوید امام صاحب چون چنین دید ، برسبیل احتجاج گفت: لیکن خداوند عزوجل این
 تعداد زن را برای اهل عدالت حلال ساخته است ، در غیر آن ، اگر عدالت رعایت نشود ، باید فقط به
 یک نکاح زن بسنده نمود، چنانچه خداوند عزوجل می فرماید (فان خفتم الاتعدلوا فواحدة) پس
 اگر میترسید که عدالت را نمیتوان رعایت کنید همان یک زن کافیست.

مارا لازم است تا با آداب الهی متأدب باشیم و از مواظب آن درس بگیریم . منصور ساکت گردید .
 چون امام صاحب از مجلس داوری خارج شد، همسر منصور فوراً هدیه ی بزرگی بدنبال ایشان فرستاد
 ، اما امام صاحب هدیه را نپذیرفت و گفت (من از دین خداوند عزوجل دفاع نموده، نه به انگیزه ی
 نزدیکی با کسی و یا به طلب دنیا)^۱

همچنان از علماء کرام به تائید اجماع درین موضوع دلایل چندرا تذکر میدهیم.

۱- حافظ عمادالدین ابوالفداء اسمعیل بن کثیر قریشی دمشقی رحمه الله در تفسیر خویش چنین می
 فرماید: که ازین آیه شریفه (فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی وثلث وربع وان خفتم الاتعدلوا
 فواحدة) سوره نساء آیه ۳ تعدد زوجات بر چهار زن به صراحت فهمیده می شود چنانچه ابن عباس
 رضی الله عنهما و جمهور علماء کرام می فرمایند: زیرا که این مقام، مقام امتنان و اباحت است
 و اگر جمع از چهار بیشتر جوازی بود اورا ذکر می کرد .

^۱ مجموعه باغ زندگی (همسران) مؤلف محمد عظیم حسین بر جلد اول ناشر تربیت جام شیخ الاسلام احمد جام ۱۳۹۲ (به نقل
 از مناقب امام اعظم رحمه الله صفحه ۱۲۹)

امام شافعی رحمه الله می فرماید که سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم دلالت می کند که بیش از چهار زن به جز از رسول صلی الله علیه وسلم برای دیگر شخص جواز ندارد^۱.

۲- وهمچنان ابن جریر طبری رحمه الله در تفسیر خویش چنین می فرماید: در جاهلیت مرد باده زن و یا کمتر از آن نکاح می کرد خداوند جل جلاله چهار زن را حلال ساخت.

۳- مفسر بزرگی دیگر اسلام محمد علی صابونی رحمه الله در تفسیر خویش بنام آیات الاحکام من القرآن چنین می فرماید:

مسئله تعدد زوجات ضرورتی است که تقاضی می کند او را ظروف زندگی، و این تشریح جدید نیست که اسلام به آن تنها قول کرده باشد و دین اسلام آمد پس یافت تعدد زوجات را بدون قیود و حدود و به صورت غیر انسانی، پس تنظیم کرد او را و گشتاند او را دوا و علاج برای بعضی حالات اضطراریه جامعه دین اسلام آمد در حالی که مردان نکاح می کردند ده زن یا بیشتر و یا کمتر چنانچه در حدیث غیلان ثقفی رضی الله عنه آمده است که وی در زمانی که اسلام آورد در نکاح او ده زن بود و پیامبر صلی الله علیه وسلم به وی دستور داد که از این ها چهار را انتخاب کند.

و این نکاح ها بدون قیود و حدود بوده است پس دین اسلام برای ایشان حدودی معینی گذاشت که آن چهار است بادر نظر داشت قید و شرطیکه مقتضی اباحت این ضرورت می باشد که عبارت از عدالت در تعدد زوجات است در صورتیکه عدالت تامین نگردد اقتصار بر یک لازم است.

پس تعدد زوجات نظامی است قایم و موجود از زمانهای قدیم، لیکن به شکل پراکنده ی وجود داشت پس تنظیم کرد او را اسلام، و تابع برای خواهشات و استمتاع لذایذ نفسانی بود پس گشتاند اسلام وی را راهی برای حیات فاضله کریمه.

و حقیقتی که مناسب است انسان او را بداند اینست که اباحت تعدد زوجات فخر بزرگ از افتخارات اسلام است، زیرا توسط وی مشکل بزرگی از مشکلات حل می شود که همانا ضرورت به تعدد زوجات است که حل وی رجوع به حکم اسلام و عمل به نظام اسلام می باشد زیرا که اجتماع در نظر اسلام حیثیت ترازو را دارد که واجب است هر دو کف های آن متعادل باشد و به خاطر محافظت توازن

^۱ تفسیر ابن کثیر جلد اول صفحه ۴۵۰ مطبوعه تجاریه کبری در مصر

اجتماعی لازم است شمار مردان به قدر شما رزنها باشد ، زمانی که شمار مردان بیشتر می شود برشمار زنان یا برعکس پس چگونه حل بسازیم این مشکل را ، ماچگونه کاری را انجام دهیم زمانی که توازن برهم می خورد وشمار زن ها بالاتراشمار مردها می شود؟

آیا محروم کنیم زن را از نعمت زوجیت ونعمت مادری وبگذاریم او را تابرد در راه فاحشه وردیله چنانچه واقع شد درحق زن های اروپا بعدازجنگ جهانی اخیر که تعداد زن ها نسبت به مرد ها بالارفت یا حل بسازیم این مشکل را به طریق خوب وبهتر که مصون باشد درآن عزت زن وپاکی خانواده وسلامت اجتماع ؟

کدام یکی ازین ها بهتر است به نزد شخصی عاقل؟ اینکه نکاح کند زن را بارتباط مقدس که به همراهی همسر دیگرخویش تحت حمایت مرد به طریق شرعی باشند یا اینکه بگردانیم زن را وسیله دوستی پنهانی وعشق بازی برای مرد وعلاقه میان ایشان علاقه گناه باشد کدام یکی ازین بهتر خواهدبود؟ به نزد انسان عاقل راه اول بهتر خواهدبود.

دولت آلمان که دین آن ها مسیحی است که دروی تعدد را حرام گفته راه برای حل این مشکل نیافتند پس اختیارکردند راه اسلام را تعددزوجات را مباح ساختند بخاطرحمایت زنان آلمان ازروی آورن به فحشاء وازبی سرنوشتی فرزندان که ازین فحشاء بوجودمی آید .^۱

۴-مفسر دیگربرزگی اسلام مکارم شیرازی رحمه الله درتفسیرخویش درارتباط به موضوع چنین فرموده است:

تعددزوجات یک ضرورت اجتماعی است آیه کریمه فوق ، مسئله تعددزوجات را باشرایط سنگینی ودرحدود معینی مجازشمرده است ودرین جا باایراد ها وحملات مخالفان آن روبرومی شویم که بامطالعات زود گذر،وتحت احساسات حساب نشده بامخالفت بااین قانون اسلامی برخواسته اند مخصوصاً غربی ها درین زمینه به ما بیشتر ایراد میکنند که اسلام به مردان اجازه داده برای خود (حرمسرا) بسازند وبه طور نامحدود همسربگیرند.

^۱ تفسیر آیات الاحکام من القرآن الکریم بقلم محمد علی صابونی رحمه الله صفحه ۳۰۴ الی ۳۰۵ جداول مطبوعه نشر القرآن والحديث محله جنگی پشاور

درحالیکه نه اسلام اجازه تشکیل حرمسرا به آن معنی که آنها می پندارند داده و نه تعددزوجات را بدون قید و شرط و نامحدود قراردادده است .

توضیح اینکه: بامطالعه وضع محیط های مختلف قبل ازاسلام به این نتیجه میرسیم که تعددزوجات به طورنامحدود امر عادی بوده وحتی بعضی ازمواقع بت پرستان به هنگام مسلمان شدن ، بیش ازده زن ویاکمتر داشتند بنابراین تعددزوجات ازپیشنهاد ها واتبکارات اسلام نیست بلکه اسلام آن را درچهارچوبه ضروریات های زندگی انسانی محدودساخته و برای آن قیود وشرایط سنگینی قایل شده است.

قوانین اسلام براساس نیازهای واقعی بشر دورمیزند نه به تبلیغات ظاهری واحساسات رهبری نشده ، مسئله تعددزوجات نیزازهمین زاویه دراسلام مورد بحث بررسی قرارگرفته، زیراهیچ کس نمیتوانیم انکار کرد که مردان درحوادث گوناگون زنده گی بیش از زنان درخطرنابودی قرار دارند ودرجنگ ها وحوادث دیگر قربانیان اصلی را آنها تشکیل میدهند .

ونیزنمیتوانیم کار کردکه عمرزنده گی جنسی مردان ، اززنان طولانی تراست انکار کرد زیرا زنان درسنین معینی آماده گی جنسی خودرا ازدست می دهند درحالیکه درمردان چنین نیست .

ونیززنان به هنگام عادات ماهانه وقسمت ازدوران حمل ، عملاً ممنوعیت جنسی دارند درحالیکه درمردان این ممنوعیت ها وجود ندار دازهمه گذشته زنانی هستند که همسران خودرابه علل گوناگون ازدست می دهند ومعمولاً نمی توانند به عنوان همسراول ،موردتوجه مردان قرارگیرند واگر مسئله تعددزوجات درکارنباشد آنها باید برای همیشه بدون همسر باقی بمانند همان طوریکه درمطبوعات مختلف میخوانیم که دسته از زنان بیوه بامحدودشدن مسئله تعددزوجات ازناباسامانی زنده گی خود شکایت دارند وجلوگیری ازتعددرا یک نوع احساسات ظالمانه درباره خود تلقی میکنند.

بادرنظرگرفتن این واقعیت ها درین گونه موارد که تعادل میان مردوزن به عللی بهم میخورد ناچاریم یکی از سه راه را انتخاب کنیم:

۱- مردان تنه‌ابه یک همسر در همه موارد رقناعت کنند وزنانی اضافی تا پایان عمر بدون همسرباقی بمانند و تمام نیازهای فطری و خواسته های درونی خود را سرکوب کنند.

۲- مردان فقط دارای یک همسرقانونی باشند ولی روابط آزاد و نامشروع جنسی را بازنانی که بی شوهر مانده اند به شکل معشوقه برقرار سازند.

۳- کسانی که قدرت دارند بیش از یک همسر را اداره کنند و از نظر (جسمی و مالی و اخلاقی) مشکل برای آنها ایجاد نمی شود و قدرت بر اجرای عدالت کامل در میان همسران و فرزندان خود را دارند به آنها اجازه داده شود که بیش از یک همسر برای خود انتخاب کنند.

مسلماً غیر از این سه راه ، راهی دیگری وجود ندارد.

اگر بخواهیم راه اول را انتخاب کنیم باید با فطرت و غرایض و نیازهای روحی و جسمی بشر به مبارزه برخیزیم و عواطف و احساسات این گونه زنان را نادیده بگیریم، این مبارزه است که پیروزی در آن نیست و به فرضی که این طرح عملی شود جنبه های غیر انسانی آن بر هیچ کس مخفی نیست.

به تعبیر دیگر مسئله تعدد همسر را در موارد ضرورت نباید تنها از دریچه چشم همسر اول، مورد بررسی قرارداد، بلکه از دریچه چشم همسر دوم نیز باید مورد مطالعه قرار گیرد، و آنها که مشکلات همسر اول را در صورت تعدد زوجات عنوان میکنند کسانی هستند که یک مسئله سه زاویه ای را تنها از یک زاویه نگاه میکنند زیرا مسئله تعدد همسر، هم از زاویه دید مرد و هم از زاویه دید همسر اول و هم از زاویه دید همسر دوم باید مطالعه شود و با توجه به مصلحت مجموع درین باره قضاوت کنیم.

و اگر راه دوم را انتخاب کنیم باید فحشاء را به رسمیت بشناسیم و تازه زنانیکه به عنوان معشوقه مورد بهره برداری جنسی قرار می‌گیرند نه تأمین دارند و نه آینده، و شخصیت آنها در حقیقت لگدمال شده است و این ها امور نیست که هیچ انسان عاقلی آن را تجویز کند بنابراین تنها راه سوم باقی می ماند که هم به خواسته های فطری و نیازهای غریزی زنان پاسخ مثبت میدهد و هم از عواقب شوم فحشاء و نابسامانی زنده گی این دسته از زنان جلوگیری میکند و جامعه را از گردآب گناه بیرون می برد . البته باید توجه داشت که جواز تعدد زوجات با اینکه در بعضی از موارد یک ضرورت اجتماعی است.

وازا حکام مسلم اسلام محسوب می شود اما تحصیل شرایط آن امروز با گذشته تفاوت بسیار پیدا کرده است ، زیرا زنده گی در سابق یک شکل ساده و بسیط داشت و لذا رعایت کامل مساوات بین زنان آسان بود و از عهده آن غالب افراد بر می آمد ولی در عصر و زمان ما باید کسانی که میخواهند از این قانون استفاده کنند مراقب عدالت همه جانبه باشند و اگر قدرت بر این کار دارند چنین اقدام بنمایند اساساً اقدام به این کار نباید از روی هوی و هوس باشد .

جالب توجه اینکه همان کسانی که با تعدد همسر مخالف اند (مانند غربی ها) در طول تاریخ خود، به حوادثی برخوردند که نیازشان را به این مسئله کاملاً آشکار ساخته است، مثلاً بعد از جنگ جهانی دوم احتیاج و نیاز شدیدی در ممالک جنگ زده ، و مخصوصاً کشور آلمان، به این موضوع احساس شد و جمعی از متفکران آنها را وادار ساخت که برای چاره جویی و حل مشکل در مسئله ممنوعیت تعدد همسر تجدید نظر کنند، و حتی برنامه تعدد زوجات اسلام را از دانشگاه (الزهر) خواستند و تحت مطالعه قراردادند ، ولی در برابر حملات سخت کلیسا مجبور به متوقف ساختن این برنامه شدند ، و نتیجه آن همان فحشاء و وحشت ناک و بی بندوباری جنسی وسیعی بود که سراسر کشورهای جنگ زده را فرا گرفت از همه این ها گذشته تمایل پاره از مردان را به تعدد همسر نمی توان انکار کرد ، این تمایل اگر جنبه هوس داشته باشد قابل ملاحظه است اما گاهی می شود که به اثر عقیم بودن زن، و علاقه شدید مرد به داشتن فرزند، این تمایل را منطقی می کند ، و یا گاهی بر اثر تمایلات شدید جنسی و عدم توانائی همسر اول برای انجام این خواسته غریزی ، مرد خود را ناچار به ازدواج دوم میبندد ، حتی اگر از طریق مشروع انجام نشود از طریق نامشروع، اقدام می کند درین گونه موارد نیز نمیتوان منطقی بودن خواسته مرد را انکار کرد و لذا حتی در کشورهای که تعدد همسر قانوناً ممنوع است عملاً در بسیاری از موارد ارتباطات با زنان متعدد رواج کامل دارد ، و یک مرد در آن واحد با زنان متعدد ارتباط نامشروع دارد.

مؤرخ مشهور فرانسوی گوستاو لوبون قانون تعدد زوجات اسلام را که به صورت محدود و مشروط است یکی از مزایای این آیین می شمارد و به هنگام مقایسه آن با روابط آزاد و نامشروع مردان ، با چند زن ، در اروپا چنین مینویسد:

در غرب هم با وجود اینکه آب و هوا و وضع طبیعت هیچ کدام ایجاب چنین رسم (تعدد زوجات) نمی کند با این حال وحدت همسر چیزی است که ما آنرا فقط در کتاب های قانون می بینیم ولی گمان نمیکنم که بشود انکار کرد که در معاشرت واقعی ما اثر این رسم نیست .

راستی من متحیرام و نمیدانم که تعدد زوجات و محدود شرق ، از تعدد زوجات سالوسانه غرب چه چیز کم دارد؟ بلکه من میگویم که اولین از هر حیث ازدومی بهتر و شایسته تر است . البته نمیتوانیم انکار کرد که بعضی از مسلمان نماها بدون رعایت روح اسلامی این قانون ، از آن سوء استفاده کرده و برای خود حرامسراهای ننگینی برپا نموده و به حقوق زنان و همسران خود تجاوز کرده اند، ولی این عیب از قانون نیست و اعمال آن ها را نباید به حساب دستورات اسلام گذاشت، کدام قانون خوبی است که افراد سودجو از آن بهره برداری نامشروع نکرده اند .

سوال:-

در اینجا بعضی سؤال میکنند که ممکن است شرایط و کیفیاتی که در بالا گفته شد برای زن یازنانی پیدا شود آیا در این صورت میتوان به او اجازه داد که دوشوهر برای خود انتخاب کنند؟

پاسخ:

جواب این سؤال چندان مشکل نیست.

اولاً (برخلاف آنچه در میدان عوام معروف است) میل جنسی در مردان به مراتب بیشتر از زنان است و از جمله ناراحتی های که در کتب علمی مربوط به مسایل جنسی درباره غالب زنان ذکر میکنند مسئله (سردمزاجی) است در حالیکه در مردان موضوع برعکس است ، حتی در میان جانداران دیگر نیز همواره دیده میشود که تظاهرات جنسی ، معمولاً از جنس نر شروع میشود ثانیاً تعدد همسر در مورد مردان هیچگونه مشکل اجتماعی و حقوقی ایجاد نمی کند در حالیکه درباره زنان اگر فرضاً دو همسر انتخاب کنند مشکلات فراوان به وجود خواهد آمد که ساده ترین آنها مسئله مجهول بودن نسب فرزند است که معلوم نیست مربوط به کدام یک از دو همسر می باشد و مسلماً چنین فرزندی مورد حمایت هیچ از یک مردان قرار نخواهد گرفت و حتی بعضی از دانشمندان معتقداند فرزندی که پدر او مجهول باشد کمتر مورد علاقه مادر خود قرار خواهد گرفت، و با این ترتیب چنین فرزندی

از نظر عاطفی در محرومیت مطلق قرار می‌گیرند و از نظر حقوقی نیز وضع شان کاملاً مبهم است و شاید نیاز به تذکر نداشته باشد که توسل به وسایل پیشگیری از انعقاد نطفه به وسیله قرص یا مانند آن، هیچ گاه اطمینان بخش نیست و نمیتواند، دلیلی قاطع بر نیاوردن فرزند دیده باشد زیرا بسیاری از زنانیکه از این وسایل استفاده کرده و یا در طرز استفاده، گرفتار اشتباه شده و فرزند پیدا کرده اند، بنابراین هیچ زنی نمی تواند به اعتماد آن، تن به تعدد همسر بدهد.

روی این جهات تعدد همسر برای زنان نمیتواند منطقی بوده باشد در حالیکه در مورد مردان با توجه بشرایط آن هم منطقی است و هم علمی است^۱

^۱ تفسیر نمونه جلد سوم صفحه ۲۵۶-۲۶۲ بقلم ناصر مکارم شیرازی رحمه الله ناشر دارالکتب الاسلامیه بازار سلطانی تاریخ انتشار ۱۳۷۰ چاپ خانه خورشید.

مبحث دوم:

حکمت و فلسفه تعدد زوجات:

از آن جا که قوانین اسلام، مطابق با وجدان و ناموس خلقت و برخاسته از فطرت انسانی است، می تواند نیازهای فردی و اجتماعی بشر را در تمام عصر، تأمین نماید. لیکن مستشرقان و ملحدان بی انصاف همواره سعی کرده و می کنند تا از راه های گوناگون شبهاتی را وارد نموده و این آیین مقدس را زیر سؤال ببرند.

ما در بحث خاصه سعی داریم برخی از مهم ترین شبهات آنان را بیاوریم و پاسخ مناسب بدهیم تا کسانی که اطلاعات کافی درباره اسلام ندارند، تحت تأثیر این نوع شبهات واقع نشوند.

می گویند: اسلام با تجویز تعدد زوجات، قلوب قشر عظیمی از بانوان را جریحه دار کرده و محیط آرام زندگی خانوادگی را متشنج نموده است، زیرا زن با وجود «هوو»، (انباق) حس محبت را به خشونت و انتقام تبدیل می کند، در صورتی که مسیحیت با حرام کردن بیش از یک زن برای مرد، باعث تشدید محبت و انسجام خانوادگی شده است.

پاسخ به این اشکال، مقدماتی را می طلبد:

۱ - اصل ازدواج از لوازم تفکیک ناپذیر حیات انسان ها و بقای نسل آنها به شمار می رود و اصولاً آرامش زندگی بدان بستگی دارد. از همه مهم تر، حفظ اصالت اخلاق و ارزش های متعالی انسانی و جلوگیری از انواع انحرافات جنسی، بر پایه ازدواج استوار است. در نگاه بنیان گذار اسلام، بنایی مقدس تر و محبوب تر از پیوند زناشویی نیست؛ چنان که خانه ای مبعوض تر از منزلی نیست که طلاق در آن واقع شده باشد.

۲ - در آیین اسلام، رهبانیت و عزوبت وجود ندارد. بعضی از نویسندگان بر این باورند که رهبانیت در جوامع مسیحی، پس از قرن سوم شیوع یافته است؛ ولی نباید نادیده گرفت رهبانیتی که حضرت مسیح علیه السلام آن را ترویج کرده، با گذشت زمان - مانند سایر دستورات ایشان - تحریف یا تغییر نموده است. قرآن کریم می فرماید: «(وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا

رَعَوْهَا حَقًّا رِعَايَتِهَا) بخش از آیه ۲۷ سوره حدید (در دل های آنان رأفت و رحمت و رهبانیتی افگندیم که آن را ساخته بودند و ما بر آنها ننوشته بودیم).

این آیه، دو نوع تفسیر دارد: مطابق تفسیر اول، نوعی رهبانیت و زهد در آیین مسیح علیه السلام بوده است، ولی آن چه پیروان مسیح علیه السلام بعد از وی به وجود آوردند، یک نوع بدعت است. مطابق تفسیر دوم، رهبانیت مسیح علیه السلام همان زهد و بی رغبتی وی به دنیا بوده و بس. البته تفسیر اول مقبول تر و مشهورتر است، زیرا علت پیشرفت رهبانیت انحرافی در آیین مسیح علیه السلام سوء برداشتی بوده که از شخصیت استثنایی حضرت مسیح علیه السلام شده و در پی آن، مفساد اخلاقی و اجتماعی به وجود آمده است.

۳ - رهبانیت، اساس انحرافات اخلاقی، تنبلی، بدبینی، غرور و خودبرتربینی می باشد. رهبانیت با ترک ازدواج است که عقده های روانی تولید می کند. ما منکر آن نیستیم که راهب و راهبه های مسیحی خدمات ارزنده ای دارند؛ مانند: پرستاری از بیماران صعب العلاج؛ ولی در این نکته نباید تردید کرد که بعضی از دیرها و صومعه ها کانون فحشا شده اند.

حضرت عیسی علیه السلام مطابق حکمت الهی و مقتضیات آن زمان، شخصاً همسری انتخاب نکرد و تجرّد را بر تأهل و رهبانیت را بر اجتماعی زیستن ترجیح داد. همین امر زمینه سوء برداشت و پیشرفت رهبانیت را فراهم کرد؛ چنان که در انجیل متی می خوانیم: «و هر که به خاطر اسم من خانه ها یا برادران و یا خواهران یا پدر و مادر یا زن و فرزندان و یا زمین ها را ترک کرد، صد چندان خواهد یافت و وارث حیات جاودانی خواهد شد.»

در همین کتاب، در پاسخ جوانی که راه حیات جاودانی را از او می طلبید، می گوید: اگر می خواهی کامل شوی، برو مایملک خود را بفروش و به فقرا بده که در آسمان گنجی خواهی داشت، آن گاه بیا و از من تبعیت کن.

به همین دلیل است که قرآن کریم امت اسلامی را یک امت معتدل توصیف می کند و آن را با وصف «لا شرقیة و لا غربیة» معرفی می کند و پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز تصریح می کند: رهبانیت و

عزوبت، بر خلاف آیین اسلام و بلکه در تضاد با فطرت انسان است، چرا که خدای حکیم غرایزی در نهاد انسان و حیوان خلق کرده که باید در حد معقول و طبیعی از آن بهره مند شود. حیوان به حکم جبر غریزی در محدوده طبیعی از آن استفاده می کند، ولی انسان به یمن اختیار و آزادی، ممکن است افراط و تفریط کند؛ اسلام با احکام و دستورات ویژه ای، او را به اعتدال دعوت می کند.

۴ - پیامبران الهی در هر زمان و مکان و قوم و ملتی که قرار می گرفتند، احکام مقطعی و دستورات ابدی داشتند. بسا به دلیل مصالحی، حلال واقعی را به گونه موقت برای مجازات قومی، حرام می کردند. ازدواج نکردن شخص حضرت عیسی علیه السلام که یک عمل استثنایی است، حکمت های ظاهری و پنهانی زیادی دارد. اولاً: شکی نیست که عیسی بن مریم علیه السلام بدون پدر به دنیا آمده است و فرشته وحی پس از تمثّل به شکل جوانی زیبا نوید باردار شدن حضرت مریم رضی الله عنها را داده است. بدین دلیل ممکن است حضرت مسیح علیه السلام نیازی به غریزه جنسی نداشته که نیازمند همسر نبوده است، چرا که هر مولودی مطابق حکمت عالی و نظام احسن، خصلت های مادی و معنوی را از پدر و مادر خود به ارث می برد و به حکم وراثت، انسان ها در ضعف و قوّت غرایز، متفاوت می شوند.

اگر حضرت عیسی علیه السلام ازدواج می کرد و اولادی به وجود می آورد، بنی اسرائیل گرفتار ضلالت بیشتری می شدند؛ فرزند عیسی علیه السلام را پسر و یا نواده خداوند جل جلاله یا مولود جبرائیل علیه السلام تلقی می کردند؛ چنان که این شایعات درباره ایشان و سایر پیامبران علیهم السلام اتفاق افتاده است. بعضی عزیر علیه السلام را پسر خداوند جل جلاله خوانده اند و برخی مسیح علیه السلام را و جمعی عیسی علیه السلام و مریم رضی الله عنها را تا سر خدایی پرستیدند و در حق آنان غلو کردند.

۵ - حکمت دیگر این است که چون فلسفه بعثت حضرت عیسی علیه السلام در پی افراط کاری بنی اسرائیل در ماده گرایی و گوساله پرستی بود، رسالت جدید جز با زهد و ترک نسبی دنیا و زرق و برق آن، نمی توانست اصلاح و تعدیل به وجود آورد؛ چنان که در قرآن کریم می خوانیم: حضرت موسی علیه السلام یک ماه مأموریت پیدا کرد به کوه طور برود، اما زمانی که ده روز بر مأموریتش افزوده

شد شیطان، سامری را وسوسه کرد تا گوساله ای بسازد و بنی اسرائیل را به پرستش آن دعوت کند. هنگامی که حضرت موسی علیه السلام برگشت، شدیداً عصبانی شد و برادرش هارون را عتاب کرد. سپس به جرم طغیان و سرکشی غیر منتظره، بر آنها فرض شد که توبه ای خونین و بی سابقه انجام دهند: « إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلِ فَتُوبُوا إِلَيَّ بَارِكُوا لَكُمْ فَافْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ؛ بخشی از آیه ۵۴ سوره بقره (یادکن وقتی که موسی علیه السلام به قومش گفت: شما با گوساله پرستی به خویش ستم روا داشتید، پس به سوی خداوند جل جلاله بازگردید و یک دیگر را بکشید).

این امر یک حکم استثنایی و موقت بود که در آن زمان برای جمعی از پیروان موسی علیه السلام صادر گردید و از آن پس، توبه همان ندامت واقعی و جبران مفاسد انجام شده اعلام گردید.

۶ - اسلام یک آیین معتدل در تمام زمینه هاست. قرآن کریم می فرماید: « وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا بخش از آیه ۱۴۳ سوره بقره ترجمه: (شما را یک امت وسط و میانه رو قرار دادیم تا الگو و شاهدهی برای مردم جهان باشید و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم شاهد و سرمشق برای شما باشد). در واقع اعتدال به مثابه یک استراتژی و خط مشی کلی آیین محمدی صلی الله علیه وسلم است که باید در تمام اصول اعتقادی و فروع دینی و شیوه های اخلاقی و رفتاری انسان، ساری و جاری باشد. اسلام نه افراط در گرایش های معنوی دارد و نه تفریط در امور مادی.»

با روشن شدن این مطالب، اینک به اصل پاسخ بر می گردیم.

مطلب اول

تعّد زوجات در میان ملت ها

چند همسری اختصاص به اسلام ندارد. اسلام در گام اول، بر تک همسری تأکید کرده است. قرآن کریم می فرماید: «و ان خفتم الا تعدلوا فواحدة؛ بخشی از آیه ۳ سوره نساء (اگرخوف آن دارید که میان همسران عدالت را مراعات نکنید، به یک زن بسنده کنید)»، ولی در مورد سایر بانوان (غیر

یتیمه) اگر حکمت و ضرورت فردی و اجتماعی ایجاب کند و تمکین مالی دارید، می توانید تا چهار زن انتخاب نمایید.

پیش از ظهور اسلام، تعدّد زوجات در میان ملت های عرب و عجم و هند و چین معمول بوده و در بعضی از مناطق، مردها چندین همسر داشتند، اسلام آمد و اعتدال را در میان آنها برقرار نمود؛ نه مانند مسیحیت تک همسری را واجب نمود و نه مثل احکام سایر ملل، زن های بی حد و حساب را تجویز کرد، بلکه در گام اول، بر تک همسری تأکید نمود و در صورت ضرورت و داشتن امکانات مالی و بلوغ عقلانی، تا چهار زن را مجاز دانست نه واجب (دقت کنید).

شاید این سؤال به ذهن بسیاری خطور کند که چرا اسلام گرفتن چهار زن را مجاز شمرده، در حالی که نارضایتی همسر اول را در پی دارد؟ این دو چگونه با هم سازگارند؟

در پاسخ می گوییم: ناراحت شدن زن اول دلیلی بر تعطیل کردن قانون جواز تعدّد زوجات نمی شود؛ هم چنان که ناراحت شدن یکی از طرفین دعوا که محکوم شده، موجب تعطیلی دستگاه قضایی نمی گردد. ضمن این که زن های دوم و سوم از داشتن هوو (انباق) ناراحت نمی شوند، بلکه ناراحتی آنها به این دلیل است که با چشم خود بی عدالتی مردان هوس باز و ستم گر را مشاهده کرده و می کنند؛ چنان که برخی از مردها پس از گرفتن زن دوم، در کمال بی رحمی و سنگ دلی، همسر اول را با فرزندان خود به کلی رها ساخته و حق و حقوق آنان را ظالمانه پایمال کرده اند و باعث بیماری زن اول و آوارگی اعضای خانواده شده اند.

در مقابل، برخی دیگر از مردان با ایمان و منصف هستند که عدالت را در میان همسران خود رعایت کرده و می کنند و زن هایشان با کمال صمیمیت در کنار هم به زندگی ادامه می دهند. کسانی هم هستند که یک زن بیشتر ندارند و همواره از ناسازگاری می نالند و علت اصلی، عدم آشنایی با وظایف اسلامی یا عمل نکردن به آنهاست. به قول شاعر:

وظیفه زن و مرد ای حکیم دانی چیست؟

یکی است کشتی و آن دیگری است کشتی بان

می گویند: رواج چند همسری به انحطاط مقام نوع زن و کاستن از ارزش او منجر می شود. می گوئیم: تعدد زوجات نه تنها باعث تنزل مقام زن نمی شود، بلکه ارزش و موقعیت اش را نیز بالا می برد، زیرا متاعی که خریدارش بیشتر باشد کم یاب تر و طبیعتاً ارزش مندتر می گردد. بدیهی است اگر بانوان بی شوهر در جامعه کمتر یافت شوند ارزش زن ها بالا می رود، در مقابل اگر بانوان بی سرپرست و دختران بی همسر در جامعه زیاد باشند، بی گمان ارزش وجودی آنها کاسته می شود.

جای بسیار شگفتی است که منتسکیو می نویسد: «تعدد زوجات نتایج بد دیگری هم دارد و آن این است که رسم عشق بازی مستهجن و مخالف طبیعت را می آموزد و رواج می دهد، زیرا در عرصه شهوت رانی هر میلی که از حدود معین خارج گردید باعث کارهای بی قاعده دیگر می شود. وقتی در اسلانبول برای خلع سلطان احمد شورش کردند و او را از تخت سلطنت پایین آوردند، در تمام حرم سرای این پادشاه یک زن جوان وجود نداشت، چه او با عشق بازی های مخالف طبیعت، روزگار خود را می گذرانید.»

هدف نویسنده از عشق بازی بر خلاف طبیعت، انحراف جنسی و به پسران و مردان پرداختن است و این چه ارتباطی با تعدد زوجات اسلامی دارد؟ اگر این پادشاه منحرف از لحظه جوانی با دختری ازدواج کرده بود، احتمالاً چنین انحرافی پیدا نمی کرد. مضاف بر این که آیا سلطان ترکیه که در حرم سراها با پسران سر و کار داشته، به جرم جواز چند همسری اسلام بوده است و یا مولود سوء تربیت و انحراف جنسی اوست؟ اگر کسی بگوید گرایش به هم جنس بازی ممکن است زاده اکتفا کردن به یک همسر و یا زن باشد، به عقل شیطانی و سفسطه نزدیک تر می باشد، نه چند همسری که خود نشانه گریز از اندیشه هم جنس بازی تلقی می گردد.

وانگهی، همان گونه که گفتیم، شارع مقدس تعدد زوجات را بر مردها واجب نکرده، بلکه جواز آن را هم موقوف بر رعایت عدالت و مساوات حقوقی میان همسران نموده است. از جانب دیگر، بسا یک قانون در جای گاه خود مستلزم مصالح و منافی باشد ولی هنگامی که به دست مردم ناصالح افتاد از آن سوء استفاده کنند و مفسده انگیز شود، چرا که اسلام مجموعه ای از عقاید، احکام و اخلاقیات

است که همه آنها به هم پیوسته و مرتبط است؛ همچون دارو و معجون را می ماند که پزشک متخصص تجویز می کند ولی در به کار بردن آن، شرایطی را گوشزد می نماید. حال اگر مریض داروها را طبق شرایط استفاده نکرد، نمی توان پزشک و داروساز را مقصر دانست؛ بلکه خود مریض گناه کار است.

دستورات اسلام بر اساس حکمت استوار است. ممکن است برای بعضی از افراد داشتن چند همسر، سودمند و برای جمعی که شرایط لازم را ندارند، مضر باشد، ولی این گناه قانون نیست؛ گناه کسانی است که قانون را نادیده می گیرند. قرآن کریم می فرماید: « وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ۗ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا سوره اسرا آیه ۸۲؛ ترجمه: (از قرآن کریم چیزهایی فرو فرستادیم که برای مؤمنان شفا بخش و رحمت است، ولی برای ظالمان جز ضرر و زیان روز افزون نتیجه ای ندارد.». علت خسران و زیان ظالمان به دلیل ظالم بودن و عمل نکردن به دستورات الهی است نه این که آیات قرآن کریم باعث شده باشد که آنان به ظلم بگردانند. به قول

مرحوم شیخ بهایی:

مثنوی او چو قرآن مدل

هادی بعضی و بعضی را مُضِلّ

یکی از دوستان فاضل می گفت: چرا اسلام اجازه می دهد که ولی دختری طفل نابالغ خود را به عقد ازدواج دیگری درآورد، با این که هنوز مصالح و مفاسد خویش را نمی فهمد؟ در پاسخ گفتم: اولاً: اگر ولی دختر انسانی عاقل و حکیم باشد، هرگز چنین کاری را نمی کند، مگر این که مصلحت واقعی دختر و پسر در آن باشد و به حکم ضرورت این عمل را انجام دهد. در ثانی: به فرض این که دختر و پسر بعد از بلوغ عقلانی، یک دیگر را نپسندند، می توانند عقد را فسخ کنند. ثالثاً: جهل و نادانی ولی دختر و یا شخص دوشیزه را نباید به حساب احکام خدا گذاشت، چرا که به قول مولوی:

اسلام به ذات خود ندارد عیبی

هر عیب که هست در مسلمانی ماست

در زندگی های زناشویی نیز از این نوع نگرانی ها و نارضایتی ها پیش می آید. مکرر اتفاق افتاده که دوشیزه ای با اختیار و انتخاب خود همسری را برگزیده، اما به دلیل ساده اندیشی و نادانی در انتخاب، پس از چندی کارش به طلاق و نزاع کشیده شده است.

بر این اساس آیا می توانیم بگوییم ازدواج با حفظ آزادی و انتخاب دختر و پسر، قانون درستی نمی باشد؟ وانگهی، مگر اسلام کسی را مجبور کرده از ولایت خود بدون دلیل استفاده کند و دخترش را پیش از سن بلوغ به ازدواج کسی درآورد.

ریشه های تاریخی تعدد زوجات

تعدد زوجات، صرف نظر از نیاز طبیعی و ضرورت اجتماعی، اصولاً در تمام ادیان الهی و جوامع بشری بوده است. بر خلاف پندار برخی از نویسندگان غربی، این موضوع مولود قدرت مردان و ضعف جسمانی بانوان نبوده و نیست؛ چنان که پدر شاهی و پدرسالاری نیز آن را به وجود نیاورده است. خنده دارتر از اینها نظریه کسانی است که گمان کرده اند چند همسری زاده جهات جغرافیایی و مخصوص مناطق گرم سیر است.

«منتسکیو» و «گوستاولوبون» اصرار زیادی دارند تا علل جغرافیایی و آب و هوا را در گزینش چند همسری دخیل بدانند.

گوستاولوبون می نویسد: «رسم مذکور (تعدد زوجات) فقط بر اثر آب و هوای مشرق و نتیجه خصایص نژادی و علل و اسباب دیگری است، نه آن که مذهب آن را آورده باشد.»

منتسکیو نیز می نویسد: «در کشورهایی که دارای آب و هوای گرم است، زن ها در سنین هشت، نه و ده سالگی بالغ می باشند و بعد از این که شوهر کردند بارور می شوند. پریود در شرح حال پیغمبر اسلامی می گوید: آن حضرت در پنج سالگی، خدیجة رضی الله عنها را به حباله نکاح درآورد و در هشت سالگی با وی هم خوابه شد. این است که زن های کشورهای گرم سیر در بیست سالگی پیر

می شوند. بنابراین قانون منع تعدّد زوجات در اروپا و مجاز کردن این عمل در آسیا، به مقتضای آب و هواست.»

بدیهی است که این توجیه درست نیست، زیرا رسم تعدّد زوجات، منحصر به مناطق گرم سیر نبوده است؛ در ایران با این که آب و هوایی معتدل دارد، پیش از اسلام، تعدّد زوجات معمول بوده است. بنابراین سخن منتسکیو ادعایی گزاف است. گزافه تر از آن، ازدواج پیامبر صلی الله علیه وسلم در هشت سالگی است. در صورتی که به اتفاق مورّخان و مستشرقان، آن حضرت در ۲۵ سالگی با خدیجه چهل ساله ازدواج کرده است.

وانگهی، چرا مردم مشرق زمین همان راه و رسم مردم مغرب زمین را در قرون وسطی و قرون جدید در پیش نگرفتند و به جای چند همسرگزینی به فحشا و زن بازی پرداختند، زیرا به قول گوستاولوبون، در مغرب زمین تک همسری فقط در کتاب های قانون درج است و در معاشرت با جنس مخالف از آن خبری نیست. به قول شهید مطهری: «آنهایی که تعدّد زوجات را برای شرقی ها یک گناه نابخشودنی می شمارند و احیاناً آب و هوای مشرق زمین را بسترساز این عمل به اصطلاح غیر انسانی می دانند و بر این باورند که آب و هوای سرزمین اروپا به هیچ وجه اجازه بی وفایی به زن و تخطی از تک همسری را نمی دهد» پس چگونه است که آن آب و هوا روابط نامشروع با زنان و دختران را تجویز کرده است.

اصولاً در طبیعت مردها تمایل به چند همسری وجود دارد، ولی اکثر آنان مصلحت خود را در تک همسری می دانند و برخی هم امکاناتشان ایجاب نمی کند چند همسر داشته باشند وگرنه این امر یک حقیقتی است که متفکران غربی بدان اعتراف کرده اند.

ویل دورانت می نویسد: «مرد ذاتاً طبیعت چند همسری دارد، ولی طبیعت زن تمایل به چند همسری ندارد؛ بلکه به تک همسری علاقه مند است». آرتور شوپنهاور تحت عنوان «سخنی چند با بانوان» می نویسد: قانون ازدواج در اروپا که مردان را وادار می کند به یک زن اکتفا کنند، بنیانی نامعقول و فاسد دارد. در سراسر اروپا زنان بی شوهر فراوانند و حتی عده ای از آنها تا آخر عمر در

حالت گرفتاری یا عقده های روحی و امراض روانی به سر می برند و تعداد زیادی از آنان به فحشا و بی عفتی آلوده می شوند.

دکتر گوستاولوبون می نویسد: «این مسخره است که به قانون تعدّد زوجات بشود انتقاد کرد... ما مردم اروپا، آمریکا و غربی ها عملاً قائل به تعدّد زوجات هستیم... آیا این کارِ سالوسانه و زناهای نامشروع ما غربی ها و اروپایی ها از عمل رسمی و قانونی مسلمان ها که با راحتی ضمیر و وجدان، تعدّد زوجات را قانونی شمرده و در صورت نیاز با زنی دیگر رابطه همسری مشروع برقرار می سازند، بدتر نیست؛ خواهش می کنیم سعی کنید در جواب از وجدان خود کمک بگیرید. آیا کار ما که سراسر خیانت و فساد و موجب تکثیر فحشا و تزلزل ارکان اجتماع است، شایسته منع و تقبیح است یا دستور شرع مقدس اسلام!؟»

آری، اسلام قانون چند همسری را برخلاف چند شوهری به کلی لغو و نسخ نکرده، بلکه مقید و محدود به قیود و شرایطی ساخته است، چون در ادیان پیشین این قانون، رایج بوده است. به گفته ویل دورانت: «علمای مسیحی در قرون وسطی چنین تصور می کردند که تعدّد زوجات از ابتکارات پیامبر اسلام است، در صورتی که چنین نیست؛ چنان که دیدیم در اجتماعات ابتدایی، جریان چند همسری مطابق وضع آنها بوده است.»

اعترافات دانشمندان درباره چند همسری

(۱) گوستاولوبون می نویسد: «در اروپا هیچ یک از رسوم مشرقی ها به اندازه تعدّد زوجات بد معرفی نشده و درباره هیچ رسمی هم این قدر نظر اروپا به خطا نرفته است. نویسندگان اروپا تعدّد زوجات را شالوده مذهب اسلام دانسته و در انتشار دیانت اسلام و تنزّل و انحطاط ملل شرقی، آن را علت العلل قرار داده اند... ولی تصور مزبور از جمله تصوراتی است که هیچ مدرک و اساسی بر آن نیست. اگر خوانندگان برای مدت کوتاهی تعصبات اروپایی را از خود دور نمایند تصدیق خواهند کرد که رسم تعدّد زوجات برای نظام اجتماعی شرق، یک رسم عمده است... و در نتیجه همین رسم است که در مشرق [زمین]، اعزاز و اکرام زن بیش از اروپاست... رسم تعدّد زوجات ابداً مربوط به اسلام نیست،

چه قبل از اسلام هم رسم مذکور در میان تمام اقوام شرقی از یهود، ایرانی، عرب و غیره شایع بوده است.»

۲) کریستین سن می نویسد: «اصل تعدّد زوجات، اساس تشکیل خانواده در ایران به شمار می رفت. در قدیم، تعداد زنانی که مرد می توانست داشته باشد به نسبت استطاعت او بود.»

۳) سعید نفیسی در تاریخ اجتماعی ایران می نویسد: «شماره زنانی که مرد می توانست بگیرد، نامحدود بود؛ گاهی در اسناد یونانی دیده شده که مردی چند صد زن داشته است.»

آری، در آن عصر که تعدّد زوجات در میان ملل و ایرانیان، رنگِ کام یابی و شهوت رانی داشت و خسرو پرویزها سه هزار زن را در حرم سراها محصور کرده بودند و اردشیر بابکان چهارصد زن اختیار کرده بود و ملت یهود و قبایل عرب برای همسرگزینی محدودیتی قائل نبودند، اسلام آمد و قانون تعدّد زوجات را معتدل و هدف مند ساخت.

۴) یکی از دانشمندان غربی می نویسد: «اسلام در امر زناشویی زیاده از حد، حقوق زنان را رعایت کرده و همه گونه تکلیفی را به مردها تحمیل نموده است. تعدّد زوجات، قطع نظر از لزوم و منافعش، مربوط به زمانی است که اسلام آمد و زن های بی حد و حصر عرب را به چهار نفر محدود ساخت و امکان آن را به شرط عدالت موکول ساخت.»

عوامل اجتماعی تعدّد زوجات

ریشه های اصلی تعدّد زوجات در چند عامل خلاصه می شود و هر کدام می تواند حکمتی در مشروعیت این قانون باشد:

یکم: نازایی و عقیم شدن

در صورتی که یکی از زن و شوهر عقیم و نازا شد، دیگری باید چه کار کند. از یک سو علاقه به تولید نسل دارد و از طرفی بقای راه و رسم هر انسانی در اولادش نمایان می شود. این دو عامل ایجاب می کند که با حفظ حرمت و حقوق زن اول، همسر دومی اختیار نماید و یا به همان همسر اول اکتفا کند و ابتر بماند.

اگر نازایی مربوط به مرد باشد، زن می تواند تقاضای طلاق کند و سپس شوهر دیگری اختیار نماید تا بچه دار شود. و نیز می تواند به همان همسر اکتفا کند و یا فرزندی را از بهزیستی مطالبه نماید.

دوم: امراض مقاربتی

اگر زنی بیماری مقاربتی داشته باشد و یا مانعی از آمیزش در کار باشد که قابل درمان نباشد، مرد می تواند همسر دیگری اختیار کند. در صورتی که مرد به این بیماری مبتلا باشد زن هم حق دارد طلاق بگیرد و با دیگری ازدواج کند.

سوم: بلوغ زودرس بانوان

دوشیزگان غالباً در سیزده سالگی به بلوغ می رسند و برای ازدواج آمادگی پیدا می کنند، در حالی که پسرها اغلب در سن شانزده سالگی بالغ می شوند. با فرض تساوی نوزادان پسر و دختر، چون نیاز بانوان به همسر زودتر از هم سن و سالان پسر فراهم می گردد، باید چاره جویی کرد. از سوی دیگر، ضعف جنسی بانوان و شدت و قوت غریزی مردان هم باعث می شود که برخی از آنان نتوانند به یک همسر بسنده کنند و لذا همسر دومی بر می گزینند.

چهارم: عادت ماهانه زنان

بانوان در هر ماه، چند روزی عادت ماهانه می شوند که به دستور اسلام، آمیزش در این ایام بر مردان حرام است، در حالی که بعضی از آنها غریزه جنسی شدیدی دارند که یا خدای ناکرده باید تن به کارهای ناشایست و حرام بدهند که آن هم عوارض و آثار مخرب به جای می گذارد و یا این که صبر و تحمل و عفاف را در پیش گیرند و با کم خوری و روزه گرفتن و فعالیت های اجتماعی، غریزه خود را مهار یا تصعید نمایند. البته برای کسانی که تحمل چند روز عادت ماهیانه همسرانشان را دارند، مشکلی ایجاد نمی شود و به همین دلیل این عامل نمی تواند مانند عوامل پیشین توجیهی معقول و منطقی برای نیاز به تعدد زوجات با

پنجم: یائسگی و بازنشستگی

زنان معمولاً از پنجاه سالگی به بعد قدرت تولید نسل و باروری را از دست می دهند، در حالی که مردان تا سن ۶۵ سالگی آمادگی تولید نسل دارند. بنابر این در صورت داشتن امکانات و رعایت عدالت در حقوق زنان چرا مردها از زن های بی سرپرست و آماده برای تولید انسان های صالح، استفاده نکنند.

ویل دورانت می نویسد «در اجتماعات ابتدایی، زنان به سرعت پیر می شدند، به همین جهت خود آنان غالباً مردان را به زناشویی جدید تشویق می کردند.»

البته نباید از نظر دور داشت که یکی از اهداف عالی اسلام در موضوع تعدد زوجات، تکثیر نسل و افزایش جمعیت است. نبی مکرم اسلام هم مؤمنان را به کثرت فرزندان صالح ترغیب کرده است. کسانی که از یک زن فرزندان بسیاری می آورند به همسرشان ظلم کرده اند، زیرا امروزه علم ثابت کرده که زایمان های زیاد باعث پوکی استخوان مادر می شود. اگر کسی طالب فرزندان زیادی است و امکانات مالی و تربیتی هم دارد، بهتر است از قانون تعدد زوجات استفاده کند.

وانگهی، در نظام های عشایری مردها به خصوص رؤسای قبایل برای دفاع از منافع مادی، اداره احشام و اغنام، کشاورزی، باغ داری و دام پروری و نیز کثرت مهمان و آمد و رفت، تعدد زن و اولاد برای آنان ضرورت دارد و تنش زا نیز نمی باشد.

فرید وجدی در دائرة المعارف خود می نویسد: «زنان قبایل کوش در آمریکای شمالی، تعدد زوجات را قبیح نمی دانند، چرا که آنها بر اثر کارهای سنگین کمرهای شان خم می شود. از این رو مایلند شریکان زیادی داشته باشند تا مقداری از سنگینی و کثرت کار آنها کاسته شود.»

ششم: کثرت زنان و اندک بودن مردان

یکی از حکمت های مهم تعدد زوجات، کثرت بانوان و محدودیت مردان است. آمارهای منتشره در سال های گذشته و حال نشان می دهد که همواره تعداد زنان بیشتر از مردان بوده است. بر اساس

آمارهای ارائه شده، در آلمان «شش میلیون»، در ایتالیا «دو میلیون»، در فرانسه «یک میلیون و هشتصد هزار» و در انگلستان «یک میلیون و پانصد هزار» زن بیشتر از مرد وجود دارد.

شوپنهاور می نویسد: «چه بسیار زنان و دخترانی که در حسرت شوهر دار شدن یا فرزند داشتن سال ها سوختند و ناکام در دل خاک خفتند. چه بسیار زنان و دخترانی که بر اثر اجبار و فشار غریزه جنسی، نقد عفت خویش را به بدنامی باختند و عمری را با سرشکستگی و عصیان وجدان در تنهایی گذرانیدند و عاقبت به شوهر و فرزند که دو خواسته مشروع و طبیعی و حیاتی هر زن می باشد، نرسیدند.»

منتسکیو می نویسد: در «باتنام» شمار بانوان نسبت به مردها به قدری زیاد است که به هر مردی ده زن می رسد.

هفتم: کثرت تلفات مردان

بالا رفتن آمار دختران و زنان بی شوهر ایجاب می کند تعدد زوجات اجرا گردد. جلب رضایت یک زن قانونی و رها کردن زنان بی شماری که همسر ندارند، کار عادلانه و عاقلانه ای نیست.

در طول تاریخ همواره مردها در معرض خطر بوده اند. نوشته اند: «در جنگ جهانی دوم که آتش جنگ شش سال به درازا کشید، از هفتاد میلیون سرباز جنگی، ده میلیون کشته و بیست میلیون ناقص و از کار افتاده شدند و همه آنها از جنس مردان بودند.»

علاوه بر اینها، عواملی چون: مرگ و میر نوزادان پسر و امتداد عمر زن ها و مقاومت آنها در برابر بیماری ها، باعث فراوانی زنان و دختران نسبت به مردها می شود. این معضل اجتماعی را چگونه باید حل کرد؟ آیا جز با گرفتن چند همسر برای مردان متمکن راه دیگری سراغ دارید؟

تظاهرات زنان بی شوهر

پس از جنگ جهانی دوم در آلمان غربی تعداد زنان بی شوهر رو به فزونی گذاشت. شمار کثیری از آنان تظاهرات کردند و از دولت خواستند قانون تعدد زوجات را مانند اسلام تصویب نمایند، ولی دولت و کلیسا اجابت نکردند.

علامه طباطبائی نقل می کند: طبق آمار ارائه شده در فرانسه، در برابر هر صد مولود دختر، ۱۰۵ پسر به دنیا می آید. با این وصف، تعداد زن ها در فرانسه که تقریباً چهل میلیون جمعیت دارد، ۱/۷۶۵/۰۰۰ نفر بیشتر از مردان است؛ ولی در نهایت در برابر ۱/۵۰۰/۰۰۰ دختر ۷۵۰/۰۰۰ پسر باقی می ماند، زیرا از یک سو مقاومت پسرها در برابر امراض کمتر از دختران است و از سوی دیگر پسران بیشتر در معرض حوادث مرگ بار قرار دارند.

اگر چه دنیای مسیحیت و هواداران آنها امروز از حرمت داشتن بیش از یک زن سخن گفته و می گویند و یا از بد اخلاق شدن مردانی که چند همسر دارند می نویسند، ولی درباره مفاسد تک همسری و داشتن روابط نامشروع با زنان دیگر سکوت می کنند. به قول کوویلیام: شما ای مسیحیان، چقدر شایسته است درباره اعراب مسلمان به عدالت داوری کنید. مگر داوود پیغمبر علیه السلام که پادشاهی می کرد، به رغم زنان بسیار، مردی مهربان و نوازش کار لقب نداشت؟! و شما ای مسیحی ها، مبادا فراموش کنید! کار شما گناهش بالاتر و زیانش بیشتر از تعدد زوجات مسلمانان است. مگر نه این است که شما زنان بی شماری را زیر پوشش فساد اخلاق از راه به در کرده و در نتیجه آنان را تبه کار و بدکاره نموده اید! مگر نه این است که بسیاری از زنان را از زندگی خانوادگی دور کرده اید و فرزندان بی گناهی را در گوشه زایشگاه ها و پرورشگاه ها از خود به جای گذاشته اید.

اسقف شهر لوزان در روزنامه ستاره آمریکا (چاپ نیویورک) در ۲۴ آوریل ۱۸۹۶ میلادی نوشت: «در شهر باترسن که در قلمرو حکومت نشین نیوجرسی است، جوانی با مادر خود به دست کشیشی عقد زناشویی بست. در آن هنگام، عمر جوان ۲۳ سال و عمر مادر زیبایش به ۳۱ سال رسیده بود.»

از این اسفناک تر این که امروزه در کشورهای مغرب زمین، هم جنس بازی و ازدواج کثیف دو جنس موافق با یک دیگر با شتاب تصویب می شود و تأسف بارتر از همه این که کشیش ها به اسم دین مسیح علیه السلام دو جوان پسر را در کلیسا به عقد ازدواج یک دیگر در می آورند، ولی به جواز تعدد زوجات اسلام حمله ور می شوند. آری، به فرموده قرآن کریم: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا

كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ؛ سوره روم بخشی از آیه ۴۱ ترجمه: فساد در همه جا گسترش یافته و از خشکی تا دریاها را فراگرفته است.»

چندی قبل پولیس نیویورک یک کشیش را به اتهام وارد کردن ضرب و جرح و آدم دزدی بازداشت کرد. در حرم سرای این کشیش، یازده زن زندگی می کردند که آنها را در مخفی گاه خصوصی در یک معبد در حومه نیویورک نگه داری می کرد و پولیس پس از حفاری و کند و کاو بسیار به این حرم سرای جالب دست یافت.

این است معنای وجوب تک همسری و حرام بودن تعدد زوجات؟! انصاف دهید قانون تعدد زوجات کجا و قانونی شدن ازدواج مرد با مرد کجا؟! جواز چند همسرگزینی کجا و جواز ارتباط نامشروع با دختران و زنان کجا!؟

چند شوهری و شکست آن

می گویند: اگر تعدد زوجات یک امر معقول و پسندیده است، چرا زن نمی تواند شوهرهای متعددی داشته باشد و چرا این موضوع شکست خورده است؟

شهید مطهری رحمه الله معتقد است که شکست چند شوهری بدان دلیل است که این موضوع نه با فطرت و طبیعت مرد سازگار است و نه با طبیعت زن موافقت دارد.

اما از نظر مردها: اولاً، چند شوهری با روحیه انحصارطلبی مردها ناسازگار است و در ثانی، با اصل اطمینان پدري نیز در تضاد است؛ به عبارت دیگر، علاقه به فرزند یک امر طبیعی و غریزی است. انسان طبیعتاً می خواهد توالد و تناسل کند و رابطه اش را با نسل آینده و نسل گذشته مشخص و اطمینان بخش سازد. می خواهد بداند پدر کدام فرزند است و فرزند کدامین پدر.

اما از نظر زن ها: اولاً، چند شوهری با طبیعت زن منافات دارد و با منافع او در تضاد است، چرا که زن از مرد فقط اقناع غریزه جنسی را مطالبه نمی کند.

در ثانی، زن می خواهد از مرد موجودی بسازد که قلب او را در اختیار داشته باشد، حامی و مدافعش باشد و در راه او فداکاری کند. زن در نظام های چند شوهری هرگز نمی توانسته حمایت

محبت و عواطف خالصانه و فداکاری یک مرد را به خود جلب کند. از این رو چند شوهری مانند روسپی گری، همواره تنفر زن را در پی داشته است.

اشتراک جنسیت و یا کمونیسم جنسی که نه مرد به زن اختصاص داشته باشد و نه زن به مرد، به همین علت شکست خورده است. حکومت پیشین شوروی پس از چندین سال تجربیات تلخ در سال ۱۹۳۸ تک همسری را با عنوان قانون کمونیستی پذیرفت.

شهید مطهری در این مقوله می فرماید: چند زنی برای یک مرد می توانسته امتیازی شمرده شود، اما چند شوهری هیچ گاه برای زن امتیازی نبوده و نخواهد بود. علت این تفاوت آن است که مرد طالب شخص زن است و زن طالب قلب و عواطف و فداکاری های مرد. برای مرد مادامی که شخص زن را در اختیار دارد، اهمیتی ندارد که قلب زن را از دست بدهد، ولی برای یک زن قلب و عواطف مرد اصالت دارد و اگر آن را از دست بدهد همه چیز را از دست داده است؛ به عبارت دیگر، در امر زناشویی دو عنصر دخالت دارد: یکی، مادی و دیگری، معنوی. عنصر مادی زناشویی جنبه های جنسی آن است که تدریجاً کاهش می یابد و جنبه معنوی آن، عواطف رقیق و صمیمانه ای است که میان آنها حکم فرما می شود و هر چه بر عمر زوج و زوجه افزوده می گردد، این احساس نیاز بیشتر می شود.

یکی از تفاوت های زن و مرد این است که برای زن، عنصر دوم بیشتر از عنصر اول اهمیت دارد. بر خلاف جنس مرد که به عنصر اول بیشتر اهمیت می دهد؛ به عبارت دیگر، زناشویی برای زن بیشتر جنبه معنوی دارد و برای مرد بیشتر جنبه مادی.

برخی گمان کرده اند علت تجویز چند همسر برای مرد و تجویز نکردن آن برای زن، قلدری و زورگویی مردان است، در حالی که زن و مرد باید از حقوق مساوی برخوردار باشند.

اتفاقاً بر خلاف این نوع گفته ها، عدم مقبولیت چند شوهری دلیل بر این است که مرد به زن به چشم یک ملک و مال نگاه نمی کند وگرنه شرکت در املاک همواره بین مردها رایج بوده و استفاده مشترک از آن معمول است. وانگهی، آنها گمان کرده اند تعدد زوجات جزء حقوق مرد و تعدد شوهر

از حقوق زن می باشد، در صورتی که تعدد زوجات جزء حقوق بانوان است، ولی تعدد شوهر حقوق مردان به شمار می رود و نه از حقوق زنان؛ بلکه بر خلاف مصالح زن و مرد است.

حق تأهل و همسرگزینی، از طبیعی ترین حقوق بشری است و هیچ انسانی را تحت هیچ عنوانی نمی توان از این حق مسلم محروم کرد. اگر تک همسری واجب شود زنان فراوانی باید از حق تأهل محروم شوند و با این سرنوشت مختوم بسوزند و بسازند. به هر روی، عقده های واپس خورده از بی همسری و بی فرزندی و محرومیت از لذایذ جنسی و احساس تنهایی، روزی ممکن است جامعه را به انفجار کشیده و به مرگ و تباهی گروه زیادی منجر گردد و یا به روابط نامشروع منتهی شود. با وجود این تبعات آیا راه دیگری جز «قانون تعدد زوجات» می تواند این مشکل را حل کند؟

یکی از مدافعان اسلام می نویسد: درست است که قرآن کریم در آیه سوم سوره نساء «تعدد زوجات» را با رعایت عدالت مجاز شمرده، ولی در آیه ۱۲۹ همین سوره رعایت عدالت را بین زنان غیر ممکن دانسته است. «و لن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء و لو حرصتم؛ اگر هم بخواهید هرگز نمی توانید میان زن ها عدالت برقرار کنید». آن گاه نتیجه می گیرد پس در اسلام هم عملاً تعدد زوجات قابل اجرا نمی باشد.

در پاسخ می گوئیم: برای بهره برداری از قرآن کریم، قطع نظر از تقوا، اطلاعات علمی، ادبی و تفسیری به حد کافی لازم است و با ترجمه صوری نمی توان مفهوم حقیقی آیات را فهمید. در آیه سوم سوره نساء، منظور از اجرای عدالت، در خصوص نفقه و سایر حقوق زناشویی است، لذا می فرماید: «در صورتی که نمی توانید در مخارج زندگی، مسکن، لباس و خوراک بین زنان مساوات برقرار کنید، بیش از یک زن نگیرید»، ولی در آیه ۱۲۹ می فرماید: «هر چه تلاش کنید باز هم نمی توانید عدالت را اجرا کنید». مقصود از عدالت در این آیه، عدالت قلبی از نظر علاقه و دل بستگی است.

این موضوع را از هشام بن حکم پرسیدند، اما نتوانست جواب دهد. به ناچار خدمت امام صادق رحمه الله شرف یاب گردید و امام در پاسخ فرمود: منظور از عدالت در آیه اول، فقط عدالت در

تهیه خوراک، پوشاک، مسکن و مانند آن است، ولی عدالت در آیه دوم، عدالت از حیث محبت و علاقه قلبی می باشد و بدین دلیل میان این دو آیه تناقض و منافاتی وجود ندارد.

در سیره پیامبر صلی الله علیه وسلم و امامان رحمهم الله نیز همین رفتار عادلانه بین همسران جاری بود. امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه پس از فاطمه زهرا رضی الله عنها دو زن داشت، وقتی نوبت دیگری می شد، حتی وضوی خود را هم در خانه او می گرفت. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در موقع بیماری دستور داده بود هر شب او را به خانه یکی از همسرانش ببرند تا بدین وسیله عدالت را مراعات کرده باشد.^۱

تعدد زوجات یا چند زنی نیز غرض تأمین مصالح مرد یازن یا هر دو ویا جامعه اسلامی مجازدانسته شده است. چنانچه اسلام به مسأله تعدد زوجات بعنوان یک ضرورت اجتماعی توجه مبذول داشته است. تشریح آن برای حل یکی از دشوارترین معضله جامعه که کثرت زنان می باشد و نجات بسیاری از زنان از نداشتن تکیه گاه زندگی و غرض تحقق مزایای دیگری از خانواده که ذیلاً به آن اشاره صورت خواهد گرفت، از افتخارات دین مبین اسلام به حساب می آید.

ازینرو درسطور ذیل به بررسی برخی مهمی از حکمت های تعدد زوجات که اجمالاً به آنها قبلاً اشاره صورت گرفت تحت دو مطلب جداگانه (۱) مصالح فردی تعدد زوجات؛ (۲) مصالح اجتماعی تعدد زوجات می پردازیم:

^۱ کتاب محمدهدای فخرالمحققین، دانشنامه شیخ الاسلامی، دفتر سوم، ص ۲۸۸ و دائرة المعارف قرن بیستم، ماده «رهب».

مطلب دوم

مصالح فردی تعدد زوجات

بسا اوقات شرایط طوری می باشد که مرد به ازدواج دومی مجبور می شود، که بدون ازدواج دومی مردوهمسراو نمی توانند زندگی خوش و آرام داشته باشند، بگونه مثال:

۱. عقیم بودن زوجه اولی:

گاهی بعد از ازدواج روشن می گردد که زن عقیم بوده و نمی تواند اولاد بدنیا آورد. درهمچو حالت مقصد اصلی از ازدواج که داشتن اولاد صالح بوده، تحقق پیدا نمی کند. وشوهر تنها دوگزینه را درپیش رو دارد: یا اینکه با نگهداشتن زوجه اولی، با زوجه دومی ازدواج کند، وحتی الوسع میان آنها عدالت کند ویا زوجه اولی را طلاق دهد وبا زنی دیگری ازدواج نماید. که هیچگاه شخص عاقل گزینه دومی را ترجیح نخواهد داد زیرا تجربه به اثبات رسانده است که هیچگاه زن عقیم، بخصوص زمانیکه طلاق شده باشد، نمی تواند شریک زندگی را بخود پیدا کند. وبجای اینکه درخانه پدر وبرادر سکونت داشته باشد بهتراست درخانه شوهر باشد وازکلیه حقوق زنا شوهری وکرامت اجتماعی برخوردار باشد.^۱ این مشکل درکشور عزیز ما افغانستان نسبت به کشورهای دیگر بزرگتر بوده، زیرا زن عقیم هیچگاه نمی تواند از حقوق شرعی وقانونی خود استفاده درست کند، وهمواره مورد اذیت وضرر دیگران قرار میگیرد.

۲. وجود مرض مزمن در زوجه اولی:

گاهی زن دچار مرض مزمن وساری می گردد که شوهر او نمی تواند با او همبستر شود، دراین صورت شوهریکی ازدوحالت را درپیش رو دارد: یا او را طلاق دهد که این کار درذات خود ازوفا، مروت، واخلاق فاضله بدوربوده وسبب هتک عزت وپایمال شدن حقوق زن می گردید واحتمال آن

^۱ العدل فی التعدد بین الزوجات، عبدالله طیار، ص ۵ المرأة بین الفقه والقانون دکتور مصطفی سباعی ص ۷۰.

نیز می‌رود که زن مریض ضایع گردد. و یا زوجه دومی بگیرد و حقوق زوجه اولی از قبیل نفقه، تهیه غذا، لباس و مسکن نیز محفوظ باشد که بدون شک حالت دومی بیشتر به نفع هردو بوده است.^۱

۳. وجود اختلاف بین زوجین:

بسا اوقات میان زن و شوهر اختلاف بروز می‌کند که این اختلاف گاهی کمتر و گاهی بزرگتر می‌باشد و گاهی هم اختلاف منجر به طلاق می‌گردد در این صورت احیاناً نفرت شوهر به جای میرسد که باید یکی از این دوکار را انجام دهد یا او را طلاق دهد و با زن دیگری ازدواج کند و یا با حفظ زوجه اولی و حفظ کلیه حقوق شرعی او با زوجه دومی نیز ازدواج کند، که بدون شک حالت دومی به نفع زوجه اولی بوده بخصوص زمانیکه سالخورده باشد و اولاد نیز به دنیا آورده باشد چنانچه نشانه از وفا و حسن همزیستی شوهر نیز به حساب می‌آید.^۲ همچنان ممکن است شوهر به سبب بد رفتاری و بد اخلاقی همسر از او نفرت داشته باشد و نمی‌تواند با او همبستر شود چنانچه ممکن است زوجه نیز نتواند از او طلاق بگیرد و یانکاح را فسخ کند در این صورت تعدد زوجات برای عفت و کنترل غریزه جنسی شوهر بهترین راه حل خواهد بود.^۳

۴. کثرت سفر:

اکثراً مرد ها نظربه شغل و کاری که دارند سفر می‌کنند و گاهی سفر آنها در کشور های دیگر به ماه ها و سال ها طول می‌کشد، و شخص نمی‌تواند با خود زن و اولادش را ببرد چنانچه او نمی‌تواند در این مدت طولانی تنها زندگی کند درین صورت شخص نفس خود را در بین یکی از این دو حالت می‌یابد، یا بازن دیگری رابطه نامشروع برقرار کند که نه او همسرش باشد و نه اولادی که در نتیجه این رابطه نامشروع به دنیا می‌آیند از حقوق اولاد مشروع برخوردار باشند و یا همسری دیگری را بگیرد با او ازدیدگاه دین و اخلاق زندگی مشروع داشته باشد و اولاد او نیز اولادی باشند که در جامعه بشری

^۱ المرأة بین الفقه والقانون دوکتور مصطفی سباعی ص ۷۰.

^۲ العدل فی التعدد بین الزوجات، عبدالله طیار، ص ۵.

^۳ تعدد الزوجات فی الاسلام دوکتور محمد بن مسفر بن حسین الطویل ص ۲۴.

از کرامت و حقوق شرعی برخوردار باشند فکر می‌کنم هرانسان عاقل نظام تعدد را برگزینش حالت اولی ترجیح خواهد داد.^۱

۵. بالارفتن سن زن:

همه میدانند زمانیکه عمر زن به پنجاه و یا بالاتر از آن برسد نمیتواند دیگر ولادت نماید این درحالیست که مرد الی عمر ۷۰ و ۸۰ نیز قادر به اولاد می باشد ازینرو مشروعیت تعدد زوجات راه حل دیگری است. برای همچو یک مشکل، زیرا علاقه مرد به داشتن اولاد باگذشت زمان تقویت می یابد او بیش از پیش به کسی نیاز دارد که خدمت او را بکند و در امور زنده گی به او همیار و همدست باشد روشن است که اولاد کوچک بیشتر از دیگران با پدر رابطه محبت و صمیمیت میداشته باشند.^۲

از سوی دیگر کثرت اولاد از خواست های شریعت اسلام بوده چون رسول الله صلی الله علیه وسلم به کثرت امت خود فخر میکند چنانچه می فرماید.

[۴] عن انس رضی الله عنه قال. کان رسول الله صلی الله علیه وسلم ، یأمرنا بالباءة، وینهانا عن

التبئل نهیا شدیداً ویقول. تزوجوا الودود الودود فانی مکاثر بکم الانبیاء یوم القیامة.^۳

ترجمه: از انس رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم ما را به نکاح امر می فرمود و از کناره گیری از نکاح به شدت منع می نمود و پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرمود زنی دوست داشتنی و اولاد آورنده را به نکاح بگیرید، هرآینه من در روز رستاخیز میان انبیاء علیهم السلام به کثرت شما فخر میکنم و در روایت دیگر آمده است (تناکحوا و توالدوا فانی أباهی بکم الامم)^۴

ترجمه: نکاح کنید و اولاد بیاورید چون هرآینه من در بین امت ها بکثرت شما می بالم.

۶. قوت غریزه جنسی مرد:

این یک حقیقت مسلم است که به برخی از مرد ها خداوند متعال جل جلاله قوت فوق العاده غریزه جنسی اعطاء نموده است که همسر اولی او یا به علت پیری و یا به علت های گوناگون چون عادت ماهوار، بارداری، زایمان به هیچ وجه نمی تواند غریزه جنسی او را اشباع کند، در همچو موارد بهتر

^۱ المرأة بین الفقه والقانون دوکتور مصطفی سباعی ص ۷۱.

^۲ العدل فی التعدد بین الزوجات عبدالله طیار ص ۶.

^۳ سنن ابی داؤد ج اول ص ۲۸۶ مطبعة مجتبیائی دهلی.

^۴ ابن حجر رحمه الله فتح الباری ج ۹ ص ۱۱۱

است مرد صبر کند، ولی هرگاه نمی تواند صبرداشته باشد پس چه کاری کند؟ آیا حالت او نادیده گرفته شود و یا به آن راه حل جستجو شود؟ آیا به او اجازه داده شود تا بازن دیگر رابطه نامشروع داشته باشد؟ که این خود به ضرر زنی دومی بوده و سبب پایمال شدن حقوق زن دومی و اطفال او گردیده، افزون برآنکه با قواعد احکام صریح دین و اخلاق نیز در تضاد است و یا حقوق شرعی او و اولادش پذیرفته شود، که این کار به نوبه خود به نفع زن دومی بوده و سبب حفظ کرامت حقوق او می باشد در این دو حالت بدون شک همه آنهائیکه فطرت سلیم داشته باشند حالت دومی را برحالت اولی ترجیح خواهند داد.^۱

۷. حفظ عزت و آبروی زن:

گاهی انسان با شنیدن این مطلب در حیرت می افتد و با خود می گوید چه گونه نظام تعدد زوجات باعث حفظ عزت و آبروی زن می گردد، در پاسخ باید گفت هرگاه نظام تعدد زوجات ممنوع قرار داده شود، هویدا است که گراف تعداد زنان زائد از مردان در بسیاری از کشورها خیلی بالا رفته است، پس در آنجا تعداد زیادی از دختران بعد از گذشت سنین مشخص، در خانه ها باقی خواهد ماند، بخصوص در جامعه افغانستان که بسیاری از مردان به سبب جنگ های داخلی حیات خود را از دست داده اند. ازینرو مشروعیت تعدد زوجات برای زنان زائد بر مردان در ایجاد سرپرست زنده گی، داشتن اولاد مشروع، داشتن رفیق زندگی و حفظ عزت و آبروی آنان از رو آوردن به فحشا کمک خواهد کرد.^۲

۸. احوال عمومی مردان:

احیاناً نظریه شغل یا وظیفه موقوف، ثروت، نیازمندیهای دعوتی حالت یک مرد ایجاب میکند تا همسر دوم، سوم یا چهارم نیز داشته باشد تا در زندگی علمی و یا دعوتی هم دست و هم یار او باشد.

۹. برگشت زن مطلقه به شوهر سابق:

گاهی میان زوجین اختلاف پیدا می شود، که اخیراً به طلاق غیر باین، هر دو از یک دیگر جدا می شوند، متعاقباً مرد بازن دیگری ازدواج میکند دیری نمی گذرد که به علت از علل چون داشتن اولاد، هر دو

^۱ المرأة بین الفقه والقانون دوکتور مصطفی سباعی ص ۷۱.
^۲ العدل فی التعدد بین الزوجات، عبدالله طیار ص ۶.

ازکار خود پشیمان شده و خواهان آغاز مجدد زنده گی مشترک می شوند، در این صورت برای حل این معضله تنها نظام تعدد زوجات راه حل درستی خواهد بود.^۱

۱۰. ترحم و دلسوزی:

گاهی شخص در اقارب و نزدیکان خویش دختری را می شناسد که هیچ خواستگاری به خانه او نمی آید سپس از لحاظ ترحم و شفقت به او شخص مجبور می شود تا با وی ازدواج کند که این نوعی از انواع ترحم و دلسوزی بوده که دین مبین اسلام نیز مسلمانان را به آن تشویق نموده است پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید (الراحمون یرحمهم الرحمن ارحموا من فی الارض و فی روایة اهل الارض یرحمکم من فی السماء) رواه ابوداؤد^۲. ترجمه: رحمت کنندگان را خداوند رحمان رحمت می کند رحم کنید به کسانی که در زمین اند یا اهل زمین اند تارحم کند شمارا آن خدای که قدرت او در آسمان ها است. چنانچه بعضی اوقات زن اولاد داشته می باشد و بجز اقارب او کسی دیگری نمی تواند از ایشان بخوبی سرپرستی کند به گونه مثال زن برادر بیوه است، و اطفال نیز دارد، که شوهر او به اثر مریضی و یا جنگ ها وفات کرده است در این صورت ازدواج زن با برادر وی یکی از اقارب متوفی برای سرپرستی اطفال بهتر از دیگران خواهد بود چنانچه مرد قریب بدون داشتن زوجیت نمی تواند غرض سرپرستی اطفال یتیم وقتاً فوقتاً وارد خانه آنها شود در این صورت برای حفظ آبرو و عزت زن و اولادش ازدواج او با قریب متأهل از زندگی تنها بهتر خواهد بود.^۳

مطلب سوم

مصالح اجتماعی تعدد زوجات

علاوه بر حکمت ها و مصلحت های فردی تعدد زوجات که در سطور فوق به آن اشاره صورت گرفت مصلحت های اجتماعی، اخلاقی و بشری نیز وجود دارد که بر اساس آن نظام تعدد زوجات یک نیاز مبرم برای جوامع بشری تلقی می گردد مهمترین آن قرار ذیل اند.

^۱ تعدد الزوجات من النواحي الدينية والاجتماعية والقانونية دوكتور عبدالناصر توفيق العطار ص ۳۶. موصوف متولد ۱۹۲۸ میلادی در شهر اسیوط مصر بوده که دارای دکتورا حقوق و فارغ از جامعه القاهر در سال ۱۹۶۵ میلادی میباشد.

^۲ سنن ابی داؤد صفحه ۳۲۷ جلد دوم مطبوعه مجتبیائی دهلی

^۳ تعدد الزوجات من النواحي الدينية والاجتماعية والقانونية دوكتور عبدالناصر توفيق العطار ص ۳۶.

۱. افزایش تعداد زنان نسبت به مردان:

احصائیه ها در سراسر جهان نشان می‌دهد که تعداد زنان نسبت به مردان بیشتر بوده و به علل مختلف همه ساله افزایش می‌یابد ازینرو بیشتر بودن تعداد زنان از مردان در بسیاری از نقاط جهان یک امر مسلم است در بیشتر از کشور های جهان همچو شمال اروپا تعداد زنان در حال عادی بیش از مردان است چنانچه مرحوم دوکتور مصطفی سباعی رحمه الله به نقل از یک طبیب مؤظف دریکی از شفاخانه های هلسنکی فنلند می‌گویند از بین سه یا چهار کودکی که متولد می‌شوند یکی پسر و بقیه دختر اند.^۱

چنانچه در گزارش سالانه سازمان ملل راجع به تعداد جمعیت جهان که در سال ۱۹۶۴ به نشر رسیده بود، آمده است: احصائیه ها نشان می‌دهد که تعداد زنان زاید بر مردان در اتحاد جماهیر شوروی به بیست میلیون میرسد، که این رقم در ایالات متحده امریکا به دو میلیون و در کشور جرمنی به سه میلیون میرسد.^۲

چنانچه مقاومت بیشتر وقوی زنان در برابر بیماری ها و عوامل هورمونی و غیره موجب افزایش تعداد آنان در برابر مردان می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد جنس زن در دوران جنینی - کودکی و بویژه دوران پیش از بلوغ در برابر بیماری های عفونی مقاوم تر از جنس مرد است و شرایط نامناسب و رنج آور همچون کمبود مواد غذائی سوء تغذیه پسران را بیش از دختران تحت تاثیر قرار می‌دهد و در کل مرگ و میر زنان نسبت به مردان در برابر بیماری ها کمتر است.^۳

پس کثرت زنان بنا بر حوادثی که پیش می‌آید یکی دیگر از شرایط مباح بودن تعدد زوجات است، زیرا در این حالت تعدد زوجات در جوامع بشری هم از لحاظ اخلاقی و هم از لحاظ اجتماعی و بشری یک نیاز مبرم بوده و بهتر از آنست که زنان بی شوهر و زاید بر مردان در کوچه ها بگردند و به فحشاء رو آورند نه خانه و نه کاشانه داشته باشند و نه هم شوهرانی داشته باشند که همه خواسته های شرعی آنها را برآورده سازد. شیخ محمد غزالی مصری (رحمه الله) دریکی از مقالات خود که در جریده المسلمون

^۱ المرأة بی الفقه والقانون دوکتور مصطفی سباعی ص ۶۷.

^۲ تعدد الزوجات فی الاسلام دوکتور محمد بن مسفر بن حسین الطویل ص ۲۰.

^۳ به مقاله چند همسری در اسلام ضرورت ها آسیب ها و پیچیده گی ها نویسنده آذر دخت بهرامی مراجعه کنید. آذر دخت بهرامی، متولد ۱۳۴۵ داستان نویسی و فیلمنامه نویسی ایرانی است.

منتشره سال ۱۴۱۰ به نشر رسیده است چنین تحریر داشته است میزان تعداد مردان و زنان یا متعادل و مساوی بوده و یا تعداد یکی بردیگری راجح می باشد. هرگاه مساوی باشد و یا تعداد زنان کمتر از مردان باشد در این صورت نظام تعدد زوجات خود بخود منتفی میشود و هر شخص خواسته و یا ناخواسته به یک همسر اکتفاء میکند ولی هرگاه تعداد زنان بیشتر از تعداد مردان باشد پس سه راه حل را درپیش خواهیم داشت یا تعداد بی شمار ازدختران را از نعمت ازدواج محروم بسازیم یا اجازه گرفتن دوست دختر و معشوقه گیری بدهیم و جرم زنا را نیز مجاز بدانیم و یا نظام تعدد زوجات را مباح قرار دهیم روشن است که زن حالت محرومیت از ازدواج را هرگز نمی پذیرد چنانچه از حالت دومی نیز نفرت دارد پس تنها گزینه را که درپیش دارد نظام تعدد زوجات بوده که با ایست زن دیگری را با خود پذیرد تازنده گی آبرو مندانه داشته باشد روی همین دلیل باید بر اصل نظام تعدد زوجات که اسلام مجاز دانسته است اعتراف شود.^۱

۲. افزایش تعداد زنان بیوه و طلاق شده:

همواره بر اثر حوادث اجتماعی - مانند جنگ ها تعداد بی شماری از مردان تلف می شوند و همسران آنان بی سرپرست می گردند همچنین غالباً تصادف ها، غرق شدن ها، سقوط ها، زیر آوار ماندن ها، و غیره تلفات بیشتری را متوجه جنس مرد می کند طبیعی است در این موارد، شماری زنان نسبت به مردان افزایش می یابد به خصوص در کشور عزیز ما افغانستان که هزار ها مرد به اثر جنگ های متواتر حیات خود را از دست دادند این خود باعث افزایش میزان زنان نسبت به مردان گردیده است. چنانچه آمار طلاق در بسیاری از کشورها خیلی زیاد بوده و زنان طلاق شده نمی توانند به راحتی شریک زنده گی پیدا کنند افزون بر آن گاهی زنی که شوهرش فوت شده و یا او را طلاق داده خیلی جوان می باشد این زن برابر است اولاد داشته باشد و یا نداشته باشد نیاز به سرپرست دارد. و راه حل برای حل مشکل همچو زنان ازدواج با مردان متأهل بوده زیر جوانان در مجموع می خواهند با دختران عروسی کنند^۲ که این یکی از دلایل مباح بودن نظام تعدد زوجات به شمار میرود.

^۱ تعدد زوجات فی الاسلام دکتور محمد بن مسفر بن حسین الطویل ص ۲۰ به نقل از مقاله منتشره سال ۱۴۱۰ جریده المسلمون نوشته شیخ محمد غزالی مصری رحمه الله.

^۲ العدل فی التعدد بین الزوجات عبدالله طیار ص ۲۸.

۳. عوامل جغرافیای اثرگذار در مشروعیت تعدد زوجات:

منتسکیو^۱ و گوستالوبون^۲ علل جغرافیایی را در تعدد زوجات ذیدخل می دانند به عقیده این متفکران آب و هوای مشرق زمین سبب تعدد زوجات بوده است چون به عقیده ایشان در آب و هوای شرق زن زود تر بالغ و پیر می شود ازین جهت مرد به زن دوم و سوم احتیاج پیدا میکند بر علاوه مرد پرورده آب و هوای این مناطق از لحاظ نیروی جنسی طور یست که یک زن نمی تواند اورا اقناع کند^۳

۴. عوامل قبیلوی اثرگذار در مشروعیت تعدد زوجات:

بعضی از دانشمندان عامل تعدد زوجات را در قبایل و دهات کثرت مشاغل عنوان نموده است. به عقیده آنان این مسأله ایجاب می نماید تا تعداد زیادی از افراد در یک خانه زندگی کنند و در امر زراعت، آبیاری، حمل و نقل و پخت و پز و دیگر امور بایک دیگر کمک نمایند علاوه بر آن برخی از قبایل واقوام غرض داشتن زندگی مسالمت آمیز نیاز مبرم به کثرت نیروی بشری دارند و مقصد شان از تعدد زوجات افزایش اولاد ذکور بوده است زیرا به وسیله اولاد ذکور می توانند در امر دفاع از خود و ریاست بردیگران استفاده نمایند در افغانستان نیز عامل مذکور چه در گذشته و چه در حال حاضر انگیزه تعدد زوجات بوده زیرا خانواده که اولاد ذکور نداشته باشد نمیتواند در دهات و قریه جات به خوشی و آرامی زندگی کند.

۵. معالجه مشکلات بشری توسط تعدد زوجات:

گذشته از آنچه که در فوق تذکر یافت نظام تعدد زوجات بسیاری از مشکلات بشری را مداوا نموده و برای آن راه حل مناسبی را دریافت میکنند به گونه مثال:

^۱ - یکی از متفکران سیاسی فرانسه در عصر روشنگری که در سال ۱۶۸۹ در بوردو از شهرهای فرانسه زاده شد. همه قبیلہ او از نژادگان و اشراف و در زمره حقوق دانان بودند. حقوق خواند و در سال ۱۷۰۸ به دادستانی پرداخت و سر آخر وکیل دادگستری شد. در سال ۱۷۱۳ پس از مرگ پدر به رایزنی حقوقی مجلس برگزیده شد.

^۲ یکی از دانشمندان فرانسه که در سال ۱۸۴۱ م. در شهر نوزان مرکز ایالت اورالوار در فرانسه متولد شد و در ۹ دسامبر ۱۹۳۱ (۱۷ آذرماه ۱۳۱۰) در پاریس درگذشت. وی در جوانی به تحصیل پزشکی، پرداخت و در این رشته پیشرفت کرد. علاوه بر پزشکی در علوم اجتماعی و طبیعی تحقیقات بسیار عالی کرده و کتابهای گرانبهایی در این رشته ها نوشته است

^۳ مطهری مرتضی مجموعه آثار انتشارات صدرا تهران ۱۳۸۱ ج ۱۹ ص ۳۱۶. مرتضی مطهری در ۱۳ بهمن ۱۳۹۸ در شهر فریمان از توابع مشهد در خانواده‌ای روحانی با اصالت سیستانی (۸) زاده شد

الف: زنی که شوهرش فوت شده و دارای اطفال می باشد در این صورت دین اسلام روی دو اصل مرد را به ازدواج با این زن ترغیب میکند اول برای حفظ عفت و کرامت زن در خانه که بتواند آسایش اطمینان را دریافت کند و همه نیازمندیهای مشروع او برآورده شود. دوم کفالت و سرپرستی اطفال یتیم او، چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم در این مورد میفرماید.

[۵] عین سهل بن سعد رضی الله عنه عن النبی صلی الله علیه وسلم قال أنا وكافل الیتیم فی الجنة هكذا وقال باصبعیه السبابة والوسط^۱

ترجمه از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود من و سرپرست یتیم این گونه در بهشت می باشیم. اشاره به انگشت سبابه و میانه اش نمود. و در روایت دیگری آمده است. اشاره به انگشت سبابه و میانه اش نموده و آنها را از هم گشاده داشت.

ب: دخترکه خیلی مقبول نبوده و یا هم معلول بوده باشد، هیچ خواستگاری به او نزدیک نمی شود، آیا او را از داشتن زنده گی خانواده گی و آوردن اطفال محروم بسازیم؟ در پاسخ باید گفت نخیر زیرا اسلام همواره مسلمانان را به این گونه ازدواج تشویق نموده تا خوشی را در زندگی آنها داخل بسازیم.

ج: گاهی برادر شخص و یا یکی از اقارب او فوت می شود و همسر و اولادش بی سرنوشت باقی می ماند که او از ضایع شدن آنها می هراسد در این صورت شخص، همسر برادر خود را صرف غرض انگیزه بشری و اخلاقی به نکاح میگیرد تا از ایشان به خوبی سرپرستی نماید و ایشان را از فقر گرسنه گی و هلاکت نجات دهد.^۲

در اخیر باید گفت آنچه که در فوق تذکر یافت تنها برخی از دلایلی بود که نظام تعدد زوجات را توجیه میکرد البته در جوامع مختلف جهان دلایلی دیگری نیز وجود دارد که مشروعیت نظام تعدد زوجات را توجیه میکند بدون شک نظام تعدد زوجات جوامع بشری را از فساد اخلاقی که باعث انتشار فحشاء و ازدیاد ولد زنا می گردد ننگه میدارد چنانچه جوامع بشری را از امراض تناسلی مانند ایدز مصون میدارد.

^۱ صحیح البخاری بیروت ۱۴۱۰هـ، ج ۹ ص ۴۳۹ سنن الترمذی ج ۲ ص ۳۲۱
^۲ تعدد زوجات فی الاسلام دکتور محمد بن مسفر بن حسین الطویل ص ۲۰

وهمچنان درتحسین روابط دوفامیل یاقبیلہ رول مهم داشته که حل مشاکل اخلاقیہ توسط وی صورت میگیرد خلاصه ، اباحت تعددزوجات ازجانب خالق بشر آمده است پس اوعالم به احوال شان ومهربان تر به حال شان می باشد.

مبحث سوم

شرایط تعدد زوجات دراسلام:

مطلب اول: محدودیت ها

هرچند دین مبین اسلام نه تعدد زوجات را بمیان آورد(زیرا قرن هاپیش از اسلام درجهان وجود داشت) ونه آنرا نسخ کرد زیرا ازنظر اسلام درجوامع بشری مشکلات پیش می آید که راه حل آنها منحصر به تعددزوجات است، لذا دین مبین اسلام رسماً نظام تعدد زوجات را اصلاح کرد، وتنها درصورتی تعدد زوجات را مجاز دانست که شرایط آن فراهم گردد که هرگاه این شرایطی که برای مباح بودن تعدد زوجات ضروری است فراهم نباشد، اسلام مانع آن می باشد. این شرایط عبارتند از :

(الف) محدودیت تعدد زوجات (الی چهارزن) (ب) داشتن توانایی پرداخت نفقه زوجات (ج) رعایت عدالت میان همسران.

(الف) محدودیت تعددزوجات:

اولین اصلاحی که اسلام به عمل آورد این بود که آن را محدود کرد قبل ازاسلام تعدد زوجات هیچ حدوبندی نداشت یک نفر به تنهائی می توانست صدها زن داشته باشد ولی چون دین اسلام ظاهر گردید برای نظام تعدد زوجات اصول وشرایطی وضع نمود وتعداد آنها تا چهار زن محدودساخت، خداوند متعال راجع به تعداد مجازچنین می فرماید. (وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا) سوره النساءآیه ۳

ترجمه: واگرترسیدید که درباره یتیمان نتوانید عدالت کنید، بازنان دیگری که برای شما حلال اند ودوست دارید با دویا سه یا چهار تا ازدواج کنید اگر هم میترسید که نتوانید میان زنان عدالت را

مراعات دارید، به یک زن اکتفا کنید یا با کنیزان خود ازدواج نمائید این(کار، یعنی اکتفا به یک زن، یا ازدواج با کنیزان)سبب میشود که دچار کجروی و ستم نشوید.

در احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم نیز تعداد مجاز چهار زن قید شده است، صحابه کرام را که قبل از مشرف شدن به اسلام بیش از چهار زن داشتند، رسول الله صلی علیه وسلم دستور داد تا چهار زن را در عقد خود داشته باشند و دیگران را جدا سازند.

[۶] عن محمد بن أبي سويد رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم - قال لغيلان بن سلمة رضي الله عنه حين اسلم وتحتة عشرين سنة «اختر منهنّ اربعاً وفارق سايرهنّ»^۱

ترجمه از محمد بن ابی سوید رضی الله عنه روایت است زمانیکه غیلان بن سلمه رضی الله عنه اسلام آورد ده زن داشت رسول الله صلی علیه وسلم برایش فرمود: چهار زن را از آنها برگزین و دیگران را از خود جدا کن.

[۷] عن نوف بن معاوية رضي الله عنه قال: اسلمت وتحتى خمس نسوة فسألت النبي صلى الله عليه وسلم فقال فارق واحدة وأمسك اربعاً»^۲

ترجمه: از نوف بن معاویه رضی الله عنه روایت است می گوید: وقتی اسلام آوردم پنج زن داشتم از رسول صلی علیه وسلم پرسیدم، برایم فرمود: یک زن را از خود جدا کن و چهار همسر را نگهدار.

از آیات شریفه و احادیث صحیه نبوی صلی الله علیه وسلم بصراحت معلوم می گردد و اجماع امت اسلامی نیز بر آن منعقد شده است که تعداد مجاز در امر تعدد چهار زن بوده و شخص به هیچ وجه نمی تواند بیش از چهار زن را در عقد خود داشته باشد.

(ب) داشتن توانایی پرداخت نفقه:

اصلاح دومی که اسلام در نظام تعدد زوجات آورد، توانایی مالی و یا قدرت به پرداخت نفقه را شرط گذاشت نفقه در مسأله تعدد زوجات: خوردنی، آشامیدنی، پوشیدنی، مسکن و احتیاجات ضروری

^۱ سنن الترمذی، ج ۳ ص ۴۳۵ سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۶۳۸.
^۲ البیهقی، سنن کبری، ج ۷ ص ۱۸۴، رقم الحدیث ۱۴۴۲۸

یومیه را شامل میگیرد شخصی که اراده ازدواج دومی یا سومی یا چهارمی را دارد، باید توانایی مالی نیز داشته باشد، و هرگاه شخص توانایی مالی نداشته باشد و از پرداخت نفقه زوجه دومی، سومی، چهارمی عاجز باشد، برای او جواز ندارد تا به ازدواج دیگری اقدام نماید شرط مذکور بصراحت در احادیث رسول صلی الله علیه وسلم قید شده است.

[۸] قال رسول الله صلی الله علیه وسلم "یا معشر الشباب من استطاع منكم الباءة فلیتزوج فإنه أغض للبصر وأحصن للفرج ومن لم یستطع فعلیه بالصوم فإنه له وجاء"^۱

ترجمه: ای گروه جوانان کسی که از بین شما توانایی ازدواج را داشته باشد، پس ازدواج کند، زیرا این کار خوب چشم و فرج را حفاظت می کند، و کسی که توان نداشته باشد او روزه بگیرد زیرا روزه گرفتن برای او (در برابر محرمات خداوند جل جلاله) سپر می شود و یا کسر شهوت می آورد. همین گونه شریعت برای کسی که توان پرداخت نفقه را نداشته باشد جواز ازدواج دیگری را نداده است، از دیدگاه شریعت اسلامی، به اجماع امت اسلامی نفقه همسر و یا همسران واجب بوده است.

[۹] عن جابر بن عبدالله رضی الله عنه قال فخطب الناس وقال: (... فأنقوالله فی النساء فأنکم أخذتموهن بأمان الله واستحللتم فروجهن بكلمة الله ولكم علیهن أن لا یوطئن فرشکم احداً تکرهونه. فإن فعلن ذلك فاضربوهن ضرباً غیر مبرح ولهن علیکم رزقهن وکسوتهن بالمعروف...)^۲

ترجمه: از حضرت جابر بن عبدالله رضی الله عنه در یک حدیث طولانی راجع به حج پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که او گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم به مردم خطبه ایراد نمود و فرمود (... در حق همسران تان از خدا بترسید، زیرا شما ایشانرا به حفظ امان خداوند جل جلاله در ازدواج خود آورده اید، و بر اساس دستور خداوند جل جلاله فرج های ایشانرا بخود حلال گردانیده اید، حق شما بر آنان اینست که بر فرش شما کسی را نشانند که از او بد می برید، و اگر چنین کردند، پس آنها را بزنید که نه چندان سخت باشد و حق آنها بر شما اینست که در طعام شان و لباس شان نیکی و احسان کنید.

چنانچه در حدیث دیگری در رابطه حقوق زن چنین فرموده است:

^۱ صحیح المسلم ج ۹ ص ۱۷۲ و ابن حجر فتح الباری ج ۹ ص ۱۱۲.

^۲ سنن الترمذی ج ۳ ص ۴۳۵، ابن ماجه ج ۱ ص ۶۲۸.

[۱۰] عن معاوية بن حيدة رضى الله تعالى عنه قال: قلت: يا رسول الله صلى الله على وسلم ماحق زوجة احدنا عليه؟ قال: "ان تطعمها اذا طعمت، وتكسوها اذا اكتسيت ولا تضرب الوجه، ولا تقبح، ولا تهجر الا فى البيت" حديث حسن رواه ابو داود وقال: "لاتقبح" أى: لاتقل قبحك الله.^۱

ترجمه: از معاويه بن حيدة رضى الله تعالى عنه روايت است گفت: گفتم: يا رسول الله صلى الله عليه وسلم زنان ما بر ما چه حقى دارند؟ فرمود: چون طعام خوردى طعام شان دهى و چون لباس پوشيدى اورا لباس بپوشانى، بصورت زن سيلي مزن و باو نگوخدا ترا زشت سازد، و جز درخانه از او دورى مكن. فقهاء رحمهم الله همه اتفاق دارند كه بالاى شوهر نفقه همسرش بشمول تدارك خوردنى ها، آشاميدنى ها، پوشيدنى ها، مسكن و احتياجات ضرورى يوميه واجب مى باشد.

(ج) رعايت عدالت بين همسران :

اصلاح سومى كه اسلام در نظام تعدد زوجات به عمل آورد اين بود كه عدالت را شرط كرد و اجازه نداد به هيچ وجه تبعيضى ميان زنان يا ميان فرزندان آنها صورت بگيرد. قرآن كريم به كمال صراحت فرمود: (وان خفتم الاتعدلوا فواحدة او ماملكت ايمانكم ذلك ادنى الاتعولوا) سوره نساء آيه ۳

ترجمه: و اگر مى ترسيديد كه به عدالت رفتار نكنيد به يك زن اكتفا كنيد يا كنيزگيريد آن را كه مالك او شد دست هاى شما اين نزديكتر به آن است كه ستم نكنيد.

خداوند متعال در اين آيه شريفه به مردان دستور داده كه هرگاه از ستم و بى عدالتى بين زنان بيم دارند فقط به يك زن اكتفا كنند.

پيامبر صلى الله عليه وسلم و ياران بزرگوار وى به عدالت ميان همسران تأكيد کرده اند كه نمونه از عدالت ايشان را در اینجا بيان مينماييم.

۱- پيامبر صلى الله عليه وسلم مى فرمايد (اذا كان عند الرجل امرأتان فلم يعدل بينهما جاء يوم القيامة وشقه ساقط) هر كس داراى دو همسر باشد و يكى را بر ديگرى ترجيح دهد روز قيامت وقتى برانگيخته شود يك طرف بدن او فلج و افتاده است^۲

^۱ سنن ابوداود، ج ۲ ص ۲۱۰ باب حق المرأة على زوجها، حديث رقم ۲۱۴۴.

^۲ ترمذى شماره حديث ۱۱۴۱

۲- از حضرت یحیی بن سعید رضی الله عنه روایت شده که ایشان دوهمسرداشت و چنان در میان شان عدالت میکرد که وقتی نوبت یکی میرسید ، در خانه دیگری حتی نه وضوء میگرفت و نه آب میخورد^۱ همچنین فرمود، حضرت معاذرضی الله عنه هرگاه نزد یکی از همسرانش میرفت ، در آن روز در منزل همسر دیگریش آب هم نمی نوشید یک بار حضرت معاذ رضی الله عنه به شام مسافرت نمودند و در آنجا هردو همسرش بیمار شدند و بنا بر قرضی الهی هردو در یک روز وفات نمودند ، بنا بر مشغولیتی که مردم داشتند ، هردو را در یک قبر نهادند ، به همین خاطر حضرت معاذ رضی الله عنه قرعه کشی نمود که کدام یک را اول در قبر بگزارد.

۳- به پیروی از پیامبر بزرگ اسلام و یاران با قدر وی علماء بزرگ اسلام نیز درین عرصه توجه زیادی کرده اند که به گونه مثال مساواتی را از حضرت مولانا اشرف علی تهانوی رحمه الله بین همسرانش درینجائقل مینماییم.

حضرت مولانا اشرف علی تهانوی رحمه الله دوهمسرداشت ، بدین خاطر درآمد خود را به طور مساوی بدو قسمت تقسیم میکرد و مهریه هردو را پرداخت نموده بود. وی سخت گیر نبود ، هیچ وقت بر همسرانش ظلم نمیکرد ، بلکه همیشه با لطف و کرم و خنده رویی پیش می آمد با آنچه باعث ناراحتی همسرانش می شد ، دستور نمی داد ، حتی دستور نمی داد که برای من فلان غذای مخصوص را درست کنید، البته اگر خودشان زیاد اصرار میکردند که برای تان چه درست کنیم ، میفرمود : (شما خودتان اسم ببرید ، کدام که مرغوب باشد میگویم) .

با وجود کثرت مشاغل باز هم سر وقت منزل میرفت تا آنها رنجیده خاطر نباشند و همگامی بیماری ، آنها را جهت معالجه به جاهای دور و درازی هم میبرد و به بهانه ی تعلق مع الله. حق هیچ کس را تلف نمی کرد و کاملاً مساوات را رعایت میکرد ، حتی نوبتی یکی از همسران تصویری دیگری را هم خلاف عدل میشمرد ، بخاطر اینکه یکی از همسران نگوید با او بیشتر محبت دارد ، لباس های خود را در خانقاه می گذاشت^۲ یک بار حضرت حکیم الامت رحمه الله دو عدد هندوانه برای هردو خانه اش خرید و به خادم دستور داد هر یکی را به دونصف مساوی تقسیم کند و نصف یکی را بانصف دیگری آن به یک

^۱ سیرت حضرت معاذرضی الله عنه صفحه ۲۹ و ۳۰
^۲ بزرگ مردان اندیشه و تاریخ ، ج ۱ ، صفحه ۸۴

خانه و دونصف دیگر را به خانه دیگرش بفرستد خادمش گفت: (آیا بهترینست بدون نصف کردن هر یکی را به خانه اش بفرستی؟ ایشان گفت) نمیدانم از میان این دو، مزه کدام یک شیرین تر است، اما هر دو که نصف شدند و باهم دیگر مخلوط گردن، مسؤلیت من در برابر عدالت و مساوات در میان زنان برطرف میگردد^۱.

دردنیای قبل از اسلام اصل عدالت به هیچ وجه رعایت نمی شد، نه میان خود زنان و نه میان فرزندان آنها، بگونه مثال، در ایران ساسانی رسم تعدد زوجات شایع بود و میان زنان وهم چنین میان فرزندان آنها تبعیض قائل می شدند. یک یا چند زن، زنان ممتاز (پادشاه زنان) خوانده می شدند و از حقوق کامل برخوردار بودند سایر زنان به عنوان (چاکرزن) خوانده می شدند و مزایای قانونی کمتری داشتند اسلام این رسوم و عادات و امثال آنرا منسوخ کرد و اجازه نداد که برای یک زن یا فرزندان او امتیاز قانونی کمتری قائل گردند.^۲

در آیه متذکره منظور از عدالت، عدالتی است که در توان انسان بوده و شخص قادر به انجام آن باشد، که آن رعایت عدالت در حقوق شرعی زنان؛ اعم از نفقه و حسن معاشرت در منزل با آنان بوده است. بهتر است در سطور ذیل اشکال مختلف از عدالت بین همسران چون ۱. عدالت در نفقه و مسکن؛ ۲. عدالت در رفتار معاشرت؛ ۳. عدالت در شب گذاری؛ ۴. عدالت در سایر حقوق زنا شوهری؛ ۵. عدالت در رابطه قلبی را به بحث و بررسی بگیریم:

۱. عدالت در تهیه و تدارک نفقه و مسکن:

هرگاه شخص نمی تواند بین همسران خود در تهیه اشیای مادی چون تدارک خوردنی ها، نوشیدنی ها، لباس و مسکن عدالت را رعایت نماید پس برای او جواز ندارد با زنی دیگری ازدواج نماید زیرا به اتفاق علماء کرام و مذاهب رعایت عدالت بین همسران در امور مادی چون خوردنی، نوشیدنی، لباس، مسکن و شب گذاری واجب بوده و اساس این اجماع امت اسلامی را کتاب الله جل جلاله و سنت نبوی صلی الله علیه و سلم تشکیل میدهد. خداوند متعال جل جلاله می فرماید. (وان خفتم

الاتعدلوا فواحدة او ماملکت ایمانکم ذلک ادنی الاتعولوا) سوره نساء آیه ۳

^۱ تفسیر تبارک الفرقان، ج ۷، ص ۴۵۲

^۲ به مقاله "چند همسری در اسلام: ضرورت ها، آسیب ها و پیچیدگی ها" نویسنده: آذردخت بهرامی مراجعه کنید.

ترجمه: (واگر می‌ت رسیدید که به عدالت رفتار نکنید به یک زن و یا کنیز اکتفا کنید این نزدیک تر به آن است که ستم نکنید. چنانچه پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم نیز روی رعایت عدالت بین همسران در اشیای مادی تاکید داشته و جزای کسیکه عدالت را رعایت نمی‌کند توضیح نموده است چنانچه می‌فرماید.

[۱۱] عن معاوية بن حيدة رضى الله عنه عن ابى هريرة رضى الله تعالى عنه عن النبى صلى الله عليه وسلم قال اذا كان عند الرجل امرأتان فلم يعدل بينهما جاء يوم القيامة وشقه ساقط.^۱

ترجمه: معاویه بن حیده از ابوهریره رضی الله تعالی عنهما روایت میکند که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند هنگامیکه شخص دوزن داشته باشد و در میان ایشان به عدالت رفتار نکند، در روز قیامت بحالتی حشر خواهد شد که یک طرف بدن او افتیده می باشد.

علامه ابن قدامه رحمه الله می نویسد: " در بین اهل علم راجع به وجوب رعایت عدالت و تساوی بین زنان در امور مادی هیچ اختلاف وجود ندارد.^۲

علامه کاسانی رحمه الله در فصل وجوب عدالت میان زنان چنین می نویسد شخصی که بابیش از یک زن ازدواج نموده بر او واجب است تا بین حقوق زنان از جمله تقسیم نفقه، پوشاک، مسکن، و شب گذاری عدالت را رعایت نماید. زیرا که عدالت در این جا به معنای مساوات بوده است و دلیل آن قول خداوند متعال جل جلاله است که می‌فرماید. وان حفتم الاعتدلو فواحدة

ترجمه: (واگر می‌ت رسیدید که در تقسیم نفقه بین زنان به عدالت رفتار کرده نمی توانید پس به یک زن اکتفا کنید) زیرا عدالت در تقسیم و نفقه واجب بوده و به همین مطلب در اخیر آیه شریفه اشاره شده است. این نزدیک تر به آن است که ستم نکنید، کلمه تعولوا به معنی تجورو یعنی ستم را افاده میکند و ستم هر زمانی حرام می باشد پس عدالت واجب و ضروری است.^۳ در رابطه به رعایت عدالت در مسکن باید گفت، مناسب نیست شوهر همسران خود را در یک اتاق نگهداری نماید زیرا از حقوق همسر نگهداری او در اتاق جدا بوده است جز اینکه آنان رضایت داشته باشند ولی هرگاه به سکونت

^۱ سنن الترمذی (باب ماجاء فی القسم بین الضرائر شماره حدیث ۱۰۶۰)

^۲ المعنی، ابن قدامه ج ۷ ص ۲۷ العربی سنة النشر ۱۹۸۲ مکان نشر بیروت ج ۲ ص ۳۳۲.

^۳ بدائع الصنائع فی ترتیب الشرایع تصنیف علاء الدین الکاسانی الناشر دارالکتاب العربی سنة نشر ۱۹۸۲ مکان نشر بیروت ج ۲ ص ۳۳۲. موصوف (علاء الدین الکاسانی أو الکاشانی) (متولد — ۵۸۷ هـ ش می باشد او فقیه حنفی مشهور از اهل حلب یکی از بزرگان فقهای حنفی در عرصه خویش بود که ملقب به ملک علماء در حدیث و مدرس مدرسه حنفیه در حلب بود .

دریک اطاق رضایت نداشته باشند شوهر نمی تواند آنان را مجبور نماید زیرا از جمله شرایط تعدد ایجادخانه یا اتاق جداگانه برای همسران بوده است.^۱

۲. عدالت در رفتار و معاشرت :

چنانچه دین مبین اسلام همواره به رعایت عدالت در رفتار معاشرت با همسران تاکید داشته است خداوند جل جلاله میفرماید. وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ. بخش از آیه ۱۹ سوره نساء

ترجمه: وبا زنان خود بطور شایسته معاشرت کنید و در جای دیگر میفرماید طور کلی دوری نکنید. به دان گونه ای که او را بصورت زن معلقه ای در آورید.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در این صورت میفرماید.

[۱۲] عن ابی هریره رضی الله تعالی عنه عن النبی صلی الله علیه وسلم قال من كانت له إمرأتان فمال الی احدهما جاء یوم القیمة وشقه مائل.^۲

ترجمه: از ابو هریره رضی الله تعالی عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود شخصی که دوزن داشته باشد و به یکی از آنها میلان داشته باشد در روز قیامت به حالتی حشر خواهد شد که یک طرف بدن او افتید می باشد.

۳. عدالت در شب گذاری (بیتوته):

جای دیگر میتوان عدالت را عملاً رعایت کرد، شب گذاری نزد زنان است شب گذاری نزد زنان به صورت تساوی باید انجام شود فقهای کرام رحمهم الله حتی بین زن مسلمان و کتابی نیز به فرق قائل نیستند، و می گویند عدالت بین زنان در شب گذاری اگرچه مسلمان و کتابی باشد لازم است ، ازینرو در شب گذاری باید به هر همسر خود یک و یا بیشتر از یک شب را به صورت مساویانه اختصاص دهد، تا شب نزد او بماند و همسر مریض و صحتمند حیضه و نفاسه همه در این تقسیم باهم مساوی هستند.^۳ زیرا تنها هدف از شب گذاری همبستر شدن به همسر نبوده بلکه ایجاد انس، محبت و شریک ساختن

^۱ العدل فی التعدد بین الزوجات عبدالله طیار ص ۳۵.

^۲ سنن ابی داود باب فی القسم بین النساء ج ۱ ص ۲۴۸ حدیث رقم ۲۱۳۵ شیخ البانی آنرا صحیح خوانده است.

^۳ تعدد الزوجات فی الاسلام دوکتور محمد بن مسفر بن حسین الطویل ص ۱۶ به نقل از فتح الباری ج ۱ ص ۴۶.

مشکلات زندگی نیز بوده است. در اثنای شب گذاری لازم نیست با همسر خود در هر شب همبستر شود چنانچه مساوات در جماع نیز واجب نبوده زیرا جماع و ودوای آن بسته گی به شهوت و میلان قلبی دارد و ممکن نیست شخص در همچو امور محاکمه شود چنانچه خداوند متعال جل جلاله آنرا ناممکن خوانده است. وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَضْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ . سوره نساء آیه ۱۲۹

ترجمه: شما هرگز نمیتوانید میان زنان عدالت را برقرار کنید هر چند همه کوشش و توان خود را به کار برید.

۴. عدالت در حقوق زنا شوهری:

همچنان شوهر باید تلاش کند تا در کلیه حقوق زناشوهری بین همسران خود عدالت را رعایت کند، و هرگاه برای یکی چیزی میخرد برای دیگری نیز بخرد، و اگر سفر میکند نیز بین آنان عدالت را رعایت کند بهتر است برای اختیار یکی از آنان در سفر قرعه بیندازد چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم در اثنای سفر بین همسران خود قرعه می انداخت.

[۱۳] عن عائشة رضی الله تعالی عنها زوج النبی صلی الله علیه وسلم قالت کان رسول الله صلی الله علیه وسلم اذا اراد سفراً اقرع بین نساءه فایتھن خرج سهمها خرج بها معه وکان یقسم لكل امرأة منهن یومها ولیلتها غیر أن سودة بنت زمعة وھبت یومها لعائشة.^۱

ترجمه: از حضرت عائشة رضی تعالی عنها همسر رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت است که گفت وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم اراده سفر میداشت بین همسران خود قرعه می انداخت و نام هر یکی که می برآمد او را همسفر خود میساخت و برای هر زن یک روز و یک شب را اختصاص میداد جز اینکه سودة بنت زمعة رضی الله عنها روز خود را به عائشة رضی الله عنها بخشیده بود.

۵. عدالت در رابطه قلبی:

تنها جاییکه نمی توان عدالت را عملاً رعایت کرد، محبت قلبی است. چون انسان قادر به کنترل قلب و عواطف و احساسات خود نمی باشد پس در نتیجه عدالت قلبی نیز بین زنان واجب نیست. زیرا

^۱ شماره حدیث ۱۸۴۰ باب القرعة بین النساء اذا اراد سفراً

طبیعت انسان طوری است که هرچیزی که در نزدش زیباتر و بهتر جلوکند، بیشتر او را دوست دارد، خداوند متعال نیز به رابطه قلبی اشاره نموده و روی این نکته تاکید دارد که در محبت قلبی بین زنان، برابری لازم نیست چنانچه خداوند جل جلاله در سوره نساء چنین میفرماید: (ولن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء ولو حرصتم. الآیه بخشی از آیه ۱۲۹ سوره نساء

ترجمه: (هرگز نمی توانید که در بین زنان عدالت را رعایت کنید هرچند دل تان چنین امری را بخواهد.

رسول الله صلی الله علیه وسلم با آنکه بر تحقق عدالت بین همسران خیلی تاکید داشت و تلاش می ورزید عواطف، احساسات و تمایلات قلبی خود را تا حدی در کنترل داشته باشد، ولی با آنهم می فرماید:

[۱۴] عن عائشة رضی الله عنها قالت کان رسول الله صلی الله علیه وسلم یقسم فیعدل ویقول اللهم هذا قسمی فیما أملك فلا تلمنی فیما تملك ولا أملك.^۱

ترجمه: عائشه (رضی الله عنها) از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت می کند که: وقتی رسول الله صلی الله علیه وسلم چیزی را بین همسران خود تقسیم می کرد، عدالت می کرد، و می فرمود: خدایا این عدالت من است در آنچه من مالک آن هستم و به آنچه در ملکیت توست و در اختیار من نیست (محبت قلبی) مرا ملامت نکن.

این وقتی بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم در همه اشیاء بین همسران خود عدالت نمود جز عواطف و احساسات قلبی، زیرا قلب او بیشتر به ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها میلان داشت، ازینرو در صورتی که یکی از همسران خود را بیشتر از دیگران دوست داشته باشد، نباید دیگران را ترک کند و بین آنان عدالت را رعایت نکند، چنانچه خداوند متعال جل جلاله می فرماید: وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُضْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا رَحِيمًا. آیه ۱۲۹ سوره نساء

^۱ سنن ابی داؤد باب فی القسم بین النساء ، شماره ح ۱۸۲۲

ترجمه: هرگز نمی‌توانید که در بین زنان عدالت را رعایت کنید هرچند دل تان چنین امری را بخواهد، به طوری کلی دوری نکنید، بدان گونه که او را به صورت زن معلقه ای درآورید. عبدالله ابن عباس رضی الله تعالی عنهما می‌فرماید عدالت که در این آیه بدان اشاره صورت گرفته عدالت در محبت و جماع بوده است، چون انسان نمی‌تواند در این دو امر عدالت را رعایت کند.

مطلب دوم:

شرایط غیر شرعی تعدد زوجات:

بهتر است مطلب جداگانه راجع به شرایط غیر شرعی تعدد زوجات نیز داشته باشیم، زیرا در برخی از کشورهای اسلامی بخصوص در کشور عزیز ما افغانستان، نظام تعدد زوجات به شروط دیگری غیر از سه شرط شرعی که در فوق تذکر مقید شده است، که اصلاً هیچ دلیلی در نصوص شرعی برای توجیه آن وجود ندارد، این شرایط قرار ذیل اند:

۱. تعدد زوجات تنها در صورت ضرورت مباح می‌باشد، به عقیده آنان شخصی که به ازدواج دومی، یاسومی و یا چهارمی اقدام می‌نماید باید دلیل توجیه کننده را به قضاء تقدیم نماید. و هرگاه قاضی دلیل او را موجه دانست به او اجازه ازدواج میدهد و هرگاه دلیل او موجه نبود درخواست او را رد می‌کند البته به نظر آنان دلیل موجه مرض مزمن در زوجه، و یا عقیم بودن او می‌باشد، که در غیر این دو صورت شوهر نمی‌تواند بازن دیگری ازدواج کند.^۱

۲. قاضی باید در خصوص دلایل او تصمیم بگیرد که آیا دلایل او موجه هست یا خیر.

۳. قاضی باید در رابطه به اینکه آیا شوهر میتواند عدالت را رعایت کند و آیا توانایی پرداخت نفقه را دارد و یا خیر تصمیم بگیرد.

به عقیده آنان اصل در اسلام ازدواج بایک زن بوده، و تعدد زوجات یک استثناء بشمار میرود، و به استثناء در صورت ضرورت عمل صورت می‌گیرد.^۲

^۱ العدل فی التعدد بین الزوجات عبدالله طیار ص ۱۱.

^۲ تعدد الزوجات من النواحي الدينية والاجتماعية والقانونية دكتور عبدالناصر توفيق العطار ص ۲۸۶/۲۷۹.

در پاسخ به ادعای آنان باید گفت: هیچ دلیلی در کتاب الله جل جلاله و سنت نبوی صلی الله علیه وسلم راجع به مقید ساختن تعدد زوجات به شرایط فوق وجود ندارد مسأله تعدد زوجات در دو آیت از سوره شریفه نساء (آیت رقم ۳ و آیت رقم ۱۲۹ که در فوق تذکریافته) ذکر گردیده است. ولی هیچ اشاره در آن به اثبات ادعای آنان وجود ندارد که اصل در اسلام عدم تعدد زوجات بوده و تعدد از قاعده کلی یک استثناء می باشد. بلکه عکس این مسأله می باشد، آیت ۳ سوره نساء نخست به تعدد زوجات آغاز نموده و در اخیر به ازدواج بایک زن و یا یک کنیز اشاره داشته است.^۱

چنانچه این دو آیت شریفه تعدد زوجات را به عقیم بودن زوجه اولی و یا مرض مزمن او مقید نساخته است. افزون بر آنکه رسول الله صلی الله علیه وسلم از صحابه کرام خواست تا چهار زن را نگهدارند و زنان دیگر را از خود جدا سازند، و به آنان هیچگاهی دستور ندادند که آنان در صورتی می توانند بیش از یک زن را نگهدارند که همسر او یا مرض مزمن داشته باشد و یا عقیم باشد چنانچه امیر المومنین حضرت عمر بن الخطاب رضی الله عنه از حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه خواست تا با دختر او حفصه رضی الله عنها ازدواج کند، و او میدانست که حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه بیش از یک زن دارد، و زنان او نه مریض بودند و نه عقیم.

شیخ محمد ابوزهره رحمه الله می نویسد: مقید ساختن نظام تعدد زوجات به شرایط غیر شرعی یک بدعت گمراه کننده دینی بوده نه در عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم وجود داشته و نه در عصر صحابه و تابعین.^۲

البته به نظر فقهاء کرام زوجه اولی میتواند بالای شوهر خود در اثنای عقد نکاح شرط بگذارد که بازن دیگری ازدواج نکند، و هرگاه شوهر به شرط وفاء نکرد، زن میتواند مطالبه طلاق و یا فسخ نکاح کند.^۳

^۱ تعدد الزوجات فی الاسلام دکتور محمد بن مسفر بن حسین الطویل ص ۸.

^۲ محمد ابوزهره: تنظیم الاسلام للمجتمع القاہرہ ۱۳۸۵ھ ص ۷۷-۷۹. محمد أحمد مصطفی أحمد المعروف بأبی زهره، (در ۶ ذو القعدة ۱۳۱۵ هـ، در محله کبری مصر به دنیا آمد وی عالم و مفکر و باحث و کاتب مصری بود یکی از علمای بزرگ شریعت اسلامی و قانون بود.

^۳ تعدد الزوجات فی الاسلام دکتور محمد بن مسفر بن حسین الطویل ص ۸.

فصل سوم

شبیهاتی وارده پیرامون تعدد زوجات ومشکلات آن وراه بیرون رفت از آنها

مبحث اول:

شبیهاتی وارده پیرامون تعدد زوجات وپاسخ به آنها

هرچند نظام تعدد زوجات نظام الهی بوده ودرحقانیت آن هیچ شکی وجود ندارد، ولی با آنهم مخالفین نظام تعدد زوجات وکسانی که به دیدگاه اسلامی اعتراض دارند، اشکالات و شبیهاتی را مطرح کرده اند که عمده ترین آنها ذیلاً ارائه می گردد، البته تلاش نمودیم تا نخست اشکال آنان را ارائه کنیم و سپس پاسخ به آنها را تذکردهیم.

مطلب اول : راجع به اشکال

۱. اشکال اول: اسلام به مردان اجازه تعدد را داده است این درحالیست که برای خانمان تعدد ازواج

یاچند شوهری را حرام قرار داده است!

پاسخ به آن: در پاسخ به اشکال اول آنان باید گفت: مساوات مطلق بین مرد وزن درنظام زوجیت اصلاً ممکن نیست بگونه مثال: زن تنها یک رحم داشته، ودریک وقت یک بار ازیک مرد بار دارمی شوداین درحالیست که ممکن برای یک مرد دریک وقت از چندین همسر چندین طفل باشد، که او میتواند مسؤولیت تربیه، نفقه، تعلیم و تداوی آنان را نیز به عهده گیرد. ازسوی دیگر هرگاه زن چندین شوهر داشته باشد چه کسی ازبین آنان، مسؤولیت مشکلات زنده گی او را به عهده خواهد گرفت؟! واولاد او به چه کسی منسوب خواهد شد؟! چون درصورت تعدد ازواج یا چند شوهری از لحاظ اجتماعی، اقتصادی وقانونی تعیین شخص مسؤول ناممکن بوده لذا سنت خداوند متعال جل جلاله درجهان هستی چنین مقرر داشته که نظام تعدد تنها برای مردان مناسب واصلح می باشد.

چنانچه درصورت چندشوهری یا تعدد ازواج، زنان نمیتوانند وظایف زوجیت را به صورت مساویانه وعادلانه بین شوهران شان ایفا نمایند ازکارهای خانه اگر بگذریم او هیچگاهی نمیتواند خواسته های

جنسی شوهرانش را بخصوص درروزهای عادت ماهوار بارداری وزایمان برآورده سازد. که بدون شک شوهران او باید یا او را طلاق، یا بازنان دیگری رابطه نامشروع داشته باشند.^۱

دراخیر باید گفت نظام چندشوهری یا تعدد ازواج هیچ گاه به نفع جوامع بشری نبوده ونمی باشد برعکس ازنظام تعدد زوجات که برای دختران بی سرپرست ومطلقه وبیوه ها اجازه فرصت ازدواج را میدهد زیرا هرگاه به زن اجازه ازدواج با بیش ازیک شوهر داده شود، تعداد دختران بی شوهر افزایش خواهد یافت وبسیاری از زنان از نعمت ازدواج بی بهره خواهد ماند.^۲

۲. اشکال دوم: تعدد زوجات اثرات سوء دراجتماع ببارمی آورد. زیرا باعث جریحه دارشدن احساسات وعواطف همسرش گردیده وعشق وعلاقه او را نسبت به شوهرش خاموش می کند حس محبت او را به حس انتقام مبدل می سازد وهمچنان سبب دشمنی میان همسران گردیده که بعدها این دشمنی به اولاد آنان نیز منتقل می شود.

پاسخ به آن: درپاسخ به اشکال دومی آنان باید گفت: درست است که عواطف اوجریحه دارمی شودوباعث رنج او می گردد، ولی عواطف واحساسات هیچ گاهی درامور شرع اولویت نداشته زیرا اسلام زیربنای زنده گی بشر وبنیان جامعه انسانی را برزنده گی عقلی وفکری بناء نهاده است نه برزنده گی عاطفی، درنتیجه هدفی که دراسلام دنبال می شود رسیدن به صلاح عقلی است نه صلاح وشایسته گی که احساسات، آنرا دوست دارد البته این بدین معنا نیست که عواطف واحساسات زنان نادیده گرفته شود وغرائز طبیعی آنان کشته شود بلکه این بدین معناست که صفات روحی، عواطف واحساسات باطنی با اختلاف تربیت ها وعادات مختلف می شود چنانچه بسیاری از آداب درنظرشرقی ها پسندیده ودر نظر غربی ها ناپسند ومذموم است ویا عکس آن.^۳

همچنان عواطف انسان ها وبه خصوص زنان اکثراً متضاد بودبه گونه مثال یکی از شوهر خود میخواهد بازنی دیگری ازدواج کند، دیگری امباق خودرا لعنت می کند، سومی بجای اینکه شوهرش بازنان دیگری رابطه نامشروع داشته باشد، ازدواج را ترجیح میدهد، وچهارمی با آنکه شوهر داردولی

^۱ تعدد الزوجات فی الاسلام دکتور محمد بین مسفر بن حسین الطویل ص ۲۸ به نقل از محمد عبده المسلمون والاسلام القاہرہ ۱۹۶۴م ص ۹۴.

^۲ مرجع فوق

^۳ به مقاله راجع به مسئله تعدد زوجات از دید گاه اسلام، المیزان ج ۴ علامه طباطبایی. (سید محمدحسین طباطبایی معروف به علامه طباطبایی) (زاده ۱۲۸۱ خورشیدی در تبریز، نویسنده تفسیر المیزان، فقیه، فیلسوف، عارف، حکیم و مفسر قرآن کریم است)

شخص دیگری رادوست دارد. وازینرو عواطف واحساسات هیچگاهی معیار شده نمی تواند و تربیت دینی در اسلام زن را به گونه‌ی به بار می آورد که هرگز از اعمال نظیر تعدد زوجات ناراحت نگشته و عواطفش جریحه دار نمی شود. او همین که می بیند که خدای عزوجل به شوهرش اجازه تعدد زوجات را داده تسلیم اراده پرودگار می شود. طوریکه غیرت بین همسران رسول الله صلی الله علیه وسلم واصحاب او رضی الله عنهم هیچ گاهی باعث ممنوعیت نظام تعدد زوجات نگشت. و اگر تعدد باعث دشمنی ها بین همسران میگردد، پس دشمنی بین یک زن و شوهرش نیز به کثرت پیدامی شد، و در واقع اختلافات و دشمنی ها یا از عدم عدالت بین همسران و یا از غیرت برخی از زنان ناشی می شود، و یا اختلافات از زنده گی فامیلی چون خوردنی ها، لباس و مسکن نشأت می کند، که اسلام همه آنها منع قرار داده است و برای تنظیم بهتر آن شرایط وضع نموده است. علاج این مشکل نخست به شخصیت و توانائی مرد بر می گردد زیرا هرگاه مرد عادل و هوشیار باشد این مشکل هیچ گاه به خانه او راه پیدان نخواهد کرد ولی اگر شخصیت ضعیف داشته باشد همواره این مشکل وجود خواهد داشت هرچند او یک همسر داشته باشد، در آخر باید گفت جای بسیار شگفت است که زنان غربی با آنکه به خوبی اطلاع دارند که شوهران شان با زنان دیگری رابطه نامشروع دارند ولی متأسف نگشته اند دل ها و عواطف شان جریحه دار نشده و هیچ گاه ناراحت نمی شوند. پس یک زن مسلمان چگونه بایک نظام مشروع الهی ناراحت می شود.

۳. اشکال سوم: تعدد زوجات مخالف با وضعی است که از عمل طبیعت مشاهده می شود چون آمار گیری های که در قرون متمادی از ملت ها شده نشان میدهد که همواره عدد مردوزن برابر بوده و یا اندک اختلافی داشته است. معلوم می شود که طبیعت برای یک مردیک زن را در نظر گرفته است پس اگر ما خلاف این را تجویز کنیم در واقع خلاف روش طبیعت رفتار کرده ایم.

پاسخ به آن: در پاسخ به این اشکال باید گفت امر ازدواج تنها متکی به مسئله آمار نیست بلکه در این میان عوامل و شرایط دیگری نیز وجود دارد که یکی از آنها رشد فکری است زنان زود تر از مردان رشد یافته و آماده ازدواج می گردند سن زنان مخصوصاً در مناطق گرم سیر وقتی از نه ساله گی بگذرد صلاحیت ازدواج را پیدا می کنند در حالی که بسیاری از مردان قبل از شانزده ساله گی به این رشد

و این آماده گی نمی رسند گذشته از آن آماریکه از آن یاد کردند خود بیان گراین معنی ست، چنانچه در صفحات قبلی گذشت که زنان عمر شان از مردان بیشتر است چنانچه تعداد شان در بسیاری کشورها بیشتر از مردان است. از این هم که بگذریم خاصیت تولید نسل و یا به عباره دیگر دستگاه تناسلی مرد عمرش بیشتر از دستگاه تناسلی زن است. زیرا اغلب زنان در سن پنجاه سالگی آیسه می شوند و دیگر رحم آنان فرزند پرورش نمی دهد در حالیکه دستگاه تناسلی مرد سالها بعد از پنجاه سالگی قادر به تولید نسل می باشد این همه علاوه بر آنکه حوادث چون جنگ ها، اختلافات و جنایات بیشتر مردان را تهدید میکند آنان همچنان باید جریانی را که در آلمان اتفاق افتاد مد نظر گیرند. که جمعیتی از زنان بی شوهر نگرانی خود را از نداشتن شوهر طی شکایتی به دولت اظهار نموده و تقاضای کرده اند که برای علاج این درد مسئله تعدد زوجات در اسلام را قانونی سازد به مردان اجازه دهد تا هر تعداد که خواستند زن بگیرند ولی حکومت خواست آنانرا بر آورده نکرد زیرا کلیسا اورا از این کار باز داشت. آری کلیسا راضی شد زنا و فساد اخلاقی شایع شود ولی راضی نشد تعدد زوجات در اسلام در آلمان رسمیت پیدا کند.^۱

۴. اشکال چهارم: تعدد زوجات مردان را به حرص شهوت رانی تشویق نموده و این غریزه حیوانی (شهوت) را در جامعه گسترش میدهد.

پاسخ به آن: در پاسخ به اشکال چهارم باید گفت. اسلام هیچ گاهی شهوت رانی را ترویج نمیدهد چنانچه آنرا بی قید و بند نیز رها نمی کند، اسلام همواره تلاش داشته تا شهوت رانی هایکه منجر به فساد اخلاق، فساد نسل، اختلافات و جنگهای می گردد ممنوع قرار دهد. از طرف دیگر شهوت جنسی مردان برابر است با شهوت چندین زن، و اسلام می خواهد حد اقل نیاز مندیهای طبیعی نفس بر آورده شود واحدی از آن محروم نماند به همین جهت است که شهوت بعضی از مردان ایجاب ازدواج دومی سومی و یا چهارمی رامیکند. پس اسلام برای او تعدد را نیز مجاز میدارد. گذشته از آن هرگاه مرد به داشتن یک زن مأمور شود در ایامی که زن معذور بوده چون عادت ماهوار بارداری، رضاع و امثالهم ناگزیر مرد به فجور رو بیاورد که اسلام هیچ گاهی به او چنین اجازه را نمیدهد

^۱ به مقاله راجع به مسئله تعدد زوجات از دیدگاه اسلام المیزان ج ۴ علامه طباطبایی.

۵. **اشکال پنجم:** تعدد زوجات سبب اصلی کثرت نسل در جوامع بشری شده است و کثرت نسل باعث انتشار فقر و بی کاری شده است:

پاسخ به آن: در پاسخ به این اشکال باید گفت این خود یک منطق غیرسلیم بوده زیرا کثرت نسل با تربیه خوب عامل قوت و پیشرفت جوامع گریده است که خوب ترین مثال آن چین و جاپان می باشد. همین گونه بیکاری و فقر در بسیاری از کشورهای که زمین آن نیز وسعت داشت و منابع طبیعی آن وافر بوده وجود دارد ولی هرگاه مردم آن سرزمین خوبتر تلاش کنند هیچ فقر و بیکاری وجود نخواهد داشت از سوی دیگر کثرت نسل در کشورهای اسلامی خواسته شرعی بود چون درازد یاد تولیدات زراعتی، صنعتی و تجارتي رول مهم دارد در اخیر باید گفت کثرت نسل در جوامع اسلامی هیچگاهی سبب فقر نبوده زیرا رزق و روزی همه از طرف خداوند متعال بوده بلکه عکس آن درست است یعنی تعدد زوجات و کثرت اولاد سبب توسعه رزق می گردد. چنانچه در یک روایت از پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم نقل شده است (التمسو الرزق فی النکاح)^۱

ترجمه: شما رزق را در نکاح جستجو کنید.

۶. **اشکال ششم:** تعدد زوجات موقف اجتماعی زنان را در جامعه پائین می آورد.

پاسخ به آن: در پاسخ به شبه ششم باید گفت تعدد زوجات در واقع رحمت برای زنان است زیرا تعداد مردان آماده ازدواج نسبت به زنان آماده ازدواج به مراتب کمتر بوده چنانچه در صفحات قبلی گذشت. وزن بجای اینکه زوجه دومی و یا سومی باشد بهتر است بدون شوهر مادام العمر زندگی کند هکذا در تعدد کرامت و آبروی زنان حفظ می گردد زیرا آنان به جای اینکه دوست دختر یا معشوقه نامشروع کسی باشند همسر با عزت کسی قرار می گیرند و زنان باید درک کنند که در صورت ممنوعیت تعدد زوجات آرزو های بسیاری از زنانیکه می خواهند همسر، مادر و صاحب خانه باشند برآورده نخواهد شد.

^۱ این حدیث را دیلمی رح (۸۸/۱)، رقم ۲۸۲ روایت می کند. مناوی (۱۵۷/۲) گفته در این حدیث مسلم بن خالد بوده که امام ذهبی رحمه الله در کتاب الضعفاء چنین گفته است: امام بخاری و ابوزرعه رح انرا منکر الحدیث خوانده است و سخاوی و شیخ او آنرا ضعیف خوانده لیکن شواهد از ابن عباس رض الله عنه نیز داشته است.

در پاسخ آنان نیز باید افزوده شود که در مباح بودن تعدد زوجات هیچگاهی توهین و ظلم بالای زنان نبوده و نه موقف اجتماعی آنان را در جامعه پائین می آورد زیرا همسر می تواند در اثنای عقد ازدواج بالای شوهرش شرط بگذارد که با زنی دیگری ازدواج نکند و هرگاه شوهر او شرط او را نادیده گرفته ازدواج کرد، زن میتواند مطالبه فسخ ازدواج کند همچنان باید گفت اگر با ازدواج دومی و یا سومی زوجه قبلی نوعاً متضرر می گردد ولی بدون شک برای زوجه جدید در آن منفعت بوده زیرا اوبخاطری باشخص متأهل عروسی نموده که در آن فایده اوست، و ضرری که به زوجه اولی میرسد بمراتب کمتر از ضرری است که هرگاه بازوجه دومی نمی توانست ازدواج کند.

مطلب دوم:

شبهاتی پیرامون تعدد زوجات پیامبر صلی الله علیه وسلم و پاسخ به آنها:

دشمنان اسلام از هنگام شروع رسالت پیامبر صلی الله علیه وسلم برای لکه دار نمودن شخصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و ایجاد شبهه در رسالت آن بزرگوار صلی الله علیه وسلم و به ارتداد کشاندن مسلمانان لحظه ای غافل نبودند و پیوسته شروع به پخش شبهات نمودند، که این مبارزه نه تنها مختص به آنحضرت صلی الله علیه وسلم نبوده بلکه برای همه پرچمداران رسالت پیامبر خداوند جل جلاله تا به امروز ادامه داشته است.^۱ چنانچه خداوند متعال جل جلاله می فرماید.

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِيرَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ سوره توبه آیه ۳۲

ترجمه: می خواهند نور (آئین) خدا را با دهانها یشان خاموش گردانند، ولی خدا نور (آئین) خود را کامل می گرداند هر چند که کافران دوست نداشته باشند.

دشمنان اسلام می گویند: حضرت محمد صلی الله علیه وسلم یک مرد شهوانی بود، بدنبال شهوات حرکت می نمود، و بایک زن اکتفا نموده است. چنانچه آنان می گویند: بین عیسی علیه السلام و محمد صلی الله علیه وسلم خیلی تفاوت وجود دارد زیرا عیسی علیه السلام باشهوات می جنگید

^۱ رد شبهات و باطیل حول تعدد الزوجات رسول صلی الله علیه وسلم محمد علی صابونی رحمه الله ص ۱۰ (محمد علی صابونی رحمه الله یکی از علماء بارز اهل سنت و الجماعت در عصر حدیث بوده و از جمله متخصصین در علم و تفسیر قرآن کریم نیز می باشد)

ولی محمد صلی الله علیه وسلم دنبال شهوات و لذات می رفت خداوند متعال در این خصوص می فرماید. (كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنَّ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا) سوره کهف آیه ۵

ترجمه: چه سخن وحشتناک و بزرگی از دهان های شان بیرون می آید، هرچند آنان از روی حسد و دروغ این افترا را به پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم می بندند، زیرا همه گان میدانند که نه او یک مرد شهوانی بوده و نه هم او خدا و یا پسر خدا بوده چنانچه نصاری در حق عیسی علیه السلام عقیده دارند اما او یک انسانی بود که مانند دیگران نیاز به ازدواج داشت و از همان جهت اقدام به ازدواج کرد به هر حال لازم است دونکته اساسی که این شبهه را از پیامبر بزرگوار اسلام رد میکند همواره نصب العین خود قرار دهیم و زیر نظر بگیریم.

۱. یکی از این دونکته اینست که حضرت محمد صلی الله علیه وسلم هنگامی آغاز به تعدد زوجات کرد که به سن پیری رسید و عمر او مبارک از سن پنجاه سال تجاوز کرد.

۲. اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم بجز حضرت عایشة رضی الله عنها همگی زن های دیگرش بیوه و پیرزن بودند از این دونکته به صراحت می فهمیم که شبهه ای که کینه را در دلهای عده ای مردم نسبت به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم وارد می کند باطل و پوچ است زیرا اگر پیامبر صلی الله علیه وسلم قصد شهوت میداشت در حال جوانی چنین کار تعدد را شروع می کرد. نه در سن پیری و همچنین با دختران دوشیزه ازدواج میکرد نه با بیوه ها و پیره زنان در حالیکه به جابر پسر عبدالله رضی الله عنه وقتی که پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم می آید و آثار خوشحالی و بوی خوش از او مشاهد میکند چنین میفرماید.

[۱۵] عن جابر بن عبدالله رضی الله عنه قال تزوجت امرأة ثيباً فقال لي رسول الله صلی الله علیه وسلم "يا جابر تزوجت" قال قلت نعم. قال "فبكر ام ثيب" قال قلت بل ثيب يا رسول الله صلی الله علیه وسلم. قال "فهلا جاريةً تلاعبها وتلاعبك" او قال "تضاحكها و تضاحكك"^۱

^۱ صحیح المسلم باب اسحباب نکاح بکرج ۴ ص ۱۷۶ شماره حدیث ۲۷۱۱.

ترجمه: از جابر پسر عبدالله رضی الله عنه روایت است که گفت بازن بیوه ازدواج کردم، وقتی پیش حضرت محمد صلی الله علیه وسلم آمدم برایم رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود ای جابر ازدواج کردی؟ جابر گفت بلی پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود دختر است یا بیوه جابرمی گوید گفتم با بیوه ازدواج کردم ای رسول خداوند جل جلاله سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند چرا با دختری ازدواج نکردی که باهم ملاعبه و شوخی میکردید و هم می خندیدید؟ آری پیامبر صلی الله علیه وسلم راه استمتاع و شهوت را میدانست. پس آیا معقول است که پیامبر صلی الله علیه وسلم با پیره زنان و بیوه ها ازدواج کند و دختران را ترک نماید و در سن پیری ازدواج کند و شروع به تعدد نماید در حالی که در سن جوانی آنرا انجام نداده است آیا ممکن است در این کار جنبه شهوانی مد نظر ایشان بوده باشد؟ یا غیر آن در حالی که کاملاً زمینه تعدد برای ایشان فراهم بوده و همه اصحاب کرام رضی الله عنهم دوست داشتند که پیامبر صلی الله علیه وسلم داماد ایشان باشد.^۱

مطلب سوم:

فلسفه و حکمت تعدد زوجات پیامبر صلی الله علیه وسلم

در تعدد زوجات رسول الله صلی الله علیه وسلم حکمت های فراوانی نهفته است که میتوان به برخی از این حکمت های در سطور ذیل اشاره کرد.

حکمت اول:

رعایت حقوق و توازن اجتماعی

کثرت زنان در همه ازمه یکی از معضله های جامعه بوده که به اسباب و علل آن در صفحات گذشته اشاره نمودیم و همیشه برای حل این معضله و توازن بین حقوق زن و مرد کسانی اقدام نمودند که بیشترین بهره از ایمان و اسلام داشتند، ازینرو پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه وسلم که اسوه و نمونه این راه است، بیشتر از دیگران متحمل تکالیف اجتماعی شدند.

^۱ ردشبهات و اباطیل حول تعدد الزوجات الرسول صلی الله علیه وسلم محمد علی صابونی ص ۱۰-۱۲.

چنانچه استاد فاروق فرساد^۱ در کتابش به نام مجموعه مقالات دفتر اول می نویسد:

پیامبر صلی الله علیه وسلم در عین بهره مندی از کمترین امکانات جامعه، و در عین مکلف بودند به بیشترین برنامه های عبادی مکلف بود که بیش از همه در تحمل تکالیف اجتماعی کوشا باشد از سوی دیگر چون مسئله تعدد زوجات قضیه اجتماعی و سیاسی است و جنبه فردی ندارد، و فقط در موارد نادری جنبه فردی آن غالب است لذا پیامبر صلی الله علیه وسلم مکلف است بیش از دیگران تحمل بار سرپرستی زنان بی سرپرست جامعه را عهده دار شود. اگر ضروریات جامعه اقتضای کرد پیامبر صلی الله علیه وسلم بیش از آن تعداد ازدواج می کرد، اما الحمدلله که وضع بیشتر از آن تکلیف را نمی طلبد.

همانا سر محدود نبودن تعدد زوجات رسول خداوند جل جلاله در همین تفاوت عمیق و همه جانبه مسؤلیت های ایشان با باقی افراد امت نهفته است و اگر کسی بداند اداره کردن یک زن چه مشکلاتی دارد میتواند تاحدی حدس بزند که اداره کردن ده زن چه بار سنگینی است. در واقع تعدد زوجات در جامعه اسلامی یک راه حل بهتر اجتماعی است به نفع زنان، که از یک سو باعث حفظ حقوق آنان و وجود سرپرستی برای زنان تا امکانات زندگی اش را تامین کند گردیده و از سوی دیگر شرافت انسانی زنان را از تعرض رو باها و گرگ ها و خوک ها مصون میدارد که در این جان نثاری و عهده دار شدن بارها، پیامبر صلی الله علیه وسلم نقش استثنائی دارد همچنان که در همه چیز استثنائی بود در عبادت های طولانی اش، در جهاد و فداکاری اش، در خیر و برکت بودنش، در اخلاق والای انسانیش، در عدم اسراف و استکبار بودنش، در زنده گی ساده و به دور از هرگونه ظاهر رفاه بودنش و امثال آن، چنانچه شیخ محمد علی صابونی رحمه الله در رساله کوچک خود به نام شبهات و باطیل حول تعدد الزوجات الرسول صلی الله علیه وسلم موضوع را تذکر داده است:

دوم: حکمت تعلیمی

زنانیکه نصف یا بیشتر افراد جامعه را تشکیل میدهند و آنچه را از تکالیف که بر مردان واجب شده بر آنان نیز واجب شده است، و مثل مردان نیاز به یاد گیری احکام شرعی دارند، از نیروی ازمهمترین

^۱ فاروق فرساد از دین‌آموختگان و فعالان اهل سنت ایران و از شاگردان احمد مفتی زاده بود که در استان کردستان ایران فعالیت داشت.

هدف پیامبر صلی الله علیه وسلم از تعدد زوجات تربیه معلمات زنان بوده تا آنان بعد از فراگیری احکام شرعی بتوانند احکام شرعی را به دیگران برسانند.

طوریکه بسیاری از احکام شرعی هستند که زنان شرم داشتند از شخص پیامبر صلی الله علیه وسلم سؤال کنند، چون موضوعات مربوط به زنان مانند احکام حیض، نفاس، جنابت و امثال آن، چنانچه شخص پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز از روی حیاء در بعضی موارد که از وی سوال شده بطور صریح به مسائل مربوط به زنان پاسخ نداده مثل احکام حیض و استحاضه و غیره که بعضی اوقات پیامبر صلی الله علیه وسلم بصورت کنایه به آنها پاسخ داده که ممکن زنان کنایه او را درک کرده نباشند. از آنجمله میتوان به حدیث ذیل اشاره کرد.

[۱۶] عن عائشة رضی الله تعالی عنها انّ امرأةً سألت النبی صلی الله علیه وسلم عن غسلها من المحیض؟ فأمرها کیف تغتسل، قال: خذی فرصةً من مسک فتطهّری بها، قالت: کیف اتطهّر؟ قال تطهّری بها، قالت کیف؟ قال: سبحان الله تطهّری، فاجتذبتّها الیّ فقلت: تبتغی بها اثر الدّم.^۱

ترجمه: از حضرت عائشه رضی الله عنها روایت است که زنی از نبی کریم صلی الله علیه وسلم سؤال کرد که از حیض چگونه غسل کند؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم به او دستور داد: چگونه غسل کند، سپس فرمود: پنبه ای از مشک برگیر و توسط آن خود را پاک بساز، زن گفت: چگونه خود را پاک بسازم؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: خود را پاک بساز، سپس بارسوم گفت: چگونه؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود سبحان الله خود را پاک بساز، عائشه رضی الله تعالی عنها میگوید او را به سوی خود کشیدم و برایش گفتم که آثار خون را توسط آن پاک کن.

ازینرو خیلی کم از زنان میتوانست به چنین صراحت با پیامبر بزرگوار صحبت کند چنانچه او خود از صراحت در همچو مسائل حیاء داشت بناءً بسیاری زنان در هنگام شب پیش حضرت عائشه رضی الله تعالی عنها می آمدند و در خصوص مسایل دین و احکام مربوط به زنان از او می پرسیدند، و حضرت عائشه رضی الله تعالی عنها مثل یک معلمه به آنان پاسخ میداد. آری زنان پیامبر صلی الله علیه وسلم همه به نوبه خود خوبترین معلمات بودند که آنان احکام شرعی را از پیامبر صلی الله علیه وسلم

^۱ متفق علیه: صحیح البخاری، باب دلک مرأة نفسها اذا تطهّرت من الحيض، ج ۱ ص ۳۲۴ شماره حدیث ۳۱۴ و صحیح المسلم، باب استحباب استعمال المغتسلة من الحيض فرصةً من مسک فی موضع الدم ج ۱ ص ۱۹۷ شماره حدیث ۷۴۷.

وسلم می آموختند وبعده زنان یاد میدادند. هکذا همه میدانند که سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم تنها اقوالش را شامل نمی شود بلکه افعال و تقریرات آنحضرت صلی الله علیه وسلم را نیز شامل می شود، پس چه کسی بجز زنان پیامبر صلی الله علیه وسلم اخبار و افعال وی را به بیرون منتقل میداد؟ آری امهات المومنین بودند که سنت های قوی و فعلی و تقریری پیامبر صلی الله علیه وسلم را ازخانه به بیرون خانه انتقال میدادند.

سوم: حکمت تشریحی

پیامبر صلی الله علیه وسلم در بعضی از ازدواج هایش قصد ابطال تمامی از عادات ناپسند جاهلی داشته، از جمله عادت پسر خاندگی که میان عرب های قبل از اسلام خیلی رواج بود اینکه شخص می آمد و پسردیگری را به عنوان پسر خود قرار میداد و مثل پسر حقیقیش با آن رفتار می کرد و در هیچ چیزی اعم از نکاح، میراث، ازدواج و غیره با پسر اصلیش فرق و امتیاز و تفاوتی وجود نداشت و پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز پسری به نام زید پسر حارثه رضی الله عنه را پسر خود می خواند، و بعد زید را پسر محمد صلی الله علیه وسلم صدا می کردند. امام بخاری و مسلم رحمهما الله از عبدالله ابن عمر رضی الله عنهما چنین روایت می کنند:

[۱۷] عن عبدالله بن عمر رضی الله عنهما أن زید بن حارثه مولى رسول الله صلی الله علیه وسلم، ما كنا ندعوه الا ابن محمد صلی الله علیه وسلم حتى نزل القرآن: { ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ } قسمتی از آیه ۵ سوره احزاب

ترجمه: از عبدالله پسر عمر رضی الله عنهما روایت است که اومی گفت: زید پسر حارثه مولى رسول خداوند جل جلاله را به نام پسر محمد صلی الله علیه وسلم صدا می کردیم، تا آیه شریفه نازل گردید " ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ } بخشی از آیه ۵ سوره احزاب یعنی عدالت نزد الله اینست که به نام پدرانشان آنها را صدا کنید.

^۱ متفق علیه: صحیح البخاری، باب { ادعوه لهم لآبائهم هو اقسط عند الله } ج ۱ ص ۵۸۸ شماره حدیث ۴۷۸۲ و صحیح مسلم باب فضائل زید بن حارثه واسامه بن زید رضی الله عنهما ج ۷ ص ۱۳۰ شماره حدیث ۶۴۱۵.
^۲ قسمت از آیه ۵ سوره احزاب

سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود از این به بعد شما زید پسر شرجیل هستید. چنانچه پیامبر صلی الله علیه وسلم زینب دختر جحش اسدی را به ازدواج زید درآورد، وزینب مدتی بازید زندگی می کرد و چون او را عبد می شمردند، زینب با اوسازگار نبود و علاقه بدی بازید داشت و بر اثر همین عدم سازش از هم جدا شدند، و بعد از تمام کردن عده خداوند متعال به پیامبر اسلام دستور میدهد، به خاطر ابطال عادت بد پسرخواندگی بازینب ازدواج کند ولی پیامبر صلی الله علیه وسلم در اعمال چنین دستوری سرعت نداشت از اینکه منافقین نگویند: پیامبر همسر پسر خودش را عقد کرده است می ترسید تا آیه ذیل نازل گردید (وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا) سوره احزاب آیه ۳۷:

ترجمه: و یادکن چون میگفتی باشخصی که انعام کرده است خداوند بروی و نیز انعام کرده ای تو بروی که نگهدار بر خود زن خود را و بترس از خدا و پنهان میکردی در ضمیر خویش آنچه خداوند پدید آورده اوست و میترسیدی از مردمان و خداوند سزاوارتر است بآنکه بترسی از وی پس وقتیکه به انجام رسانید زید از زینب حاجت خود را یعنی طلاق داد به زنی دادیم ترا زینب را، تا نباشد بر مسلمانان هیچ تنگی در نکاح کردن زنان پسرخواندان خویش چون به آخر رسانند از ایشان حاجت را و هست امر خداوند اجراشدنی یعنی فرمان خداوند جل جلاله باید انجام شود. و بعد ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بازینب بدستور خداوند جل جلاله عادت پسرخواندگی یک سره لغو میشود.

چهارم: حکمت اجتماعی

حکمت چهارم از تعدد زوجات پیامبر صلی الله علیه وسلم حکمت اجتماعی بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم با دختر ابوبکر صدیق رضی الله عنه وزیر اولش و دختر عمر بن الخطاب رضی الله عنه وزیر دومش ازدواج می کند. و به وسیله همان دو ازدواج باقریش ارتباط و خویشاوندی ایجاد می کند و برای اتصال بیشتر و اکرام حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم، عثمان رضی الله عنه دو تادختر

خود را به عقد او درمی آورد، همچنان که یکی از دخترانش را به حضرت علی رضی الله تعالی عنه می دهد و به عقد او درمی آورد. آری بوسیله این ازدواج ها رابطه میان پیامبر صلی الله علیه وسلم و یاران محکم تر شد چنانچه ازدواج پیامبر صلی الله علیه وسلم با دخترانشان شرف بزرگی به آنان بخشید و فداکاری آنان را مکافات نمود،

پنجم: حکمت سیاسی

حکمت پنجم اینست که پیامبر صلی الله علیه وسلم در دوران رسالتش نیازمند تألیف قلوب مردم بود و همچنین نیازمند جمع آوری قبایل مختلف در اطراف خود بود واضح است که یکی از اسباب ایجاد الفت و محبت و خویشاوندی خواستگاری از همدیگر و رابطه مظاهره است که بعضاً موجب نصرت و یاری رساندن به همدیگر است. برای اثبات این مطلب به چند نمونه زیر توجه فرمائید.

۱. پیامبر صلی الله علیه وسلم هنگامیکه (جویریة رضی الله عنها دختر حارث) بزرگ طایف بنو مصطلق همراه با قبیل اش در جنگ و غزوه بنی مصطلق اسیر می شود در سال ششم هجری و بعد جویریة در تقسیمات سهم ثابت پسر قیس رضی الله عنه می گردد به رسول الله صلی الله علیه وسلم می آید و برای مکاتبه شدن از او مال می طلبد رسول الله صلی الله علیه وسلم مبلغی به جویریة رضی الله عنها می دهد و خود را آزاد می کند و سپس با آن ازدواج میکند، سپس اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم می گویند: آیا خسران پیامبر صلی الله علیه وسلم زبردست ما باشند که این ازدواج سبب می شود تا یکصد خانواده از بنی مصطلق آزاد شوند و بعد همه گی مسلمان شدند و مدافعان حضرت محمد صلی الله علیه وسلم گردیدند ازینرو ازدواج پیامبر صلی الله علیه وسلم با جویریة رضی الله عنها برکتی بود برای او و قومش که سبب اسلام و آزادی آنان گردید.

۲. نمونه دوم ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه وسلم با (صفیة دختر حیی بن اخطب) است که در غزه خیبر بعد از کشته شدن همسرش به اسارت درآمد و پیامبر صلی الله علیه وسلم او را بین ازدواج با خودش و بین اینکه خود را آزاد کند و به خانواده اش ملحق شود مختار می گرداند ولی آن زن ازدواج

۳. با پیامبر صلی الله علیه وسلم را انتخاب میکند و بعد از سپری شدن ازدواج جمع کثیری از اهالی او مسلمان می شوند .

۴. نمونه سوم ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه وسلم با بیوه زنی به نام ام حبیبه رضی الله تعالی عنها دختر ابوسفیان رضی الله تعالی عنه بود، ابوسفیان رضی الله عنه که در آن هنگام حامل پرچم شرک، یکی از دشمنان آن حضرت صلی الله علیه وسلم بود، و خبر ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه وسلم با دخترش به او میرسد و به جای انکار آنرا تأییدی نماید و سبب می شود که ابوسفیان اذیت و آزارش نسبت به حضرت محمد صلی الله علیه وسلم و مسلمانان را کم کند، و همان ازدواج سبب تألیف قلب او و همه قبیله اش می گردد. این بود مختصر حکمت ها و فلسفه های که در عدد زوجات پیامبر صلی الله علیه وسلم مشاهده می شود. در این جا دو نکته اساسی وجود دارد و ثابت میسازد که منظور رسول کریم صلی الله علیه وسلم از این ازدواج ها شهوت پرستی و استفاده از زنان نبوده طوری که دشمنان متعصب اسلام تهمت می بندند.

۱- پیامبر برگزیده اسلام صلی الله علیه وسلم هنگامیکه به تعدد زوجات اقدام فرمودند که عمر شریف شان از پنجاه تجاوز نموده و به سن شیخوخت (پیری) داخل شده بودند.

۲- همه ازواج مطهرات و همسران گرامی شان بیوه بودند، مگر حضرت عایشه رضی الله تعالی عنها که بکر بود و آنهم شاید به واسطه روا بودن نکاح بکر صورت گرفته باشد. اگر مقصود شان از ازدواج پیروی از آرزوهای نفس و استفاده از زنان و شهوت رانی میبود (العیاذ بالله) یقیناً در سن جوانی که وقت تهاجم قوای شهوت است به این عمل اقدام میکرد و در سن و سال پیری و بعد از پنجاه ساله گی به آن اقدام نمی نمود. در حالیکه راه های شهوت رانی و استمتاع از زنان را هم میدانست. ازینرو برای حضرت جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه وقتی که با بیوه ازدواج نموده بود، فرمود: (فهلأبکراً تلا عبها وتلا عبک وتضحکها وتضحکک)^۱

ترجمه: چرا دختری به نکاح نگرفتی که باوی بازی می کردی و او با توبازی می کرد و باهم خنده می نمودید

^۱ صحیح المسلم باب استحبات بکر جلد ۴ ص ۱۷۶ ش ۳۷۱۱

علاوه بر آن در این مقطع زمانی که صحابه کرام رضی الله عنهم برایش چنان جان فدا بودند که از هیچ چیز خوددربرابر آنحضرت صلی الله علیه وسلم دریغ نمی ورزیدند، اگر پیغمبر صلی الله علیه وسلم خواهان ازدواج با دختران جوان و خوب روی میبود هیچ مانعی در سر راه شان وجود نداشت. بلکه آن ناجی بشریت و راهنمای راه سعادت و حکیم امت صلی الله علیه وسلم در گرفتن همسر، مصلحت و خیر اسلام و بشریت را ملاحظه فرمودند. قبایل بزرگی را از راه خویشاوندی و آگاه نمودن پیروان شان به احترام زن و اکرام بزرگداشت زنان و جاری ساختن عدالت در میان آنها و اسلام آوردن شان سبب مسلمان شدن قبایل آنها گردیده و داخل دین مقدس اسلام شدند. که میتوان به مثال های از این ازدواج ها اشاره نمائیم.

حکمت ازدواج با حضرت سودة بنت زمعة رضی الله عنها:

به نکاح گرفتن بی بی خدیجة رضی الله تعالی عنها همسر اول پیامبر صلی الله علیه وسلم درس نسال غیر طبیعی یعنی درسنی که پیامبر صلی الله علیه وسلم ۲۵ساله و بی بی خدیجة رضی الله عنها ۴۰ساله بود بنحوی مشهور و معروف است که جای گفتگو نیست بلکه این ازدواج بیان گر آنست که اختیار همچو همسری از نگاه خواهشات و شهوت پرستی نبوده ورنه در آن وقت هیچ مانع از بنکاح گرفتن همسر جوان در سر راه شان وجود نداشت.

اما نکاح بی بی سودة رضی الله عنها بعد از بازگشت از هجرت حبشه که شوهرش فوت گردید صورت گرفت. بی بی سودة از زن های مؤمنه مهاجره ای بود که همه اهل و اقارب خود را ترک کرده بود و به دین اسلام مشرف گردیده و دیگر کسی رانداشت و اگر به اقارب و خویشاوندانیکه وی از دین شان جدا شده و باوی تعصب و کینه داشتند باز می گشت مورد فتنه و اذیت قرار میگرفت ، لذا ازدواج باوی عین حکمت و نهایت شفقت و رحمت بوده است.

حکمت در نکاح بی بی عایشة صدیقه رضی الله عنها:

دوماه بعد از فوت ابوطالب بی بی خدیجه رضی الله تعالی عنها وفات نمود.

ابوطالب مردی بود که جلوتهاجم دشمنان اسلام را می گرفت که بعد از وفات ابوطالب دشمنان اسلام برای اذیت پیغمبر اسلام صلی الله علیه وسلم وجلوگیری از انتشار اسلام شدیدتر شدند، پیغمبر علیه السلام برای قوی تر شدن رابطه شان با قریش بی بی عایشة رضی الله عنها رادرحالی به نکاح گرفت که دختر خورد سال به سن ۶-۷ بود. زیرا حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه در بین قریش مقام بس عالی و اعتبارشایسته داشت واضح و روشن است که این نکاح از داعیه شهوت پرستی از هر حیث دور بوده است و از طرف دیگر حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه در راه ترقی و پیشرفت اسلام فداکاری های فوق العاده نموده بود برای مکافات شاهکاری های وی آن حضرت صلی الله علیه وسلم مرتبه و مقام خویشاوندی را به وی ارزانی فرمود.

حکمت در نکاح بی بی حفصة رضی الله عنها:

مثل حکمت در نکاح بی بی عایشة صدیقه رضی الله عنها بوده است.

حکمت در نکاح ام حبیبة بنت ابی سفیان رضی الله عنهما:

اما نکاح ام حبیبة بنت ابی سفیان (هند) شاید حکمت نکاح وی برهیچ عاقل وهوشمندی پوشیده نباشد، زیرا وی دین بت پرستی باطل پدر و مادر خویش را که زعیم و رئیس قوم وبزرگ قبیله بودند ترک کرد وبا شوهرش عبید الله بن جحش به حبشه هجرت نمود شوهرش در آنجا نصرانی شد و او به اسلام خویش باقی ماند بعد شوهرش فوت گردید.

ملاحظه شود زن مومنه که پدرش دشمنی با پیامبر صلی الله علیه وسلم بود با عین قدرت و اعتبار مادی کمر بست وشوهرش نصرانی شد و او بردین اسلام باقی می ماند آیا حکمت همین است که در بین دوفئه (دوجماعه کفر) گذاشته شود؟ درحالی که این ارتباط با ابی سفیان سبب خواهد شد که اودشمنی واذیت خود را از مسلمانان کمتر سازد وشخصاً خود پیغمبر صلی الله علیه وسلم او را به نکاح میگیرد زیرا او شرافت خاندانی داشت، اگر به غیر کفو نکاح می کرد بنی امیه بهانه ای دیگر می تراشیدند.

حکمت در نکاح جویریة رضی الله عنها(بره) کنیز:

زنهای که از کفار اسیر مسلمانان می شدند آنها را کنیزی ساختند یا میفروختند و یا برای خدمت نگه میداشتند و آزادی شان بسیار کم بود. پیامبر صلی الله علیه وسلم برگزیده اسلام برای مردم درس عملی دادند که با اسیران زبردستان خود مهربانی و شفقت نمایند و ایشان را آزاد گردانند. از این رو پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم، جویریة (بره) بنت الحارث بن ضرار رئیس قبیله بنی مصطلق را بعد از آزاد ساختن به نکاح گرفتند تا درسی برای دیگران باشد و در حدود دوصد زن و بچه از بنی مصطلق بدست مسلمانان افتاده بود و این ازدواج سبب شد که صحابه کرام تمام اسیران آن قبیله را آزاد کردند و مردم بنی مصطلق کاملاً داخل حلقه اسلام شدند و به دفاع از اسلام پرداختند این کار به ذات خود موفقیت بزرگی برای مسلمین بود.

حکمت در نکاح صفیة رضی الله عنها بنت حی بن اخطب:

صفیة دختر حی پسر اخطب رئیس بنی نضیر از شریف ترین خانواده ای یهود بود بعد از فتح خیبر بدست مسلمین اسیر گردید و از جمله غنایم بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم او را برگزیده بود زیرا وقتی به حضور پیامبر صلی الله علیه وسلم مشرف شد فرمود: پدر تو همیشه در بین طایفه یهود از دشمنان سرسخت من بوده و خداوند متعال او را کشت وی در جواب گفت: خداوند جل جلاله در کتاب خود فرموده است. (وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى) (بخشی از آیه ۱۵ سوره اسراء) گناه یکی را دیگری بر نمی دارد" صحابه کرام بحضور پیغمبر صلی الله علیه وسلم، پیشنهاد کردند: چون این زن دختر رئیس بنی قریظه و نضیر بوده است بغیر از خود شما به دیگری مناسب نیست، پیغمبر صلی الله علیه وسلم پیشنهاد صحابه را پسندیده او را آزاد و بعد از آزادی او را به نکاح گرفتند و این نکاح سبب ارتباط مسلمین با بنی اسرائیل گردید که فوائد زیادی را در برداشت.

حکمت در نکاح ام سلمة رضی الله عنها:

ام سلمة (هند) با شوهر خود عبدالله ابو سلمة برادر رضاعی رسول کریم صلی الله علیه وسلم اولین کسی بود که به حبشه هجرت نمود شوهر خود را بسیار دوست داشت و اکرام می کرد حتی حضرت

ابوبکر و عمر رضی الله عنهما بعد از وفات شوهرش خواستگار وی شدند، ولی قبول نکرد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم او را تسلیت می نمود و می فرمود: "صلی الله ان یوجرک مصیبتک ویخلفک خیراً" در جواب گفت "ومن یكون خیراً من ابی سلمه"

از خداوند جل جلاله بخواه که تورا در غم و مصیبتت مزد و ثواب داده و جانشین بهتر برایت دهد. ام سلمه رضی الله عنها می گفت: و بهتر از ابوسلمه رضی الله عنه که خواهد بود؟ و از گفتارش واضح می شود که نهایت اندوهگین و غمگین بود به فوت شوهر خود، رسول کریم صلی الله علیه وسلم برای رفع مصیبت وی خواستگار وی شدند و او چنین معذرت خواست من سالخورده ام و مادر یتیم ها ام، رسول الله صلی الله علیه وسلم جواب نیکی داد و او را به نکاح گرفت واضح و آشکار است که به واسطه تسلی وی از غم و مصیبت او را پذیرفت.

حکمت در نکاح زینب بنت جحش رضی الله عنها:

زینب دختر عمه پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم بود و تحت نظر پیغمبر اسلام تربیت یافته بود و مانند اولادش به او عنایت داشتند. حتی او را برای مولی (غلام آزاد شده) خود زید بن حارثه که بچه خوانده رسول کریم صلی الله علیه وسلم بود به نکاح داد، در حالی که خود زینب و برادرش عبدالله راضی نبودند و به همان نارضایتی و نشوزت بسر می برد. این وضع زندگی زید را به طلاق دادن مجبور کرد و بالاخره زینب را طلاق داد زینب به خوبی با او صحبت نمی کرد سخن های زشت و درشت با وی می گفت و خود را شریف تر از او می دانست بخاطر که وی قبل از بچه خواندگی، غلام و مملوک بود و زینب صاحب نسب و حسب بود خداوند جل جلاله پیغمبر صلی الله علیه وسلم را امر کرد تا او را نکاح کند و بر بدعت بچه خواندگی که در بین مردم رواج داشت خط بطلان بکشد و اساس های ثابت و محکم اسلام را برپا سازد. رسول الله صلی الله علیه وسلم زن بچه خوانده خود را نکاح کرده تا در این باره آیه مبارکه نازل شد:

وَتَخَشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَصَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا آيَةٌ ۳۷ سوره احزاب.

وحکم بچه خواندگی را از بین برد. البته این ازدواج به امر الهی بر مبنای حکمت های زیاد بود و روی هوا و شهوت نبوده بلکه بر اساس یک حکمت بسیار مهم که عبارت از بطلان عادت جاهلیت و روا بودن نکاح زن بچه خوانده گی که پیش از اسلام حرام بود میباشد. حتی به بچه خوانده مانند پسر نسبی از میراث و دیگر حقوق حق می دادند این قانون جاهلیت را دین مطهر اسلام باطل کرد و بیان نمود که بچه شما نیست و کدام حقوق بچگی بالای شما ندارد و زینب همیشه این افتخار را به نزد باقی ازواج مطهرات رضی الله عنهن اظهار می نمود و می گفت: شما را اهل شما به نکاح دادند و من را خداوند بزرگ از فوق هفت آسمان به نکاح داده است.^۱

خلاصه فلسفه تعدد ازواج مطهرات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم،

خلاصه مطلب، پیغمبر اسلام صلی الله علیه وسلم در هر یک از نکاح ها و ازدواج های مطهر خود حکمت تشریحی و اخلاقی و اجتماعی را در نظر داشت، به این طریقه که به واسطه ای خویشاوندی بزرگترین قبایل و طوایف بشری به اسلام جذب شدند و یا آزار و اذیت شان از سر مسلمانان رفع شد و احترام و مقام عالی زن را از نگاه اسلام دانستند. و طرز رفتار و اجراء عدالت در بین زنان را تشریح نمودند و بعد از رحلت جانگداز شان (۹) زن دانشمند و فاضله (امهات المؤمنین) رضی الله عنهن باقی ماندند که برای باقی زنان جهان معلمات و آموزگاران احکام شدند که طرف ضرورت شان بود و اگر یکی می بود از عهده این وظیفه بزرگ به تنهایی بر آمده نمی توانست و اگر به فرض محال پیغمبر صلی الله علیه وسلم، از تعدد ازواج آنچه را که پادشاهان و فرماندهان اراده داشتند هدف میداشت که عبارت از استفاده و منفعت گرفتن بطور حلال است، البته دختران بکر و زیبا را اختیار می نمود نه زنان بیوه و سالخورده را اینها حکمت های است که برای بشریت کشف گردیده اما اسرار سیرت پیامبر صلی الله علیه وسلم بلند تر از آن است که علم و افکار ما همه آنرا درک کند که به آن نمی رسد.

شوهر در سفر می تواند هر یک از همسران خود را با خود ببرد زیرا چگونگی سفر رنج زحمت آن و صلاحیت و اهلیت آن را او میداند و بس پس هر کدام که صلاحیت مسافرت را دارد و در تنظیم امور

^۱ تفسیر ابن جریر طبری رحمه الله متوفی سنه ۳۱۰ هـ جزء ۲۲ ج ۱۰ ص ۱۱ چاپ مطبعه الکبری الامیریة بیولاق مصر المحمیه سنه ۱۳۲۸ هـ ش

کارهای سفر آماده تراست او را تعیین نماید و نگهداری بعضی زنان برای تدبیر و تنظیم امور خانه لازم است لذا او بهتر می داند که کدام یک برای سفر و کدام یک برای خانه مناسب تراند و او را تعیین می نماید.

پیامبر برگزیده اسلام صلی الله علیه وسلم در سفر بین ازواج مطهرات قرعه کشی می نمود، زیرا همه ازواج مطهرات هم صلاحیت تدبیر منزل وهم تنظیم سفر را داشتند و فقط بواسطه ای خوشوقتی شان قرعه کشی می کردند قسم و نوبت بر رسول کریم صلی الله علیه وسلم واجب نبوده و محض به واسطه عدالت خواهی که داشتند نوبت را رعایت می فرمودند.

آری ، اگر همه همسران یک مرد صلاحیت تدبیر منزل و اهلیت سفر را داشتند برا تطبیق قلوب و دلخوشی آنها قرعه کشی کند کار خوبی است و همسران که به خانه می مانند قسم و نوبت ندارند و مدت سفر رابه حساب نیاورده هرگاه مقیم شد نوبت را در بین شان مراعات نماید. در سفر فرقی نمی کند که مدت سفر باشد یا نباشد به حج رود یا جهاد یا کار دیگری اگر مسافرتش با همه همسرانش صورت گیرد باید نوبت را مراعات نماید.

مطلب چهارم :

مشکلات تعدد زوجات و اسباب آن:

هر چند نظام تعدد زوجات یک نظام الهی است که از سوی ذات حکیم نازل شده است و در صورت رعایت درست شرایط شرعی هیچ گونه مشکلاتی را در پی نخواهد داشت، ولی در صورت عدم رعایت شروط دینی آن که در فوق تذکر یافت در این گونه چند همسری صفا، صمیمت، گذشت، وحدت نظرو همفکری زن و مرد، سعادت و خوشبختی زندگی زناشویی، همه و همه به خطر مواجه خواهد شد.

ازینرو باوجودیکه تعدد زوجات یک ضرورت اجتماعی است اما در صورت عدم رعایت شرایط شرعی آن دارای یک سلسله مشکلات میباشد که قرار ذیل بیان میگردد:

از نظر روحی:

روابط زناشوهری منحصر به امور مادی و جسمانی نبوده بلکه اساس این روابط را امور روحی و معنوی، عشق، عاطفه، و احساسات تشکیل میدهد.

ازینرو اگر روابط زوجیت میان چندین زن مطابق معیار های شرعی و به خصوص اصل عدالت میان همسران به خوبی تنظیم نگردد پس تعدد زوجات مشکلاتی را از نظر روحی به دنبال خواهد داشت.

از نظر تربیتی:

هرگاه عدالت اجتماعی میان زنان رعایت نگردد چند همسری زنان را به قیام علیه یکدیگر و احیاناً علیه شوهر و خواهد داشت. و محیط زناشوئی را که باید محیط مناسب و صمیمی باشد به میدان جنگ و جدال و کانون کینه و انتقام تبدیل خواهد نمود. حتی این عادت به فرزندان آنها نیز سرایت خواهد کرد. چنانچه هرگاه تعدد مطابق معیار های شرعی نباشد محیط خانواده گی که اولین مدرسه روحی کودکان است و باید الهام بخش نیکی و مهربانی باشد برعکس به درس نفاق و بدی مبدل خواهد شد. دستور زیبای قرآنی راجع به تشکیل خانواده (ازدواج مردوزن) که مبتنی بر رعایت بدون قید و شرط عدالت ذکر شده است، کلیه ابعاد روحی، تربیتی، حقوقی، فلسفی و اجتماعی زنان و مردان را پیش بینی نموده به عدالت اجتماعی به عنوان یگانه معیار سنجش و میزان حقیقت زندگی برای ایجاد خانواده سالم انسانی توجه اساسی نموده است.

از نظر اخلاقی:

همچنان هرگاه در عدالت اجتماعی نیازمندی های همه جانبه زنان مدنظر گرفته نشود، و مردان مسن با زنان جوان ازدواج کنند، این امر باعث خواهد شد تا عده از زنان چه در حیات او یا بعد از وفات وی روبه فحشاء آورده و اخلاق زنان فاسد گردد.

از سوی دیگر در بسا خانواده هایی که تعدد زوجات یا چند همسری وجود دارد ولی شروط تعدد بخوبی رعایت نمی گردد، به علت تعدد زنان و فرزندان، هرگاه افراد نتوانند از محبت، عاطفه و امکانات برابر بهره مند شوند، شاهد تنش و نارامی، بروز حسادت و شکل گیری عقده های روانی که

سرمناً بسیاری از انحرافات رفتاری می باشد، خواهند شد و به نوبه خود باعث تزلزل و فروپاشی بنیان خانواده را به دنبال خواهد داشت به گونه ای که نظام اجتماعی نیز دچار آشوب خواهد شد. در اخیر باید گفت دین مبین اسلام تعدد زوجات را در جوامع بشری برای برقراری توازن اجتماعی و مساعد ساختن زندگی ازدواجی برای همه زنان یک ضرورت محسوب نموده، و آنرا مانند یک عملیه حربی دانسته که هر چند در آن انسان متحمل تکالیف و قربانی های می شود ولی هرگاه نیاز مبرم به عملیه حربی موجود باشد، یک دفاع مشروع بوده که سزاوار تحمل تکالیف و قربانی هاست، ولی هرگاه به آن نیاز نباشد یک اقدام غیر عاقلانه و بی جا است که هیچگاه انسان عاقل چنین کاری را انجام نخواهد داد چنانچه خداوند متعال در سوره نساء میفرماید. وان خفتم الاتعدلوا فواحدة الایه ترجمه: و اگر می ترسیدید که در تقسیم و نفقه بین زنان به عدالت رفتار کرده نمی توانید پس به یک زن اکتفاء کنید. این جمله از سوره نساء اشاره به کسانی است که نمی توانند از عهده تعدد برآیند، پس به آنان دستور می دهد که به یک زن اکتفاء کنند.

به هر حال باید این نکته را نیز بپذیریم که همه موارد و آسیب های که در مورد چند همسری ذکر گردید ناشی از طبیعت تعدد زوجات نیست بلکه ناشی از طرز اجراء آن است، اکثراً ناراحتی ها ناشی از طرز رفتار و حشیانه است که مردان در اجرای این نظام بکار میبرند. نظام تعدد زوجات یک راه حل مترقیانه است که از یک دید اجتماعی وسیعی نشأت کرده است. حتماً اجرا کنندگان آن نیز باید در سطح عالیتری فکر کنند و از یک تربیت عالی اسلامی برخوردار باشند استاد مطهری در این باره می نویسد: اگر عدد زنان نیازمند به مردان نیازمند فزونی داشته باشد منع تعدد زوجات خیانت به بشریت است زیرا تنها پایمال کردن حقوق زن در میان نیست بحرانی که از این راه عارض این اجماع می شود از هر بحران دیگر خطرناکتر است.^۱

^۱ مطهری جلد ۱۹ صفح ۵۹

مطلب پنجم

اضرار نه پذیرفتن نظام تعدد زوجات:

در آغاز قرن بیست، مفکرین غربی متوجه شدند که ممنوعیت نظام تعدد در جوامع غربی به فرار دختران از منزل، انتشار فحشاء و کثرت اولاد غیر مشروع منتج گردیده است، لذا آنان اعلام داشتند که چاره جز مشروعیت نظام تعدد زوجات ندارند.

در سال ۱۹۰۱ در مجله لندن ترست مقاله از یک زن انگلیسی به نشر رسید، که چنین تحریر داشته بود: "بسیاری از دختران ما از خانه هافرار می کنند، که این بلاء روز افزون شده، ولی کسی در مورد اسباب آن نمی نویسد، من بعنوان یک زن وقتی به این دختران می نگرم دلم از ترحم و اندوه می کفد، که این کار هیچ فایده به آنان نمی رساند گرچه همه مردم در این غم بامن شریک باشند؟! لذا کاری باید صورت گیرد تا مانع این حالت گردد، به نظر من عالم هوشمند (تومس) این مرض را شناسائی نموده و برای آن دوی شفابخش توصیه نموده که (مشروعیت ازدواج با بیش از یک زن است) از این طریق این بلاء خاتمه خواهد یافت و دختران ما صاحب خانواده خواهد شد، در واقع مصیبت همین است که مرد اروپائی اجازه ازدواج با بیش از یک زن را ندارد.^۱ احصائیه های نشر شده در اروپا نشان میدهند اطفال ولد زنا و نامشروع خیلی افزایش یافته که نویسندگان اجتماعی را نگران ساخته است، این افزایش جز نتیجه عدم مشروعیت تعدد زوجات چیزی دیگری نبوده است زیرا بسیاری از زنان در همچو نظام ها طریقه مشروع برای برقراری روابط جنسی نمی یابند.^۲

در یک مجله عربی که در لندن به نشر میرسد آمده است، احصائیه انجام شده مؤرخ ۱۹۸۰/۵/۲۰ نشان میدهد. ۷۵٪ از شوهران با همسران خویش در اروپا با برقراری روابط نامشروع خیانت میکنند، چنانچه زنان نیز چنین کاری را انجام میدهند.^۳

^۱ المرأة بین الفقه و القانون، دكتور مصطفى سباعی ص ۶۹.

^۲ مرجع فوق (ص ۶۹).

^۳ محمد علی البار در سال ۱۹۳۹ تاریخ ۲۹ دسمبر در شهر عدن تولد شده است و او مستشار امراض باطنی و مستشار بخش طب اسلامی بود.

امام مودودی رحمه الله به نقل از بول بیورد در رابطه به انتشارزنا بین ازدواج کننده گان چنین می نویسد: "زناى مرد محصن درفرانسه عیب نبوده، وهرگاه یکی اززوجین دوست دخترویا دوست پسری داشته باشد نیاز به پنهان کردن آن ندارند، زیرا اینکار درجامعه فرانسه یک امر عادى وطبیعی محسوب می گردد.^۱

دراخیر برای کسانی که طرفدار ممنوعیت تعدد بوده باید گفت، آیا کسی ازآنان برای مادر، خواهر، دختر، عمه وخاله خود فحشا را دوست دارد؟ آیا آنان دوست دارند که کسب فحشاء وفجوریک حرفه رسمی درکشور پنداشته شود؟ آیا زنان پاکیزه خوش دارند که آنان زندگی آرام وخوش داشته باشند وزنانی دیگری از ازدواج محروم بمانند.

بدون شک تربیه اخلاقی ودینی اسلام، زن را چنان تربیه میدهد تا از زنا، خیانت، وفجور نفرت داشته باشد زیرا آنان دایم از پروردگار خود عفت، حیاء وآبرو را دعا میکنند چنانچه تربیه اسلام برجوانب فردی تاکید نداشته وازمسلمانان میخواهد تا آنان نظهرمه شمول داشته باشند ودایم درامراسلام ومسلمانان ومشکلات اجتماعی فکر کنند.^۲

^۱ المودودی، الحجاب ص ۹۵ عن بول بیورد ص ۷۷-۷۶ من کتابه نحوانهیار أخلاقی، نشر فی لندن سنه ۱۹۲۵. ابوالاعلیٰ مودودی رحمه الله در سال ۱۹۰۳ در شهر اورنگآباد از ایالت حیدرآباد هند به دنیا آمد و نوجوانی اش را به عنوان یک روزنامه نگارگذراند

^۲ الزواج مثنی وثلاث ورباع دکتور مازن صلاح مطبقاتی

فصل چهارم

تعدد زوجات در قوانین وضعی بشر

مبحث اول : تعدد زوجات در قوانین کشورهای اسلامی

در این مبحث تلاش نمودیم تا نخست تعدد زوجات را در برخی از کشورهای اسلامی به بحث بگیریم و سپس موقف قوانین جمهوری اسلامی افغانستان را در برابر نظام تعدد زوجات توضیح دهیم.

مطلب اول:

تعدد زوجات در قوانین وضعی کشورهای اسلامی.^۱

در مجموع در برابر نظام تعدد زوجات در کشورهای اسلامی سه دیدگاه وجود دارد.

دیدگاه اول : برخی از کشورهای اسلامی چون عربستان سعودی، کویت، یمن، سودان، لیبیا، الجزایر، اردن، لبنان، و مصر نظام تعدد زوجات را در حدود موازین اسلامی و بشر روی وجود دلایل شرعی که در مبحث فوق تذکر یافت مجاز دانسته است. از بین این کشورها کشور الجزایر، لیبیا، سودان، یمن، کویت و عربستان سعودی هیچ قانون وضعی را غرض تنظیم نظام تعدد زوجات وضع ننموده اند بلکه آنان احکام شریعت اسلامی را در خصوص تعدد زوجات با در نظر داشت مذهب فقهی مروج در آن کشورها واجب التعمیل میدانند.

کشور اردن احکام تعدد زوجات را در قانون حقوق خانواده تنظیم نموده است، بر اساس این قانون مرد میتواند حداکثر چهار زن داشته باشد به گونه مثال ماده ۱۰ آن چنین صراحت دارد. هرگاه شخص چهار زن منکوحه و یا معتده داشته باشد، او نمیتواند بازن دیگری ازدواج کند، جز اینکه یکی از آنان را طلاق دهد.^۲ مطابق این قانون تنها مسلمانان می توانند حداکثر چهار زن داشته باشند چنانچه شریعت اسلامی حکم می کند. البته بر اساس این قانون مسیحیان نمی توانند با بیش از یک زن ازدواج کنند.^۳

^۱ این مطلب در مجموع از کتاب تعدد زوجات من النواحي الدينية والاجتماعية والقانونية دكتور عبدالناصر توفيق العطار ص ۲۷۰-۲۸۶ نقل شده است.

^۲ مرجع فوق.

^۳ مرجع فوق ص ۲۸۸.

در کشور جمهوری مصر تعدد زوجات برای مسلمانان و یهود مباح بوده و برای مسیحیان ممنوع می باشد قانون مصری احکام تعدد زوجات را برای پیروان هردین بادر نظر داشت احکام دینی هر فرقه تنظیم نموده است. چون شریعت اسلامی و شریعت یهود تعدد را مجاز دانسته پس قانون مصری نیز این حکم را برای مسلمانان و یهود مجاز میدانند، ولی شریعت طوایف مسیحی ساکن در مصر تعدد را حرام میدانند قانون نیز تعدد را برای آنان ممنوع قرار داده است^۱

دیدگاه دوم: برخی دیگری از کشورهای اسلامی تعدد زوجات را با قیود جدید که در صدر اسلام وجود نداشت قید نموده است، به گونه مثال کشور مراکش تعدد را به صدور حکم قضاء در خصوص عدل بین همسران مقید نموده است. کشور سوریه تعدد را به صدور حکم قضاء در خصوص توانائی شخص به نفقه مقید نموده است کشورهای عراق و افغانستان تعدد زوجات را به وجود مصلحت مشروع عدل بین همسران و توانائی شخص به نفقه قید نموده است در این کشورها قاضی باید از تحقق شرایط مذکور خود را متیقن سازد، و هرگاه به نظر قاضی یکی از این شرایط موجود نباشد تعدد زوجات مجاز نمی باشد. مشکلی که در قوانین این کشورها وجود دارد جواز تعدد زوجات را مقید به تجویز قضاء میدانند، که هیچگاه علمای شریعت اسلام آنرا منوط به قضا ندانسته اند.

دیدگاه سوم: برخی کمتری از کشورهای اسلامی چون کشور تونس ترکیه و تاجکستان احکام شرعی تعدد زوجات را نادیده گرفته و آنرا جرم پنداشته است که مرتکب آن در این کشورها مورد پیگرد عدلی قرار می گیرید در بین این کشورها کشور تونس تعدد زوجات را ممنوع و آنرا جرم تلقی کرده است بر اساس فصل هژدهم قانون احوال شخصیه این کشور تعدد زوجات ممنوع بوده و ازدواج بابیش از یک زن مجازاتی یک سال حبس و ۲۴۰ هزار فرانک جریمه یا یکی از آن دو مجازات را در پی خواهد داشت همچنین مطابق ماده ۲۱ همان قانون، هرگاه ازدواج دومی بدون انحلال ازدواج اولی صورت گیرد باطل پنداشته می شود. حرمت و ممنوعیت تعدد زوجات بالای مسلمانان امریست که با صراحت نصوص آیات کتاب الله جل جلاله و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم و اجماع امت اسلامی چنانچه در فوق

^۱ این مطلب در مجموع از کتاب تعدد زوجات من النواحي الدينية والاجتماعية والقانونية دکتر عبدالناصر توفیق العطار ص ۲۹۲.

تذکریافت در تضاد می‌باشد. و معتقد حرمت تعدد زوجات به اتفاق امت اسلامی مرتد شمرده می‌شود زیرا که این عقیده خلاف حکم خداوند جل جلاله است.

مطلب دوم :

تعدد زوجات در قوانین وضعی افغانستان:

چنانچه در سطور فوق تذکریافت، کشورهای است که دیدگاه دوم را نصب العین عین خود قرارداده و تعدد زوجات را برخلاف مفاد احکام شرعی، به قید جدید که در صدر اسلام وجود نداشت و نه در کتب فقهی اسلام تذکریافته است قید نموده است قانون مدنی افغانستان تعدد زوجات را به وجود مصلحت مشروع (عدل بین همسران و توانایی شخص به نفقه قید نموده است).

قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان در خصوص تعدد زوجات چنین صراحت دارد:

ماده (۸۶) ازدواج بایش از یک زن بعد از تحقق حالات آتی صورت گرفته می‌تواند:

۱. در حالتی که خوف عدم عدالت بین زوجات موجود نباشد.

۲. در حالتی که شخص کفایت مالی برای تامین نفقه زوجات از قبیل غذا، لباس، مسکن و تداوی مناسب را دارا باشد.

۳. در حالتی که مصلحت مشروع مانند عقیم بودن زوجه اولی و یا مصاب بودن وی به امراض صعب العلاج موجود باشد.

البته این قانون در ماده بعدی مطلب جدید را نیز اضافه می‌کند:

ماده (۸۷) «زنی که شوهر وی برخلاف حکم ماده (۸۶) این قانون ازدواج نموده باشد، می‌تواند مطابق

به احکام مندرج ماده ۱۸۳ این قانون بر اساس تفریق به سبب ضرر از محکمه مطالبه طلاق نماید»

بررسی مواد قانون مدنی:

گرچه دو شرط اول ماده (۸۶) از نصوص کتاب الله جل جلاله و سنت نبوی صلی الله علیه وسلم گرفته شده است، زیرا کتاب الله جل جلاله تعدد زوجات را به عدم خوف از عدالت بین زنان مقید ساخته است و کفایت مالی برای تامین نفقه زوجات توسط حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم که می

فرماید: ای گروه جوانان کسی که از شما توان مصارف نکاح و مشقات او را داشته باشد نکاح کند که نفقه از جمله مشقات نکاح می باشد مقید ساخته شده است ولی شرط سومی این ماده که تعدد را به وجود مصلحت شرعی مقید ساخته است نه درنصوص کتاب الله جل جلاله و نه در سنت نبوی صلی الله علیه وسلم و نه هم در اقوال فقهای اسلام تذکر یافته است .

چنانچه دوآیت ازسوره نساء(آیت رقم ۳ و آیت رقم ۱۲۹ که در فوق تذکریافت) خیلی واضح بوده و هیچگاه تعدد زوجات را به عقیم بودن زوجه اولی و یا مرض مزمن او مقید نساخته است افزون بر اینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم از صحابه کرام خواست تا چهار زن را نگهدارند و زنان دیگری را از هم جدا سازند، و به آنان هیچگاهی دستور ندادند که آنان در صورتی میتوانند بیش از یک زن را نگهدارند که همسر اولی شان مرض مزمن داشته باشد و یا عقیم باشد چنانچه امیرالمومنین حضرت عمر بن الخطاب از حضرت ابوبکر صدیق رضی الله تعالی عنهما خواست تا با دختر او حفصة رضی الله عنها ازدواج کند، و او میدانست که حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه بیش از یک زن دارد و زنان او نه مریض بودند و نه عقیم.

در این مورد شیخ محمد ابوزهره رحمه الله نویسنده مشهور مصری می نگارد: مقید ساختن نظام تعدد زوجات به شرایط غیر شرعی یک بدعت گمراه کننده دینی بوده که نه در عصر پیامبر صلی الله علیه وسلم وجود داشت و نه در عصر صحابه و تابعین.^۱

موضوع تعدد زوجات نه تنها در مواد قانون مدنی تنظیم گردیده است بلکه در قانون منع خشونت علیه زن نیز احکامی در این خصوص آورده شده است بهر حال احکام قانون منع خشونت علیه زن در محدوده احکام قانون مدنی تنظیم گردیده است.

لازم به یادآوری است که چون شرط سومی ماده ۸۶ قانون مدنی یک شرط غیر موجه بوده که شرعاً مشکل دارد بنأ احکامی دیگری که بتاسی از آن در قانون مدنی و قانون منع خشونت علیه زن تنظیم می گردد نیز شرعاً مشکل میداشته باشند، و از آنجائیکه قانون منع خشونت علیه زن بر تعدد زوجات برخلاف مفاد

^۱ محمد ابوزهره، تنظیم الاسلام للمجتمع، القاهرة ۱۳۸۵هـ. ص ۷۷-۷۹.

مواد ۸۶-۸۷ صورت گرفته باشد مجازات را مرتب میکند، پس این مجازات نیز مشکل شرعی خود را دارد زیرا به یک حکم شرعی مجاز نمی توانیم مجازات مرتب کنیم.

ماده ۳۷ قانون منع خشونت علیه زن چنین صراحت دارد:^۱

شخصی که بدون رعایت احکام مندرج ماده (۸۶-۸۹) قانون مدنی با بیش از یک زن ازدواج نماید، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه کمتر نباشد، محکوم میگردد.

مبحث دوم:

تعدد زوجات در قوانین وضعی کشورهای غیر اسلامی:

در این مبحث می خواهیم به قوانین کشورهای اروپایی و آفریقائی نگاهی داشته باشیم:

مطلب اول: تعدد زوجات در اروپا

بسیاری از کشورهای اروپایی مسیحی به پیروی از دین مسیحیت، تعدد زوجات را ممنوع قرار داده است، در فرانسه ازدواج دومی بجز بعد از انحلال ازدواج اولی جواز ندارد.^۲

و تعدد زوجات در فرانسه جرم است که مرتکب آن به حبسی که از شش ماه کمتر و از سه سال بیشتر نباشد و جریمه مالی از سه فرنک تا سه هزار فرنک مجازات می گردد. ولی از سوی دیگر قوانین کشور فرانسه روابط نامشروع جنسی که بدون ازدواج بین مرد و زن به رضایت طرفین برقرار می گردد، هیچ مجازاتی در پی ندارد و چنانچه اولادی که در نتیجه روابط نامشروع بدنیا می آیند، به هردو نسبت داده می شوند، ولی مادر اولادهای زن دومی محسوب نمی گردد معنای آن اینست که قوانین فرانسه تاحدی تعدد زوجات را در نسبت اولاد به پدر و مادری پذیرد ولی زن دومی را زوجه نمی نامد که به سبب آن بسیاری از حقوق او مانند مهر، نفقه، میراث و امثال آن ضایع می گردد.

در کشورهای یوگوسلاویا، ایتالیا و یونان ازدواج دومی قبل از انحلال ازدواج اولی منعقد نمیگردد.^۳

^۱ تاریخ نشر ۱۰ اسد ۱۳۸۸ تاریخ نشر قانون مدنی ۱۳۵۵/۱۰/۱۵ جلد اول

^۲ قانون مدنی فرانسه ماده ۱۴۷.

^۳ قانون مدنی یوگوسلاویا ماده ۱۸ جریده رسمی شماره ۲۹ مؤرخ ۱۹۴۶/۴/۹، قانون مدنی ایتالیا ماده ۸۶، قانون مدنی یونان ماده ۱۳۵۴.

دراخیر می‌خواهم راجع به تعدد غربی‌ها نظر مفکر اسلام مصطفی سباعی رحمه الله را در اینجا نقل کنیم:

تعدد غربی‌ها نه اخلاقی است و نه انسانی:

آیابین غربی‌ها کسی باشد که بازنی دیگری غیر از زوجه اش در تمام زنده‌گی رابطه نامشروع قایم نکرده باشد؟

تعددی که نزد غربی‌ها وجود دارد در هیچ قانون آنان تنظیم نشده است، و با زنان بنام زوجه نه بلکه بنام دوست دختر و معشوقه رابطه قایم می‌کنند چنانچه این رابطه نامشروع تا چهارزن محدود نبوده بلکه هیچ قید و بندی ندارد این رابطه علناً صورت نمی‌گیرد تا که خانواده مرد یا زن احساس خویشاوندی کنند بلکه تلاش دارند تا هیچ عضوی از خانواده به آن علم نداشته باشد.

در نتیجه این رابطه نامشروع، مرد در برابر زنی که با او رابطه نامشروع داشته احساس هیچ نوع مسؤلیت قانونی و اخلاقی نداشته بجز اینکه عزت و آبروی زن را پایمال نموده و آنان را می‌گذارند تا در برابر فقر تکالیف بارداری و ولادت، رضاع خود دست و پنجه نرم کنند.

این رابطه نامشروع مردان را مکلف نمی‌کند تا به اولاد ناشی از این رابطه اعتراف نمایند اطفال باید یا بامادران خود و یا در دارالاطفال‌ها زنده‌گی کنند و تمام عمر باید بالاثرا این لکه عار و خجالت در جامعه زندگی شرافتمندانه نخواهند داشت این تعددیست که بنام تعدد زوجات مسمی نمی‌گردد این تعدد از هرگونه موازین اخلاقی و وجدانی و انسانی بی‌بهره است این تعددیست که در نتیجه شهوت رانی‌ها و خودخواهی‌ها بوجود آمده و هیچ‌گونه مسؤلیت‌پذیری را در قبال ندارد.

این درحالیست که نظام تعدد زوجات اسلامی به مردان اجازه نمی‌دهد تا با هر زن در هر وقت که خواسته باشند رابطه نامشروع داشته باشند چنانچه نمی‌توانند با بیش از چهار زن رابطه زوجیت برقرار کنند، این رابطه علناً بین افراد جامعه اعلان می‌گردد، نه دزدی است و نه عار، اولیاء زن باید با این رابطه موافقت داشته باشند، برای عقد هم‌چور و ابیطی باید به مردم ولیمه داده شود و باید از خوشی‌ها دایره زده شود در این رابطه مرد تمام مسؤلیت‌ها را بعهده بگیرد او باید برای برقراری این

رابطه مهر بپردازد مسکن، نفقه و سایر وسایل ضروری زندگی را تامین کند، درهمچو روابط زنان تمام مشکلات بارداری، ولادت و رضاع را خود متحمل نمی شوند بکله مردان نیز باید در تحمل این تکالیف سهیم باشند اولادهای که در نتیجه این رابطه زوجیت بدنیا می آیند پدران به آنان اعتراف نموده و به آنان افتخار می کنند.

در این نظام تعدد غریزه شهوانی مردم محدود گردیده ولی مسؤلیت پذیری های او بیشتر می گردد. پس همگان بگویند، که کدام یک از این دو نظام سزاوار ستایش است؟ در کدام یک از این دو نظام حقوق بشری زنان تامین می گردد؟ در پیشرفت و بهبود جامعه سهم می گیرد؟ و خیلی انسانی و اخلاقی است؟

مطلب دوم :

تعدد زوجات در قوانین افریقایی:

بسیاری از اقوام قبیله های افریقایی دارای نظام تعدد زوجات بوده چه آنان مسلمان باشند، یا مسیحی و یا هم بت پرست. انگیزه های زیادی افریقایی ها را به تعدد زوجات وامی دارند به دلیل اینکه تعدد در حل مشکلات اجتماعی اقتصادی و جنسی آنها کمک می کند، چنانچه از طریق تعدد زوجات آنان می توانند با بسیاری از قبایل رابطه قرابت داشته باشند و از سوی دیگر تعدد باعث میان آوردن اولاد زیاد شده که در اجرای کار زراعت و کسب معیشت همکار خوب ثابت شده می تواند. چنانچه همسران خود بسا اوقات تلاش دارند تا به شوهران خود همسر دیگری را بگیرند تا آنان در انجام کارهای روزمره با آنان مساعدت و همکاری کنند.

افریقایی های بت پرست برای تعدد زوجات هیچ حد و بندی ندارند، ولی مسلمانان تعدد را تا چهار زن محدود می سازند، البته افریقایی های مسیحی برخی تعدد را تحریم می کنند، ولی اکثریت آنان تعدد زوجات را مجاز می دانند.^۱

^۱ تعدد الزوجات من النواحي الدينية و الاجتماعية و القانونية دكتور عبدالناصر توفيق العطار ص ۲۸۷-۲۸۹

فصل پنجم

آراء و نظریات فقهاء و دانشمندان اسلام در مورد تعدد زوجات

فقهاء و دانشمندان رحمهم الله بطورعموم به دودسته تقسیم می شوند دسته اول فقهاء و دانشمندان قدیم و دسته دوم فقهاء و دانشمندان جدید (معاصر) که هرکدام ایشان دیدگاه های مختلف دارند که ما آنرا در دو مبحث بیان میکنیم.

مبحث اول :

آراء و نظریات فقهاء و دانشمندان قدیم

مطلب اول: شروط و قیود تعدد زوجات

ما قبلا گفتیم که تعدد زوجات یک اصل مشروع اسلامی است و پیش از اسلام نیز در میان ادیان مختلف در ملت های متعدد بدون نظم و نامحدود وجود داشته است . و اسلام آمد و این تعدد را در صورت برقراری عدالت و قدرت بر هزینه کامل نفقه تا چهارتا مجاز شمرد و عرف اسلامی از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و عصرهای درخشان بعدی ، اجرای عدل و انفاق را در این باره بدین و وجدان و تقوای مرد موکول کرده است . و اجماع امت اسلامی در ازدواج با بیش از یک زن برین منوال منعقد گردیده است.

فقهای قدیم بشمول فقهای اربعه (امام ابوحنیفه، امام شافعی، امام مالک و امام احمد بن حنبل رحمهم الله)^۱ تعدد زوجات را مشروع می دانند و برای آن حدود و قیود وضع کرده اند که من زیر عنوان شروط تعدد زوجات در اوراق بعدی به آن می پردازم . و مستمسک و دستورشان در این مورد آیه زیر بوده است:

« وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا ». آیه ۳ سوره نساء (اگر شما می ترسید که دادگری کنید میان یتیمان پس با زنان دیگری که برای شما حلالند و دوست دارید با دو یا سه و یا چهارتا ازدواج کنید).

^۱ - السایس ، آیات الاحکام ، جلد اول ، ص ۲۶۶ ، و محمد علی الصابونی ، تفسیر آیات الاحکام من القرآن ، جلد اول ، ص ۴۲۵

اگر ترسیدید که عدالت و دادگری نمی توانید یک همسر اختیار کنید یا با کنیزان خود ازدواج نمائید، این سبب می شود که دچار کج روی و ستم نشوید.

و همچنان از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم روایت است که به غیلان بن امیه ثقفی درحالی که وی دارای ده همسر بود گفتند: « اختر منهن اربعاً و فارق سائرهن »^۱ حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به غیلان بن امیه ثقفی که ده زن داشت هنگامیکه مسلمان شد گفتند: چهار زن را از جمله همسرانت نگاه کن و دیگران را رها کن.

ما قبلاً گفتیم که شریعت اسلامی تعدد زوجات را مشروع قرار داده است مانند شریعت های قبلی، اما با فرق اینکه مطلق نه بلکه بادر نظر داشت اسباب، و برای آن حدود و شروط وضع کرده است که قرار ذیل است:

الف)) اسباب که در تعدد زوجات باید مراعات شوند عبارت اند از اسباب عام و اسباب خاص که ذیلاً آنها را بیان میکنم.

۱. **اسباب عام:** از جمله اسباب عام تداوی و معالجه کردن حالت کم بودن مردان و زیاد بودن زنان می باشد، چه در حالت عادی باشد مانند زیاد بودن زنان نسبت به مردان؛ مثل شمال اروپا و یاز زیاد بودن زنان بعد از جنگها، چنانچه بعد از جنگ جهانی اول این حالت در آلمان بوقوع پیوست، که در مقابل یک جوان سه زن وجود داشت، پس زنان آلمان دست به مظاهره زدند و خواهان نظام تعدد زوجات شدند. زیرا تعداد عظیمی از مردان کشته شده بودند و اطفال بی سرپرست در شاهراه ها و اماکن عمومی زیاد شده بود.^۲

در چنین حالت برای مصلحت و رحمت و حفاظت زنان از ابتذال و انحرافات جنسی و نگهداشت از امراض مدهش و خطیر مانند؛ ایدز و غیره نظام تعدد زوجات یک ضرورت اجتماعی می باشد تا اینک زن به خانه وزنده گی زنا شویی که زن در آن احساس اطمینان و راحتی می کند، راه پیدا کند. و از جمله اسباب تعدد زوجات احتیاج امت اسلامی به زیادت نسل است و فرزندان برای مقابله با دشمن و برای کمک و همکاری در کارهای زندگی مانند زراعت و صناعت و غیره.

^۱ ترمذی شریف شماره حدیث ۱۱۲۸

^۲ تفسیر آیات الاحکام محمدعلی صابونی رحمه الله ص ۳۰۶ ج اول

تعدد زوجات در دین یهود مباح بود و کدام نصی هم دال بر تحریم آن در دین مسیح علیه السلام وجود نداشت. زیرا کلیساها در عصر حاضر به فرقه های خود اجازه تعدد زوجات را داده اند. و از جمله اسباب تعدد زوجات حاجت اجتماعی آن است بخاطر ایجاد قرابت ها جهت نشر دعوة اسلامی، مثلیکه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در سن ۵۴ سالگی خود نه زن گرفتند، البته نه زن خاص به پامبر اکرم صلی الله علیه وسلم جواز بود، بخاطر نشر دعوة اسلامی و بخاطر کسب کردن انصار دین جدید را که آن اسلام بود، در حالیکه تا سن ۵۴ سالگی به یک زن اکتفاء کردند که آن حضرت خدیجة رضی الله تعالی عنها بود.

۲. اسباب خاص: اسباب خاص تعدد زوجات زیاد است منجمله:

- الف : عقیم بودن زن و یا بیمار بودن وی و یا عدم توافق طبیعت آن با طبیعت شوهرش.
- احیاناً زن عقیم است که اولاد بدنیا نمی آورد و یا به بیماری مبتلا است که شوهر از آن نفرت می کند و رغبت شوهر نسبت به آن کاسته میشود و یا طبیعت زن با طبیعت شوهر سازگار نمی باشد پس در چنین حالت بهتر و افضل آن است که زن در خانه شوهر خود باقی بماند و به آن اجازه و فرصت ازدواج به زن دوم را بدهد تا خواسته های که مرد نسبت به داشتن فرزند دارد متحقق شود.
- اما گاه گاه تعدد زوجات منجر به فساد میشود بخاطر حسد و نفرت که در بین انبأها و یا باعث جارو جنجال در میان فرزندان، که این ناشی از ضعف شخصیت مرد و عدم التزام آن به قواعد شرعی و عدم اجرای عدالت و مساوات در شبخوابگی و غیره می باشد.
- هرگاه مرد عدالت میان همسران خود مراعات کند و مساوات را بین فرزندان خود در تعلیم و تربیه و نفقه برقرار سازد و تعیین کند حدی را برای هر همسر خود و از آن حد تجاوز نکنند، پس جای برای فتنه، بدی و بغض در بین افراد خانواده باقی نمی ماند و این خیر بزرگی است برای مرد.
- گاهی نزاع فامیلی پیدا میشود میان مرد و اقارب زن و یا میان مرد و خود همسر و ایجاد تفرقه می شود، زن و شوهر در مقابل یکدیگر موقف گیری می کنند، در چنین حالت دوراه وجود دارد.
- اول : جدائی نهایی که زن تا ابد جگر خون و نا راحت باشد .

دوم : صبر از طرف زوجه برای نکاح دوم، که تقاضای اخلاق ، وفاء ، حکمت و عقل را می کند .
 وبدون شک اختیار راه دوم که باقی ماندن همسر در سایه زندگی زناشوئی با وجود همسر دیگر خوبتر
 وبهتر است از طلاق .

ب)) حدود و شروط تعدد زوجات قرار ذیل است

۱. زیاد کرده نشود در تعدد زوجات بر چهار تا در یک وقت واحد .
 زیرا چهار همسر کفایت می کند و در زیادت بر چهار همسر از بین رفتن احسان و صلاحی است که
 مشروع گردانیده الله تبارک و تعالی برای زندگی زناشوئی .
۲. در حالتی تعدد همسر مشروع است که شخص کفایت مالی برای تامین نفقه زوجات از قبیل غذا ،
 لباس ، مسکن و تداوی مناسب را دارا باشد .
۳. مرد باید میان همسران خود عدالت را مراعات و برابری کند در تمام حقوق ایشان بخصوص حقوق
 مادی ، اما در آنچه مراعات عدالت ممکن نمی باشد عدالت واجب نمی باشد مانند ؛ دوست
 داشتن ، میل و رغبت . در اینجا یک سوال مطرح می شود و آن اینکه قرآن کریم شرط تعدد زوجات را
 رعایت عدالت میان همسران دانسته است ، سوال و جواب وی قرار ذیل میباشد .

سوال : قرآن کریم شرط تعدد زوجات را رعایت عدالت میان همسران دانسته است خداوند کریم می
 فرماید : {وان خفتم الا تعدلوا فواحدة} نساء ، آیه ، ۳ یعنی اگر می ترسید که عدالت کرده نمی
 توانید میان همسرانتان پس یک همسر اختیار کنید . در حالیکه در آیه ۱۲۹ سوره نساء آمده است : {ولن
 تستطيعوا ان تعدلوا بین النساء ولو حرصتم} . هرگز نمی توانید میان همسران تان عدالت را رعایت
 کنید هر چند تلاش کنید . و از این دو آیه می توان نتیجه گرفت که تعدد زوجات از دید قرآن کریم
 ممکن نیست یعنی تعدد زوجات از دیدگاه قرآن کریم جواز ندارد .

جواب : عدلی که در آیه ۱۲۹ بیان شده ، عدل حقیقی یا حقیقت عدل است .

یعنی عدل در تمامی شئون ظاهری و باطنی مثل محبت و دوست داشتن و آنچه در توان انسان نیست .

از آنجا که محبت امر اختیاری و ارادی نمی باشد انسان نمی تواند در آن عدالت را رعایت کند چرا که به دست او نیست. از این رو خداوند کریم می فرماید: هرچه تلاش کنید باز نمی توانید در محبت عدالت بورزید .

اما آنچه شرط تعدد زوجات است و مورد نظر آیه سوم سوره نساء میباشد ، رعایت عدالت در رفتار ظاهری و رسیدگی به امور دنیایی و توجهات و امکانات است .

و این نوع عدالت ورزیدن ممکن است زیرا که مبادی آن در اختیار انسان است .

جای دارد که در مورد عدالت میان همسران بیشتر تبصره کنیم خداوند بزرگ مشروع گردانیده برای مرد تعدد زوجات را تعیین کرده تعداد آن را که چهار همسراست، و واجب گردانیده است مراعات کردن عدالت را میان آنها در طعام ، مسکن ، لباس و مبیت و در تمام آنچه که مربوط به مادیات می شود غیر از اینکه فرق کند میان همسر قدیم و جدید و همسر فقیر و غنی و عظیم و حقیر ، اگر بیم داشته باشد مرد که ظلم می کند و به حقوق آنها وفاء نمی کند، تعدد زوجات بر او حرام است. اگر توان اداء حقوق سه همسر را داشته باشد و از همسر چهارم را نداشته باشد حرام است بر او نکاح همسر چهارم ، اگر توان اداء حقوق دو همسر را کسی داشته باشد و توان اداء حق همسر سوم را نداشته باشد نکاح همسر سوم بر وی حرام است و اگر توان اداء حقوق یک همسر را داشته باشد گرفتن همسر دوم بر او حرام است.

زیرا خداوند کریم و رحیم در کتاب خود چنین ارشاد می فرماید : « فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَى أَلَّا تَعُولُوا » سوره

النساء ، آیه ، ۳

(نکاح کنید آنچه را که دوست دارید از زنان (وقتی که بخود اطمینان داشتید که میتوانید میان زنان دادگری کنید و شرایط و ظروف خاص تعدد ازدواج مهیا بود با زنان دیگری که برای شما حلالند و دوست دارید)، با دو سه و یا چهار تا ازدواج کنید. اگر هم می ترسید که نتوانید میان زنان دادگری را مراعات کنید به یک زن اکتفا کنید یا با کنیزان خود ازدواج نمائید ، این سبب می شود که دچار کج روی و ستم نشوید .)) و پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید:

کسی که باشد برای او دو همسر واو میل کند به یکی از آنها می آید (حشر می شود) در روز قیامت درحالیکه جزء از بدن او افتیده (فلج) میباشد.

وتعارض نمی باشد میان اینکه واجب گردانیده الله تبارک و تعالی عدالت را درآیت فوق ومیان اینکه نفی کرده عدالت را درآیه دیگر از سورة النساء که قرارذیل است : « وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَضْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُضْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا » سورة النساء ؛ آیه ، ۱۲۹

(شما نمی توانید "به تمام معنی" میان همسران خود به دادگری رفتار کنید ، هرچند هم "دراین مورد" بسیار تلاش کنید وتوان خود را به کار بگیرید ! ولی از همسری که با او میانه خوبی ندارید به طور کلی دوری ننمائید ، به صورتی که او را به صورت زنی بلا تکلیف درآورید . اما اگر میان خود صفا و صمیمیت به وجود بیاورید وراه پرهیزگاری رادربیش بگیرید "خداوند از لغزشهای شما می گذرد " زیرا خداوند بسیار آمرزنده مهربان است .)

چون عدل مطلوب عدل ظاهری است که انسان به انجام آن قادر می باشد ، نه عدل درمحبت ودوستداشتن . زیرا مراعات کردن عدل درمحبت ودوستداشتن ازتوان هیچ کس نمی باشد ، وعدالت منفی یعنی عدالت که نفی شده همان عدالت درمحبت ومودة وجماع است.

محمد بن سیرین رحمه الله می گوید : من از عبیده رحمه الله سوال کردم از این آیه «ولن تستطيعوا...» برایم گفت : "هوالحب والجماع " مراد از عدلی که نفی شده درمحبت وهمبستر شدن است ، ابوبکر بن عربی رحمه الله می گوید : راست گفته است زیرا که عدل دراین دوچیز درملکیت وتوان هیچ کس نمی باشد .

وجماع نیز همچنین است ، چراکه نشاط پیدا می کند مرد ازهمبستر شدن با یک همسرش درحالیکه با همسر دیگرش همان نشاط را نمی یابد . واین نشاط به قصد او نمی باشد، اگر مرد عدالت را مراعات نکند دراین دو چیز فوق برای او حرج نمی باشد . زیرا از توان او نمی باشد، لذا درزمینه به او تکلیف تعلق نمی گیرد . لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا بِخَشٍ آيَةٌ ۲۸۶ سورة بقره «خداوند تکلیف نمی دهد نفس را مگر به قدر طاقت وتوان او»

از حضرت عایشه رضی الله تعالی عنها روایت است که گفته است: (کان رسول الله یقسم ویعدل ویقول اللهم هذا قسمی فیما املک فلا تلمنی فیما تملک ولا املک)^۱

یعنی: خداوند! این شیوه ای رفتار من است باز نامم در آنچه که در اختیار من است پس مرا ملامت نکن بر چیزی که تو مالک آن هستی و در اختیار من نیست.

شیخ سید سابق^۲ می نویسد که خطابی رحمه الله می گوید: از اینجا معلوم می شود وجوب تقسیم در بین (انباغها) میل کردن در زندگی به یکی از همسران طوریکه حق دیگر کم شود بد و مکروه است نه میل کردن قلبی زیرا در میل قلب اختیار انسان نمی باشد. لذا رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «اللهم هذا قسمی فیما املک»

اینجا بود که خداوند کریم آیتی نازل کرد و گفت «ولن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء ولو حرصتم فلا تمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقة وان تصلحوا وتتقوا فان الله کان غفوراً رحیماً». سوره نساء آیه ۱۲۹ هرگاه شوهر سفر کند برایش جواز دارد هر کدام از همسرانشان را با خود ببرد و اگر قرعه کشی کند میان همسران خود خوب است، وزن می تواند نوبت خود را به انباغش بخشش کند.^۳

نظر امام غزالی (رحمه الله) در مورد تعدد زوجات:

در اینجا یادآوری دیدگاه امام محمد غزالی رحمه الله در ارتباط با تعدد زوجات و مشروع بودن آن در رابطه با نیازهای جنسی و... نباید فراموش کنیم.

امام غزالی رحمه الله می فرماید: ((طبیعت برخی از مردان به گونه است که دارای نیروی جنسی بسیاری هستند، و یک همسر نیاز آنها را برآورده نمی سازد. برای چنین اشخاصی اختیار همسرانی دیگر مستحب است، و چنانچه زمینه عشق و محبت و برآورده شدن نیاز جنسی آنان فراهم شد به همان تعداد کفایت نمایند، در غیر این صورت مستحب است که تا چهار همسر را به نکاح خود

^۱ ابوداؤد ج ۲/ص ۱۶۰ ابن ماجه، ج ۱ ص ۶۳۴

^۲ السید سابق (۱۹۱۵-۲۰۰۰) صاحب کتاب فقه السنة الشهیر وأحد علماء الأزهر

^۳ - الشیخ سابق، فقه السنة، ج ۲ ص ۷۶-۷۷

درآوردند.)) بر همین اساس بوده که بسیاری از اصحاب کرام دارای همسران متعددی بودند و کمتر کسی در میان ایشان وجود داشته که دارای دو همسر نبوده باشد.

امام محمد غزالی رحمه الله^۱ در ادامه می فرماید: ((به هر اندازه که انگیزه و عامل معلوم باشد، لازم است راه حل به همان اندازه، علت و سبب باشد، زیرا هدف از آن رفع نیاز طبیعی است و بر این اساس به کثرت و قلت همسران نگاه می شود.)) امام غزالی می خواهد بگوید که: تعدد همسر به خاطر محافظت انسان از گناه و مصئونیت در مقابل کششهای جنسی شرعاً کارمطلوبی است، به شرطی که شخص مورد نظر از هر جهت در مورد مراعات عدالت میان همسران خود مطمئن باشد. همچنین به این موضوع اشاره می نماید: آنها بی که تنها به خاطر تغییر ذائقه و تنوع و بدون نیاز به مصئونیت نفس خود از ارتکاب معاصی اقدام به ازدواج های متعدد می نمایند و چندین همسر را به نکاح خود درمی آورند، کارشان از نظر شرعی و آداب و اخلاق دینی مردود و غیر قابل قبول است.^۱

نظر معتزله^۲ در مورد تعدد زوجات :

معتزله از اجماع امت اسلامی بیرون رفته و گفته اند تازمانی که زن اول تحت تصرف وی باشد ازدواج با دومی حرام است که امیر علی در کتاب (سراالاسلام) آنرا از معتزله نقل کرده است.^۳ آنان در این رای به عقل استناد کرده و گفته اند که این کار موجب مفساد و بدیها و زیان میان دو همسر و فرزندان آنان می شود و گفته اند در احکام اسلامی وسایل و هدف باید هردو مثل هم سالم باشند، چون دیده اند که آثار تعدد زوجات بسیار بد است، نه عقل بدان حکم میکند و نه شرع بدان راضی است پس حکم به تحریم آن کرده اند. قرآن کریم و عمل پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و یاران او بر نادرست بودن دیدگاه معتزله کافی است، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و یارانش بتعدد زوجات اقدام کرده اند و بقدر امکان سعی و تلاش نموده اند که در بین آنان عدالت برقرار نمایند و کوشیده اند که بطور تساوی بر آنان هزینه کنند و فرزندان و اولادی که نتیجه این تعدد

^۱ - شیخ محمود شلتوت، اسلام آیین زندگی، ص ۲۸۳ محمود شلتوت (عالم اسلامی مصری و شیخ الجامع الأزهر در سال ۱۸۹۳ میلادی در محافظه بحیره تولدگردید.

^۲ معتزله از جریان های اصلی کلامی. ایشان بر خلاف اهل حدیث اند استدلال از حدیث می نمایند های عقل و خرد را به تنهایی برای پیروی از اسلام راستین کافی می دانستند؛ و گاهی نظرات فلاسفه را با دین مخلوط می ساختند

^۳ - الاسلام دین الفطرة والحرية، ص ۸۳

زوجات بوده اند لشکر اسلامی را یاری رسانیده اند و صفوف آنرا تقویت بخشیده و کاستی های سرسام آوری شهدای جنگ با قوای کفرطغیان و تلفات فراوان بر اثر بیماری های مهلک طاعون، وبا و امراض کشنده را جبران و این خلا را پر نموده اند، همچنین مسلمانان به این وضع باقی مانده اند بدون اینکه صدای انتقاد یا عدم رضایت به اصل تعدد زوجات از کسی برخیزد، همان گونه که تاریخ اسلامی به ما نقل نکرده است که زنان پیشین مسلمان از مباح بودن تعدد زوجات اظهار بی تابی و پریشان حالی کرده باشند.

این شیوه ای برخورد سالم با تعدد زوجات همچنان در میان مسلمانان استمرار داشته است تا زمانی که مسلمانان ضعیف شدند و از بسیاری از احکام دین خود عملاً و حکماً دور شدند و نفوذ دولت های بیگانه مسیحی و ملحد بداخل میهن و ملت های اسلامی سرایت کرد و این بلای بزرگ و خانمانسوز سر انجام در شرق و غرب کشورهای اسلامی موجب استیلاء و سلطه این کافران بر مسلمین شد و جهان اسلامی بازیچه دشمنان خود گردید که به آرزوی خود در آن حکومت می کنند. و بعضی از فرزندان غرب زده امت اسلامی را که شیفته و فریفته ظاهر تمدن نوین غرب شده بودند و سوسه کردند تا بدون تفکر و اندیشه و بدون توجه به تعلیمات و تربیت این غریبان از آنان تقلید و پیروی نمایند.

این و سوسه و فریب بدست استادان ماهر و مکار از جمله مستشرقان و کشیشان غربی در داخل دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی در اروپا و امریکا صورت گرفت، و یا اینکه این غرب زده گان در داخل کشورهای اسلامی که در زیر بار سنگین و ننگین استعمار و اشغالگران و استبعاد شان خیم کرده بودند، بردست سیاست مداران مکار و مردان که به ظاهر جامه تبشیر دین مسیح و خدمت به انسانیت را پوشیده بودند، مستقیماً تربیت یافته اند.

پس صدای غرب زدگان متأثر از فضای نفوذ بیگانه و تحکم آن برخواست که در لابلای آن علائم و آثار خواری تسلیم در برابر بیگانه یا تقرب بدان، آشکارا به چشم میخورد.^۱

^۱ - جمال محمد فقه رسول، زن در اندیشه اسلامی، ص ۲۸۵

مطلب دوم :

حکمت رخصت تعدد زوجات تا مرز چهار زن:

جمهور اهل سنت بر این عقیده اند که تعداد زنهای که میتوانند دسته جمعی در نکاح یکمرد قرار داشته باشد بر عدد چهار نمی افزاید.

اما اینکه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم تا نه همسر جمع کردند این امر خاص به خود رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بود، و حکمت در اختیار این عدد (چهار) منوط به اعتبار زیر است:

- این عدد شمار خطهای چهار گانه است که قوام بدن به آنها حاصل می گردد و ماده اصلی که نگاه دارنده دوام نسل بشریت است از آنها انعقاد می یابد .
- اینکه این عدد موافق کسب های چهار گانه که عبارت است از حکومت داری و بازرگانی و کشاورزی و صنعتکاری است می باشد .
- این عدد فصلهای چهار گانه سال است که آبادانی عالم موجود است و رشد و صلاح عالم گیاهان و حیوانات از تغییرات آنها روبراه میشوند .
- اینکه چون شخص بین چهار زن جمع نماید و در حقوق آنها مساوات را رعایت نماید جدایی او از هر یک از زنان سه شب می باشد و همین سه شب برای ایجاد محبت بسنده است تا جدائی او از هر زن بدرازا نکشد و عدد سه اول مرتبه اعداد جمع است .^۱

چند همسری میان ملت‌های قدیم و اسلام:

برخی از مردم بگونه ای در مورد چند همسری سخن می گویند که گویا برای بار اول در تاریخ بشری اسلام آن را عرضه نموده است . در واقع این موضوع نشانه نا آگاهی و یا خود را به نا آگاهی زدن در مورد واقعیت های تاریخی است . زیرا بسیاری از ملت‌های پیش از اسلام ازدواج با تعداد زیادی از زنان را که گاهی به دهها نفر می رسیدند بدون هیچ گونه قید و شرطی ، جایز می شمردند .

^۱ - علی احمد جرجاوی ، حکمت و فلسفه شریعت ، ص ۲۵۴

کتاب ((عهد قدیم)) نقل مینماید که داود علیه السلام و پسر او سلیمان علیه السلام چندین همسر و کنیز داشتند.^۱

موضوع تعدد زوجات در ادیان قبل از اسلام نیز وجود داشته است. چنانچه در کتاب تورات در مواضع متعدد از تعدد زوجات ذکر شده است از جمله اینکه در باب ۲۱ آیه ۱۰ چنین آمده است: اگر زنی دیگری جهت خود می‌گیرد نفقه و لباس و همبستری زنی قبلی را نباید کم کنید. و همچنین انجیل در مورد تعدد زوجات ساکت بوده و نظر مخالف با تورات ارایه نکرده است. از همین جهت است که در اروپای مسیحی تا اوایل نیمه دوم قرن هشتم میلادی تا زمان شارلمان پادشاه فرانسه که خود همسران متعدد داشت و قانون تعدد زوجات از نظر کلیسا کدام مانعی نداشت.

ولی در زمان پادشاه مذکور بدستور کلیسا برخلاف متن انجیل در سراسر دنیای مسیحیت رسم تعدد زوجات ممنوع اعلان گردید.^۲

اما اسلام حد و حدود و شرط و شروطی را برای ازدواج مجدد مقرر نموده است. یکی از آن محدودیت‌ها محدودیت از نظر تعداد است که آن را به چهار همسر منحصر نموده است.

میگویند وقتی که غیلان بن سلمه مسلمان گردید دارای ده همسر بود. رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: (از میان آنها چهار نفر را انتخاب کن و بقیه را بحال خود بگذار).^۳ وعده ای دیگر هم بوده اند که به هنگام مسلمان شدن دارای هشت، پنج همسر و یا بیشتر بوده اند.

و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده اند که تنها چهار نفر از آنها (همسران) را نگاه دارند.^۴

چند همسری در غرب امروزی:

قضیه روابط با زنان و یا موضوع چند همسری در غرب به هیچ وجه قابل مقایسه با نظام و برنامه اخلاقی و انسانی چند همسری در اسلام نمی‌باشد. تا جای که یکی از نویسندگان غربی با قاطعیت

^۱ صفحه ۳۸ و ۴۸ تفسیر مدارک جلد دوم

^۲ - انترنیت Google:

^۳ - سید سابق، فقه السنه، ج ۱-۲، ص ۷۵

^۴ - قرضاوی، دورنمای جامعه اسلامی، ص ۵۲۷ (دکتر یوسف قرضاوی در روستای صفت تراب مرکز محله الکبری در استان غربی مصر به دنیا آمد)

می گوید: در میان غربیها هیچکس نمی باشد که از روابط جنسی خارج از ازدواج مصئون باشد. حتی زمانی که در لحظات واپسین مرگ نزد کششی زبان به اعتراف بگشایند، اعترافات آنها از بیان روابط نامشروع، حتی برای یک بار هم که بوده خالی نمی باشد. تعدد زوجات در فرهنگ و جامعه غرب واقعیتی است غیر قابل انکار که بدون وجود قانون ومقرر رات انجام می گیرد. اما نه به اسم همسر دوم وسوم بلکه بنام دوست ورفیق ومعشوقه.

درفرنگ غربیان این ارتباط میان زن ومرد به سه وچهار محدود نمی شود، وحد ومرزی را برای آن نمی شناسند. با علم زن وفرزندان معمولاً انجام نمی گیرد بلکه درخفا وپنهانی زن ومرد بیگانه آن روابط را برقرار مینمایند.

ودرمقابل ارتباط با زنان متعدد دارای هیچگونه مسئولیت مالی نیست. وتنها هدف او سوء استفاده از زیبایی وهتك حرمت وحيثیت آنها وسپس آنها را درمنجلاب^۱ ذلت وخواری وفقر واحیاناً مشکلات بارداری وبچه داری ویاسقط جنین رها می نمایند. مردان به ارتباط تولد فرزندان نامشروع هیچ احساس مسئولیت از خود نشان نمی دهند وآنها را بخود نسبت نمی دهند، بلکه به عنوان کودکان غیر قانونی وبی سرپرست آنها را تحویل اجتماع می دهند وآن کودکان تا پایان عمر باید عار ونگ بی پدری وسر راهی بودن را برپیشانی خود حمل کنند. چند همسری ویا به عبارت دیگر چند معشوقه ای بدون اینکه از نظر قانونی مرد شوهرزن شمرده شود وتعهدات ومسئولیتی درمقابل او پذیرفته باشد، از نظر قانونی روا است، اما درواقع از همه ارزشهای اخلاقی، بیداری وجدان وشعور انسانی تهی است.

چندمعشوقه ای است که انگیزه آن شهوت پرستی وخود خواهی وفرار از مسئولیت پذیری است. با مقایسه هدایت اسلام در زمینه تعدد زوجات وراه آورد چند معشوقه ای درفرنگ غربی معلوم می گردد که کدام یک اخلاقی وانسانی است وکرامت وحيثیت زن را مصئون می نماید. وکدام یک

^۱ - جای که آبهای کثیف وبد بوی جمع شده باشد. فرهنگ عمید

تهی از اخلاق و فضیلت می باشد، و در واقع این کارگریها آلت دست قرار دادن و سوء استفاده از زنان و نوعی به بردگی کشانیدن آنان است.^۱

خلاصه ضررهای چند معشوقه ای در غرب قرار زیر است: فساد اخلاقی، افزایش تعداد افراد مجرد، طلاق و نابودی خانواده و بیماری های جنسی و غیره می باشد.

آیا چند همسری انسانی و اخلاقی است؟

چند همسری بگونه ای که اسلام آنرا ترسیم نموده موضوع کاملاً انسانی و اخلاقی است. به این علت اخلاقی است که به مرد اجازه نمی دهد که هرگاه و با هر زنی که خواست ارتباطی نا مشروع بر قرار نماید.

علاقه و ارتباط با زنان دیگر تنها در دایره ای مشروع و با رعایت شروط و حقوق آنها است که جایز است. و ارتباط پنهانی و خلاف دین و اخلاق را جایز و روا نمی داند.

در ازدواج به ویژه ازدواج دوم و سوم باید خانواده ای زن در جریان قرار داشته باشند و به آن رضایت بدهند. و دست کم اعتراض نداشته باشند، و بر اساس مقررات دنیای امروزی در دفاتر ازدواج رسمی ثبت شود. و برپایی مراسم جشن و شادی و دعوت دوستان صورت گیرد. و این نظر انسانی است که مردی مسئولیت تامین زندگی مادی و عاطفی و انسانی زنی بی سرپرست را به عهده می گیرد، و او را در کانون گرم خانواده ای خود راه می دهد و از کرامت و حیثیت او دفاع می کند.

و در مقابل ایجاد ارتباط زناشویی مرد مهریه و جهیزیه را برای او فراهم می نماید، و مصارف زندگی اش را تامین می کند، و او را در خانواده ای که هسته ای اجتماعی و وسیله ای است برای رشد و نموی نسلهای آینده مشارکت می دهد

حتی مرد به هنگام بارداری و وضع حمل و مشکلات مراجعه به پزشک (داکتر) و مصارف آن زن را تنها نمی گذارد، و همچون دوست و خدمتکاری در کنار او خواهد بود.

^۱ - قضاوی، دورنمای جامعه اسلامی، ص ۵۲۲

و فرزندانی را که نتیجه آن ارتباط انسانی گرامی و مشروع است به خود نسبت می دهد ، و به این کار افتخار هم می نماید ، و میوه ها ی از درخت شیرین محبت را به آیندگان تقدیم می نماید و آیندگان هم برای این کار او را مورد تحسین قرار خواهند داد .

داکتر قرضاوی رحمه الله می نویسد: در مورد پدیده ای چند همسری آنچه که دکتر مصطفی السباعی رحمه الله می گوید : (با ازدواج مجدد ممکن است مرد از لذاتها ی محدودی بهره مند شود ، اما در واقع مشکلات و مسئولیت ها ی نا محدودی را بدوش خود می گذارد .)
در نتیجه بخاطری پاسداری از ارزشهای اخلاقی و صیانت از شرافت و کرامت انسانی ، ازدواج مجدد نظام و برنامه اخلاقی و انسانی است .^۱

سوء استفاده از رخصت تعدد زوجات

جای انکار نیست که بسیاری از مسلمانان از مباح بودن تعدد همسر بر اساس شریعت و هدایت خداوند، کریم جل جلاله عمل ننموده و مرتکب سوء استفاده شده اند . همچنان که از رخصت طلاق غالباً بصورت صحیحی استفاده نشده است .

درواقع عیب و اشکال دامنگیر حکم شرعی نمی شود ، بلکه عیب و ایراد به بد فهمی و بد عملی و ناپرهیزکاری برخی از مردم و اجرای نا صحیح آنان بر میگردد .

کم نیستند کسانی که بدون یقین و اطمینان به رعایت عدالت و انصاف، که یکی از شروط ازدواج مجدد است ، اقدام به این کار می نمایند و برخی هم در حالی اقدام به ازدواج مجدد نموده اند که توانائی مادی لازم برای تأمین مصارف زندگی چند همسری را به هیچوجه نداشته اند .

پس ازدیاد گردیدن فرزندان و پیامد های آن دچار مشکلات مالی و ناهنجاریهای شدید خانوادگی می شوند . برخی هم توانائی تأمین مصارف زندگی آنها را ندارند ، از جهات دیگر حقوق شان را ضایع می نمایند و از تأمین حقوق مادی و معنوی آنان خود داری می کنند .

^۱ - قرضاوی ، دور نمای جامعه اسلامی ، ص ۵۳۱

دربسا موارد سوء استفاده از این حق و توجه بیشتر به همسر دوم و ضایع گردانیدن حقوق معنوی و مادی همسر اول باعث زیانها و ضربه های سختی بر پیکره ای ایمان و اخلاق و رابطه خانوادگی و اجتماعی می شود. و همسر اول با مشاهده علاقه و تمایل همه جانبه شوهر به همسر دوم، حیران و سرگردان می ماند، و هم شوهر دارد و هم ندارد، و در بسیاری از موارد این روش ناپسند و تبعیض و بی عدالتی سبب کینه و حسادت میان زنان و فرزندان آنان می شود.

اما سوء استفاده و انحراف برخی از مسلمانان از این موضوع به هر اندازه که باشد، بامیزان انحراف و غیر اخلاقی و غیر انسانی بودن پدیده ای روابط خارج از محیط خانواده ای غرب به هیچ وجه قابل مقایسه نمی باشد.^۱

مبحث دوم:

آراء و نظریات فقهاء و دانشمندان جدید (معاصر)

علماء و دانشمندان معاصر در مورد تعدد زوجات به سه گروه تقسیم می شوند، اینک آراء و نظریات هر کدام آنها را با دلایلشان در سه مطلب جداگانه ذکر و مورد بحث و بررسی قرار می دهیم.

مطلب اول:

تعدد زوجات تنها در حالت ضرورت

برخی از علماء و نویسندگان معاصر می گویند اصولاً تعدد زوجات به خاطر ضرورت و نیاز و عوامل مختلف این نیاز جائز است. اما در حالت عادی بنا به مصلحت خانواده با آن مخالفت کرده اند و می گویند:

«این کار عادت است بد، امیر مسلمین می تواند آن را منع کند و مردم را به عدم انجام آن تشویق نماید و بجز به وقت ضرورت مانند عقیم بودن همسر اولی یا مبتلا بودن به بیماری لا علاج، جائز نیست، شیخ محمد عبده رحمه الله از متفکران جدید بر این رأی است»^۲

^۱ - قرضاوی، دورنمای جامعه اسلامی، ص ۵۳۳

^۲ - مجله منار جزء اول مجله بیست و هشتم سال ۱۹۲۷ و اعمال کامله محمد عبده ۹۰/۱-۹۵ (او در سال ۱۲۶۶ ه.ق. در یکی از دهکده های مصر به نام «محلہ نصر» متولد شد. پدرش را عبده خطاب می کردند. او محمد را در سن ۱۳ سالگی برای تعلیم معارف اسلامی به جامعه احمدی سپرد. اما محمد آموزه های آنجا را دوست نداشت و آنجا را رها کرد اما پس از مدتی به سفارش شیخ درویش، دایی پدرش، که نظرات او را می پسندید، دوباره به جامعه احمدی بازگشت و بعد به جامعه الازهر رفت)

از جمله کسانی که از محمد عبده پیروی کرده اند قاسم امین، محمد عزت دروزه، عبد المتعال صعیدی، عبدالعزیز علی القناعی، داکتر ابراهیم عبده ودریه شفیق وباعثه البادیه، شیخ عبدالعزیز چاویش، شیخ مصطفی غلایینی، شیخ محمد محمد المدنی و محمد سباعی رحمهم الله می باشند^۱.

همان گونه که بعضی از قانون گذاران دولت های عربی راه شیخ محمد عبده یا راه قریب بدان را پیش گرفته اند، از جمله قانون گذار تونسسی تعدد را منع کرده ومرتکب آن را مستوجب مجازات می داند، در حالیکه قانون گذار سوری، عراقی، مغربی و مصری آن را منوط به اجازه قاضی میدانند.^۲

دلایل شیخ محمد عبده رحمه الله وهم فکرائش قرار ذیل است:

الف) شرط تعدد زوجات تحقق عدالت در میان آنان است و اکنون این شرط قطعاً مفقود است و اگر تحقق یابد یک در میلیون است، پس نمی تواند به صورت قاعده در آید و زمانی که فساد بر نفوس مردم چیره شود و به نظر رسد که مردان عدالت را مراعات نمی کنند، جایز است که حاکم یا عالم تعدد را منع کند و به مراعات حال جمع نظر داشته باشد.^۳

ب) غالباً مردان با زنانشان به هنگام تعدد زوجات بد رفتارند و نفقه و آسایش آنان را مراعات نمی کنند.^۴

ج) انتشار فساد و دشمنی در میان فرزندان انباغها. چون انباغها باهم دشمنی دارند این کراهت و دشمنی به فرزندان نیز سرایت می کند و این نزاع ادامه خواهد یافت تا این که مرد خانه خود را به دست خود خراب می کند، لذا برای حاکم یا ولی امر مسلمانان جایز است که از تعدد زوجات جلوگیری کند تا فساد را از خانواده ها دور نماید.^۵

^۱ - تحریر المراه، ص ۱۴۰، المرأة فی القرآن والسنه، ص ۱۲۱، موقف العقل والعلم والعالم ۱/۲۹۴، مجله منبر الاسلام، ص ۷۹-۸۴ شماره (۱) سال ۱۹ محرم ۱۳۸۱، النهضه النسائیه فی مصر، ص ۵۷-۵۸ و ۱۴۰،

^۲ - مجلة الاحوال الشخصیه التونسسیه فصل ۸، ۹۷/۱، المرأة بین الفقه والقانون، ص ۱۱۰، تعديل قانون الاحوال الشخصیه العراقیه، شماره ۰۸۸ سال ۱۹۵۹، ص ۲۸-۲۹، دراسات فی تعدد زوجات، ص ۱۵۸ و الاحوال الشخصیه ابوزهره، ص ۱۳-۱۶

^۳ - فتوا ی شیخ محمد عبده؛ مجله المنار، ج ۱، ۲۸ مارچ ۱۹۲۷

^۴ - الاسلام والمرأة فی رای الامام محمد عبده، ص ۱۲۴

^۵ - همان منبع، ص ۱۲۵

د) کسی منکر آن نیست که دین برای مصلحت و خیر مردم آمده است و یکی از اصول مسلم در اسلام منع ضرر رسانی و ضرر پذیری است ، زیرا در حدیث آمده که : ((لا ضرر ولا ضرار))^۱ پس هرگاه وزمانی که مفسده ای بر چیزی پیش آمد که قبلاً وجود نداشت، بدون شک باید حکم اجرای آن را در حال حاضر تغییر داده شود .

اما اوضاع را بدان گونه که می بینیم و می شنویم در صورت شیوع تعدد زوجات ، راهی برای تربیت امت اسلامی نیست علماء باید در این مسئله تجدید نظر کنند ، زیرا فایده های که در صدر اسلام برای این مسئله وجود داشت امروز وجود ندارد چون آن وقت بخاطر پیوند نسبی و سببی که موجب تقویت خویشاوندی قوم و قبیله میشود ، صورت می گرفت.^۲

این مسئله را باید بر طلاق ثلاثه به یک لفظ قیاس کرد . چنان که ولی امر مسلمین حق دارد آن را الغا کند و سه طلاق را به یکبار گفتن یک طلاق بحساب آورد .^۳

در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم و خلافت ابوبکر رضی الله عنه و در آغاز خلافت عمر ابن خطاب رضی الله عنه سه طلاق به یک لفظ یک مرتبه بحساب می آمد ، اما مردم مخالفت کردند و سه طلاق را به یک لفظ سه طلاق و سه مرتبه بحساب می آوردند . عمر ابن خطاب رضی الله عنه نیز برای این که آنان را عقوبت کند سه طلاق را به یک لفظ سه طلاق به حساب آورد و پیشوایان فقهی چهار گانه نیز این حکم عمر رضی الله عنه را پذیرفتند .^۴

سپس حکم اولیاء امر ، امروز در زمان ما صادر شده است که به حکم دوره پیامبر صلی الله علیه وسلم و ابوبکر رضی الله عنه برگردند و به مصلحت مردم است که در گفتن طلاق اسراف می کنند سه طلاق را به یک لفظ ، یک طلاق به حساب آورند .

امروز نیز که اخلاق مردم فاسد شده ، تعدد زوجات را وسیله ای برای ظلم بر زنان اولیه قرار داده اند ، شایسته است که اولیاء امور ، این حلال قدیمی را که تعدد زوجات است ، از مردم منع کنند .^۵

^۱ - ابن ماجه ، ۲ / ۷۸۴

^۲ - تفسیر المنار ، ۴ / ۳۴۹-۳۵۰

^۳ قانون شماره ۱۹۲۹ مصری و احوال شخصیه ابوزهره ، ص ۳۲۷

^۴ - شرح نووی بر مسلم ج ۱۰ ص ۷۰-۷۱ و سبل السلام ، ۲ / ۱۷۲

^۵ - موقف العقل والعلم والعالم من رب العالمین ۱ / ۲۹۸-۲۹۹

و اگر برحسب سرشماری های دقیق نسبت بین زنان و مردان را در نظر بگیریم جامعه از سه حالت زیر خالی نیست :

۱. حالتی که تعداد زنان و مردان برابر است، پس برای هر یک مرد یک زن وجود دارد که بر ادای حقوقش حریص خواهد بود و بر حقوق دیگران تعدی نمی کند. همان گونه که خداوند جل جلاله برای حضرت آدم علیه السلام یک همسر اختیار نمود درحالی که در آن وقت جهان برای ازدیاد نسل بیشتر احتیاج به تعدد زوجات داشت تا این که برای مردم نیز سنتی گردد و قرآن کریم این حالت را توضیح داده و می فرماید :

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا » سورة النساء ، آیه ، ۱

((ای مردمان از خشم پروردگارتان بپرهیزید . پروردگاری که شمارا از یک نفس آفرید و از آن دونفر مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت و از خدای بپرهیزید که همدیگر را بدو سوگند می دهد و بپرهیزید از این که پیوند خویشاوندی را گسیخته دارید ، زیرا بدون شک خدا مراقب شما است .))
۲. حالتی که تعداد زنان بیش از مردان است ، که آیه شریفه زیر آنرا توضیح داده است :

« وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُفْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ » سورة ، نساء آیه ، ۳

((اگر ترسیدید که در مورد یتیمان نتوانید داد گری کنید ، با زنان دیگری که برای شما حلال اند ازدواج نمائید . بادو، سه یا چهار ...))

در این حالت بخاطر جنگ و حالات مشابه به آن تعداد یتیمان و بیوه زنان فراوان و تعداد زنان بیش از مردان شده است، لذا عدالت حکم می کند که در این صورت مادر بیوه را یا یکی از دختران یتیم را به صورت زن دوم و یا سوم و یا چهارم به عقد نکاح در آورده و از این راه مشکل افزایش نسبت زنان بر مردان را حل نموده که در آیه مذکور محدود شده است.

۳. حالتی که در آن تعداد زنان از مردان کمتر است و در این حالت تعدد زوجات جایز نمی باشد که خداوند منان جل جلاله در آیه شریفه زیر آن را بیان کرده است :

« فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا » سوره نساء آیه ۳

((اگر هم می ترسید که نتوانید میان زنان دادگری را مراعات کنید ، به یک زن اکتفا کنید یا با

کنیزان خود ازدواج نمائید ، این سبب می شود که دچار کج روی و ستم نشوید .))

عدالت اجتماعی در این شرایط اکتفاء به یک همسر را ایجاب می کند .^۱

بنا بر این اسلام مسئله تعدد زوجات را برای حل مشکلات اجتماعی تجویز نموده است که باید به

قدر حاجت از آن استفاده نمود نه بیشتر و نه کمتر و دستگاه قانونی تونس با توجه به آرای محمد

عبده و پیروانش تعدد زوجات را بطور مطلق تحریم نموده است.^۲

خلاصه سخن شیخ محمد عبده چنین است :

آیه تعدد زوجات ، درسیاق سخن از مسایل متعلق به احکام دختران یتیمه است که مال و جانشان

محفوظ باشد و ملعبه قرار نگیرند که ارثشان راندهند یا مانع ازدواجشان با غیر شوند ، یا این که

وصیشان آنان را بدون پرداخت مهریه از خود نکاح کند . اسلام آمده است که از طریق تعدد زوجات

اوضاعشان را بهتر کند ، ولیکن مشکل دیگری پیش آمده است و آن این است که چگونه ممکن است

وصی های دختران یتیمه در هر چیزی قسط و عدالت را برپای دارند !!؟

لذا مردان از این که ولایت و سرپرستی یتیمان را به عهده بگیرند ، پرهیز می نمودند برای مراعات

حالشان با آنان اختلاط و همنشینی کنند ، درحالی که ممکن بود که این یتیمان دختران جوان باشند

و مادرانشان بیوه های باشند که هنوز جوانند و صلاحیت ازدواج دارند ، پس مخالفت و همنشینی با

آنان در این اوضاع و احوال خالی از عواقب بد نبود و ممکن بود که طرفین ، خواه وصی یا دختران

یتیمه یا مادرانشان دچار فتنه و آشوب شوند و از طرف دیگر مسلمان باید نه فتنه انگیز باشد و نه در

دام فتنه افتد ، لذا اسلام آمد با تجویز تعدد زوجات آنان را از این تنگنا بیرون آورد .

آن وقت معنی چنین می شود : هرگاه بیم آن داشتید که درباره کار یتیمان نتوانید دادگری کنید و از

دخالت در کارشان و همنشینی با آنان بیم داشتید که دچار گناه بزرگ شوید ، در چنین اوضاع

^۱ مجله منبر الاسلام ، ص ۷۹-۸۳ العدد (۱) ۱۹ محرم ۱۳۸۱ هجری شمسی

^۲ الأسرة والمرأة ، ص ۵۹

واحوالی خداوند جل جلاله برای مرد مباح کرده است که بیش از یک همسر داشته باشد، پس می تواند با یکی از دختران یتیمه تحت سرپرستی خود یا مادرانشان ازدواج نماید با خود و غیر خود را از عوامل شر و فتنه محفوظ و مصئون دارد و آن وقت مقصود از: « فانكحوا ما طاب لكم من النساء » نکاح با دختران یتیمه است و مقصود از « مثنی و ثلاث و رباع » آن است که اگر یک یتیمه را به همسر قبلی اضافه کند دو همسر خواهد داشت و اگر دو یتیمه را به همسر قبلی اضافه کند، سه همسر خواهد داشت و اگر سه یتیمه را به همسر خود اضافه کند چهار همسر خواهد داشت.^۱

شیخ عبده در ادامه می افزاید که تعدد زوجات تنها برای حل مشکل مالی و ازدواج یتیمان است و برای حل این ضرورت است که مبدا عدالت درباره آنان مراعات نشود و چون قیاس یکی از اصول تشریح اسلامی است، پس هرگاه حالت مشابهی پیش آمد که ضرورت مقتضی تعدد زوجات بود و مرد اطمینان داشت که مراعات عدالت می کند و مرتکب ظلم و جور نمی شود در آن حالت مانعی از تعدد زوجات نمی باشد.^۲

مطلب دوم:

منع تعدد زوجات بطور مطلق:

گروه دیگر از علماء و متفکرین معاصر، تعدد زوجات را یک عادت بد جاهلی همانند شرابخوری می دانند که اسلام برابر با سیاست تدریجی خود با آن مبارزه کرد ولیکن آنان نمی گویند که تعدد زوجات حرام است، بلکه به منع آن به صورت مطلق دعوت می کنند. از جمله پیروان این رای طاهر حداد^۳ و همراهان وی میباشند.

• استدلال این گروه:

الف) عادت عربها بر آن بود که زنان زیاد و متعددی برای خدمت، کشاورزی و انجام کارهای خانه ولذت شهوانی، اختیار کنند و از پرداخت هزینه کارگران و مزد گیران بی نیاز شوند، پس اسلام آمد

^۱ المجتمع الاسلامی، ص ۱۷۱-۱۸۵

^۲ منبع فوق، ص ۱۸۵

^۳ طاهر الحداد، در تاریخ ۴ دسمبر ۱۸۹۹ تولد گردیده است و در ۷ دسمبر ۱۹۳۵ وفات گردیده او متفکر سیاسی تونسسی است.

و در ابتدای امر آخرین حد تعدد زوجات را معین و محدود ساخت و پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم به کسی که مسلمان شد و بیش از چهار زن داشت گفت: ((امسک اربعا و فارق سائر هن)).^۱
 ((چهار تارا نگهدار و از بقیه کنار گیری کن و جداشو.))

سپس به تدریج مراعات عدالت و مساوات بین همسران را نیز شرط تعدد زوجات قرار داد و بیم از عدم مراعات عدل در میان آنان را نیز سبب عدول از تعدد و چند همسری قرار داد و گفت: « فانكحوا ما طاب لكم من النساء مثنی و ثلاث و رباع فان خفتم الا تعدلوا فواحدة او ماملکت ایمانکم ذالک ادنی الا تعولوا » سورة النساء ، آیه ، ۳

((نکاح کنید آنچه را که دوست دارید از زنان (وقتی که بخود اطمینان داشتید که میتوانید میان زنان دادگری کنید و شرایط و ظروف خاص تعدد ازدواج مهیا بود با زنان دیگری که برای شما حلالند و دوست دارید)، با دو سه و یا چهار تا ازدواج کنید . اگر هم می ترسید که نتوانید میان زنان دادگری را مراعات دارید به یک زن اکتفا کنید یا با کنیزان خود ازدواج نمائید ، این سبب می شود که دچار کج روی و ستم نشوید.))

این آیه شریفه مردان را از عواقب بد این تعدد بر حذر داشته است .
 سپس خداوند جل جلاله فرموده است که هر اندازه حریص باشید نمی توانید عدالت را میان آنان مراعات کنید: «ولن تستطيعوا ان تعدلوا بین النساء ولو حرصتم». سورة النساء ، آیه ، ۱۲۹
 ((شما نمی توانید (از نظر محبت قلبی) میان زنان دادگری کامل برقرار کنید ، هر چند در این راه به خود زحمت دهید و همه کوشش و توان خود را به کار ببرید ..))
 این خود می رساند که خداوند جل جلاله دوست دارد که یک همسر اختیار کنید چون مراعات عدالت میان زنان متعدد دشوار است.^۲

ب) سپس باید دانست که تعدد زوجات منافی با تفسیر آیه قرآن کریم در مورد ازدواج است که مبنای ازدواج را بر مودت و رحمت و آرامش روحی قرار داده است که می فرماید :

^۱ ترمذی ۳/ حدیث شماره ۳۴۵ ، ابوداود ۲/ حدیث شماره ۶۷۷ و موطا ، ص ۱۷۸
^۲ امرأتنا فی الشریعه و المجتمع ، ص ۶۱

« وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ » سورة الروم ، آیه ، ۲۱

((... و یکی از نشانه های خداوند این است که از جنس خود تان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان بیارامید و بین شما و ایشان مهر و محبت انداخت ...)) زیرا اگر مرد زنان متعدد داشته باشد در زندگی زناشویی دچار اضطراب و پریشانی می شود و آرامش و راحتیش به بد بختی و پیکار بین زنان و فرزندان شان مبدل میگردد. فضای آشوب و فتنه بر خانه حاکم می گردد و تمام این مطالب با حکمت ازدواج در آیه مذکور منافات دارد.^۱

ج) افزایش تعداد زنان بر مردان یک پدیده موقتی است که بعد از جنگها و حوادث مرگبار پیش می آید و به زودی انسجام به جامعه بر می گردد و نقص ناشی از قلت تعداد مردان بر طرف می گردد.^۲

د) بلکه سبب اصلی افزایش زنان که ملاحظه می شود محروم بودن اغلب جوانان از ثروت است و به علاوه گرانی مهریه و کابین دختران که جوانان را از ازدواج منصرف می نماید ، در نتیجه قسمت اعظم زنان موفق به ازدواج نمی شوند . اگر کار در بیرون خانه حق مردان باشد و مردان اشتغال داشته باشند و قادر به تشکیل خانواده گردند ، می توان گفت که هیچ زنی بدون شوهر باقی نخواهد ماند . به علاوه مشارکت زن در زندگی عمومی و مساوات آن با مرد به حفظ کرامت زن و نمو شخصیت وی کمک می کند و نمی پذیرد که زن دیگری باوی در شوهرش شریک باشد.^۳

همچنان میتوان گفت: همان گونه که نیاز اقتصادی ازدواج مرد با بیش از یک زن را آسان کرده بود، علاوه بر پیشرفت فرهنگ و اخلاق و عواطف همین نیاز اقتصادی موجب می شود که مرد آن را ترک کند.^۴

برخی از نویسندگان معاصر می پندارند به دلیل قرآن کریم تعدد زوجات حرام است ، از جمله کسانی که به این نظر می باشند عبارت اند: هریک اسماعیل مظهر ، داکتر ابراهیم عبده ، خانم دکتر دریه شفیق و غیره^۱

^۱ - امرأتنا فی الشریعه و المجتمع ، ص ۶۱

^۲ - منبع فوق ص ۶۳

^۳ - منبع فوق ص ۶۵

^۴ - المرأة فی عصر الدیموقراطیه ، ص ۱۱۲

خلاصه دیدگاه واستدلال گروه دوم :

خداوند کریم مباح بودن تعدد را مشروط با مراعات عدل کرده است که می گوید : « وان خفتم الا

تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم الایه» . سورة النساء ، آیه ، ۳

((اگر ترسید که در مورد یتیمان نتوانید دادگری کنید ، بازنان دیگری که برای شما حلالند ، بادو ،

سه یا چهار تا ازدواج کنید و اگر هم می ترسید که نتوانید میان زنان دادگری را مراعات کنید ، به یک

زن اکتفا کنید .))

خداوند جل جلاله خود می فرماید که مراعات عدل مقدور نمی باشد : « ولن تستطیعوا ان تعدلوا

بین النساء ولو حرصتم» .

(شما نمی توانید "به تمام معنی" میان همسران خود به دادگری رفتار کنید ، هرچند هم "دراین

مورد" بسیار تلاش کنید و توان خود را به کار بگیرید !)

و خبر خداوند کریم حق است پس کسی نمی تواند عدل بین زنان را مراعات کند ، بنا بر این عدم

مراعات عدل امر یقینی است و گمان عدم مراعات عدالت برای تحریم کافی است تا چه رسد به

اینکه یقینی باشد . حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در آخر عمرش عایشة رضی الله عنها را

بیش از دیگر زنانش دوست داشت و لذا می گفت : ((اللهم هذا قسمی فیما املک فلا تلمنی فیما

تملک ولا املک))^۲.

((خداوندا! این است نصیب و سهم بندی من نسبت به زنانم که در اختیار و توانائی من است بر چیزی

که در تملک تو است و در تملک من نمی باشد مرا ملامت مکن))

پس بنا بر این قول تحریم تعدد زوجات از روح قرآن و مقاصد آن دور نیست!

مطلب سوم :

جواز تعدد زوجات به طور مقید:

گروه بزرگی از علما و متفکران اسلامی و فقهای بزرگ اسلامی که معتمد هستند و امت اسلامی راه

آنان را پذیرفته است تعدد زوجات را تأیید کرده اند و آن را با قیود و شروط مباح می دانند و از جمله

^۱ - اسماعیل مظهر همان منبع فوق، ص ۱۸۸

^۲ - ابو داود ، ۱۶۰/۲ ، ابن ماجه ، ۶۳۴/۱ و نسایی ۶۵/۷

قید و شرط مراعات عدالت و قدرت نفقه را در نظر گرفته اند ، مشروط بر آن که این تعدد مصلحت شخصی ، اجتماعی یا خانوادگی یا امثال آن را تحقق بخشد . این است حکمت تشریح الهی ؛ زیرا هر حکمی که خداوند جل جلاله تعیین کند حتماً مصلحت بندگان خداوند متعال در آن است و هر گاه آن مصلحت منتفی گردد، آن حکم نیز با انتفای آن منتفی می گردد . بنا بر این مباح بودن تعدد زوجات منوط به وجود مصلحت است و از جمله قائلین بدین رای شیخ محمود شلتوت ، استاد محمد ابوزهره، دکتر علی عبدالواحد وافی ، داکتر احمد الکبسی ، داکتر مصطفی عبدالواحد ، دکتر محمد البهی و دیگر پژوهشگران معاصر می باشند.^۱

ولیکن دکتر مصطفی سباعی با ابوزهره و یارانش در باره شرط قدرت بر انفاق مخالفت کرده است که می گوید: این شرط ممکن است جنبه قضایی داشته باشد ، چون قاضی می تواند با پرسش پیرامون قدرت مالی بر آن تاکید نماید و هر گاه تشخیص داد که آن مرد قادر بر نفقه دو زن و فرزندانش می باشد اجازه عقد دوم به وی دهد وگرنه اجازه ندهد .

مطلب چهارم:

دلایل گروه سوم قرارذیل است:

الف) مسلمانان درگذشته و امروز از آیه شریفه تعدد « وان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی وثلاث ورباع الیه » چنان فهمیده اند « وان خفتم » شرط و « فانکحوا » جواب آن است. یعنی اگریم دارید که درمهریه و نفقه یتیمان بر خلاف عدالت رفتار کنید، « فانکحوا ما طاب لکم » (بازنان دیگری از غیر یتیمان که دوست دارید ازدواج کنید .)

ب) عروه بن زبیررضی الله عنه درباره آیه فوق از عایشه رضی الله عنها روایت می کند که گفت : ای پسر خواهرم مقصود آیه شریفه دختر یتیمه است که تحت سر پرستی ولی خود قرار دارد و در مال و ثروت با وی شریک است ، ولی او عاشق مال و جمال وی است، لذا می خواهد با او ازدواج کند ، بدون این که مثل دیگران در مهریه او مراعات دادگری کند ، پس چنین سر پرستانی از ازدواج با

^۱ الاسلام عقیده و شریعة، ص ۲۰۴ و تنظیم الاسلام للمجتمع ، ص ۷۶ و....

چنین دختران یتیم منع شده اند مگر این که مراعات دادگری را کنند و بهترین مهریه را به آنان بدهند ، درغیر این صورت به آنان دستور داده شده که بازنان دیگری که دوست دارند ازدواج کنند .^۱

(ج) از جمله دلایل دیگر دلیل سنت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم کسانی را که اسلام می آوردند و بیش از چهار زن داشتند دستور می داد که فقط چهار تا از آنان را نگه دارند .

از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما نقل شده که گفت غیلان ثقفی مسلمان شد درحالی که در دوره جاهلی ۱۰هـ زن داشت که همگی آنان نیز باوی مسلمان شدند ، پیامبر صلی الله علیه وسلم به وی دستور داد که چهار تا از آنان را بر گزیند .^۲

از قیس بن حارث رضی الله عنه نقل شده که گفت : وقتی که مسلمان شدم هشت تا زن داشتم به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم رفتم و به وی خبر دادم که هشت تا زن دارم !! فرمود : چهار تا را انتخاب کن .^۳

از نوفل بن معاویه رضی الله عنه نقل شده که گفت : وقتی که مسلمان شدم پنج تا زن داشتم ، از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم دراین باره سوال کردم ، گفت : از یکی از آنان جدا شو و چهار تا را نگه دار .^۴

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و بیشتر اصحاب وی دارای زنان متعددی بودند و تنها به مراعات دادگری در میان آنان اهمیت داده اند و اتفاق مسلمین بر این قضیه وجود دارد از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم و تابعین گرفته تا جمیع فقهاء مسلمان در عصرهای مختلف این مسئله وجود داشته و این خود بزرگترین دلیل است بر مشروعیت تعدد زوجات .

(د) دلیل بر شروط عدالت و قدرت بر نفقه و هزینه زنان و بچه ها درمباح بودن تعدد زوجات آن است که در دنباله خود آیه تعدد آمده است که می فرماید . « فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً » . سوره نساء آیه سوم

^۱ - شرح نووی بر مسلم ج ۱۸ ص ۱۵۴ و بخاری ج ۶ ص ۱۷۶

^۲ - ترمذی ج ۳ ص ۴۳۵ و مسند امام احمد ج ۱۶ ص ۱۹۹

^۳ - ابو داود ، ج ۲ ص ۶۷۷ ، ابن ماجه ، شماره حدیث ۱۶۲۸ ، سنن الدار القطنی ج ۳ ص ۲۶۹

^۴ - سنن کبری ج ۷ ص ۱۸۴

((اگر هم می ترسید که نتوانید میان زنان دادگری را مراعات کنید ، به یک زن اکتفا کنید و یاباکنیزان خود ازدواج نمائید ، این سبب می شود که دچار کج روی و ستم نشوید و مهر زنان را به عنوان هدیه ای از روی طیب خاطر (به میل خود) به ایشان بدهید .))

علماء از این آیه شریفه فهمیده اند که مراعات عدالت ، قدرت بر انفاق ضرورت دارد .^۱

ابن عباس رضی الله عنه و مجاهد رحمه الله و دیگران « ذالک ادنی الاتعولوا » را این گونه تفسیر کرده اند (این رفتار نزدیک تر است به این که دچار کج روی و ستم و جور نشوید .)

امام شافعی رحمه الله گفته است : این کار سبب می شود که فرزندان کمتری داشته باشید که اگر فرزندان بیشتری داشته باشید نمی توانید هزینه آنان را تامین کنید . درحقیقت آن شرط برای هر ازدواجی معتبر است چه یک زن یا بیشتر از یک زن باشد .

طلحه بن مصرف رحمه الله «الاتعولوا» را «الاتعيلوا» خوانده است که حجت و مستمسک شافعی واقع شده است .

همچنین زید بن اسلم و جالد بن زید رحمهم الله که دوتن از پیشوایان گران قدر در میان علماء و ائمه هستند ، قبل از شافعی دارای چنین دیدگاهی بودند .^۲

ه) دلیل این که مراعات عدالت و قدرت بر انفاق از نظر دینی شرط هستند نه از نظر قضائی ، این است که خداوند جل جلاله وقتی که می فرماید : « وان خفتم الاتعدلوافواحدة » که افراد ازدواج کننده را در چیزی که تنها خودشان می دانند مورد خطاب قرار داده است و باید به وجدان دینی خود مراجعه کنند . علایم مشخص و نشانه های صادق و غالب وجود ندارد تا قاضی آنها را بشناسد و منع و اباحه را بدانها منوط دارد ، پس فقط وجدان دینی اشخاص حاکم است .^۳

ضمناً تعیین و تقدیر عدالت شخصی چیزی است که به خود شخص بر می گردد نه به غیر او ؛ چون عدالت یک امر وجدانی است و جز خود شخص کس نمی تواند آن را کشف کند و قاضی تنها از طریق

^۱ - تنظیم الاسلام للمجتمع ، ص ۷۵

^۲ - منبع فوق ، ص ۷۷

^۳ - الاسلام عقیده و شریعة ، ص ۳۰۳

شهادت شاهدان بر عدالت وی یا اعتماد بر شهادت های رسمی می تواند بدان آشنا شود و در این حالت نمی توان بدانها اطمینان حاصل کرد.^۱

همچنین از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و یارانش نقل نشده که برای اجازه دادن به تعدد زوجات در باره قدرت بر انفاق تحقیق کرده باشند تا به قادر اجازه دهند و عاجز را منع کنند. ضمناً عقود به خاطر چیزهایی که انتظار می رود فاسد نمیشوند، بلکه به خاطر چیزهای واقعی که تحقق یافته اند فاسد میگردند، چون کسیکه میترسد ظلم کند چه بسا عملاً مرتکب ظلم نشود، اگرچه انتظار ارتکاب آنرا دارد و کسی که از فقر میترسد گاهی خداوند به گونه های روزی وی را میرساند که خود نمیداند، لذا علماً گفته اند این دو شرط از روی دینی شرط اند نه از روی قضایی، یعنی به دیانت شخص منوط اند نه به قضاوت واقعی.

دکتر سباعی میگوید: ((قاضی با سوال کردن از قدرت مالی و درآمد وی شناخت حاصل میکند و چنانکه به نتیجه رسید که شخص قدرت تامین هزینه دو همسر و فرزندان آنرا دارد، اجازه عقد نکاح را بدهد و در غیر آن صورت مانع شود)).^۲

اینکه میگویند ((چون از پیامبر نقل نشده که در باره قدرت مالی اشخاصیکه میخواهند همسر دیگر اختیار کنند تحقیق کرده باشد، پس باید شرط قدرت بر انفاق جنبه دینی داشته باشد نه قضایی))، میتوان آنرا چنین جواب داد: در آن زمان زندگی بسیار ساده بوده و فرزندان روزی خود را از بیت المال میگرفتند، پس بیم تباه شدن آنان نمیرفت، لذا دکتر سباعی میگوید: قدرت بر انفاق برای اقدام به ازدواج دومی یک شرط قضایی است تا قاضی اطمینان پیدا کند که مبادا شخص بخاطر شهوت سرکش، یا تفریح ویا انتقام از همسر اول اقدام به ازدواج بعدی کند، در حالیکه قدرت هزینه و تامین مخارج دو خانه را نداشته باشد. آنوقت هردو زن و فرزندان شان ضایع شوند. پس حکومت حق دارد درین حالت جلوگیری کند چون چنین شخص سفیه^۳ است و تصرفش درست نیست همانگونه که در موارد دیگر قاضی مانع تصرف سفیه میشود لذا درین مورد نیز مانع شود.^۴

^۱ الاحکام الشرعیة للاحوال الشخصیة ، ص ۱۸۹

^۲ - المرأة بین الفقه القانون ، ص ۱۱۵

^۳ - نادان ، بی خرد ، بد خوی . فرهنگ عمید

^۴ - همان منبع ، ص ۱۱۶

صاحبان این رای مانع این نیستند که اهل حل و عقد و شورای مسلمین برای تعدد زوجات قوانین و شرایط وضع کنند یا بگونه ای برآن اقدام شود که هدف اسلامی از قانون تعدد زوجات تحقق یابد و مصالح طرفین محفوظ شود.

بررسی و باز بینی آرای گروه اول (جواز تعدد تنها در حالت ضرورت)

پیدا است که بررسی و باز بینی استاد محمد ابوزهره و دکتر مصطفی سباعی و دکتر عبدالناصر توفیق و دیگران در باره رای شیخ محمد عبده پیرامون تعدد زوجات، پیرامون چیزی است که سید محمد رشید رضا در تفسیر خود از شیخ محمد عبده درباره نتایج و پیامد های تعدد زوجات و این که مصلحت شرعی که تعدد به خاطر آن مباح شده ، تحقق نمی یابد و متوجه فتاوی شیخ محمد عبده نیست که رشید رضادر مجله المنار انتشار داده و در مقدمه آن گفته است : در میان اوراق یاد داشتهای استاد شیخ محمد عبده فتاوی زیر را یافتیم ، دوست داشتم آنها را منتشر کنم تا حکومت مصر مباح بودن تعدد زوجات و سخن گفتن در باره آن را مقید به قول وی کند.^۱

لذا ابوزهره گفته است تقییدی که شیخ محمد عبده در باره آن می اندیشیده شبیه به منع است.^۲ دکتر سباعی گفته است : ((شیخ در باره این قانون به خوبی مقصود خود را مشخص نکرده است که آیا تعدد زوجات رامنع کند؟ یا این که آن را به قیودی مقید می کند که از کثرت ضررهای آن بکاهد؟ ما گمان نمی کنیم که او مانع تعدد زوجات بوده است، اگر چه ممکن است بعضی چنین گمان کنند))^۳.

اما گزیده فتاوی که اخیراً از شیخ محمد عبده نقل کرده ایم به ویژه این فتوی زیر موضوع را روشن می کند: ((وقتی که فساد بر مردم چیره شد و ترجیحاً دیده شد که مردان نمی توانند در بین زنان شان دادگری را مراعات کنند بدون شرط می توان عادت جواز تعدد زوجات را ابطال نمود ، زیرا حاکم یا عالم دینی حق دارد اغلبیت مردم را مبنای حکم خود قرار دهد و تعدد زوجات را بطور مطلق منع کند.)) در جای دیگری که رفتار بد مردان را با زنان شان به طور غالب ذکر میکند، می گوید:

^۱ - مجله المنار جزء ۲۸/۲۸/۱۹۱، ص ۲۵-۳۵ و اعمال کامله محمد عبده ۲/۵-۹۰

^۲ - همان منبع، ص ۹۱

^۳ - ابوزهره همان منبع، ص ۹۷

((لذا جایز است برای حاکم یا حاکم شهر، به خاطر دفع فساد غالب بر مردم از تعدد زوجات جلوگیری نماید...)).^۱

دکتر محمد عماره ابراز می دارد که از این قول شیخ، این سوال پیش می آید که آیا جایز است تعدد زوجات را منع نمود؟! سپس خودش جواب می دهد، بلی می توان آنرا منع نمود...^۲

می توان فهمید که شیخ با چنین سخنانش با نص قرآن کریم و سنت نبوی صلی الله علیه وسلم و عمل اصحاب کرام و اجماع امت اسلامی رحمه الله تا عصر او که تعدد زوجات را مباح دانسته اند، مخالفت کرده است، لذا سخنان او قابل قبول و پذیرش نمی باشد. اما بعضی از پژوهشگران دلایل مجوز این فتواها را از طرف شیخ ذکر کرده اند و می گویند:

((مصر در زمان شیخ محمد عبده مستعمره انگلیس ها شده بود و جاهل و نادانی شیوع یافته و تربیت دینی و اخلاقی ضعیف گردیده بود و جامعه مصری به خاطر تعدد زوجات مورد انتقاد فکری استعمارگران واقع شده بود و آن را بهانه ای برای بدگویی از اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم قرار داده بودند، به ویژه در سمیناری که لرد کرومر، نماینده دولت استعماری انگلیس در مصر برپا کرده بود و نیروهای فکری را با جدل پیرامون تعدد زوجات به خود مشغول کرده بود، سزاوار بود که شیخ با منع تعدد زوجات با استعمارگر مبارزه نماید...))^۳

علاوه بر آن، آداب و رسوم عقب مانده و به جامانده از عصر ممالک در زمان شیخ، علی رغم دستورات و رهنمود های پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم زنان را از تعلیمات و پیشرفت باز مانده بود، تمام این موارد شیخ محمد عبده را تحت تاثیر قرار داده و او را به اظهار چنین رای واداشته بود که بگوید:

((حاکم مسلمان می تواند مسلمان را در جامعه اسلامی از تعدد زوجات باز دارد...)) شاید بگوئیم که در آن شرایط چنین تصامیم موجه بود ولی که حالا استعمارگری و اشغالگری انگلیس در مصر پایان یافته و امروز زنان در میدانهای تعلیم و تربیت دینی و اخلاقی، پیش رفت چشم گیری کرده اند و شرایط و ظروف تغییر کرده است، رای شیخ نیز باید تغییر کند، اینک اگر شیخ محمد عبده آن گونه

^۱ - مجله المنار همان منبع، ص ۳۶

^۲ - الاسلام والمرأة، ص ۳۵

^۳ - دراسات فی قضیة تعدد زوجات، ص ۱۶۹-۱۷۰، المنار ج ۱۰، ص ۲۲۵ و تفسیر المنار ۴/۳۵۸

که سید رشید رضا و محمد ابوزهرة گفته اند ، به بیان نتایج بدتعدد وزیان های آن برای خانواده و جامعه در زمان خود اکتفا کرده بود این تصامیم برای آن وقت موجه بود . ولی درحقیقت شیخ محمد عبده در این فکر بود که تعدد زوجات را از نظر قضایی مقید به مراعات عدالت و قدرت بر انفاق نماید که شاگردان او بعداً در سال های (۱۹۲۶-۱۹۴۳) آن را به صورت لایحه قانونی به وزارت امور اجتماعی تقدیم نمودند و آن لایحه و برنامه موفق نشد ، لکن شیخ محمد عبده با قرآن و سنت و اعمال نبوی و اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و اجماع مسلمین ؛ مخالفت ورزید ، چون تا آن روز که او این فتوای غریب دایر بر الغای تعدد زوجات و منع آن به حکم قانون ، از طرف حاکم مسلمین ، صادر نمود ، حکم برجواز تعدد زوجات بود . پس شرع خداوند جل جلاله سزاوار تر است که از آن پیروی نمود به ویژه شریعت جاودانی که برای نژاد ها و انواع مختلف بشری با امیال^۱ و شهوت های مختلف از ساکنان کره زمین و قاره های گرم و سرد و مناطق متعدد آن آمده است . در حالی که این محذورات اجتماعی که شیخ و پیروان وی برشمرده اند به ندرت تعدد زوجات از آنها خالی است و برکسی پوشیده نمی باشد ، ما نیز آنها را می دانیم درکشور هایی که از این اصل محکم اسلامی روی گردانده اند ، تاچه مقدار زنا و فحشا رواج و گسترش یافته که از محذورات تعدد زوجات گریخته اند ولی دچا راین فساد و فحشاشده اند- ازکننده به چاه گریخته اند - بنابراین تعدد زوجاتی که اسلام آن را مباح کرده است می تواند از این کثرت زنا و فحشا جلوگیری کند ؛ زیرا مردی که خود را نیازمند به همسر دوم می بیند اگر نتواند به طور حلال بدان دست یابد ، به طریق نامشروع و دوست بازی بدان دست می یابد و بهتر است کسی که مسئله تعدد زوجات را بررسی می کند تا به منع آن منتهی گردد، بیاید نکاح متعدد و زنار را باهم مقایسه کند و سبک ترین و آسان ترین شر را برگزیند .^۲

^۱ - جمع میل . همان منبع

^۲ - موقف العقل والعلم والعالم من رب العالمین ۱/۲۹۰

نقد نظریه شیخ محمد عبده رحمه الله:

الف) او گفته است که بطور حتم شرط عدالت مفقود است و اگر هم باشد یک درملیون است!! من نمی دانم از کجا فهمیده است که به طور حتم عدالت وجود ندارد؟! درجدا کردن عادل از ناعادل بر چه آماري متکی بوده است؟! زیرا همان گونه که معلوم است: در هر عصر وزمانی، خوب و بد و بر و فاجر وجود دارد، حتی اگر فساد بر مردم غلبه یابد، باز هم بدان نسبت نیست که او گفته است، چون اگر چنین باشد سر انجام این نشانه از بین رفتن عدالت است در حالیکه مادامیکه زمین و آسمان باقی باشند، وجود عدالت ضروری است چون پیامبر صادق امین صلی الله علیه وسلم وعده داده است بدان که: «لا يزال طائفة من امتي ظاهرين على الحق حتى ياتيهم امر الله وهم ظاهرون»^۱.
(همواره گروهی از امت من برحق خواهند بود تا زمانی که امر خداوند جل جلاله ورستاخیز فرارسد آنان همچنان برحق خواهند بود.)

پس ظاهر باید واضح و روشن باشد و در جهان اسلام بر کسی پنهان نماند.

ب) آنچه که دربند های (ب و ج) آمده است که به هنگام تعدد زوجات مردان بر زنان شان ظلم می کنند و این ظلم به فرزندان انباغها نیز سرایت می کند و بدی های دیگر، از این قبیل ذکر شده، به نظر می رسد که شیخ و پیروانش جنبه های مثبت و ایجابی تعدد زوجات را در نظر نگرفته اند و تنها جهات منفی و سلبی را در نظر گرفته اند، در صورتیکه باید جنبه ها و جهات مثبت و ایجابی را نیز ذکر کنند چون باید جهات مثبت و منفی و خیر و شر چیزی را باهم مقایسه کرد و سنجید، آنگاه حکم را به نفع جهات برتر صادر نمود.

بر کسی مخفی نمی باشد که رخصت و جواز تعدد زوجات به خاطر ضرورتی است تا به وسیله آن از زیانها و محذورات جلوگیری نموده، همانند طلاق که تنها در صورت ضرورت جایز است و برای پیش گیری از فساد و ظلم و تباهی است.

ج) قیاس تعدد زوجات بر طلاق ثلاثه رانمی پذیریم که ولی امر مسلمین بتواند تعدد را الغاء کند؛ همان گونه که در مسئله طلاق ثلاثه روی داد و به دلایل زیر آنرا نمی پذیریم:

^۱ - بخاری ۱۴۹/۸ ترمذی ۴۸۵/۴ ابن ماجه ۵/۱

الف) بین مسئله تعدد زوجات و طلاق ثلاثه بایک لفظ، خیلی فرق است

چون تعدد با نص قرآن کریم که قطعی الدلالة والثبوت است، ثابت گردیده است و مورد قبول همه مسلمین است درحالی که مسئله طلاق ثلاثه درروایت ابن عباس رضی الله عنه آمده است که ظنی الدلالة والثبوت است و علاوه برآن از احادیث مشکل است پس این قیاس درست نیست.^۱

ب) مابین نسبت را نمی پذیریم که حضرت عمر رضی الله چیزی را که در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم و ابوبکر حلال بوده حرام نموده باشد یا چیزی که حرام بوده حلال کرده باشد، چون در اسلام شارع و قانون گذار تنها خداوند است و قابل تصور نیست که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم چیزی را از طرف خداوند به خطا ابلاغ نماید زیرا او تحت رعایت خداوند از خطا معصوم است و هرگاه نسخی یا تخصیصی برای حکم آیه ای پیش آید، مسئول بیان و توضیح آن تنها پیامبر است، آن هم در دوره زندگیش و اما این که مسئله در دوره پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و دوره ابوبکر رضی الله عنه مبهم و غیر معروف باقی مانده باشد، تا این که عمر رضی الله عنه بیاید آن را بیان کند و ابهام را برطرف نماید، این امر محال است، چون موجب تخطئه پیامبر می شود. آن هم باطل است و همچنین موجب تخطئه اجماع امت اسلامی می گردد درحالی که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم آن را از خطا و ضلالت به دور دانسته است که می فرماید: « ان امتی لا تجتمع علی ضلالة ».^۲

((امت من بر گمراهی اتفاق نخواهد کرد))

ج) علمای امت اسلامی در حکم آیه تعدد و معانی آن هرگز اختلافی نداشته اند تانیازی به تاویل و جواب های مختلف آن داشته باشند، آنگونه که در معنی حدیث ابن عباس رضی الله عنه و تاویل آن اختلاف داشته اند.

نووی در باره آن می گوید: در معنی حدیث مذکور صحیح تر آن است که بگوییم در اول اسلام اگر مردی به زنش سه بار می گفت: انت طالق، انت طالق، انت طالق و قصد تاکید و استتفاف نداشت، حکم به وقوع یک طلاق می شد، چون کم تر قصد استتفاف می کردند، بلکه غالباً مقصود

^۱ - شرح نووی بر مسلم ۷۰/۱۰

^۲ - ابن ماجه، ۱۳۰۳/۲

شان تاکید بریک طلاق بود و حمل بر غالب می شد ، چون در زمان حضرت عمر مردان زیاد صیغه طلاق را به کار می بردند و غالباً قصد استئناف داشتند ،

لذا در آن زمان هرکس به طور مطلق سه بار می گفت انت طالق به خاطر عمل به غالب حمل بر طلاق ثلاثه می شد که در آن زمان چنین استنباط می کردند .))^۱

درباره این حدیث تاویلات تفصیلات نیز هست که در کتب مفصل شرح حدیث وفقه آمده است . بنا براین کجا طلاق ثلاثه به یک لفظ بوده است؟! وکی عمر بن خطاب رضی الله عنه با حکم زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و دوره خلافت ابوبکر رضی الله عنه و اول دوره خلافت خود مخالفت کرده است؟! سپس به چه حقی ولی امر مسلمین در مصر و دیگر ممالک عربی مسئله را به عهد سابق پنداری بر می گردانند؟! و شرعی بودن عمل خویش را از کجا الهام گرفته اند؟! تا این که قیاس مذکور پذیرفته شود.؟!

ه) تقسیمات و احتمالاتی که استاد عبدالعزیز علی القناعی پیرامون نسبت عددی بین زنان و مردان ذکر کرده و استشهداد به آیاتی چند برای تقویت دیدگاه شیخ محمد عبده رحمه الله پیرامون الغاء تعدد زوجات یا مقید کردن آن به قیودی که دایره آن را بسیار تنگ کند ، به دلایل زیر سخنی است بسیار دور از صواب :

الف) آیه اولی سوره نساء : « یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلق من نفس واحدة » . بخشی از آیه اول سوره نساء . ترجمه : - (ای مردم از پروردگارتان بترسید که شمارار ارز نفس واحدی آفرید) درصدد وقت مقارنه عددی بین مردان و زنان نیست و بدان ارتباطی ندارد تا بگوییم به موجب آن باید مرد به یک زن اکتفاء کند ، بلکه این آیه درصدد بیان قدرت خالق بزرگوار پیرامون آغاز آفرینش انسان و کثرت وی است که تقوی و امتثال امر خالق را برانسان املاء می کند و او را متوجه می سازد که باید از یک طرف علائق و پیوند بین خود و خالق خویش را و از طرف دیگر پیوند بین خود و خویشاوندانش را حفظ کند .

ب) و اما آیه « وان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء » . سوره النساء ، آیه

((اگر ترسیدید که در مورد یتیمان نتوانید دادگری کنید ، بازنان دیگری که برای شما حلالند ازدواج کنید...))

بین این آیه وحالتی که نسبت زنان بر مردان فزونی می یابد ، هیچ پیوند وربطی وجود ندارد تا مجوز قول به مقید کردن تعدد زوجات به حدودی ضرورت گردد .

به علاوه این آیه حکم جدید را بیان می کند که محدود کردن تعدد به چهار تا است .

ج) واما آیه «وان خفتم الا تعدلوا فواحدة» در استدلال بدان بر حالت سوم که تعداد زنان در جامعه از مردان کم تر می شود ودر آن حالت برای رسیدن به عدالت اجتماعی باید هر مرد به یک زن اکتفاء کند، به راستی در این تعبیر معنایی بر آیه تحمیل می شود که لفظ آیه نه به صورت لفظی ونه به صورت اشاره گنجایش آن را ندارد بلکه آیه بر این معنی دلالت دارد که هر گاه مرد خودش فهمید که نمی تواند بین دو زن یا بیشتر عدالت را مراعات دارد نباید با بیش از یک زن ازدواج نماید بدون این که محاکم قضایی حق دخالت در وضع وی داشته باشند - این امر جنبه دینی دارد و به خودش مر بوط است نه به محاکم قضایی ، آن گونه که بعضی چنین پنداشته اند .

اما ادعای شیخ عبده که تفسیر آیه تعدد را بدان شیوه به خود نسبت داده است وگمان می کند که وصی های یتیمان را از تنگنا نجات داده است به گمان وی معنی آیه چنین میشود : « وان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی » یعنی اگر بیم داشتید که در اموال یتیمان وازدواج با آنان ممکن است عدالت را مراعات ندرید ، پس از این یتیمان که دوست دارید با دوتا یا سه تا یا چهار تا ازدواج کنید بنا به پندار وی تعدد زوجات زاده ضرورت ویژه اوضاع یتیمان است وتعدد در غیر یتیمان در حالت ضرورت مشابه به قیاس بر آنان مانعی ندارد . از چند جهت به شیخ محمد عبده میتوان پاسخ رد داد:

الف) تفسیر ادعایی وی که کلمه ((النساء)) را به ((یتیمان)) تفسیر کرده است دقیق نیست ، پیش از وی جبایی از علمای بزرگ معتزله چنین گفته است وآلوسی در تفسیر خود آن را از وی نقل کرده که گفته است : ((در تفسیر آیه کریمه گفته اند که مراد از ((النساء)) یتامی است ومعنی « وان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی » یعنی اگر در باره دختران یتیمه ای که تحت سرپرستی شما هستند چنین

بیمی داشتید پس از دختران یتیم های که خویشاوند شما یند « فانكحوا ما طاب لكم من النساء» با هر کدام که دوست داشتید ازدواج کنید که جبایی چنین گفته است.^۱

حتی اگر از باب حسن ظن بپذیریم که او با جبایی اتفاق وتوارد نظر در باره یک موضوع داشته است ، باز هم چیز هایی هست که این تفسیر وتقیید به ضرورت وی را رد می کند .

ب) این تفسیر شیخ محمد شیخ عبده ترکیب آیه را آنچنان رکیک می کند که با اسلوب کلام عربی سازگار نیست ولی بایستی که این حکم به صیغه ای دیگر گفته می شد ، مانند : « وان خفتم الا تقسطوا فی الیتیمی فانكحوا ما طاب لكم منهن » وسخن خداوند از این رکاکت به دور است .^۲

ج) این تفسیر از رسول خدا ویارانش وتابعین نقل نشده است . بلکه آنچه از آنان نقل شده این است که اولیای دختران یتیمه از ازدواج با آنان که تحت سرپرستی خود شان بودند پروا می نمودند که مبدا اموال آنان با اموال خودشان مخلوط شود واز این راه گناهکار شوند که آیه برای این که آنان را از این تنگنا بیرون آورد چنین نازل شد : هرگاه از طریق ازدواج با آنان بیم چنین گناهی داشتید ، با زنان دیگر که بسیارند ودوست دارید ازدواج کنید. پس تعدد را برابر شرایط تا چهار تا برای آنان مباح کرد و روایت عروه بن زبیر رضی الله عنه که درصاح آمده است ، مؤید این تفسیر است .عروه در باره این آیه از خاله اش ، عایشه رضی الله عنها سؤال کرد که به وی چنین جواب داد: ای پسر خواهرم .. عروه گفت : سپس حضرت عائشه گفت : مردم بعد از نزول این آیه از رسول خدا صلی الله علیه وسلم در باره دختران یتیمه استفتاء کردند که خداوند چنین نازل کرد :^۳

« وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا

تُؤْتُوهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ » سورة النساء ، آیه ، ۱۲۷

((درباره زنان از تو طلب فتوی می کنند . بگو: خداوند جل جلاله در باره آنان به شما فتوی می دهد ونیز درباره آنچه درقرآن کریم بر شما تلاوت می شود : درمورد زنان یتیمی که حق مقرر آنان را نمی دهید وتمایل ازدواج با آنان را دارید.))

^۱ - روح المعانی ، ۱۹۴/۴

^۲ - المرأة فی الاسلام ، ص ۱۴۹

^۳ - شرح نووی بر مسلم ج۱۸ص۱۵۴ ، عمده القاری شرح بخاری ، ج ۱۸ص ۱۶۳

د) اما درباره شرط ضرورت مباح بودن تعدد زوجات، این قید از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم واصحاب کرام و تابعین رحمهم الله نقل نشده است. علی رغم این که آنان به تعدد زوجات مبادرت می کردند چون مسائل حساسی وجود داشت که تعدد زوجات را تقاضا می کرد و این مسائل حساس را اسرار نهانی تلقی می کردند و هر گز با افشای آنها مبادرت نمی کردند. مانند عیوبی که درهمسر وجود داشت که شوهر یا همسر اجازه تحقیق و تفحص در آن را نمی داد ولیکن اگر برای تعدد قیودی وجود داشته باشد باید محاکم قضایی در سلب آزادی ازدواج و به هدر دادن اراده انسانی مرد وزن دخالت کنند.^۱

حتی اگر به عنوان مجادله بپذیریم که این دخالت برای دفع ظلم از زن است چگونه قاضی می تواند آن را تشخیص دهد؟! چه بسا ممکن است که زن ظالم باشد و مرد با تعدد می خواهد این ظلم را از خود دفع کند، قاضی از کجا این مسئله را بفهمد؟ این مسائل تنها در صلاحیت زن و شوهر است و کریمان بر اسرار خانه خویش امین اند.^۲

ه) تفسیر آیه به قول شیخ محمد عبده برای بیرون آمدن اوصیاء از گناه اختلاط با دختران یتیمه نیز سالم نیست چون ممکن است که ولی یتیمه به وی میلی نداشته باشد یا یتیمه میلی به ازدواج با ولی خود نداشته باشد و شاید ازدواج ولی با وی مصلحت نباشد یا ممکن است جمع بین دختران یتیمه جایز نباشد یا جمع کردن یکی از آنان با همسرش جایز نباشد و یا ممکن است که بیش از چهار تا ازدواج کند، به هر حال صورت های متعددی وجود دارد که با این تفسیر سازگار نیست و محال است که خداوند جل جلاله حکمی نازل کند که در تطبیق آن فایده ای وجود نداشته باشد یا به خاطر این مسائل درست نباشد

باز بینی دلایل گروه دوم (منع تعدد زوجات بطور مطلق)

الف) ادعای صورت تدریجی تعدد زوجات باطل است، چون دو آیه کریمه «فانکحوا ما طاب لکم من النساء» و «ولن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء...»

^۱ - الکبیری احکام الاحوال الشخصیه ج ۱ ص ۹۸

^۲ - همان منبع فوق ج ۱ ص ۹۹

به یک باره در ضمن سوره نساء نازل شده اند؛ چون حضرت عائشه رضی الله عنه گفته است سوره نساء زمانی نازل شده است که من در نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم وبه خانه وی رفته بودم و بدیهی است که پیامبر صلی الله علیه وسلم و یاران وی در تعدد به صورت تصاعدی پیش از نزول این آیات در عمل به تعدد زوجات، استمرار داشتند.^۱

آیه تعدد و چند همسری خود دلالت دارد بر این که در صدد پدید آوردن یک حکم اسلامی تازه ای است که عبارت است از مباح بودن تعدد تا چهار تا و مقید کردن به مراعات عدالت که آن هم به اقدام کنندگان به تعدد واگذار شده است و بین این دو آیه و آیات تحریم خمر که نزول تدریجی داشتند هیچ گونه شباهت وجود ندارد تا تعدد زوجات نیز به قیاس بر خمر تحریم گردد!!.

علاوه بر این اگر تحریم تدریجی می شد باید کسانیکه چند همسر داشتند مأمور به تفریق می شدند.
(ب) ادعای منافات بین آیه تعدد و آیه تفسیر کننده ازدواج:

« وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ » سوره روم ، ۲۱

ادعایی است دور از صواب چون این ادعا موجب تناقض از جانب خداوند کریم می شود نعوذ بالله . خداوند جل جلاله از این منزه است و قرآن کریم خود در باره آیات می گوید : « إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ » سوره فصلت ، آیه ، ۴۱-۴۲

((کسانیکه باین قرآن - چون برای شان رسید - کفر ورزیدند ، به کیفر خود می رسند . به راستی که آن کتابی ارجمند است . از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمی آید و نامه ای است از حکیم ستوده .))

سپس باید دانست که مودت بین زوجین که در آیه آمده است آن نیست که به هم بچسبند و همدیگر را در بغل بگیرند و دست در دست و بازو به بازو در معرض دید مردم در جاده ها راه بروند، این کارها ، کارانسانهای بی آرزن^۲ و حیا است ، این گونه اشخاص همچون چهار پایانند بلکه گمراه ترند . مودت

^۱ - قرطبی ج ۵ ص ۱۰۱
^۲ - امید ، آرمان . فرهنگ عمید

زوجین عبارت است از زندگی مساعدت آمیز و همکاری و همیاری در زیر سقف خانه زناشویی و به قول عمر بن خطاب رضی الله عنه حتی اگر همدیگر را دوست نداشته باشند باید بدان تظاهر کنند.^۱ اما کسانی که نقض در آیات قرآنی می جویند، این نقض را باید در خود بجویند.

ج) ادعای پدیده موقتی کاهش شمار مردان از زنان چندان طول نمی کشد و سخنی است که آمارهای دقیق دولت های جهان آن را تکذیب می کند، از جمله در سال ۱۹۶۰ در مصر شمار دختران شوهر نکرده و بیوه زنان مطلقه بیش از دو میلیون و دوصد و پنجاه هزار مؤنث بالای شانزده سال بود، علی رغم این که نه جنگی در کار بود و نه حوادثی که مردان را تلف کند و زنان را باقی بگذارد؟!^۲ لذا مصلحت عمومی اقتضاء دارد که تعدد زوجات باشد تا این تعداد افزایش اگر بخواهند با ازدواج سعادت خود را بیابند.

د) ادعای این که عامل افزایش زنان عدم میل و رغبت جوانان به ازدواج است چون مهریه ها سنگین است و جوانان دسترسی به وسائل رفاهی و مال و ثروت ندارند و ازدواج بدون آن صورت نمی گیرد، این ادعا نیز درست نیست بلی عدم میل جوانان به ازدواج، پدیده خطرناکی شده است و گرانی مهریه ممکن است یکی از عوامل آن باشد ولی این افزایش در اصل یک حقیقت ثابت است و ربطی بدان ندارد.

دکتر مصطفی سباعی می گوید: « یکی از پزشکان زایشگاه هلسنکی به من گفت: از هر چهار طفلی که متولد می شوند یک پسر و بقیه دختر اند.». ^۳

و بر کسی پنهان نیست که آسیاب جنگ و خطرات کار و سفرها و مشقتهای زندگی بیشتر بروی مردان می چرخد نه بر زنان بیشتر قربانیان و آسیب دیدگان بر صفوف مردان بوقوع می پیوندد. ادعای نویسندگان معاصر که پیرامون تحریم تعدد زوجات به آیه: « ولن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء ولو حرصتم فلا تمیلوا کل المیل فتذروها کا المعلقة وان تصلحوا وتتقوا فان الله کان غفوراً رحیماً».

سورة النساء، آیه، ۱۲۹

^۱ - نداء للجنس الطیف، ص ۱۵

^۲ - رسالت تعدد زوجات، ص ۱۷۱

^۳ - المرأة بین الفقه والقانون، ص ۸۱

استناد می کنند ، استدلال خوبی نیست وبا این فهم و استدلال خود می خواهند نظام غربی را بر قواعد اسلامی غالب نمایند و برای ارضای اربابانشان می خواهند قواعد اسلامی را تابع نظام های غربی نمایند ، ولیکن این تلاشها بی فایده است چون خداوند می فرماید : « وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ » . سورة بقره ، آیه ، ۱۲۰

((هرگز یهودیان و مسیحیان از تو راضی نمی شوند مگر تا از آیین آنان پیروی کنی))

دلایل تحریف و خطای ادعای آنان به شرح ذیل است :

۱. مراد از عدالت در آن دوآیه شریفه با هم فرق دارند ، چون مراد از عدالت مطلوب در آیه اولی عدالت مادی است از قبیل مسکن ، بهره زندگی و شب خوابگی و لباس و طعام و امثال آن و این چیزی است که انسان اگر بخواهد می تواند آن را مراعات کند پس دیانت به وی حکم می کند که در حال تعدد این عدالت را بر پا دارد و این حکم دین است نه قضاوت .

درحالیکه مراد از عدالت درآیه دوم که استطاعت آن از مرد نفی شده است ، عدالت معنوی است که عبارت است از محبت درونی و بهره قلبی و جماع و آمیزش و خداوند جل جلاله درآیه دوم حالت بشر را توصیف کرده است که بحکم آفرینش نمی تواند میل قلبی خود را از یکی بدیگری منصرف نماید .

لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم گفت : « اللهم هذا قسمی فیما املک فلا تلمنی فیما تملک ولا املک »^۱.

((خداوند! این شیوه ای رفتار من است بازنانم در آنچه که در اختیار من است (عدالت بمعنی اولی) پس مرا ملامت نکن بر چیزی که تو مالک آن هستی و در اختیار من نیست (عدالت بمعنی دوم).))

پس آنچه که مربوط به وجدان ، قلب و روح است در اختیار انسان نیست^۲.

۲. اگر خداوند میگفت : «ولن تستطيعوا ان تعدلوا بین النساء ولو حرصتم» و چیزی بدان نمی افزود پندار این گروه صحیح بود ، ولی خداوند بدان افزوده است :

^۱ - قرطبی ۴۰۷/۵ ، روح البیان ، ۲۹۷/۲

^۲ - المرأة فی الاسلام ، ص ۱۳۹

«فلا تمیلوا کل المیل...» پس می دانیم آنچه که درآیه شریفه نفی شده استطاعت عدالت کامل است که مرد دین دار و متقی بر آن حریص است که از جمله «ولو حرصتم» پیدا است؛ یعنی اگر حریص هم باشند نمی توانند عدالت کامل را مراعات دارند پس خداوند مراد از عدل در این آیه را برای مردم بیان فرموده است و گفته است که انسان فرد کاملی نیست که بتواند تمام اعمال دین و جوارح را در اختیار داشته باشد و آن از استطاعت بشر خارج است و خداوند جل جلاله تکلیف مالا یطاق نمی کند و هر کس به اندازه وسع خود مکلف است.^۱

۳. اگر مراد از: «ولن تستطیعوا» برابر پندار این گروه منع تعدد زوجات بود؛ دیگر برای: «فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی وثلاث ورباع» معنایی باقی نمی ماند و هیچ فایده نداشت، بلکه بهتر بود که تعدد در اول از آن منع میشد نه اینکه مباح شود سپس شرط محال و غیر قابل تحقق برای آن ذکر گردد، چون این کلام لغو و تعبیر سست و عبث خواهد بود. که هیچ عاقلی آنرا نخواهد گفت!! تاچه رسد به کلام خداوند کریم که در قله فصاحت و بیان است.^۲

۴. آیه دوم برعکس پندار این گروه بر تخفیف شروط و آسان گیری بر مردم دلالت میکند، چون از آیه اولی: «فان خفتم...» فهمیده می شود که مراعات عدالت بین زوجات واجب است و به ذهن مردم متبادر میشود که مراد عدالت کامل است چه در آنچه که در اختیار مردم است و چه در آنچه که در اختیار مردم نمی باشد لذا مومنان در تعدد احساس می کردند که باید به چیزی پایبند شوند که در اختیار آنان نمی باشد پس در تعدد بیم وقوع در گناه می کردند آیه دوم آمد تا این احساس را از آنان دور کند که از آیه اول فهمیده بودند. گویا اینکه به آنان گفته شده: عدالتی که مراعات باید کرد همان عدالتی نیست که شما تصور کرده اید و از آن به تنگ آمده اید و در تعدد احساس گناه می کنید، تعددیکه خدا برایتان مباح کرده و به وسیله آن کار را بشما آسان کرده و برایتان گسترش حال قایل گردیده است، بلکه مراد آن است که به هنگام تعدد بکلی به یکی از زنان میل نکنید و آنهای دیگر را بکلی معلق بگذارید و تعطیل کنید.^۳

^۱ - تفسیر المنار، ج ۵، ص ۴۴۹

^۲ - المرأة بین الفقه والقانون والاسلام عقیده و شریعة، ص ۲۰۱ والمرأة فی الاسلام، ص ۱۴۱

^۳ - الاسلام عقیده و الشریعة منبع فوق

ترجیح رای برتر :

از خلال عرضه آراء مختلف و بررسی و باز بینی دلائل آنها چنین پیداست که رای سوم که تعدد زوجات را مقرون به شرط مراعات عدالت و قدرت بر انفاق و تحقق مصلحت، باقی و جایز می دانند ، همان گونه که علمای امت اسلامی فهمیده اند و نسل اندر نسل آن را به ارث برده اند، برای بسیاری از مشکلات اجتماعی خانواده مسلمان که قبلاً به برخی از آنها اشاره شد تنها راه حل سالم است .

اما ادعای جواز الغاء تعدد زوجات یا تفسیر آن به عنوان یکی از آثار باقیمانده عصر جاهلی که اسلام به تدریج در صدد الغاء آن بوده است ، یا تلاش برای الغای آن با استدلال به قرآن کریم و یا منحصر کردن آن به دختران یتیمه با انگیزه ضرورت و قیاس حالات مشابه بر آن ، تمام این پندار ها از روح اسلام به دور است و همچنین از فهم و تطبیق و اجرای آن به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم واصحاب و تابعین و امت اسلامی در تمام اعصار نیز به دور است بلکه این ادعا ها موجب تخطئه رسول اکرم صلی الله علیه و سلم واصحاب و تابعین و همه امت اسلامی در ادوار بعدی می شود و تلاشی است جدی برای فرو ریختن یکی از پایه های اسلام ، به خاطر ارضاء غربیانی که روزگاری بر امت اسلامی سیادت داشته اند به راستی این گونه افکار و ادعاها به اعتبار این که از آثار باقیمانده تهاجم فکری و استعماری سرزمین های اسلامی است ، سزاوار آن است که برای همیشه به گور سپرده شود برعکس این ادعا ها، اغلب کشورهای اسلامی از کمبود جمعیت برای آبادانی و بهره گیری از ثروت های نهانی خود ، شکوه دارند . گذشته از آن برابر سرشماری سال ۱۹۶۰ در کشور اسلامی مصر آمار کسانی که از تعدد و چند همسری استفاده کرده اند از ۴٪ نگذشته است .^۱

اما ادعای این که تعدد زوجات سبب ولگردی و آوارگی می شود، آمار دقیق اسباب و عوامل آوارگی را تکذیب می کند.^۲

بنا بر این بعضی از کشورهای اسلامی بر عکس آن نیازمند وجود قوانینی هستند که تعدد زوجات را تشویق کند و کسانی را که بر آن قادرند و مصلحتشان ایجاب می کند ، بدان کار برانگیزد ، مانند

^۱ - اسباب تعدد الزوجات ، ص ۱۸۸

^۲ - المرأة بین الفقه والقانون ، ص ۹۱-۹۲

دولت های عربی خلیج فارس که ثروت و دارایی فراوان و جمعیت اندک دارند ، بلکه وظیفه دولت های اسلامی است که برای کسانی که در حدود مقررات شریعت اسلامی اقدام به تعدد زوجات می کنند، تسهیلات معیشتی و سکونتی قائل شوند و همچنین برای فرزندان شان چون به هر حال ثروت کشورهای اسلامی هستند ، به ویژه کشورهای اسلامی که در محاصره کشورهای کافر و دشمن هستند که از نظر جمعیت و تجهیزات بر آنان برتری کامل دارند و معلوم است بهترین و معقول ترین وسیله ای است که اسلام آن را برای رویاروی با این ظروف و مقتضیات و شرایط و احوال آن را مباح کرده است .

خاتمه

ازدواج یک امر حقوقی و اخلاقی مهمی در جوامع بشری است بناءً به باور های اجتماعی ارزش ازدواج متفاوت می باشد جامعه ما که یک جامعه مسلمان است بنابراین ارزش ازدواج و اهمیت ازدواج به عنوان نخستین نهاد زندگی اجتماعی و انسانی از نظر اسلام تعریف شده است که در قانون مدنی کشور تبارز یافته و حدود گذاری شده است قرآن کریم می فرماید : **وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ** آیه ۲۱ سوره روم از نشانه های او این است که برای شما از خودتان جفتهای آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و مهربانی نهاد همانا در این ها نشانه های است برای مردمی که می اندیشند، ازدواج و تشکیل کانون گرم خانواده نیاز فطری است که میتواند از زیباترین لحظات زندگی زنان و مردان باشد فرصت ازدواج و آرام گرفتن در یک مجموعه ای خانواده یکی از فرصتهای مهم زندگی است برای زن و مرد و این یک وسیله ای آرامش و آسایش روحی و وسیله ای دلگرم شدن به تداوم فعالیت زندگی است وسیله تسلی و وسیله ای پیدا کردن یک غم خوار نزدیک که برای انسان در طول زندگی لازم است مسأله از دواج و تشکیل خانواده در شرع مقدس امر بسیار مهمی است. درین شکی نیست که کثرت ازدواج باعث کثرت فواید است و این فواید در تعدد زوجات بدست می آید و فواید بسیاری هم دارد اما مهمترین فایده و هدف ازدواج عبارت است از تشکیل خانواده نفس این حلقه زوجیت و تشکیل یک

واحد جدید مایه آرامش زن و مرد و مایه کمال و اتمام شخصیت آنهاست پس از ذکر مهمترین فایده و هدف ازدواج به بیان برخی فواید آن می پردازیم

فواید ازدواج

۱- نیل به آرامش و سکون: آیه شریفه که در ابتدای بحث ذکر شد، به خوبی به این نکته اشاره میکند که در اثر ازدواج است که انسان به سکون و آرامش می رسد ازدواج به تشکیل خانواده موجب انس و الفت دوانسان با یکدیگر و راحتی روانی و نجات از تلاطم های روحی و اضطراب های زندگی است .

۲- تامین نیاز های جنسی: انسان دارای مجموعه ای نیازها و غریزی است که عدم ارضاء و نقص در ارضای هر کدام از این غرایز ایجاد تزلزل در شخصیت او را موجب می شود.

۳- تولید نسل و بقای نسل: وجود فرزند مایه حیات زندگی و بقای نسل و گرمی و پویایی و صفای کانون خانواده می شود.

۴- رشد و تکامل استعداد: قبول مسؤلیت ازدواج و تشکیل خانواده کار و تلاش در جهت رفع نیازهای اعضای خانواده و همگی موجبات تکامل بیشتر انسان را فراهم می آورد. تشکیل خانواده یعنی یک نوع علاقه مند شدن به سرنوشت دیگران، ازدواج اولین مرحله خروج از خود طبیعی و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است... پختگی ای که در پرتو ازدواج و تشکیل خانواده ایجاد می شود در هیچ جای دیگر نمی توان به آن رسید و آن را فقط در ازدواج و تشکیل خانواده باید بدست آورد.

انسان مجموعه ای از استعداد ها و توانائی های بالقوه است و ازدواج زمینه ای مناسب برای شکوفایی این توانمندی هاست استعداد های از قبیل عشق ورزیدن، بدست آوردن معاش، مدیریت خانواده، استقلال و خود کفائی جمع گرایی و یکجاشدن، خروج از خود پرستی و خود دوستی و درسایه ازدواج در حد عالی به کمال خواهید رسید بعنوان مثال، تا وقتی انسان صاحب فرزند نشده است بمعنی حقیقی عشق ورزی و کمک به هم نوع از خود گذشتگی را نمی چشد انسان تا وقتی ازدواج نکرده بیشترین توجه اش به خود و خواسته های شخصی اش می باشد ولی با ازدواج از فرد گرایی خارج شده توجه اش بیشتری به جمع می کند.

خلاصه مطالب و نتیجه

از مطالبی که در صفحات گذشته بدانها اشاره شد نتیجه میگیریم که تعدد زوجات میان ملت‌ها و ادیان سماوی، قبل از آمدن اسلام بدون حد و ضابطه وجود داشته و دین اسلام مبتکر آن نبوده، و چون دریافتیم که در هر زمانی بنا بر حکمت‌های متعدد و دلایل که ذکر شد و همچنان نظریه اینکه عدد زنان بیشتر به عدد مردان است، اسلام برای رعایت زنان با وجود یک سلسله شرایط و ضوابط که قرارداد است آنرا تایید مینماید و بعنوان یک راه حل و تکلیف سیاسی و اجتماعی در شرایط مخصوص به تعدد زوجات مینگردولی هرگاه شرایط آن متحقق نگردد مانع آن میباشد همینگونه از تعدد زوجات حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم نتیجه میگیریم که رسول الله صلی الله علیه و سلم خیلی مبری است از آن تهمت‌هایی که دشمنان اسلام به شخصیت بزرگ آن وارد مینمایند. و از ذکر حکمت‌ها و فلسفه‌های که در تعدد زوجاتش توضیح داده شده در میابیم که تعدد زوجاتش ناشی از دلسوزی و رحم و مهربانی اوست نسبت به جامعه و مستضعفین همچنان که خداوند جل جلاله در وصف او میفرماید.

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ. سوره توبه آیه ۱۲۸ ترجمه: بی گمان پیغمبر محمد صلی الله علیه و سلم از خود شما انسانها بسوی تان آمده است هرگونه درد ورنج و بلا و مصیبت که بشما برسد بر او سخت و گران می آید به شما عشق میورزد و اصرار به هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان دارای محبت و لطف فراوان و بسیار مهربان است. و معلوم شد که اگر پیغمبر صلی الله علیه و سلم مرد شهوانی و تابع لذات میبود میبایست که در دوران جوانی شروع به تعدد زوجات میکرد در حالیکه در دورانی به این کار شروع مینماید که به سن پیری رسید و آدم عاقل و باانصاف هیچ گاه مسأله شهوت را در آن مشاهده نمیکند البته بازنه‌ای که آنها هم به سن پیری رسیدند و همگی بالای پنجاه سال بودند به جزء حضرت عایشه رضی الله عنها. آری پیغمبر صلی الله علیه و سلم بری است از تهمت‌های که به شخصیت آن بزرگوار وارد میکنند همچنین کلیه برنامه‌ها و قوانین که از طرف خداوند جل جلاله برای تامین منافع بشریت در دنیا و آخرت آورده است قابل نقد نیست. چه خوش شاعری میفرماید:

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیبی که هست در مسلمانان ماست
پس اصل و متن دین قابل نقد نیست و اگر نقدی باشد از عملکرد مسلمانان است و صلی الله تعالی علی
خیر خلقه محمد و علی آله و اصحابه اجمعین.

پیشنهادات

در پایان این تحقیق و جزوه کوچک راجع به تعددزوجات پیشنهادات مختصری دارم آرزومندم خوانندگان محترم توجه خویش را بدانهامعطوف بدانند.

(۱) باتوجه بااهمیت این موضوع، نمایندگان محترم ملت در مجلسین شورای ملی باید همواره تلاش کنند تاموادقانون مدنی وقانون منع خشونت علیه زن که مشکل دارند هرچه زودتر از طریق طرح تعدیل توسط اعضای شورای ملی آنرا تعدیل نمایند.

(۲) ازمسؤولین محترم وزارت های معارف وتحصیلات عالی کشور تقاضی دارم تاایشان درنصاب تعلیمی وتحصیلی به خصوص درمضمون فقه، موضوعات چون حکمت وفلسفه تعددزوجات، فلسفه تفویض طلاق به مردان، حقوق زن دراسلام وامثال آنرا به اندازه وسیع جابجاکنند تاباشد فرزندان این کشوربه شبهات واشکلات بی اساس دشمنان اسلام پاسخ داشته باشند، وحکمت وفلسفه همچوموضوعات را بخوبی بدانند.

(۳) امامان مساجد ومعلمین مکاتب مکلفیت دینی ومیهنی داشته تاموضوع تعددزوجات، فلسفه وحکمت آن، ورد اشکال وشبهات دشمنان اسلام را درخطبه های نمازجمعه ودروس به سمع شاگردان عزیزومردم نجیب کشوربرسانند تاآنان در دسیسه ها وتوطئه ها دشمنان اسلام که تحت نام جندرپخش میکنند فریب نخورد.

(۴) ازهمه رسانه های چاپی، صوتی، تصویری دولتی وخصوصی کشور تقاضا دارم تابجای پخش نشرات مخالف موازین اسلامی، مفهوم صحیح وشرعی تعددزوجات وچندهمسری وموضوعات مربوط حقوق زن درآئینه اسلام رابه سمع مردان وزنان برسانند.

(۵) بحث عدالت دربین همسران یکی ازمهمترین موضوعات موجود دربحث تعددزوجات است بااطلاع رسانی درست متیوانیم افراد را آگاه سازیم که عدالت برقرارکردن بسیارکار دشوار است. وهرگاه آنان نمیتوانند عدالت را برقرارکنند، ازتعددزوجات جداً خود داری کنند چنانچه با اطلاع رسانی درست وبموقع میتوان جلو چندهمسری های نادرست وغیرشرعی را گرفت.

۶) درباره ازدواج درست میشود که وزارت امورزنان برنامه های آموزشی وکنفرانس ها را راه اندازی نماید. که ازدواج درست وعدالت برقرارکردن بین همسران به چه معنی است وچگونه میشود یک ازدواج موفق باشد.

۷) افرادی که فکر میکنندچندهمسری را اسلام رواج داده است میتوان برای بلند بردن سطح دانش آنان درخصوص موضوعات اسلامی ، فلسفه تک همسری وچندهمسری دراسلام ونظراسلام وپیامبرصلی الله علیه وسلم درین باره به آنان توضیح داد تلاش وسیعی دولت باید غرض بالابردن سطح آگاهی مردم نسبت به ازدواج درست وصحیح باشد.

خدایاتوان کن که پایان کار توخشنودباشی ومارستگار

وصلی الله تعالی علی خیرخلقه محمد وعلی آله واصحابه اجمعین. برحمتک یارحم الراحمین.

فهرست آیات شریفه

شماره	لفظ آیه شریفه	آدرس آیه شریفه	صفحه
۱	وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُفْسِدُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا	سوره نساء آیه ۳	۲۶
۲	: (وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُضِلُّوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا.	سوره نساء آیه ۱۲۹	۲۷
۳	وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا)	بخشی از آیه ۲۷ سوره حدید	۴۰ و ۳۹
۴	إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجَلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ؛	بخشی از آیه ۵۴ سوره بقره	۴۲
۵	وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا	بخشی از آیه ۱۴۳ سوره بقره	۴۲
۶	وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا	سوره اسراء آیه ۸۲	۴۵
۷	ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ؛	سوره روم بخشی از آیه ۴۱	۵۴ و ۵۳
۸	وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ.	بخش از آیه ۱۹ سوره نساء	۷۴

		١٥٨	
٧٥	سوره نساء آیه ١٢٩	وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَضْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ	٩
٧٦	//	وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَضْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُضِلُّوهَا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا رَحِيمًا. آیه ١٢٩ سوره نساء	١٠
٨٤	سوره توبه آیه ٣٢	يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ	١١
٨٥	سوره كهف آیه ٥	كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا	١٢
٨٩	سوره احزاب بخش آیه ٥	ادْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ	١٣
٩٠	سوره احزاب آیه ٣٧	وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَصَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا	١٤
٩٥	بخشی از آیه ١٥ سوره اسراء	(وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى)	١٥
٩٦	سوره احزاب آیه ٣٧	وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَصَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا	١٦

		١٥٩	
١١٠	آيه ٣ سورة نساء	وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُفْسِدُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَنِّي وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا .	١٧
١١٥	سوره بقره آيه ٢٨٥	لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا	١٨
١٢٧	سوره نساء آيه اول(١)	يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا	١٩
١٣١	سوره روم آيه ٢١	وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ	٢٠
١٤٤	سوره نساء آيه ١٢٧	وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُنلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ	٢١
١٤٦	سوره فصلت آيه ٤١-٤٢	إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ	٢٢
١٤٨	سوره بقره آيه ١٢٠	وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ	٢٣

فهرست أحاديث شريفه وأثار جليله

شماره	لفظ	صفحه
١	عن ابن عمر: أن غيلان بن سلمة الثقفي أسلم وله عشر نسوة في الجاهلية فأسلمن معه فأمره النبي صلى الله عليه وسلم أن يتخير أربع منهن	٢٨
٢	عن قيس بن الحارث قال: أسلمت وعندى ثمان نسوة. فأتيت النبي صلى الله عليه وسلم فقلت ذلك له . فقال (اختر منهن أربعاً)	٢٨
٣	عن سعيد بن جبير قال: قال لي ابن عباس رضى الله عنه هل تزوجت؟ قلت: لا، قال فتزوج، فإن خير هذه الأمة أكثرها نساءً	٢٩
٤	عن انس رضى الله عنه قال. كان رسول الله صلى الله عليه وسلم ، يأمرنا بالبراءة، وينهانا عن التَّبَتُّلِ نهياً شديداً ويقول. تزوجوا الودود الودود فاني مكاثركم بالامم يوم القيامة.	٦٠
٥	(الراحمون يرحمهم الرحمن ارحموا من فى الارض وفى رواية اهل الارض يرحمكم من فى السماء)	٦٢
٦	عين سهل بن سعد رضى الله عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال أنا وكافل اليتيم فى الجنة هكذا وقال باصبعه السبابة والوسط	٦٦
٧	عن محمد بن أبى سويد رضى الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم - قال لغيلان بن سلمة رضى الله عنه حين اسلم وتحتة عشرين نسوة «اختر منهن أربعاً وفارق سايرهن»	٦٨
٨	عن نوف بن معاوية رضى الله عنه قال: اسلمت وتحتى خمس نسوة فسألت النبي صلى الله عليه وسلم فقال فارق واحدة وأمسك أربعاً	٦٨
٩	قال رسول الله صلى الله عليه وسلم "يا معشر الشباب من استطاع منكم الباءة فليتزوج فإنه أغض للبصر وأحصن للفرج ومن لم يستطع فعليه بالصوم فإنه له وجاء	٦٩

٦٩	عن جابر بن عبد الله رضى الله عنهما قال فخطب الناس وقال: (... فأتقوا الله فى النساءِ فانكم أخذتموهن بأمان الله واستحللتم فروجهن بكلمة الله ولكم عليهن أن لا يوطئن فرشكم أحداً تكرهونه. فإن فعلن ذلك فاضربوهن ضرباً غير مبرح ولهن عليكم رزقهن وكسوتهن بالمعروف..	١٠
٧٠	عن معاوية بن حيدة رضى الله تعالى عنه قال: قلت: يا رسول الله صلى الله على وسلم ما حق زوجة احدنا عليه؟ قال: "ان تطعمها اذا طعمت، وتكسوها اذا اكتسيت ولا تضرب الوجه، ولا تقبح، ولا تهجر ألا فى البيت" حديث حسن رواه ابو داود وقال: "لا تقبح" أى: لا تقل قبحك الله	١١
٧٠	اذا كان عند الرجل امرأتان فلم يعدل بينهما جاء يوم القيامة وشقه ساقط	٧٠
٧٣	عن معاوية بن حيدة عن ابى هريرة رضى الله تعالى عنه عن النبى صلى الله عليه وسلم قال اذا كان عند الرجل امرأتان فلم يعدل بينهما جاء يوم القيامة وشقه ساقط	١٢
٧٤	عن ابى هريرة رضى الله تعالى عنه عن النبى صلى الله عليه وسلم قال من كانت له امرأتان فمال الى احدهما جاء يوم القيمة وشقه مائل	١٣
٧٥	عن عائشة رضى الله تعالى عنها زوج النبى صلى الله عليه وسلم قالت كان رسول الله صلى الله عليه وسلم اذا اراد سفرأ اقرع بين نساءه فأيتهن خرج سهمها خرج بها معه وكان يقسم لكل امرأة منهن يوماً وليلتها غير أن سودة بنت زمعة وهبت يوماً لعائشة	١٤
٧٦	عن عائشة رضى الله عنها قالت كان رسول الله صلى الله عليه وسلم يقسم فيعدل ويقول اللهم هذا قسمى فيما أملك فلا تلمنى فيما تملك ولا أملك	١٥
٨٣	التمسو الرزق فى النكاح	١٦
٨٥	عن جابر بن عبد الله رضى الله عنه قال تزوجت امرأة ثيباً فقال لى رسول الله صلى الله عليه وسلم "يا جابر تزوجت" قال قلت نعم. قال "فبكر ام ثيب" قال قلت	١٧

	١٦٢	
	بل ثيب يارسول الله صلى الله عليه وسلم. قال "فهلا جاريةً تلاعبها وتلاعبك" او قال "تضاحكها تضاحكك	
١٨	عن عائشة رضى الله تعالى عنها ان امرأةً سألت النبي صلى الله عليه وسلم عن غسلها من المحيض؟ فأمرها كيف تغتسل، قال: خذي فرصة من مسك فتطهري بها، قالت: كيف اتطهر؟ قال تطهري بها، قالت كيف؟ قال: سبحان الله تطهري، فاجتذبتها اليّ فقلت: تبتغي بها اثر الدّم	
١٩	عن عبد الله بن عمر رضى الله عنهما أن زيد بن حارثة مولى رسول الله صلى الله عليه وسلم، ما كنا ندعوه الا ابن محمد صلى الله عليه وسلم حتى نزل القرآن: {ادعوهم لآبائهم هو اقسط عند الله	
٢٠	لا ضرر ولا ضرار	١٢٦
	لا يزال طائفة من امتي ظاهرين حتى تاتيهم الساعة وهم ظاهرون	١٤٠
٢١	ان امتي لا تجتمع على ضلالة	١٤١

فهرست اعلام

۱۲.....	سید قطب.....
۲۰.....	دکتور مصطفی سباعی.....
۲۱.....	زکی علی السید.....
۲۲.....	پولس یابولس.....
۲۲.....	وسترک مارک.....
۲۳.....	مورمونی ها.....
۲۷.....	عبدالله ناصح علوان.....
۲۷.....	داکتر مصطفی خرم دل.....
۶۲.....	دکتور عبدالناصر توفیق عطار.....
۶۳.....	آزدخت.....
۶۵.....	مرتضی مطهری.....
۶۵.....	منتسکیو.....
۶۵.....	گوستالوبون.....
۷۳.....	الکاسانی.....
۷۸.....	محمد ابوزهره.....
۸۰.....	علامه طباطبائی.....
۸۴.....	محمد علی صابونی.....
۸۷.....	فاروق فرساد.....
۱۰۱.....	محمد علی البار.....
۱۰۲.....	ابوالاعلی المودودی.....
۱۱۷.....	شیخ محمد شلتوت.....
۱۱۷.....	معتزله.....
۱۲۴.....	محمد عبده.....
۱۲۹.....	طاهر الحداد.....

فهرست مصادر ومراجع

١. القرآن الكريم
٢. ابو عبدالله محمد بن اسمعيل البخارى رحمه الله مؤلف صحيح البخارى المحقق محمد زهير بن ناصر، الناشر دارالطوق النجاة الطبعة الاولى ١٤٢٢ هـ ق عدد ج ٩
٣. ابو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم رحمه الله القشيري النيسابوري، مؤلف الجامع الصحيح المسلم، الناشر دارالجيل بيروت، دارالافاق الجديدة بيروت عدد الاجزاء ثمانية اجزاء فى اربع مجلدات.
٤. ابو داؤد سجستاني رحمه الله سليمان بن الاشعث ابوداؤد السجستاني الازدى ، صاحب سنن ابى داؤد، الناشر دارالفكر تحقيق محمد محى الدين عبدالحميد عدد اجزاء ٤.
٥. ابو عيسى الترمذى السلمى رحمه الله صاحب الجامع الصحيح سنن الترمذى ، محمد بن عيسى الترمذى، الناشر دار احياء التراث العربى بيروت تحقيق احمد محمد شاكر وآخرون رحمهم الله عدد الاجزاء ٥.
٦. احمد بن شعيب ابو عبدالرحمن النسائى رحمه الله المجتبى من السنن صاحب سنن النسائى الناشر مكتب المطبوعات الاسلاميه حلب، الطبعة الثانية ١٩٨٦ تحقيق . عبدالفتاح ابو غده عدد الاجزاء ٨ .
٧. ابن ماجه ، محمد بن يزيد ابو عبدالله القزوينى رحمه الله صاحب سنن ابن ماجه الناشر دارالفكر بيروت ، تحقيق محمد فواد عبد الباقي عدد الاجزاء ٢.
٨. الدكتور مصطفى سباعى رحمه الله مؤلف كتاب المرأة بين الفقه والقانون نوبت چاپ هفتم ، سال ١٤٢٠ هـ ق ١٩٩٩ م. ناشر مكتبة الوراق.
٩. الدكتور زكى على السيد ابو غده رحمه الله صاحب كتاب المرأة فى اليهودية والمسيحية والاسلام چاپ ١-٢٠٠٣ م مكتبه دارالوفا.
١٠. السائس ، آيات الاحكام، جلد اول ص ٣٦٦
١١. الدكتور سيد نورجيه صاحب كتاب الاسلام والنصرانية فى اواسط الافريقية ، ، ص ٩٢-٩٨.

١٢. المغنى فى فقه الامام احمد بن حنبل الشيبانى ، المؤلف عبدالله ابن احمد بن قدامة المقدسى صاحب كتاب
١٣. الدكتور عبدالله طيار، صاحب كتاب العدل فى التعدد بين الزوجات ، ازمكتبه شامله .
١٤. ابو محمد، الناشر دارالفكر - بيروت الطبعة الاولى ، ١٤٠٥ ، عدد الاجزاء ١٠.
١٥. الفقه على مذاهب الاربعه،
١٦. الدرالمختار .
١٧. انجيل متى ، جلد ٥ ص ١١
١٨. ابن حجرعلى بن احمد بن حجرالعسقلانى رحمه الله: صاحب كتاب فتح البارى ، ج ٩ ص ١١١.
١٩. ابوالاعلى المودودى رحمه الله صاحب كتاب الحجاب ص ٩٥ بنقل عن بيروت ص ٧٦-٧٧ من كتابه نحو انهيار اخلاقى ، نشر فى لندن سنة ١٩٢٥ .
٢٠. الدكتور مازن صلاح مطبقاتى صاحب كتاب الزواج مثنى وثلاث ورباع ، ، ازمكتبه شامله.
٢١. الشيخ سابق، فقه السنة جلد ٢ ص ٧٦-٧٧
٢٢. النهضة النسائية فى مصرصفحه ٥٧-٥٨
٢٣. اسلام وأئین زندگى ازشيخ محمدشلتوت صفحه ٢٨٣
٢٤. الاسلام دين الفطرة والحريه صفحه ٨٣
٢٥. ايران در زمان ساسانيان، ص ٣٤٦.
٢٦. انسان در تكاپوى تمدن، ص ٤٨٨.
٢٧. ابن قدامه المغنى جلد ٦ ص ٤٤٧
٢٨. المرأة فى القرآن والسنة صفحه ١٢١
٢٩. الاحوال الشخصية ابوزهره ص ١٣-١٦
٣٠. الاسرة والمرأة صفحه ٥٩
٣١. المرأة فى عصرالديموقراطية ص ١١٢
٣٢. الاسلام عقيدة والشريعة ص ٢٠٤
٣٣. المجتمع الاسلامى صفحه ١٧١-١٨٥

۳۴. امرأتنا فی الشریعة والمجتمع ص ۶۱
۳۵. الکبسی احکام الاحوال الشخصية جلد اول ص ۹۸
۳۶. الاسلام والمرأة فی رأى الامام محمد عبده ص ۱۲۴
۳۷. آئین اسلام، ص ۵۸.
۳۸. به مقاله چند همسرى در اسلام، ضرورت ها، آسیب ها و پیچیدگی ها نویسنده آذردخت داوری.
۳۹. بدایع الصنائع فی ترتیب الشرايع، علاؤالدین الکاسانى رحمه الله الناشر دارالکتب العربی، سنة النشر ۱۹۸۲، مکان النشر بیروت ج ۲ ص ۳۳۲. به مقاله راجع به مسئله تعدد زوجات از دیدگاه اسلام، المیزان ج ۴ علامه طباطبائی رحمه الله مراجعه شود.
۴۰. بجماعة انصار السنة المحمدية فرع مديرية التحرير - لجنة الدعوة / دار ام القرى.
۴۱. به نقل از مجله زن روز، شماره ۱۲۵، مقاله شهید مطهری.
۴۲. بزرگ مندان اندیشه و تاریخ جلد اول ص ۸۴
۴۳. به مقاله چند همسرى در اسلام، ضرورت ها، آسیب ها و پیچیده گی ها نویسنده آذردخت داوری.
۴۴. تفسیر نور، داکتر مصطفی خرم دل، چاپ هفتم ۱۳۸۸ ناشر: نشر احسان.
۴۵. تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۱۲۱؛ المیزان، ج ۹، ص ۱۶۸.
۴۶. تفسیر ابن کثیر جلد اول ص ۴۵۰ چاپ مکتبه تجاریه کبری به مصر
۴۷. تفسیر جامع البیان مؤلف محمد بن ابی جعفر محمد بن جریر طبری چاپ مطبعه کبری امیریه بیولا ق مصر سال ۱۳۲۴ جلد سوم ص ۱۵۷
۴۸. تفسیر آیات الاحکام من القرآن الکریم بقلم محمد علی صابونی جلد اول صفحه ۳۰۴-۳۰۶ مطبعه مکتبه نشر القرآن والحديث.
۴۹. تفسیر نمونه جلد ۳ صفحه ۲۵۶-۲۶۱
۵۰. تفسیر روح المعانی جلد ۴ ص ۱۹۴
۵۱. تفسیر قرطبی جلد ۵ ص ۴۰۷

٥٢. تفسير روح البيان جلد ٢ ص ٢٩٧
٥٣. تفسير المنار جلد ٥ ص ٤٤٩
٥٤. تفسير مدارك التنزيل صفحه ٢١٢ جلد اول جز ٢ چاپ كمپنى تاج محل.
٥٥. تعدد الزوجات من النواحي الدينية والاجتماعية والقانونية ، دكتور عبدالناصر توفيق العطار السنة الرابعة سال چاپ ١٣٩٢ هـ - مارچ سال ١٩٧٢ م.
٥٦. تعدد الزوجات فى الاسلام ، وحكمة تعدد الزوجات النبى صلى الله عليه وسلم عبدالله ناصح علوان ناشر دارالاسلام.
٥٧. تعدد الزوجات فى الاسلام ، دوكتور محمد بن مسفر بن حسين الطويل ، ناشر : ارادة الدعوة والاعلان.
٥٨. تاريخ تمدن اسلام و عرب، ص ٥٠٩.
٥٩. تاريخ تمدن، ج ١، ص ٦٧؛ مجله زن روز، شماره ١٢٢، مقاله مطهرى.
٦٠. تاريخ تمدن اسلام و عرب، ص ٥٠٧؛ الميزان، ج ٤، ص ١٩٥.
٦١. تاريخ حبيب السير، ج ١، ص ٥٥.
٦٢. تاريخ تمدن اسلام و غرب، ج ٤، ص ٥٠٩
٦٣. توضيح المسائل فقه حنفى جلد دوم ٩١-٩٨ ناشر شيخ الاسلام احمد جام
٦٤. تعديل قانون احوال الشخصية العراقية شماره ٨٨ سال ١٩٥٩ صفحه ٢٨-٢٩
٦٥. تحرير المرأة صفحه ١٤٠
٦٦. جمال محمد فقه رسول، زن درانديشه اسلامى صفحه ٢٨٥
٦٧. حقايق الاسلام ، العقاد، ص ١٧٧ .
٦٨. حقوق زن در اسلام و جهان، ص ٧٥.
٦٩. حقوق زنان در اسلام و جهان ص ١٨٠؛
٧٠. دراسات فى تعدد الزوجات صفحه ١٥٨
٧١. دراسات فى قضية تعدد الزوجات ص ١٦٩-١٧٠

۷۲. ردشبهات و اباطیل حول تعدد زوجات الرسول صلی الله علیه وسلم محمد علی صابونی رحمه الله سال طبع ۱۴۰۰ هـ، ۱۹۸۰ م

۷۳. ردالمحتار

۷۴. روح القوانین، ترجمه علی اکبر مهتدی، ص ۲۳۵

۷۵. روح القوانین، ترجمه علی اکبر مهتدی، ص ۴۳۰.

۷۶. روزنامه اطلاعات، مورخ ۴۳/۷/۲۹.

۷۷. روزنامه اطلاعات، مورخ ۱۳۳۵/۱۱/۱۰؛ به نقل از: المیزان، ج ۴، ص ۳۱۴.

۷۸. روزنامه اطلاعات، مورخ ۴۴/۶/۱۳.

۷۹. زن از نظر حقوق اسلامی، ص ۱۹.

۸۰. سنن کبری جلد ۷ صفحه ۱۸۴

۸۱. سنن الدارالقطنی جلد ۳ ص ۲۶۹

۸۲. سبل السلام جلد ۳ ص ۱۷۲

۸۳. شرح نووی بر مسلم جلد ۱۸ ص ۱۵۴

۸۴. شرح نووی بر مسلم جلد اول ص ۷۰-۷۱

۸۵. علی احمد جرجاوی حکمت و فلسفه شریعت صفحه ۲۵۴

۸۶. عمدة القاری شرح البخاری ج ۱۸ ص ۱۶۳

۸۷. فتاوی شیخ محمد عبده منتشره مجله المنار جلد اول ۲۸ مارچ ۱۹۲۷

۸۸. فی ظلال القرآن سید قطب رحمه الله مصدر الکتاب موقع التفاسیر

<http://www.altafsir.com>. وهمچنان تفسیر فی ظلال القرآن چاپ نشر احسان، سال ۱۳۸۷ تهران

چاپ خانه اسوه.

۸۹. فرهنگ عمید

۹۰. قرضاوی دکتور یوسف حلال و حرام

۹۱. قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان تاریخ نشر ۱۳۵۵/۱۰/۱۵ جلد او

۹۲. قانون منع خشونت علیه زن. تاریخ نشر ۱۰/اسد۱۳۸۸
۹۳. قانون شماره ۱۹۲۹ مصری واحوال شخصیه ابوزهره صفحه ۳۲۷
۹۴. قوانین کشورهای اسلامی چون: عربستان سعودی، کویت، یمن، سودان، لیبیا، الجزایر، اردن، لبنان وقوانین کشورهای غیراسلامی چون: فرانسه، یوگوسلاویا و ایتالیا
۹۵. گوستاولوبون، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ص ۵۰۹.
۹۶. مثنوی معنوی.
۹۷. مسند امام احمد رحمه الله جلد ۱۶ ص ۱۹۹
۹۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۱، ج ۱۹ ص ۳۱۶.
۹۹. محمد ابوزهره رحمه الله تنظیم الاسلام للمجتمع القاهرة ۱۳۸۵ هـ ص ۷۷-۷۹.
۱۰۰. محمد علی البار رحمه الله، عمل المرأة فی المیزان ص ۱۳۱
۱۰۱. محمد هادی فخرالمحققین، دانشنامه شیخ الاسلامی، دفتر سوم، ص ۲۸۸ و دائرة المعارف قرن بیستم، ماده «رهب».
۱۰۲. مجموعه باغ زندگی (همسران) صفحه ۱۴۵-۱۴۷ مؤلف محمدعظیم حسین بر، سال چاپ ۱۳۹۲
۱۰۳. موقف العقل والعلم والعالم جلد اول ص ۲۹۴
۱۰۴. مجله منبرالاسلام صفحه ۷۹-۸۴
۱۰۵. مجله المنار جلد ۱ ص ۲۲۵
۱۰۶. مجلة الاحوال الشخصية التونسية فصل ۸ جلد اول ص ۹۷
۱۰۷. نظام حقوق زن در اسلام - شهید مرتضی مطهری رحمه الله ۱۳۷۴ نشر صدرا.
۱۰۸. نظام حقوق زن در اسلام، ص ۷۶.
۱۰۹. ندای جنس لطیف ص ۱۵
۱۱۰. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۳، ص ۴۴۳.

فهرست مطالب

۱.....	اهداء.....
۲.....	سپاس گزاری.....
۳.....	خلاصه تحقیق:.....
۱۲.....	مقدمه.....
۱۵.....	اهمیت و ضرورت تحقیق، اهداف تحقیق پیشینه تحقیق.....
۱۶.....	انتخاب موضوع، سوالات تحقیق و فرضیه های تحقیق.....
۱۸.....	روش تحقیق، خطه بحث.....
۲۰.....	فصل اول، نگاهی تاریخی به تعددزوجات:.....
۲۰.....	تعددزوجات نزد چینیائی ها:.....
۲۰.....	تعددزوجات نزد فرعونیان مصر:.....
۲۱.....	تعددزوجات نزد بابلیان، آشوریان و هندوها:.....
۲۱.....	تعددزوجات در دین یهود:.....
۲۱.....	تعددزوجات در دین مسیحیت:.....
۲۴.....	تعدد زوجات در میان عرب های پیش از اسلام:.....
۲۴.....	تعددزوجات در عهد پیامبران و رسل.....
۲۵.....	موقف اسلام در برابر تعددزوجات:.....
۲۶.....	فصل دوم، تعددزوجات در اسلام:.....
۲۶.....	مبحث اول: موقف اسلام در برابر تعددزوجات.....
۲۶.....	مطلب اول: نصوص قرآن کریم، راجع به تعددزوجات.....
۲۸.....	مطلب دوم: احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم راجع به تعددزوجات:.....
۳۰.....	مطلب سوم: سلف امت و تعددزوجات:.....
۳۹.....	مبحث دوم: حکمت و فلسفه تعددزوجات:.....

- مطلب اول تعدد زوجات در میان ملت ها..... ۴۲
- ریشه های تاریخی تعدد زوجات..... ۴۶
- اعترافات دانشمندان درباره چند همسری..... ۴۸
- عوامل اجتماعی تعدد زوجات..... ۴۹
- تظاهرات زنان بی شوهر..... ۵۲
- چند شوهری و شکست آن..... ۵۴
- مطلب اول : مصالح فردی تعدد زوجات:..... ۵۸
- عقیم بودن زوجه اولی:..... ۵۸
- وجودمرض مزمن درزوجه اولی:..... ۵۸
- وجوداختلاف بین زوجین:..... ۵۹
- کثرت سفر:..... ۵۹
- بالارفتن سن زن:..... ۶۰
- قوت عریزه جنسی مرد:..... ۶۰
- حفظ عزت و آبروی زن:..... ۶۱
- احوال عمومی مردان:..... ۶۱
- برگشت زن مطلقه به شوهرسابق:..... ۶۱
- ترحم و دلسوزی:..... ۶۲
- مطلب دوم: مصالح اجتماعی تعددزوجات:..... ۶۲
- افزایش تعدادزنان نسبت به مردان:..... ۶۲
- افزایش تعداد زنان بیوه و طلاق شده:..... ۶۴
- عوامل جغرافیایوی اثرگذاردر مشروعیت تعددزوجات..... ۶۴
- عوامل قبیلوی اثرگذار در مشروعیت تعدد زوجات:..... ۶۵
- معالجه مشکلات بشری توسط تعددزوجات:..... ۶۵

- ۶۷..... مبحث سوم: شرایط تعدد زوجات در اسلام:
- ۶۷..... مطلب اول محدودیت ها.
- ۶۷..... (الف) محدودیت تعدد زوجات:
- ۶۸..... (ب) داشتن توانایی پرداخت نفقه:
- ۷۰..... (ج) رعایت عدالت بین همسران:
- ۷۲..... عدالت در تهیه و تدارک نفقه و مسکن:
- ۷۴..... عدالت در رفتار و معاشرت:
- ۷۴..... عدالت در شب گذاری (بیتوته):
- ۷۵..... عدالت در حقوق زناشویی:
- ۷۵..... عدالت در رابطه قلبی:
- ۷۷..... مطلب دوم: شرایط غیر شرعی تعدد زوجات:
- ۷۰..... فصل سوم: شبهاتی وارده پیرامون تعدد زوجات:
- ۷۹..... مبحث اول: شبهاتی وارده پیرامون تعدد زوجات و پاسخ به آنها.
- ۷۹..... مطلب اول: راجع به اشکال:
- ۸۴..... مطلب دوم: شبهاتی پیرامون تعدد زوجات پیامبر صلی الله علیه وسلم و پاسخ به آنها.
- ۸۶..... مطلب سوم: فلسفه و حکمت تعدد زوجات پیامبر صلی الله علیه وسلم:
- ۸۶..... حکمت اول: رعایت حقوق و توازن اجتماعی:
- ۸۷..... دوم: حکمت تعلیمی:
- ۸۹..... سوم: حکمت تشریحی:
- ۹۰..... چهارم: حکمت اجتماعی:
- ۹۱..... پنجم: حکمت سیاسی:
- ۹۳..... حکمت ازدواج با حضرت سودة بنت زمعة رضی الله عنها:
- حکمت در نکاح بی بی عایشه صدیقه رضی الله عنها:

- ۹۴..... حکمت در نکاح بی بی حفصه رضی الله عنها:
- ۹۴..... حکمت نکاح ام حبیبه بنت ابی سفیان رضی الله عنهما:
- ۹۵..... حکمت نکاح جویریہ رض(بره) کنیز:
- ۹۵..... حکمت نکاح صفیة بنت حی بن اخطب رضی الله عنها:
- ۹۵..... حکمت نکاح ام سلمه رضی الله عنها:
- ۹۶..... حکمت نکاح زینب بنت جحش رضی الله عنها:
- ۹۶..... خلاصه فلسفه تعددازواج مطهرات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم:
- ۹۸..... مطلب چهارم : مشکلات تعددزوجات واسباب آن:
- ۹۹..... از نظر روحی:
- ۹۹..... از نظر تربیتی:
- ۹۹..... از نظر اخلاقی:
- ۱۰۱..... مطلب پنجم اضرارنه پذیرفتن نظام تعدد زوجات:
- ۱۰۳..... فصل چهارم: تعدد زوجات در قوانین وضعی بشر:
- ۱۰۳..... مبحث اول : تعدد زوجات در قوانین کشورهای اسلامی :
- ۱۰۳..... مطلب اول : تعدد زوجات در قوانین وضعی در کشورهای اسلامی:
- ۱۰۳..... دیدگاه اول:
- ۱۰۴..... دیدگاه دوم:
- ۱۰۴..... دیدگاه سوم:
- ۱۰۵..... مطلب دوم : تعدد زوجات در قوانین وضعی افغانستان:
- ۱۰۵..... بررسی مواد قانون مدنی:
- ۱۰۷..... مبحث دوم: تعدد زوجات در قوانین وضعی کشورهای غیر اسلامی:
- ۱۰۷..... مطلب اول: تعدد زوجات در اروپا:
- ۱۰۸..... تعدد غربی ها نه اخلاقی است ونه انسانی:

- مطلب دوم : تعدد درقوانین افریقایی ها:.....۱۰۹
- فصل پنجم: آراء ونظریات فقهاء ودانشمندان اسلام در مورد تعدد زوجات:.....۱۱۰
- مبحث اول:آراء ونظریات فقهاء ودانشمندان قدیم:.....۱۱۰
- مطلب اول شروط و قیود تعدد زوجات:.....۱۱۰
۱. اسباب عام:.....۱۱۱
۲. اسباب خاص:تعدد زوجات زیاد است منجمله:.....۱۱۲
- الف : عقیم بودن زن ویابیمار بودن وی ویعدم توافق طبیعت آن باطبیعت شوهرش:.....۱۱۲
- ب: حدود وشروط تعدد زوجات قرارذیل است:.....۱۱۳
- نظر امام غزالی(رحمه الله) در مورد تعدد زوجات :.....۱۱۶
- نظر معتزله در مورد تعدد زوجات :.....۱۱۷
- مطلب دوم:حکمت رخصت تعدد زوجات تا مرز چهار زن:.....۱۱۹
- چند همسری میان ملت های قدیم واسلام:.....۱۱۹
- چند همسری در غرب امروزی:۱۲۰
- آیا چند همسری انسانی واخلاقی است ؟.....۱۲۲
- سوء استفاده از رخصت تعدد زوجات:.....۱۲۳
- مبحث دوم: آراء ونظریات فقهاء ودانشمندان جدید(معاصر):.....۱۲۴
- مطلب اول:تعدد زوجات تنها در حالت ضرورت:.....۱۲۴
- دلایل شیخ محمد عبده وهمفکرانش:.....۱۲۵
- خلاصه سخن شیخ محمد عبده چنین است :.....۱۲۸
- مطلب دوم : منع تعدد زوجات بطور مطلق:.....۱۲۹
- استدلال این گروه:.....۱۲۹
- خلاصه دیدگاه واستدلال گروه دوم :.....۱۳۲
- مطلب سوم : جواز تعدد زوجات به طور مقید:.....۱۳۲

- مطلب چهارم: دلایل گروه سوم:..... ۱۳۳
- بررسی و باز بینی آرای گروه اول (جواز تعدد تنها درحالت ضرورت):..... ۱۳۷
- نقد نظریه شیخ محمد عبده رحمه الله:..... ۱۴۰
- باز بینی دلایل گروه دوم (منع تعدد زوجات بطور مطلق):..... ۱۴۶
- ترجیح رای برتر:..... ۱۵۰
- خاتمه:..... ۱۵۱
- خلاصه مطالب ونتیجه..... ۱۵۳
- پیشنهادات:..... ۱۵۵
- فهرست آیات شریفه:..... ۱۵۷
- فهرست احادیث شریف وآثار جلیله:..... ۱۶۰
- فهرست اعلام..... ۱۶۳
- فهرست مصادر ومراجع:..... ۱۶۴
- فهرست مطالب:..... ۱۷۰

Summary and result:

From the contents of the previous pages, we conclude that the number of wives between nations and religions before Islam, existed irrelevantly and that Islam was not its originator, and we found that at any time, in the wisdom and the reasons that It was also mentioned that, in view of the fact that the number of women is higher than that of men, Islam has the right to observe women's rights in a number of conditions.

We conclude from the polygamy of the Prophet (s) of the Prophet (PBUH) that, the Prophet and the cause and the cause that the Prophet (PBUH) is very afraid that the slander of the enemies of Islam entails its great personality, and from the wisdom and philosophy explained in its polygamy we find polygamy caused by compassion and kindness of his dear to the oppressed community. Almighty Allah says (that Prophet Mohammad (PBUH) of course has come to you from your own selves. Any suffering and misery that comes to you will be hard and costly. And he loves you and he has guidance to you and he has a lot of grace) I was convinced that if the Prophet (PBUH) was a sensual man, he would have begun the polygamy at a young age, while he begun at the old age. The wise and fair-minded person would never observe the sensual regarding this matter. Of course, the women, which also reached the age of opacity, were all over the age of ٥٠, except for Ayesha, Sediqa, the Prophet (PBUH), and his family characters as well as all the programs and laws were according to Almighty Allah has guided him for the benefit of humanity in the world and the end of world.

How good does the poet say?

Islam does not any defect

All fault is depend to Muslims

Therefore, the principle and the text of this is not criticism and it is a critique of the performance of the Muslims

وصلى الله تعالى على خير خلقه محمد وآله واصحابه اجمعين



Islamic State of Afghanistan
Ministry of Higher Education
Department of Private Higher Education's
Institutes
Salam University
Faculty of Jurisprudence
Master's program of Department of
jurisprudence and law



The rule of polygamy, philosophy and wisdom in the light of the law and the law

Master Thesis

**(Guide Instructor: Prof.Dr.Mohammad Ismail Labib(Balkhi
Research By:Gulam Mahudine (Munsif)**

۲۰۱۸HQ and ۱۴۳۹HS in accordance with ۱۳۹۷Year



**Islamic State of Afghanistan
Ministry of Higher Education**



Department of Private Higher Education's Institutes

Salam University

Faculty of Jurisprudence

Master's program of Department of jurisprudence and law

**The rule of polygamy, philosophy and
wisdom in the light of the law and the law**

Master Thesis

Guide Instructor: Prof.Dr.Mohammad Ismail Labib(Balkhi)

Research By:Gulam Mahudine (Munsif)

Year 1397 HS in accordance with 1439 HQ and 2018 M